علویان و تشیع امامی

یکی از زمینه های شیعی که از روزگار دیرین در شام باقی مانده بود حضور علویان نصیری است. این گروه که انشعابی غالیانه از تشیع از قرن سوم به شمار می آیند بیشتر در نقاط دور دست به صورت مخفی زندگی را ادامه دادند اما هیچ گاه از میان نرفتند. انزوای آنان عقب ماندگی فرهنگی را هم برای ایشان در پی داشت. با این حال در آستانه تحولات جدید توانستند در صحنه سیاسی و نظامی سوریه جای پایی پیدا کنند. عدم تعریف هویت فرهنگی سبب شد آنان در جستجوی بیشتر برآیند. ارتباط آنان با تشیع در گذشته نشان می داد که اگر قرار است در جایی استوار قرار گیرند باید به دامن تشیع باز گردند. این حرکت که قبل پنجاه سال پیش آغاز شد، حامیانی در میان شیعیان یافت. از همان آغاز برخی از علمای شیعه در سوریه تلاش کردند تا نظر علما را در جذب علویان که شاخه ای انحرافی و غالی از تشیع به حساب می آمدند جلب کنند. این در حالی بود که مخالفان به شدت آنان را طرد می کرد. آیت الله شیرازی همان زمان کتابی با عنوان العلویون هم شیعة اهل البیت نوشت. از آن زمان حرکت علویان به سمت تشیع ادامه یافت گرچه چندان نیرومند نبود. آنچه در حال حاضر مورد توجه مخالفان قرار گرفته اظهار نگرانی صریح از گرایش علویان به شیعه امامی است در حالی که این حرکت به کندی ادامه دارد. البته طبیعی است که علویان که دوازده امامی غالی هستند، به تشیع امامی معتدل انتقال یابند. این یک تحول در داخل شیعه است.

وضعیت سیاسی علویان در دوره جدید تاریخ سوریا

در حال حاضر تلقی مخالفان دولت سوریه آنان است که علویان قدرت را در این کشور در دست دارند. این امر با توجه به این که حافظ اسد از خاندانی علوی است، اظهار می شود. اما با توجه به نگرش قوم گرایانه حزب بعث و زمینه های لائیسیسم جدی آن، اساسا این حزب را یک حزب مذهبی دانستن نادرست است. حزب یاد شده، به صورت رسمی از مذهب تسنن حمایت کرده و مفتی دولتی آن از اهل سنت است. با این حال این دولت، به گروه های مذهبی مختلف احترام گذاشته و اجازه نمی دهد تا در سیاست رسمی کشور، گروهی مانند علویان تکفیر شوند. این گرایشی است که اهل سنت افراطی دنبال آن است اما مفتی سنی معتدل سوریه به هیچ روی آن را نمی پذیرد. شیخ احمد بداالدین حسون مفتی این کشور ضمن رد گرایش خود به تشیع، چیزی که معمولا وهابی ها شایع کرده اند، خود را یک سنی دانسته و در عین حال، اعلام می کند که به هیچ روی علویان را کافر نمی داند. این در حالی است که هیئت علمای مسلمین سوریه و همین طور علی صدرالدین بیانونی رئیس اخوان المسلمین این کشور، نسبت به تبلیغات مذهبی شیعه در این کشور به دولت سوریه هشدار داده‌اند.

علویان سوریه

نصیریّه سوریه که به نام علویان نیز شناخته می شوند بر اساس اظهارات منابع تاریخی و ملل و نحل بخشی از جامعه شیعه بوده و روزگار پیدایش ایشان به به قرن سوم هجری و به زمان حیات امام حسن عسکری(ع) و یا دوران غیبت صغری باز می‌گردد. این فرقه با عمری حدود یک هزار سال و تا امروز در بخش وسیعی از

آسیای غربی به ویژه شمال غربی سوریه سکونت دارند. شرایط تاریخی ویژه، انزوای اجتماعی آنان در طول چندین قرن، شرایط جغرافیایی محل سکونت آنان همراه با گرایش آنان باطنی گرایی و پنهان کاری و همین طور اتهامات بی پایه اصحاب ملل و نحل به آنها، در گمنامی ایشان مؤثر بوده است.

اطلاق نام «علویان» بر نصیریه بسا در ردیف اتهاماتی چون رافضی و سبأئی و غیره بوده است. در عین حال، عنوان علوی انتساب به تفکری منتسب به آل علی یا حتی شیعیان طرفدار امام علی (ع) را نیز می‌تواند در خود داشته باشد.

به هر روی آنچه مسلم است این که علویان سوریه را در روزگار کهن تا به امروز، به نام نصیریه می‌شناسند. نامی که ریشه به قرن سوم هجری می برد. گفته می شود این جماعت در زمان اشغال سوریه توسط فرانسه در اوایل قرن بیستم نام خود را به علویان تغییر دادند.

عنوان «نصیریه» برگفته از نام مؤسس و پیشوای این فرقه یعنی محمد بن نصیر نمیری (م ح ۲۷۰) می باشد. وی از وکلای امام عسکری(ع) بود که دچار انحراف شد، اما پیروانی یافت که به نصیری شهرت یافتند. بر اساس منابع رجالی امامیه، محمد بن نصیر از اواخر دوران امام هادی (ع) منحرف شده و از سوی امام هادی و سپس امام عسکری (ع) طرد شد. این انحراف در دوره نواب، به ادعای بابیت رسید و از محمد بن عثمان نیز طرد شد. (الغیبه طوسی: ص ۸-۳۹۷، رجال العلامة الحلی: ۲۷۳).

منابع علوی وی را مؤسس مذهب نصیری و باب امام عسکری و امام زمان(ع) می دانند. ادعاهای بزرگتری هم در باره وی شده است. جانشین وی شخصی به نام محمد بن جندب (م ۲۸۷) دانسته شده که طریقتی صوفیانه با نام جنبلانیه پایه گذاری کرده و اصل او از فارس بوده است. همو فقه خاصی را نیز برای نصیریه فراهم آورده است. در این مرحله است که دانشمندی با نام حسین بن حمدان خصیبی جنبلانی وارد این فرقه شده و آثاری می نویسد که اساس مذهب نصیری را در دوره های بعد شکل می دهد. منابع امامی او را افراطی دانسته اند (نجاشی: ۶۷) آثار منسوب به وی بر پایه متون غالیان و با نگرش غالی و در عین حال انتساب آن مطالب به امامان معصوم (ع) نوشته شده است.

خصیبی در بغداد و شام فعالیت و رفت و آمد داشت و به شدت در پی نشر افکارش بود. گفته اند که وی در بغداد در محله شیعه نشین کرخ در جنوب غربی این شهر بوده است. انتقال نصیری گری از عراق به شام در این مقطع صورت گرفته و برخی احتمال حمایت از وی را توسط سیف الدوله حمدانی داده و حتی ادعا کرده‌اند که وی کتاب الهدایة الکبری خود را که مبنای این تفکر است به او تقدیم کرده است. این کتاب شامل روایاتی از امامان معصوم (ع) یا در باره آنهاست. یکی از منابع این کتاب آثار مفضل جعفی از اصحاب امام صادق است که چندین اثر غالیانه به وی منسوب است. از خصیبی یک دیوان شعر هم برجای مانده که به چاپ رسیده است. او به احتمال در سال ۳۳۴ در حلب درگذشت و همانجا مدفون شد. مزار او تحت عنوان «الشیخ یابراق تا امروز زیارتگاه علویان است. برخی سال درگذشت او را ۳۴۶ و جز آن دانسته‌اند.

جانشین خصیبی، سید محمد بن علی الجلی در حلب بود. گفته اند که آنان در بغداد نیز طرفدارانی داشتند که تا زمان حمله مغول به این شهر باقی بودند و در آن زمان (سال ۶۵۶) از میان رفتند. پس از او ابوسعید میمون

سرور بن قاسم طبرانی (م ۴۲۶) رهبری نصیری ها را در اختیار گرفت. از وی کتابی با نام مجموع الاعیاد برجای مانده که روایات منسوب به اهل بیت (ع) در باره اعیاد از نظر نصیری‌هاست. بحرانی شدن اوضاع حلب سبب شد تا وی به لاذقیه پناه برد. او در حواشی شهر به تبلیغ میان روستائیان و کشاورزان پرداخت و توانست با گردآوری میراث نصیریه و جذب افراد بنیاد جریان نصیری را در آن نواحی استوار سازد. او همین شهر به سال ۴۲۶ درگذشت و مزار وی در داخل مسجد الشعرانی، در شهر معروف است. شاید به دلیل گستردگی فعالیت های اوست که از این زمان نام مذهب نصیری را در منابع ملاحظه می کنیم. اما جالب است که پس از وی نصیری ها رهبری متمرکز نداشته‌اند.

این زمان چند جریان دیگر شیعی نیز در شامات حضور داشت. دولت فاطمیان یکی از مهم ترین آنها بود که بر منطقه وسیعی حکومت می کرد. اسماعیلیان نزاری در امتداد آنان قرار داشتند که در قلعه‌های معروفی از جمله مصیاف سکونت داشتند. دروزی ها یا موحدون نیز شاخه‌ای از اسماعیلیه بودند. گروه اخیر با نصیری‌ها درگیر بودند و ادعا شده است که ساکنان جبال لبنان به ویژه وادی التیم علویان بودند که دروزیان با مهاجرت به آن ناحیه، منطقه مزبور را از دست آنان خارج کردند. در این وقت علویان به جبال لاذقیه و اطراف آن منتقل شدند. آنچه مسلم است میان این دو گروه برخوردهای علمی و ردیه نویسی نیز بوده است. برای نمونه، حمزه بن علی بن احمد (م حدود۴۱۱) رهبر دروزیان کتابی با نام الرساله الدامغة فی الرد علی النصیری نوشته است. متقابلاً یک نصیری نیز کتابی با عنوان «الحقایق و کشف المحجوب» را نوشت و در آن دروزیان را به عنوان قائلان به الوهیّت الحاکم فاطمی تقبیح کرد.

در این سوی، رابطه مناسبی میان علویان و نزاریان نیز نبود و گاه نزاع‌هایی نیز میانشان بوده است. امیری از علویان که بر ضد اسماعیلیان نزاری نبرد کرد، تاکنون مزارش در روستای کفرسوسه مورد زیارت علویان است. در آغاز جنگ های صلیبی که علویان از آن به عنوان یکی از دو مصیبت بزرگ تاریخ خود سخن می کویند، این جماعت در سواحل در شهرهای طرسوس، اطراف انطاکیّه، لاذقیّه، جبله، بانیاس، طرطوس، طرابلس و صور پراکنده بودند.

در زمان شروع حملات صلیبی به شام، این سرزمین بین نیروهای متخاصم مانندامپراطوری فاطمی، قبایل و امرای بومی عرب و امرا و فرمانده هان ترک سلجوقی تقسیم شده بود. فاطمیان سرزمین های داخلی را از دست داده بودند امّا سواحل را در اختیار داشتند، در شمال دولتی تحت الحمایه سلجوقیان که در زمان ملکشاه امپراطوری وسیعی از کاشغر تا انطاکیّه تشکیل داده بود، وجود داشت. نهرالعاصی و سرزمین های اطراف آن در تصرّف شیوخ بنی منقذ بود و خاندان شیعی بنی عمار بر طرابلس و اطراف آن حکومت می کرد. (تحقیقی جدید در تاریخ، مذهب و جامعه ی دروزیان، بیگولوسکایا، ترجمه عنایت الله رضا، تهران:۱۳۷۲، ص ۲۰۴).

علویان به دلیل نداشتن سازماندهی دولتی، طی حملاتی که صلیبیان به آنان داشتند، گرفتار مشکل و پراکندگی و آوارگی بیشتر شدند. طبیعی بود که آنان برای حفظ خود، گاه مقاومت کرده و گاه به مذاکرات سیاسی روی می‌آوردند.

فاصله زمانی قرن ششم تا قرن هشتم هجری دوران محنت و نکبت برای علویان به طور خاص و برای شیعیان شام به طور عام است. در این دوران سرزمین شام یکی از پرتلاطم ترین دوره های تاریخی خود را پشت سرگذشت. طی این مدت دولت های سلجوقی، زنگی، ایّوبی و مملوکی به ترتیب بر شام سلطه یافتند. این دولت ها اولا رنگ نظامی‌گری داشتند و ثانیا به شدت ضد شیعه بودند. به همین دلیل حرکت رو به رشد شیعه که از پیش آغاز شده بود نه تنها متوقف شد بلکه به افول گرایید. حملات صلیبیان را باید بر آن افزود، چنان حملات مغول نیز آسیب های حاشیه زیادی به شامات زد.

برخی محققان عامل اصلی مهاجرت علویان از حلب به لاذقیّه را فشارهای شدید وحملات ترکان سلجوقی سنّی به آنان در این زمان می دانند. رفتارهای ضد شیعی صلاح الدین ایوبی نیز آسیب زیادی به تشیع در شام زد. علویان از جمله کسانی بودند که در این دوره آسیب دیدند به طوری که گفته شده است در دوره صلاح الدین و پس از فتوحات تقریباً هیچ سالی نبود که سرزمین علویان مورد حملات بی امان قرار نگیرد تا جایی که علویان هیچ آسایشی در جبال محل سکونت خود که به نام جبال نصیریه شهرت داشت، نداشتند.

سختگیری ممالیک کمتر از صلاح الدین نبود و آنان نیز پس از استقرار، به مناطق نصیریه حمله کرده و قلاع و حصون آنان را تخریب کرد و پس از تصرّف مناطق علویان آنان را وادار به ساخت مسجد و پذیرفتن مذهب تسنّن نمود. داستان سختگیری ممالیک بر شیعیان از هر فرقه در منطقه شامات، مملو از اسناد و مدارک است. کشتار وسیع علویان توسط ممالیک در سال های۷۰۴– ۷۰۵ که متکی به فتاوی برخی از مشایخ از جمله ابن تیمیه بود در منابع علویان، گزارش شده است. (العلویون بین الاسطوره و الحقیقه: ۸۲) علویان نیز به مقابله می پرداختند اما دولت مملوکی به شدت با آنان برخورد می کرد (البدایه والنهایه، بیروت: مکتبه المعارف، بی تا، ج۱۴، ص ۴–۸۳) منابع از سختگیری بر علویان طی وقایعی که مربوط به سالهای ۷۱۷ و ۷۴۵ است یاد کرده اند. ابن تیمیه از کسانی بود که با فتاوی خود در تکفیر شیعیان و علویان، راه را برای کشتار و آواره کردن آنان فراهم کرد. این فتاوی تا به امروز برجای مانده است.

زمانی که دولت عثمانی در آغاز دهه سوم قرن دهم به عهد سلطنت سلطان سلیم شامات را در سال ۹۲۳ تصرف کرد بار دیگر سخت گیری بر ضد علویان آغاز می شود. او فتوایی در اثبات کفر علویان گرفت و به مناطق آنان یورش می برد. (تاریخ العلوییین: غالب الطویل: ۳۹۴). دولت عثمانی، با تصرف مناطق آنان شماری از عشایر ترک را در آن منطقه اسکان می دهد، گرچه علویان به تدریج به آن مناطق بازگشتند و شماری از همین ترکان که اکنون به قراطله شهره‌اند، علوی‌اند (تاریخ العلوییین:۳۹۷ – ۳۹۹). علویان که این زمان در کوهستانها بودند، با امن شدن بخش شرقی دریای مدیترانه، به تدریج به سواحل آمده و در مناطقی میان انطاکیه تا طرسوس و لاذقیه سکونت گزیدند (همان: ۴۳۷).

در دوره اخیر عثمانی تحولات کوتاهی در حول و حوش زندگی علویان روی داد که بیشتر جنبه اتفاقی داشت. این تحولات مربوط به سالهای ۱۷۸۷، ۱۸۰۳، ۱۸۰۸، ۱۸۱۱، ۱۸۱۵ و سرانجام ۱۸۴۲ بود که مناطق علوی نشین از زیر سلطه مصر خارج شد. پس از آن نیز به رغم زندگی عادی آنان، دشواری های موقتی تا اواخر قرن نوزدهم برای علویان وجود داشت.

پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی خلافت عثمانی، فرانسوی ها سوریه را اشغال کرده و در سال ۱۹۱۸ در لاذقیّه نیز مستقر شدند. در سال ۱۹۲۰ بود که فرانسویان برای غلبه بر مقاومتها و به هدف تسلط کامل بر منطقه، سوریه را به چندین دولت کوچک و بزرگ تقسیم کردند که از آن جمله است دولت لبنان، دولت دمشق، دولت حلب، حکومت جبل الدورز و همینطور حکومت علویان در لاذقیّه بود که که همگی تحت قیومیّت فرانسه قرار داشت. این تجزیه با ادّعای حمایت از اقلیّت های مذهبی انجام شد.

حوزه حکومت علویان شامل استانهای لاذقیّه، طرطوس، جبلیه، سواحل شمالی مدیترانه، بخش‌هایی از طرابلس و مصیاف می شد، و در همین حال ساختار اداری این دولت نیز در ابعاد سیاسی، امنیّتی، مالی، اداری و قضایی و حتّی اوقاف طراحی و علویان و شیوخ قبایل در بخش‌های مختلف مستقر شدند.

فرانسوی‌ها که می دانستند منطقه علویان با توجه به بافت عشیره ای آن می‌تواند آبستن مقاومتهای جدی علیه اشغال بیگانه باشد سعی کردند با برقراری روابط نزدیک با شیوخ علوی و ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی برای آنان بر این مشکل غلبه کنند. به علاوه از برخی از علویان در رده‌های مختلف نیروهای نظامی استفاده کردند. علویان که ابتدا با این تغییرات همراهی داشتند، وقتی بی نتیجه بودن آنها را برای تحول وضعیت خود مشاهده کردند، و در ضمن نظاره‌گر فعالیت های تبشیری فرانسویان شدند، راه خویش را از آنان جدا کردند.

در همین شرایط بود که گروهها و جریانهایی شکل گرفتند که طرفدار اتحاد سوریه بودند. این گروه‌ها در نهایت حزب وحدت را در منطقه ی علویان تشکیل داده و با تبلیغات وسیع توانستند هواداران فراوانی را به دست آورند. وقتی اخبار تحرکات این گروه ها از علویان به ملّی گرایان دمشق رسید با استقبال فراوان از این حرکت حمایت قاطع خود را از آنان اعلام کردند. این دو گروه، در نهایت به توافقی دست یافتند که در مقابل الغاء حکومت علوی، علویان امتیازات در رده های مختلف حکومتی به دست آورده و آزادی‌های آنان تأمین شود. البته گروهی از علویان مایل به حفظ جدایی از سوریه بوده و با حزب وحدت گرا مخالفت می‌کردند امّا این گروه پشتوانه ضعیفی داشتند. در این وقت سازمان جوانان مسلمان علوی تأسیس شد. با تشکیل این سازمان مذاکرات جدّی در فرانسه بین نمایندگان سوریه و فرانسه برای کسب استقلال سوریه یکپارچه آغاز گردید که سرانجام در سال ۱۹۳۶ به استقلال سوریه یکپارچه منتهی شد.

هنوز دو سال نگذشته بود که عملکرد نادرست و ظالمانه برخی رده های حکومتی و مسئولان منطقه‌ای باعث اعتراضات شدید علویان شد، این اعتراضات به صورت مکتوب به مرکز و نیز فرانسوی ها که هنوز در لبنان استقرار داشتند، رسید و تهدید شد که اگر خواسته های آنان عملی نشود آن دست به مخالفت خواهند زد. در نهایت با مذاکراتی که صورت گرفت علویان در گرفتن مسؤولیت هایی محلی را در اختیار گرفته و نمایندگانی را در دولت و مجلس به دست آوردند. نیروهای امنیّتی و پلیس لاذقیّه نیز تحت نظارت فرانسوی ها قرار

گرفت. این به معنای نوعی خود مختاری نسبی برای علویان این شهر بود به ویژه که نیروی نظامی و انتظامی علوی منطقه مستقل از مرکز باقی ماند. فرانسوی ها برای آن که به صورت بالقوه استقلال سوریه را تهدید کنند، تلاش در مسلح نگاه داشتند این قبیل اقلیت ها داشتند؛ اما در نهایت اتحاد سوریه حفظ شده و فرانسه نتوانست از این سیاست خود طرفی ببندد. نکته مهم آن بود که نفوذ علویان در ارتش باقی ماند و در تحولات دوره بعد تأثیر خاص خود را گذاشت.

جمعیت و مناطق علویان

در حال حاضر جمعیت علویان سوریه، ۲۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل داده و پس از اهل سنت دومین گروه مذهبی این کشور به حساب می‌آیند. این رقم را تا ۹درصد نیز کاهش داده اند که بیشتر آماری است که مخالفان ابراز کرده‌اند.

جمعیت علویان بیش از همه در چهار استان تمرکز دارند: لاذقیه، طرطوس، حمص و حمات و برابر آن شهرها در سواحل. بیش از یک میلیون علوی نیز در سوریه و مناطق حومه آن زندگی می کنند که غالبا در طول پنجاه سال گذشته به این ناحیه مهاجرت کرده‌اند. این در حالی است که منابع سنی سوریه نسبت علویان را ۹ درصد و شیعیان امامی را ۱ درصد جمعیت سوریه دانسته و مدعی آن هستند که ۸۵ درصد مردم این کشور سنی هستند.

آمار دیگری که در این باره ارائه شده و آن هم غیر رسمی و از منبع مخالفان شیعه است، است به این شرح است:

جمعیت سوریه در سال ۲۰۰۶: ۱۹ میلیون نفر

% ۸,۵ درصد مسیحی (یک میلیون ششصد و پنجاه هزار نفر)

%	۱۱علویین	(	۲,۰۹۰,۰۰۰	)	
%	۴	شیعة(	۷۶۰,۰۰۰	)	
%	۱,۷	دروز	(	۳۲۳,۰۰۰	)
%	۰,۲	یزیدیة	(	۳۸,۰۰۰	)

% ۷۴,۶: اهل سنت (۱۴,۱۷۴,۰۰۰)

ص: ۶

عشائر علویان

علویان شامل چند عشیره مهم هستند که در شهرها و مناطق کوهستانی علوی نشین سکونت دارند. این عشائر عبارتند از:

خیاطیین: اینان از حوالی سال ۴۰۰ به این سوی شناخته شده اند و طوایف آنان عبارت است از:

بیت الخیاط (صافیتا، بانیاس، لاذقیه)

فقاوره (حومة جبله،بانیاس، صافیتا)

عبدیه	(حومة جبله،بانیاس، صافیتا)
صرامطه	(جبله (جبال صرامطه)
عمامره	(حفه و مصیاف)

حدادین: از قرن پنجم خبر حضور آنان را در جبال لاذقیه داریم و بر اساس منابع علوی به آنان عشائر سنجاری هم گفته می شود. اینها عبارتند از:

بنی علی	(محدوده جبله)
مهالبه	(جبال نصیریه)
بشالوه	(جبله و بانیاس)
رکاونه	(حفه)
عتاریه	(مصیاف)
بیت الحداد	(اطراف طرسوس، صافیتا، بانیاس)
شماسنه	(اطراف صافیتا)

متاوره اینان عشائر سنجاری هستند که در حوالی سال ۶۰۰ با امیر حسن بن مکزون به این نواحی آمدند و عبارتند از:

متاوره	(سراسر سواحل و جبال منطقه)
جواهره	= = = = = = = = = = = =
صوارمه	= = = = = = = = = = = =
نمیلاتیه	= = = = = = = = = = = =
دراوسه	= = = = = = = = = = = =
بشارغه	= = = = = = = = = = = =
عراجنه	= = = = = = = = = = = =
محارزه	= = = = = = = = = = = =

ص: ۷

کلبیه: اینان نیز از عشائر سنجاریه هستند و نخستین بار در عین کلاب و در زمین های جب رمله: بخش مصیاف فرود آمدند. آنان عبارتند از:

کلبیه	جبله، حفه، لاذقیه
رشاونه	مصیاف، جبله، بانیاس، تلکلخ
جلقیه	= = = = = = = = = = = =

جرود	= = = = = = = = = = = =
قراحله	جبله، بانیاس، مصیاف،حفه
رسالته	صافیتا، طرطوس
بیت محمد	حفه
نواصره	صافیتا، طرطوس، جبله، مصیاف، حفه، لاذقیه

توضیحات: دو گروه حیدریون و غساسنه نیز که برخی از همان عشائر پیشگفته بودند، در منطقه لاذقیه زندگی می‌کنند.

نقص ها:
مناطق آنان در یک نقشه روشن شود.
عقاید آنان
محله خراب

بسط تشیع در شامات در قرن چهارم هجری

هر اندازه نگرش عثمانی در سایه حکومت امویان در شام گسترده بود، با افتادن آنان و بعدها در قرن چهارم با بسط تشیع در جهان اسلام و تشکیل دولت فاطمی در مصر و شامات و قدرت آل بویه در ایران و عراق، تشیع در شام گسترده گردید. ذهبی در ذیل رویدادهای سال ۳۵۷ می نویسد:در این سال روافضل روز عاشورا سوگواری کردند و روز غدیر را عید گرفتند و در اظهار شادی افراط کردند (تاریخ الاسلام: ۲۶ | ص ۳۹). وی در دو صفحه بعد از آن هم می نویسد: دولت رافضه در اقالیم مغرب و مصر و عراق برپا گشت. همو ذیل حوادث سال ۳۷۲ می نویسد: در این سال در بغداد و مصر، همه جا را رفض و اعتزال گرفته بود. در همان مجلد ص ۲۵۵ می نویسد: در حجاز و مصر و شام خطبه به نام طانع عباسی قطع گردید و رفض همه جا و در عراق استوار بود و اهل سنت جز در خراسان واصفهان همه جا در خمودی بودند. و نیز ادامه می دهد: و فی هذه السنین و بعدها کان الرفض یغلی و یفور بمصر و الشام، و المغرب، و المشرق لا سیما العبیدیة الباطنیة.

با ادامه دولت فاطمی در قرن چهارم و پنجم، تشیع در سراسر شام بسط یافت. اسماعیلیان بخشی از جریان تشیع در شام بودند که حتی پس ازسقوط ودولت فاطمی، شاخه نزاریان در قلعه های استواری باقی ماندند. در این باره، در جای دیگری توضیح داده ایم. به جز آنان امامیه در حلب و اطراف آن و برخی از روستاهای دیگر بودند. در دمشق نیز تشیع نفوذی چشمگیر یافته بود. این امر به خصوص در زمان حمدانیان بود که شاعران امامی در نقاط مختلف حضور داشتند. . ذهبی در باره اواخر قرن چهارم نیز می نویسد: و جری علی الشّام أمر مهول من ظهور الرّفض، در شام ظهور رفض شکل دهشتناکی به خود گرفت (تاریخ الاسلام: ۳۶|۱۲۴)

فشارهای بعدی دولت ایوبی، ممالیک و سپس عثمانی شیعیان را از مناطق شهری بیرون راند. شماری از آنان به قلعه ها پناهنده شده، برخی در مناطق کوهستانی رفتند و شماری نیز در نقاط غیر قابل دسترس دیگر سکونت گزیدند. علویان بخشی از جریان های شیعی ناسالم هستند که از آن روزگار باقی ماندند اما به دلیل دور شدن از مراکز فرهنگی شیعه، عقایدشان رنگ انزوا به خود گرفت.

محله سیده زینب پایگاه تشیع در سوریه

مهم ترین مرکز استقرار و فعالیت علمی – حوزوی شیعه در دمشق منطقه ای است که به عنوان سیده زینب یا زینبیه شناخته می شود. این نام برگرفته از مزار حضرت زینب سلام الله علیها است که بر اساس یکی از سه قول، قبر ایشان در این ناحیه می باشد. ابن عساکر (م ۵۶۱) از روستای راویه یاد کرده که مسجدی بر سر قبر ام کلثوم که از اهل بیت بوده ساخته شده است. او انکار می کند که او دختر پیامبر یا دختر امام علی باشد اما تأیید می کند یکی از اهل بیت بوده که نام و نسبتش حفظ نشده است. وی می افزاید که آن را مسجد را یکی از اهالی حلب ساخته است. (تاریخ دمشق: ۲/ ۳۱۰). این که یک حلبی آن مسجد را ساخته با توجه به شیعه بودن مردم حلب جالب توجه است. وقتی ابن جبیر (م ۶۱۴) به شام رفته است این مزار وجود داشته به نام ام کلثوم بنت علی (ع)شهرت داسته است. او حتی می افزاید که صاحب مزار را زینب صغری می شناسند و می افزاید که به زیارت آن نائل گشته است. (رحله ابن جبیر: ۲۲۸). یاقوت حموی (م ۶۲۴) اندکی پس از ابن

جبیر در ذیل «راویه» با اشاره به این که روستایی در نزدیکی شام است می افزاید که در آنجا قبر ام کلثوم است. این مطلب در الاعلاق الخطیره (ص ۱۸۲) از ابن شداد (م ۶۸۴) و سپس کامل بهائی عماد الدین طبری (ص ۳۰۲) نیز آمده است. ابن بطوطه (م ۷۷۰) هم می نویسد: در یک فرسنگی دمشق، مشهد ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب است که گفته می شود نامش زینب است. آنجا مسجد بزرگی هست و خانه ای در اطرافش که اوقافی هم دارد و اهالی دمشق آن را قبر الست ام کلثوم می گویند (رحله ابن بطوطه: ۱۷۷).

توجه سادات شام به آن در دوره های بعد ادامه یافت و گفته شده است که نقیب الاشراف شام سید حسین موسوی تمامی اراضی و باغات خود را وقف مزار یاد شده کرده و عمارت آن را در سال ۷۶۸ بازسازی کرد (مرقد العقیله زینب (س): ۱۴۵ – ۱۵۰). این باید همان اوقافی باشد که ابن بطوطه از آن یاد کرده است. بدری هم در قرن نهم از این مزار یاد کرده است (نزهةالانام فی محاسن الشام: ۲۲۱ – ۲۲۴) اینها کهن‌ترین عبارات تاریخی است که به این مرقد اشاره دارد.

آنچه اکنون مورد توجه ماست این است که شهرک زینبیه یا سیده زینب از حدود ده سال پیش از انقلاب اسلامی به تدریج به محلی برای شماری از مهاجرین شیعه عراقی تبدیل شد. اما نکته مهم آن بود که مانند دیگر حرم های اهل بیت، به تدریج یک حوزه علمیه در کنار آن تأسیس شد. یکی از بنیانگزاران این حوزه، آیت الله شهید سید حسن شیرازی بود که نخستین گام ها را برای تشکیل حوزه علمیه در زینبیه برداشت. وی پس از یک دوره مبارزه علیه دولت بعثی عراق به لبنان و سوریه رفته، مدرسه ای در لبنان تأسیس و سپس حوزه علمیه زینبیه را در محله سیده زینب در سال ۱۹۷۵ بنیاد گذاشت. این آغاز تبدیل این منطقه عقب افتاده به مرکزی فرهنگی و علمی برای شیعه بود. بدین ترتیب وی که در سال ۱۹۸۰م توسط عوامل بعثی در لبنان به شهادت رسید، سهم عمده ای در نشر تشیع در این منطقه داشت. به تدریج با بالا گرفتن خشونت های ضد شیعی در عراق، مهاجرین عراقی بیشتری در زینبه ساکن شده و حوزه علمیه تقویت گردید. بیشتر طلابی که در این حوزه مشغول به تحصیل شدند، افزون بر خود سوریه، از عراق، افغانستان، لبنان و شبه قاره بودند. پس از انقلاب اسلامی همزمان با تقویت روابط ایران و سوریه چند روحانی برجسته که برخی از آنها حتی از پیش از انقلاب در آنجا بودند، به سامان دهی امور مذهبی این ناحیه پرداخته و علاوه بر ایجاد چندین حوزه علمیه تلاشهایی را بریا آبادی بیشتر مرقد حضرت زینب (س) و همچنین اقامه نماز جمعه و ساختن مراکز بهداشتی آغاز کردند. از آن جمله می توان به آیت الله سید احمد فهری (م تیرماه ۱۳۸۵) و آیت الله واحدی اشاره کرد. آیت الله فهری سالها به اقامه نماز جمعه در حرم حضرت زینب می پرداخت.

گفتنی است که در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار آیت الله گلپایگانی دفتری در این منطقه دایر کردند. پس از آن دفاتر دیگر مراجع از جمله آیت الله سیستانی و آیت الله خامنه ای و شماری دیگر تأسیس شد. به علاوه دهها مرکز علمی و پژوهشی و انتشاراتی هم به راه افتاد. در حال حاضر بیش از ۱۲۰۰ طلبه علوم دینی از نژادهای مختلف در آنجا به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند. مدارس علمیه موجود در زینبیه عبارتند از: حوزه علمیه زینبیه، حوزه امام خمینی، حوزه اهل البیت علیهم السلام، حوزه امام علی علیه السلام، حوزه امام قائم علیه السلام، حوزه الامام المرتضی علیه السلام.

تشیع در دمشق: در جامعه سوری، شیعیان در درون جامعه همراه با طوایف دیگر زندگی کرده و تمایزی ندارند. به همین دلیل به جز چند مورد کمتر دیده شده است که محله ای مختص آنان باشد. با این حال شمار زیادی از شیعیان در محله سیده زینب بوده و مهاجران عراقی غالب سکنه آن را تشکیل می دهند که به تفصیل در باره آن سخن گفتیم. اما به جز آن یکی از محلات اختصاصی شیعیان در شهر دمشق، محله ای در نزدیکی مرقد حضرت رقیه به نام محله خراب بوده که به احتمال زیاد تعبیر خرابه شام که در دوره قاجاری رواج یافت، از آن گرفته شده است. ایرانیانی که در دوره قاجاری برای رفتن به حج به دمشق می رفتند، به طور معمول از این محله یاد کرده و در آنجا خانه اجاره می کردند تا در یک محله شیعه نشین باشند.

حی الخراب سابق را اکنون به مناسبت اقام مرحوم آیت الله سید محسن امین نویسنده اعیان الشیعه به نام حی الامین می شناسند و خیابان را نیز شارع الامین نامیدند. در این محله مسجد امام علی بن ابی طالب، مسجد فاطمة الزهراءو مدرسه محسنیه قرار درد. در این منطقه جمعیة المحسنیه نیز فعالیت دارد.

مهم ترین شخصیت های شیعه امروز سوریه که بومی خود منطقه دمشق هستند یکی آیت الله سید حسین مکی است که عالم درجه اول دمشق به شمار می آید. دیگری علامه سید عبدالله نظام که به عنوان مفتی شیعه شناخته می شود. همین طور شیخ نبیل حلباوی نیز امام جماعت مقام سیده رقیه است.

افزون بر حی الامین، حی محسنیه، و حی الامام الصادق، دو محله دیگر حی زین العابدین و حی صالحیه شیعیان زیادی را در خود جای داده است. همین طور شیعیانی نیز در منطقه باب طوما زندگی می کنند.

حلب: یکی از پایگاه های تاریخی شیعه در شام، در شهر حلب قرار داشته که اکنون نشان اندکی از آن برجای مانده است. در حال حاضر بیشتر شیعیان در اطراف مسجد النقطه و مشهد رأس الحسین هستند. یک جمعیت شیعی با عنوان جمعیه الاعمار و الاحسان الاسلامیة الجعفریه از سال ۱۳۷۹ ق فعالیت خود را در آنجا آغاز کرده و علاوه بر تجدید بنای اماکن شیعی آن ناحیه به حمایت از فقرای شیعه و برخی از کارهای فرهنگی و آموزشی پرداخته است. دو روستای «نبّل» و «الزهراء» کاملا شیعه نشین هستند و خانواده های شیعی مانند زم، شربو، بلوی، شحاذه، ابرص و تقی در آنها زندگی می کنند. قریه خان عسل نیز اخیرا به تشیع گرویده اند که از آن جمله خاندان بادنجکی و بوداقچی و جز آنهاست.

مرج عذراء: یکی از مناطق شیعه نشین در اطراف دمشق منطقه مرج عذرا جایی است که معاویه، حجر بن عدی و شماری از یاران نزدیک او را به شهادت رساند. این منطقه از دیر باز مورد علاقه زائران شیعه بوده و مسجدی هم به نام مسجد فخم در آنجا اختصاص به شیعیان دارد.

قریه تل: یکی از قریه های شیعه نشین است که بسیاری از ساکنان آن به تازگی به شیعه گرویده و به شدت متأثر از فرهنگ حزب الله در لبنان و حامی آن هستند.

رقّه: مزار عمار یاسر و اویس قرنی در رقه قرار دارد. علاوه بر آنان شمار زیادی از شهدای نبرد صفین در آن حوالی مدفون هستند. در حال حاضر دو قبر عمار و اویس مزار دارند و در سالهای اخیر بنایی برای آنها همراه با مسجد ساخته شده است. این امر زمینه ای برای گردآمدن شماری از شیعیان در آن نواحی شده و علاوه بر

آن مراسم شیعی در اعیاد اسلامی و عاشورا در آنجا برگزار می شود. در حال حاضر صدها شیعه در آن ناحیه سکونت دارند. قبیله البوسرایا در این ناحیه سکونت داشته و بر مذهب تشیع هستند. شماری از فرهیختگان این قبیله در رقه به فعالیت های فرهنگی و تبلیغی و اجتماعی مشغول هستند.

شیعیان ادلب: در اطراف ادلب روستای فوعه یکی از روستاهای شیه نشین است. همین طور روستای بزرگ دیگری که به نام معرة مصرین شناخته می شود. طایفه رحال مهم ترین طایفه شیعی این ناحیه به شمار می آید. همچنین در منطقه جسر الشغور نیز روستای زرزور مردمانی شیعه مذهب دارد.

شهر حمص: شیعیان حمص بیشتر در محله بیاضه زندگی کرده و ارادت آنان به تشیع تا به حدی است خیابانی را در آنجا به نام شارع ایران می شناسند. آنان در این محله یک مسجد دارند.

روستای حمیدیه که فاصله نزدیکی با حمص دارد مردمانش بر مذهب تشیع هستند.

در منطقه ساحل نیز شیعیان عراقی سکونت دارند.

دیر زور: در این منطقه نیز برخی از روستاها و قبایل عربی بر مذهب تشیع هستند. قریه حطله در نزدیکی دیر زور است و ساکنان آن از قبیله بکاره هستند که شاخه ای از البوبدران به حساب می آیند و خود را از نسل امام باقر علیه السلام می دانند. در این قبیله تشیع بسیار نفوذ دارد.

حطله: در این منطقه نیز به تازگی مذهب شیعه رسوخی یافته و شماری از چهره های فرهیخته این ناحیه مدافع مذهب اهل بیت شده اند که ریشه عمیقی در گذشته تاریخی این نواحی داشته است.

حسکه: در این منطقه به ویژه در جبسه شدادی که از توابع حسکه است، شیعیانی حضور داشته و مسجد و حسینیه ای هم دارند که نماز جمعه هم برگزار می کنند. در این منطقه روحانی و شماری از نویسندگان و فرهیختگانی هستند که کار هدایت جامعه شیعه را بر عهده دارند.

قامشلی: تشیع در قامشلی بیشتر در قبیله شمر است که یکی از بزرگترین قبایل در عراق و نواحی شمالی سوریه به شمار می آید. بسیاری از رؤسای قبایل این نواحی علاقه بند به تشیع هستند.

درعا: تشیع در منطقه اذرعات در میان مردم بومی حضور داشته و شیعیان مسجدی در خیابان کورنیش المطار در بخش غربی این شهر دارند. این مسجد در سال ۱۴۲۱ ق به اتمام رسیده است. شیعیان بومی این منطقه در میان خاندان هایی چون صیدلی، عیثرونی، امیر مجیر، و غنیَه است که زمانی در تقیه بسر می برده اما اکنون آشکارا فعالیت دارند. روستای قرفا و بصری نیز شیعیانی دارد.

همچنین در برخی از مناطق دیگر سوریه نیز تشیع در میان مردم بومی جایگاهی دارد که از آن جمله می توان به منبج، حطله، خزنویه اشاره کرد.

شمار شیعیان سوریه

در باره شمار دقیق شیعیان در سوریه آماری رسمی وجود ندارد اما بر اساس برخی از گزارشهایی که در سال ۲۰۰۶ انتشار یافته مجموعه علویان، اسماعیلیان و شیعیان امامی، ۱۳درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می

دهند. به این معنا که دومیلیون و دویست هزار نفر از جمعیت هیجده میلیونی سوریه متعلق به این سه گروه است. همچنین بر اساس برخی از تخمین های دیگر دو درصد از جمعیت سوریه شیعه امامی هستند. این رقم در چهار سال گذشته رو به افزایش داشته است، به خصوص خود مهاجرین شیعه عراقی که در گذشته نیز به سوریه می آمدند، در این دوره، شمارشان بسیار فزونی یافته است. برخی آنان را بالغ بر یک میلیون و دویست هزار نفر می دانند.

تبلیغات علیه شیعه در سوریه

در دو سال گذشته شماری از متعصبان از سعودی و پیروان آن در سوریه، تلاش کرده اند تا نشان دهند تشیع به طور عمد در حال گسترش در سوریه است. آنان با استناد به دعاوی بی اساسی و صرفا به جهت تحریک اهل سنت بر ضد شیعه، دست به انتشار مقالات و حتی کتابهایی در این زمینه زده‌اند. بخشی از آنها انگیزه های سیاسی برای مبارزه با دولت سوریه دارد و به اختلافات میان کشورهایی چون سعودی و سوریه بر سر مسائل لبنان و حزب الله باز می گردد. به همین دلیل در منابع تبلیغی این گروه های افراطی از بشار اسد به عنوان یک «صفوی» یاد می شود. در واقع این محبوبیت حزب الله در سوریه است که گهگاه چنین تصور می شود که گویی تشیع در آن جا رواج یافته است در حالی که حزب الله میان شیعه و سنی سوریه محبوبیت دارد. واقعیت آن است که طی سالهای گذشته تنها شماری از علویان به مذهب امامی گرویده اند که حداکثر آمار آنان به هفتاد هزار نفر می رسد. اما از میان اهل سنت، رقمی کمتر از ۲۰۰۰ نفر شیعه امامی شده اند که اساسا تکیه روی آن بی مورد است. از میان اسماعیلیه نیز بیش از یک هزار خانواده به مذهب امامی گرویده‌اند. بدین ترتیب غالب آنچه در این باره گفته می شود مربوط به تغییر عقیده گروه هایی است که از فرقه های شیعه اما غیر امامی بوده و به مذهب امامی پیوسته اند.

شیعیان امامی در سوریه در حال حاضر، رقمی میان ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر را شامل می شوند. شماری از این شیعیان تحت رهبری سید حسین مکی هستند که مهم ترین رهبری بومی شیعیان در دمشق است.

تمایل علویان به تشیع امامی

یکی از زمینه های شیعی که از روزگار دیرین در شام باقی مانده بود حضور علویان نصیری است. این گروه که انشعابی غالیانه از تشیع از قرن سوم به شمار می آیند بیشتر در نقاط دور دست به صورت مخفی زندگی را ادامه دادند اما هیچ گاه از میان نرفتند. انزوای آنان عقب ماندگی فرهنگی را هم برای ایشان در پی داشت. با این حال در آستانه تحولات جدید توانستند در صحنه سیاسی و نظامی سوریه جای پایی پیدا کنند. عدم تعریف هویت فرهنگی سبب شد آنان در جستجوی بیشتر برآیند. ارتباط آنان با تشیع در گذشته نشان می داد که اگر قرار است در جایی استوار قرار گیرند باید به دامن تشیع باز گردند. این حرکت که قبل پنجاه سال پیش آغاز شد، حامیانی در میان شیعیان یافت. از همان آغاز برخی از علمای شیعه در سوریه تلاش کردند تا نظر علما را در جذب علویان که شاخه ای انحرافی و غالی از تشیع به حساب می آمدند جلب کنند. این در حالی بود که

جامعه سنی به شدت آنان را طرد می کرد. آیت الله شیرازی همان زمان کتابی با عنوان العلویون هم شیعة اهل البیت نوشت. از آن زمان حرکت علویان به سمت تشیع ادامه یافت گرچه چندان نیرومند نبود. آنچه در حال حاضر مورد توجه مخالفان قرار گرفته اظهار نگرانی صریح از گرایش علویان به شیعه امامی است در حالی که این حرکت به کندی ادامه دارد. البته طبیعی است که علویان که دوازده امامی غالی هستند، به تشیع امامی معتدل انتقال یابند. این یک تحول در داخل شیعه است.

وضعیت سیاسی علویان در دوره جدید تاریخ سوریا

در حال حاضر تلقی مخالفان دولت سوریه آنان است که علویان قدرت را در این کشور در دست دارند. این امر با توجه به این که حافظ اسد از خاندانی علوی است، اظهار می شود. اما با توجه به نگرش قوم گرایانه حزب بعث و زمینه های لائیسیسم جدی آن، اساسا این حزب را یک حزب مذهبی دانستن نادرست است. حزب یاد شده، به صورت رسمی از مذهب تسنن حمایت کرده و مفتی دولتی آن از اهل سنت است. با این حال این دولت، به گروه های مذهبی مختلف احترام گذاشته و اجازه نمی دهد تا در سیاست رسمی کشور، گروهی مانند علویان تکفیر شوند. این گرایشی است که اهل سنت افراطی دنبال آن است اما مفتی سنی معتدل سوریه به هیچ روی آن را نمی پذیرد. شیخ احمد بداالدین حسون مفتی این کشور ضمن رد گرایش خود به تشیع، چیزی که معمولا وهابی ها شایع کرده اند، خود را یک سنی دانسته و در عین حال، اعلام می کند که به هیچ روی علویان را کافر نمی داند. این در حالی است که هیئت علمای مسلمین سوریه و همین طور علی صدرالدین بیانونی رئیس اخوان المسلمین این کشور، نسبت به تبلیغات مذهبی شیعه در این کشور به دولت سوریه هشدار داده‌اند.

نشاط الشيعة فى سوريا

مراكز النشاط الشيعى فى دمشق :

- مسجد السيدة زينب فى ضاحية دمشق الجنوبية ، المبنى على قبر يزعمون أنه لزينب بنت على ، وهو أكبر مركز شيعى فى سورية تكثر حوله الحوزات والحسينيات بحيث تُعتبر حوزة السيدة زينب عندهم هذه الأيام ثالث أكبر حوزة فى العالم بعد النجف وقم.
- مسجد رقية فى حى العمارة – منطقة السادات – بدمشق
- وفى شارع الأمين جانب شارع مدحت باشا لديهم مكتب نشط مختص فى الدعوة للتشيع وهو عبارة عن شقة فيها مكتبة وكمبيوتر وتُعقد فيها محاضرات وندوات والقائم عليها هناك أحد دعاتهم النشطين المدعو أبو فراس.
- أما خارج المدينة فمن انجازات الشيعة بناء مسجد فخم فى عذرا قرب دمشق على وثن ينسب لحجر بن عدى، وقد تسلّموا تلك الأرض من أوقاف دمشق ويالللأسف.
- ولوحظ ازدياد نشاط الشيعة فى قرية التل بعد تشيع بعضهم فى لبنان ولهذا يقومون بالدعاية لحزب الله عن طريق توزيع أقراص ما يُسمّى بالمقاومة على المخدوعين كوسيلة لجذبهم إلى صفوف الشيعة.
- مجمل شيوخ الشام الصوفيين مؤيدة لطروحات الشيعة فى تهوين الخلاف معهم ومساعدتهم على نشر التشيع لا سيما الآراء الشاذة لبعض مُدرِّسى كلية الشريعة بجامعة دمشق .

بعض أوجُه نشاط الشيعة فى دمشق

١- إقامة المعارض التى تتضمن كتباً إسلامية ككتب اللغة مثل كتب ابن هشام بأسعار رخيصة(طبعات شعبية) مع وضع كتب الشيعة ضمنها وأحياناً يضعون معها بعض كتب المنسوبين لأهل السنة التى فيها تأييد بعض دعاويهم ضد الصحابة مثل كتب أبو ريّة وأضرابه. وهذه المعارض تُقام إما فى المركز الثقافى الإيرانى فى ساحة المرجة(الملحقية الثقافية) أو فى المزة(السفارة) أو المكتبة المركزية للجامعة.

٢- الندوات التى تُقام بين الحين والآخر تارةً فى مكتبة الأسد وتارةً فى المراكز الثقافية أو فى السيدة زينب والتى كان آخرها فى مكتبة الأسد ولوحظ فيها مشاركة واسعة لأساتذة كلية الشريعة ومحاباة واضحة ونفاق وتمييع الخلاف بين السنة والشيعة.

٣- المهرجانات الخطابية التى تتم فى أعيادهم كذكرى عاشوراء ويتركّز نشاطهم فى هذه المواسم إما فى الست زينب أو فى حى الأمين.

٤- شراء وإحياء مشاهد موهومة ونسبتها لآل البيت كما حصل فى حى العمارة وكما حصل فى عذرا وفى داريا.

٥- تسهيل وتشجيع الدراسة فى حوزات السيدة زينب حيث تكون مجّاناً مع راتب شهرى للطالب دون اشتراطات.

٦- تشجيع المتشيع الجديد بكل الوسائل والمغريات بدءاً من المد المالى وتسهيل عمله وانتهاءاً بتزويجه أو تمتيعه وعلى الجملة فالدعم مادى ومعنوى.
٧- توزيع بعض البرامج(السيديات) التى تحتوى كتب الشيعة بأسعار زهيدة أو رمزية وأحياناً مجاناً مثل سيدية السلسلة الإسلامية-المكتبة الإسلامية الشاملة، بالإضافة إلى توزيع الكتب والمجلّات والجرائد التى تطعن فى الصحابة مثل جريدة جيهان باللغة العربية.

"نشاط الشيعة فى حلب"

- المركز الأساسى للشيعة فى حلب هو مسجد النقطة أو المشهد يزعمون أن فيه أثراً لبعض أئمتهم ويحج إليه الشيعة من إيران وغيرها بكثرة ، وفيه توزع الكتب والمنشورات الشيعية وتقدم الوجبات الدسمة من الطعام .
- فى سنة ١٣٧٩هـ شكلت جمعية باسم جمعية الإعمار والإحسان الإسلامية الجعفرية هدفها إعادة البناء وإضافة بعض المشاريع الخيرية !! وبدعم من المرجعية الدينية للشيعة تم إنجاز المشاريع التالية: ١-بناء معهد الإمام الحسين للدراسات الإسلامية٠ ٢- بناء صحن آخر المشهد وبناء ميتم ومشغل٠ ٣-موقف للسيارات القادمة لزيارة المشهد مع الخدمات٠ ٤- بناء مستوصف ومشفى خيرى"انتهى من اللوحة المذكورة٠
- هناك قريتان من نواحى حلب شيعيتان بالكامل والتشيع فيهما قديم هما نُبُّل والزهراء. ولأهلهما نشاط واضح ، وأهم العائلات الغنية الناشطة فى نبل: عائلة زم، وعائلة شربو، وعائلة بلوى"نسأل الله العافية" وشحاذة، والأبرص، والتقى "من التقية لا من التقوى".
- وثمة قرى فى طريقها إلى التشيع وفيها الآن دعاة منهم وهى قرية خان العسل وقرية كفر داعل والمنصورة. وعلى مستوى أقل قرية النيرب غير بعيد من حلب وأكبر العائلات فيها تأثرت بالتشيع إلى حد كبير مثل عائلة البادنجكى وهم فى الأصل صوفية وعندهم زاوية صوفية مشهورة، وعائلة البوادقجى، وغيرها.

وبلغنا منذ بضع سنوات أن الشيعة نشطوا فى منبج من أعمال حلب ووزعوا على بعض شيوخ العشائر هناك عمائم سوداء بحجة أنهم من آل البيت ومن حقهم أن يتميزوا بهذه العمائم حتى يعرف فضلهم.

"أهم الرجالات المتشيعين أو المتأثرين بالتشيع والداعين إليه فى حلب"

- محمود عكّام : وهو أخطرهم لأنه دكتور فى الشريعة ويدرِّس فى جامعة حلب فى كليتى الحقوق والتربية فيستقطب كثيراً من الطلاب والمثقفين ، وثانياً لأنه يخطب فى مسجد التوحيد وهو من أكبر المساجد وأشهرها وموقعه متميز ، وثالثاً لأن الناس لازالت مخدوعة به وتظنه من أهل السنة .

- أحمد حسون : – مفتى سوريا – وهو صوفى نقشبندى ، وقد أعلن مؤخراً موالاته للرافضة ومباركته لجهود حزب الله لتشييع الناس فى سورية فبعد أن أعلن على المنبر طعنه على عائشة رضى الله عنها ثم طعنه فى معاوية رضى الله عنه وتألّيه على الله بأنه سيحاسب معاوية ويعاقبه قائلاً: (سيكون لک موقف أمام الله يسألک عنه يا معاوية).

- محمد ديب رحّال : يسكن فى حلب وهو فى الأصل سنى من قرية معرة مصرين تشيّع ونشط .

- منظمة الهلال الأحمر : فى حلب يسيطر عليها الشيعة فيما زعموا ومشفى الهلال الأحمر هو مشفى إيرانى .

- القنصلية الإيرانية : بحلب لها نشاط واضح خبيث حيث تقوم بدعوة بعض طلاب المدينة الجامعية إلى مبناها القريب أصلاً وتتواصل معهم وتقدم لهم وجبات دسمة مما يغريهم على التقرب والتشيع .

"دعوة التشيع فى الرقة"

- للشيعة مركز كبير عند قبر يُزعم أنه لعمار بن ياسر وهذه الأرض فى الأصل كانت مقبرة للمسلمين تدعى مقبرة عمار بن ياسر أو مقبرة أويس القرنى قيل إن فى هذه المقبرة بعض قبور مَن قُتل فى معركة صفين قرب الرقة بين على ومعاوية وجندهما ولكن لا يوجد دليل على ما يقولون لاسيما أن هذه المقبرة هى على يسار الفرات فى الجزيرة فى حين دارت رحى صفين على الضفة اليمنى للفرات فى الشاميّة ولا يوجد داع لنقل القتلى إلى الجزيرة ولم يمكن هذا معهوداً لاسيما أن القتلى كثير.
- الشيعة استصدروا قراراً بنبش جميع قبور المسلمين فيها ونقلها إلى مكان آخر والإبقاء على قبرين فقط يُزعم أنهما لعمار وأويس وتسليم كل تلک الأرض للشيعة لبناء مركز لهم كبير مشابه لمركز زينب فى دمشق .
- فى المركز المذكور تقام الاحتفالات الكثيرة فى المناسبات المختلفة واستغلال هذه التجمعات التى يحضرها كثير من عوام المسلمين لتشييعهم بشتى الوسائل حتى صار عدد الشيعة يقدر بالمئات.

- أهم القبائل التى بدأ التشيع يدب فيها قبيلة (البوسرايا) قسم منهم يقطنون الرقة، وكثير منهم يسكنون الشميطية بين الرقة ودير الزور، وكان الذى شجّع الشيعة على دعوة أفراد هذه القبيلة ادعاؤها أنها من آل البيت فتزعم أن نسبها يعود إلى الحسين بن على .

أهم الرجالات الشيعية فى الرقة

- أبو على : هو المسؤول عن توزيع الكتب وتنسيق الدعوة فى مركز الشيعة فى المدينة، وقد طلع أخيراً فى مقابلة فى التلفزيون السورى كعلامة على التسهيلات التى تُبذل لنشر التشيع.
- عبد الرزاق حليب : متشيع داعية نشط تشيّع على يديه كثير من موظفى دائرة مالية الرقة بحكم عمله جابياً فى هذه الدائرة.
- عائلة الصليبى : أثرياء عندهم صيدلية وبعض المحلات التجارية وسط المدينة يتشيعون وهم فى الأصل سنة من قبيلة الحليبين التى تدّعى انتسابها لآل البيت ومن هنا دُخِل عليها.
- محمد أحمد الصالح : طبيب جراحة عامة من قبيلة البوسرايا متشيع.
- علاء الشوّاخ الشعيبى : دكتور فى الأدب العربى من قبيلة البوسرايا .
- عبد المجيد السراوى: من دعاتهم وخطبائهم ويهتم بتوزيع منشورات لحزب الله.
- حقى وهو قاض : لدى المحاكم فى الرقة.
- حمد الحمد : مدرس فلسفة من عشيرة البياطرة له آراء شاذة وأفكار ماركسية.

ومن أساليب الشيعة الحديثة القديمة دعوة شيوخ العشائر لزيارة إيران مجاناً كما حصل مؤخراً حيث قام طائفة من رؤساء العشائر فى سورية بزيارة إلى إيران بدعوة من سفيرها ومسئوولياها ذكروا أن بعضهم من الرقة . أما فى الطبقة فقد تجلّى نشاط الشيعة ببناء حسينية فيها بمساعى بعض المتشيعين والشروع ببناء مدرسة شرعية شيعية.

" دعوة التشيع فى إدلب"

- ثمة قرية كبيرة جداً فى إدلب متشيعة بالكامل والتشيع فيها قديم وهى الفوعة، وهناك قرية أخرى فيها تشيع كثير هى (معرة مصرين) فعائلة الرحّال وهم طائفة كبيرة فى القرية كلهم شيعة والعياذ بالله.

- وفى منطقة جسر الشغور توجد قرية تدعى (زرزور) أهلها متشيعون.

- الدعاة الشيعة ناشطون فى تلك النواحى وبعضهم يمنح قروضاً مالية للفقراء بحجة الأخوة الإسلامية ثم يعفيهم فى النهاية منها ويزيدهم ، وقد بلغنى أنهم يمنحون مَن يسمى ابنه حسناً أو حسيناً مبلغ ٢٥٠٠ ليرة.
- وبلغنا أن الشيعة يقومون بتوزيع الرز والسكر فى تلك النواحى من إدلب حتى ذُكر أن قرية منها تشيع أهلها بالرز والسكر.

من دعاتهم الحاج حسن السيد من زرزور مؤلف كتاب (محب وموال لمحمد والآل) وشاعرهم فى الفوعة المسمى شاعر أهل البيت إبراهيم محمد جواد .

"دعو ة التشيع فى حمص والساحل"

- يكثر الشيعة فى حمص فى حى البيّاضة ، وفيها شارع يسمى شارع إيران ولهم فى هذا الحى مسجد كبير وعليه علم أسود.
- وقرية الحَمِيْدية غير بعيد من حمص أهلها شيعة.
- أما فى الساحل فإن الشيعة الإيرانيين والعراقيين ينشطون بتحويل أهل الساحل إلى عقيدة الإمامية وهذا سهل جداً كما لا يخـفى وهم من أيام الخمينى يسعون لذلك والسيارات المحملة بالكتب تصل تباعاً إلى تلك النواحى.
- وأبرز ما ظهر للشيعة من نشاط فى الساحل استدراجهم لمدير أوقاف طرطوس المدعو الدكتورمحمد السيد إلى القول بعقائدهم وطروحاتهم وقد تجلّى ذلك فى تَصَدُّره غلاف العدد ٢٥ من مجلة المنبر المختصة بالمتحولين إلى الشيعة .

"نشاط الشيعة فى دير الزور"

- أهم القبائل والقرى المتشيعة: قرية حطلة قرب مدينة دير الزور سكانها من قبيلة البَكّارة فخذ البوبدران التى تدعى أن نسبها يعود إلى محمد الباقر من آل البيت مما سهل مهمة الشيعة عندهم حتى كثر التشيع فى هذه القبيلة فى القرية المذكورة وغيرها بحيث تُقدَر نسبة المتشيعين فى حطلة بحوالى ثلث السكان .

"متشيعون من حطلة "

- حسين الرجا : مؤلف كتاب (دفاع من وحى الشريعة ضمن دائرة السنة والشيعة .
- الحاج ياسين المعيوف: داعية للتشيع وقد ألّف كتاب (يا ليت قومى يعلمون).

- الحاج موسى الملا عيد – على الموسى الملا عيد مثقف جامعى – على الجاسم –حسن الهبالى – خضر الجاسم – محمد الجاسم – أبو على خلف الحاضر – محمود السعيد – عيسى الهلال .
- عمر العلى بن حمادى : أول من تشيّع من أهل حطلة فكان جسراً سمح بالعبور لمذهب الشيعة إلى المنطقة الشرقية من سورية وبخاصة قرية حطلة والتى تعتبر مركزاً للتشيع.

"دعوة التشيع فى الحسكة"

- أبرز ما ظهر للشيعة من نشاط فى عاصمة الجزيرة السورية (الحسكة) هو بناء مسجد يسمونه حسينية فى ناحية الجبسة الشدّادى من أعمال الحسكة حيث آبار النفط ومساكن العاملين فى تلك الحقول النفطية. وهؤلاء العاملون غالبهم غرباء عن المنطقة فلعل المسجد بنى بمساعى المتشيعين منهم لدى السفارة الإيرانية مع أن الشائع أن بانيه شيعى كويتى.
- الأذان فى هذا المسجد فيه أشهد أن علياً ولى الله. ويوم الجمعة يتوافد المتشيعون من الحسكة إلى هذا المسجد لحضور خطبة الجمعة وقد رتبوا لهذا الغرض باصات تنقل الراغبين مجاناً والخطيب يدعى (أبو النور) يستقدمونه من مركز الشيعة فى حلب.
- أبرز دعاة الشيعة فى الحسكة المدعو أبو فراس الجبورى (مصطفى خميس) يلبس عمامة سوداء وله نشاط واضح .
- ومن الدعاة المتشيعين محمود نواف الخليف وكذا الدكتور حسن الأحمد المشهدانى ولعلّ من أبرز دعاتهم المدعو عبد المحسن العبدالله السراوى مؤلف مجموعة كتب .

"دعوة الشيعة فى القامشلى"

أحد أكبر المرشحين للتشيع فى الجزيرة (القامشلى) المدعو حميدى الدهام الجربا شيخ قبيلة شمّر فى سورية وقد قام هذا أخيراً بزيارة إيران على رأس وفد من رؤساء عشائر الجزيرة كالأكراد وغيرهم (منهم جدعان الغنّام من زعماء طىء فى القامشلى وعبد الكريم الغيدة من الأكراد وعواد العمالة زعيم عشيرة الوهب فى البويهج قرب الباب وفيصل العُريف زعيم خفاجة فى مسكنة) والتقى هناك بالمسؤولين والعلماء الشيعة وعادوا مبهورين مضبوعين مملوءة جيوبهم وبعدها صار الجربا هذا يرسل يديه فى الصلاة على عادة الشيعة ولا يضعها على صدره وصار ينال من الصحابى الجليل الحافظ أبى هريرة رضى الله عنه وينبزه بأبى البسس (القطط) ، بل صار يهمّ ببناء حسينية لولا اعتراض الغيورين من قبيلة شمّر.

"نشاط الشيعة فى درعا"

- تجلى نشاط الشيعة فى أذرعات ببناء مسجد للقوم فى شارع كورنيش المطار الحى الغربى فى نفس البلدة وقد كان إنجاز هذا المسجد وتدشينه سريعاً (سنة١٤٢١هـ) بشكل لافت للنظر وميّزوه بأضواء خضر ليخالف ما عداه.
- والأذان فيه حيّ على خير العمل مع ترديد لا إله إلا الله مرتين فى نهايته.
- وإمام المسجد شيعى عراقى وكذلك الخطيب.
- وأشهر العائلات المتشيعة هناك عائلة الصيدلى وعائلة العيثرونى وعائلة أم مجير والأولى غنّية وفيهم متعلمون أطباء ومهندسون وهذه العائلات كانت فيما سلف تستعمل التَقِيَّة فى تعاملها مع المسلمين ثمّ أظهرت التشيع فجأة لاسيما بعد بناء مسجدهم فى المدينة.
- داعية الشيعة فى درعا هو المدعو الغزالى من قرية قرفا. وثمة دعاة آخرون كأبى جعفر العراقى وغيره. وبصرى من أعمال درعا يوجد فيها تشيع . كما لوحظ لحزب الله اللبنانى نشاط فى هذه المناطق.

"الاساليب التى يستخدمها الروافض فى نشر عقيدتهم فى سوريا"

- الدندنة حول حب آل البيت وذكر مزاياهم دون أى ذكر للصحابة فى البداية ، ثم ذكر الخلافات والحروب التى حصلت أيام الصحابة مع افتراء الكذب عليهم .
- الاتصال برؤساء العشائر والعائلات الكبيرة ، والقبائل التى تدّعى أن لها نسباً إلى آل البيت، والتواصل معهم ، والتقرب إليهم ، ومساعدتهم بما يحتاجون .
- النشاط الملحوظ فى بيئات التصوف واستغلال مناسبات الصوفية كالموالد لدعوة المسلمين إلى حضور الاحتفالات فى مراكزهم حيث يبثون سمومهم مستعينين ببعض المنحرفين والوصوليين من المشايخ الصوفية لإلقاء المحاضرات والخطب وتأييد دعاوى الشيعة .
- الكرم بسخاء حيث تنتهى الاحتفالات بتقديم وجبات دسمة لتشجيع المنهومين على العودة وإشاعة أن الشيعة كرماء أسخياء مع الاحتفاء البالغ بكبار الضيوف .
- التركيز على أئمة المساجد ، وشيوخ ورؤساء العشائر ، لأن اقتناع شيخ العشيرة بأفكارهم يقتضى تشيع العشيرة بالكامل .
- دعوة رؤساء العشائر فى سورية للقيام بزيارات إلى إيران واللقاء مع كبار المسؤولين والعلماء الشيعة

- فتح مكتبات يسمونها "حوانيت" ومنها يعيرون الكتب ويوزعونها مجاناً ويخصّصوا جوائز ورواتب لمن يقرأ كتاباً أو أكثر من كتبهم وتزداد الهبة بازدياد القراءة .
- وفكرة هذه الحوانيت جاءت بعد أن شعروا أن توزيع الكتب من الملحقية الثقافية الإيرانية ومن المراكز فى المدن لم يعد يكفى ولا يتناسب مع نفوذ الشيعة وطموحاتهم فى سورية ٠
- تقديم التسهيلات للراغبين فى الدراسة فى الجامعات الإيرانية بمختلف الاختصاصات وإغراؤهم على ذلك ٠
- بناء الحسينيات فى القرى والمدن وهى التى يقيمون فيها حفلات النياحة فى مناسباتهم كعاشوراء وغيرها وفيها تتم الدعاية لهذا البلاء صباح مساء .

,نيسان ٠٥, ٢٠٠٧

الشيعة فى سوريا

الشيعة فى سوريا
<!-- begin content -->

يمثل الشيعة الإمامية أقلية ضئيلة فى سورية، ولكنها ممتزجة فى المجتمع، ومتداخلة ديمغرافياً مع المجموعات الأخرى.ومع أن الحقوق الدينية للطائفة الشيعية محترمة، فإنهم جزء من المجتمع السورى الأوسع، المغيَّب عن المشاركة السياسية .

ترجع جذور التّشيع فى "بلاد الشام) "وهى التسمية التاريخية للإقليم الذى يشمل حالياً سورية ولبنان وفلسطين والأردن (إلى القرن الأول الهجرى. إلا أنه أخذ فى الانتشار فى القرن الرابع الهجرى، مع سيطرة الدولة الحمدانية (الشيعية) على حلب، واستمر خلال عهد الدولة الفاطمية) الإسماعيلية)، التى حكمت مصر، ومدت سيطرتها إلى بلاد الشام خلال القرن الخامس الهجرى.
بيد أن التّشيع أخذ ينحسر منذ تلك الحقبة، بسبب محاربته من قبل الدولة الأيوبية، والدولة العثمانية لاحقاً، إلى أن أصبح الشيعة الإمامية فى سورية اليوم يمثلون أقلية صغيرة.
ورغم أن العلويين يعدون فرقة متفرعة من الشيعة، والذين يعرفون أيضاً بالنصيريين، نسبة إلى مؤسس الطائفة أبوشعيب محمد بن نصير، الذى عاش فى القرن الثالث الهجرى، فإنهم يتمايزون عن الشيعة الإمامية، ولا ينطبق عليهم وصف" الشيعة."
ويبدو أن قلة عدد الطائفة الشيعية فى سورية، أسهم فى ألا يمثلوا عصبية متميزة، مثل دول أخرى فى المنطقة . هذا فضلاً عن عامل آخر لا يقل أهمية، وهو أن النظام، الذى يوصف بـ "الأتوقراطى"، لا يتسامح إزاء إدماج الدين فى السياسة (وتجربة الإخوان المسلمين فى سورية أوضح دليل على ذلك)، مثلما حصل مع الإخوان المسلمين، ولذا فإن الشيعة كطائفة نأت بنفسها عن السياسة، وظلت فى إطار التدين المحافظ، الذى يرضى عنه النظام.
وفى الواقع، فإن الحقوق الدينية للشيعة الإمامية محترمة، ورغم الأيديولوجية العلمانية للنظام، إلا أنه حريص على ضمان ولاء المؤسسات الدينية المتعددة له،
ليس من السهل الاستناد إلى إحصائيات دقيقة عن أعداد المجموعات الدينية فى سورية، بسبب حساسية السلطة تجاه مثل هذه البيانات، إلا أن تقرير "الحرية الدينية فى العالم" لعام ٢٠٠٦، الذى يصدر عن وزارة الخارجية الأمريكية، يذكر أن العلويين والإسماعيليين والشيعة يشكلون ما نسبته ١٣ فى المائة من عدد سكان سورية، أى قرابة ٢,٢ مليون من إجمالى عدد السكان، الذى يبلغ ١٨ مليون نسمة.

أما التقرير الصادر عن مركز ابن خلدون للدراسات الإنمائية بالقاهرة عام ٢٠٠٥، بعنوان "الملل والنحل والأعراق"، فيشير إلى أن الشيعة يمثلون (١) فى المائة من عدد السكان، فى حين يشكل العلويون من ٨ إلى ٩ فى المائة. بينما تشير المصادر الشيعية على شبكة الإنترنت إلى أن شيعة سورية يمثلون نحو ٢ فى المائة من إجمالى السكان.

وبالإضافة إلى الشيعة المواطنين العرب، تعيش على الأراضى السورية جالية إيرانية (شيعية) تتركز فى دمشق. كما يوجد عدد كبير من الشيعة العراقيين الذين أخذوا بالتوافد إلى البلد منذ السبعينيات والثمانينيات من القرن الماضى، هرباً من بطش النظام العراقى السابق. وقد زاد عدد هؤلاء بعد غزو العراق عام ٢٠٠٣، نتيجة لانعدام الاستقرار والأمن والتناحر الطائفى فى بلدهم .

وتشير الأرقام الرسمية إلى وجود ١,٢ مليون لاجئ عراقى (من جميع الطوائف والإثنيات) فى الأراضى السورية. بينما تشير تقديرات مفوضية الأمم المتحدة للاجئين أن عدد العراقيين يبلغ حوالى ٨٠٠ ألف عراقى. ويتركز الشيعة العراقيون فى منطقة السيدة زينب، التى تقع جنوبى العاصمة السورية دمشق.

ويقطن شيعة سورية بعض أحياء العاصمة دمشق، وبعض قرى وبلدات حمص وحلب. ومن أبرز الأحياء الدمشقية التى يتركز فيها الشيعة "حى الأمين" (وسمى بهذا الاسم نسبة إلى العلامة السيد محسن الأمين الحسينى العاملى، المتوفى عام ١٣٧١ هـ والمدفون فى جوار الحضرة الزينبية، لمكانته العلمية المرموقة). ويوجد فى هذا الحى مسجد الإمام على بن أبى طالب، ومسجد الزهراء، والمدرسة المحسنية العريقة.

ويوجد فى سورية أحد مزارات الشيعة الرئيسية، وهو مرقد السيدة زينب، الذى يزوره الكثير من شيعة الخليج والعراق وإيران، وحوله الكثير من الحسينيات والحوزات العلمية. أما مقام السيدة رقية بنت الإمام الحسين، الذى يقع بالقرب من الجامع الأموى، فهو ثانى مزار بعد السيدة زينب أهمية. ومن المزارات الشيعية الأخرى، مقاما السيدتين سكينة وأم كلثوم ابنتى الحسين.

وهذه المزارات تمول تمويلاً ذاتياً، وتتبع لوزارة الأوقاف، كما أن مساجد الشيعة وأئمتهم يتبعون للوزارة أيضاً.والشيعة فى سورية لا يتبعون مرجع تقليد واحداً، فهم يتوزعون بين تقليد آية الله العظمى على السيستانى فى النجف، وآية الله العظمى على خامنئى المرشد الأعلى فى إيران، والمرجع السيد محمد حسين فضل الله فى لبنان بصورة عامة، لا يوجد تمييز مجتمعى ضد الشيعة، فهم مندمجون فى المجتمع، وبينهم وبين الطوائف المسلمة الأخرى مصاهرة وتزاوج.ومعظم الشيعة فى سورية هم من أصول عربية، ومن العائلات الشيعية المعروفة نظام ومرتضى وبيضون والرومانى.

وهناك أفراد من عائلات شيعية تقلدوا مناصب عليا فى الدولة، مثل وزير الإعلام السابق مهدى دخل الله. كما أن صائب نحاس، رجل الأعمال السورى البارز، هو من عائلة شيعية. وفيما يتعلق فى الواقع السياسى، فالحكم فى سورية قائم على نظام الحزب الواحد، لذا يحظر القانون إقامة الأحزاب السياسية التى لا تنتمى إلى اللون الأيديولوجى نفسه لحزب الدولة.ونظراً إلى أن النظام يشدد على الفصل بين الدين والسياسة، فإن الشيعة ليس لهم تشكيلات سياسية خاصة بهم .

التشيع: حقيقة أم مبالغة؟ من القضايا التى خلقت جدلاً واسعاً فى الساحة السورية فى الآونة الأخيرة، ما أثاره الداعية السعودى الشيخ سلمان العودة (المشرف العام على "مؤسسة الإسلام اليوم" السعودية)، فى ٢٢ أكتوبر / تشرين الأول ٢٠٠٦، عن "انتشار كبير للمد الشيعى فى بلاد الشام، وسورية على وجه الخصوص".

وجاءت تصريحات العودة بعد قيام مؤسسات إيرانية ببناء مرقدى الصحابى عمار بن ياسر، والتابعى أويس القرنى فى محافظة الرقة (شمال شرقى دمشق)، وافتتاح مكتب ثقافى إيرانى فيها أيضاً.

إلا أن رموزاً دينية شيعية وسنية ردوا على تصريحات العودة، واعتبروها تنطوى على "مبالغة،" وأوضحوا أنه إذا كان هناك من تشيع، فهو لا يعدو حالات فردية.

واستجابة للهواجس المثارة بشأن التشيع، ومن أجل "تعزيز أواصر الإخاء الإسلامى والتقريب بين المذاهب الإسلامية،" أعلن فى تشرين الثانى /نوفمبر ٢٠٠٦ عن تأسيس جمعية التآخى بين المذاهب الإسلامية فى سورية، برئاسة الدكتور صلاح الدين كفتارو (نجل مفتى سوريا السابق أحمد كفتارو ورئيس مجمع الشيخ أحمد كفتارو)، ويشغل منصب نائب الرئيس العالم الشيعى عبد الله نظام، رئيس الجمعية المحسنية فى دمشق، وتضم الهيئة عدداً من العلماء والمفكرين السنة والشيعة فى سورية.

وفى السياق نفسه، تتهم شخصيات سورية المستشارية الثقافية الإيرانية فى دمشق بأن دورها لا ينحصر فقط فى النشاطات الثقافية المتعارف عليها، بل إنها ترعى عملية التشيع فى سورية، ولاسيما أن المستشاريات الثقافية الإيرانية تتبع فى الحقيقة سلطة مكتب المرشد الأعلى للجمهورية الإسلامية فى طهران، مع أنها ملحقة اسمياً بالسفارات الإيرانية.

فالدكتور وهبة الزحيلى، الفقيه والمفكر الإسلامى المعروف، أشار إلى أن المستشارية تستخدم "الإغراءات المادية، من مال وبيوت وسيارات، من أجل جلب الناس إلى اعتناق التشيع"، وأن "مئات من السوريين فى دير الزور والرقة ودرعا وغوطة دمشق، قد استجابوا فعلاً لإغراءات المستشارية الإيرانية وتشيعوا"، بحسب تقرير صحفى نشر بتاريخ ٣١ أكتوبر/ تشرين الأول ٢٠٠٦ ، على موقع "أخبار الشرق"، التابع لمركز الشرق العربى بلندن.

والواقع أن "العودة" ليس أول من أثار هذه القضية، فقد صرح مراقب الإخوان المسلمين فى سورية، على صدر الدين البيانونى، لوكالة "قدس برس"، قائلاً إن "كل ما يجرى من حركة تشييع فى سورية هو (...) محاولة لإثارة البلبلة من أجل تغيير تركيبة المجتمع السورى".

كما أن نائب الرئيس السورى "المنشق"، عبد الحليم خدام، فى تصريحات صحفية، وعبر البيانات الصادرة عن جبهة الخلاص الوطنى) المعارضة للنظام السورى)، انتقد السفير الإيرانى فى دمشق، واتهمه بممارسة نشاطات تشييع فى سورية.

وقال خدام فى مقابلة مع "يونايتد برس إنترناشيونال" إن السفير الإيرانى "يستغل حالة الفقر الموجودة فى البلاد، ويأتى إلى منطقة ويقول إن الصحابى فلان ابن فلان مر بها، ويجب أن نبنى فيها مقاماً، فيبنى مقاماً وحوزة، ويوزع أموالاً على بعض الفقراء. وهو عمل يريد من ورائه بناء حزب إيرانى فى سورية، عبر ما يمكن أن تسمى عملية التشييع".

بل إن "هاجس التشيع" أثاره مثقفون سوريون مع نائب وزير الخارجية الإيرانى، منوشهر محمدى، خلال جلسات حوارية جرت فى دمشق.

فنقلت صحيفة "الحياة" اللندنية، فى عددها الصادر فى ٢٥ فبراير/ شباط الماضى، أن النائب فى مجلس الشعب السورى، محمد حبش، أشار إلى وجود "اتهامات بأن إيران معنية بنشر المذهب الشيعى فى سورية." وطالب حبش إيران بموقف يصرح بأنها "مهتمة بالشأن السياسى، وليس بالخلاف المذهبى."ورد محمدى على هذه الهواجس، بالقول: "إننا لا نسعى لأن نجعل من السنى شيعياً. ولا نعرف أن هناك حركة كهذه".

ويذكر المراقبون أن العلاقات الوثيقة التى تربط سورية بإيران، والتحالف الاستراتيجى بين البلدين منذ العام ١٩٨٠، أتاح لإيران أن تنشط فى الساحة السورية. فالاحتفالات واللقاءات التى تنظمها المستشارية فى دمشق، بالمناسبات الوطنية (مثل الاحتفال السنوى بانتصار الثورة الإسلامية فى إيران)، والدينية (مثل الاحتفال بذكرى استشهاد الحسين بعاشوراء(، يحضرها مسؤولون سوريون وإيرانيون على مستوى عالٍ.

وعند الحديث عن العلاقات السورية – الإيرانية، وصلتها بالموضوع الشيعى فى سورية، لا يمكن إغفال عنصر "حزب الله" (اللبنانى الشيعى)، الذى يرتبط بإيران عقائدياً واستراتيجياً.

فخلال هيمنة سورية على لبنان، قدمت الرعاية للحزب، ووفرت له الدعم السياسى والعسكرى والأمنى .وفى المقابل، فإن الحزب شكَّل حليفاً رئيسياً لها، وبالتالى كان لابد من أن ينعكس هذا على وضع الشيعة فى سورية نفسها.

كما أن الصورة الشعبية للحزب، الناتجة عن دوره فى "مقاومة" إسرائيل، أوجدت فى الشارع السورى تعاطفاً مع الشيعة بشكل عام. وقد أشارت تقارير صحفية خلال الحرب البنانية – الإسرائيلية فى الصيف الماضى (حرب الثلاثة والثلاثين يوماً)، إلى تحول عدد من طائفة السنة إلى المذهب الشيعى فى سورية، نتيجة للتأثر، بـ"إنجازات" حزب الله، و"انتصاره" فى الحرب، والإعجاب بشخصية حسن نصر الله، زعيم حزب الله.

إلا أن مثل هذا التشيع لحظى، وهو أقرب إلى الانفعال العاطفى، أكثر منه تحولاً مذهبياً مستنداً إلى اقتناع حقيقى وراسخ.

وأبرز الشخصيات الشيعية العامة

من أهم رموز الشيعة فى سورية، زعيم الطائفة الجعفرية فى سورية آية الله السيد على السيد حسين مكى؛ والعلامة السيد عبدالله نظام، الذى يعد من أبرز علماء الشيعة فى الشام؛ والشيخ نبيل الحلباوى، إمام مسجد مقام السيدة رقية .

ص: ٢٧

الشيعة فى بلاد الشام

خضعت بلاد الشام قبل الفتوحات الإسلاميّة لسيطرة امبراطوريّة الروم الشرقيّة وعاصمتها يومذاک « القسطنطينيّة »، ثمّ بلغت طلائع الفتح الإسلامىّ مدينة دمشق سنة ١٣ للهجرة، وانتشرت فى سائر مناطق بلاد الشام. ويُطلق مصطلح « بلاد الشام « على الرقعة الجغرافيّة التى تضمّ دول سوريا، الأردن، لبنان وفلسطين الحاليّة .وبعد دخول المسلمين بلاد الشام، انطلقوا منها إلى شمال أفريقية.

وقد تأثّر أهل الشام يومذاک بعقائد وسيرة بنى أميّة، مُنذ أن عيّن عمر يزيد بن أبى سفيان والياً على الشام، وتبعه أخوه معاوية، فأضحى العداء لأمير المؤمنين عليه السّلام جزءاً من عقائدهم الدينيّة، ودام ذلک إلى فترة اضمحلال وسقوط الدولة الأمويّة.

وأعقب العبّاسيون الأمويين فى الحُكم، وكانوا قد كسبوا تأييد عامّة الناس من خلال شعاراتهم المُوهِمة التى رفعوها ودعوا الناس فيها إلى « الرضا من آل محمّد صلّى الله عليه وآله »، لكنّهم لمّا استتبّت لهم أمور الحكم تنكّروا لأهل البيت عليهم السّلام وحاربوهم وقتلوهم، واقتضت سياستهم عدم تصحيح الانحراف العقائدى الذى خلّفه أسلافهم الأمويّون فى بلاد الشام.

واستمر هذا الوضع إلى سنة ٣٣٣ هـ أى إلى عصر سيف الدولة الحمدانىّ، حيث بدأ التشيّع بالانتشار فى بلاد الشام. ثمّ أقام الفاطميّون دولتهم فى مصر، وخضعت لهم بلاد الشام أيضاً، فساعد ذلک فى تهيئة الأرضيّة لانتشار التشيّع وموالاة أهل البيت عليهم السّلام.

أورد السيوطىّ أنّ جعفر بن فلاح حاكم دمشق من قِبل الفاطميّين أمر أن يؤذَّن فى مساجد دمشق بجملة » حىّ على خير العمل »، وذكر أنّ الرفض ـ على حدّ تعبيره ـ انتشر فى مصر، وفى شرق الشام وغربها، حتّى عُطِّلت صلاة التراويح(٢٦٤) ، والمعروف أنّ هذه الصلاة وُضعت من قِبل عمر، وأنّه قال عنها حين شاهد الناس يعملون بها: بِدعة ونعمت البدعة!(٢٦٥)

وذكر الذهبىّ أنّ أهل دمشق الذين كانوا من النواصب، قد أضحوا من الروافض فى زمن الدولة الفاطميّة.(٢٦٦)

وقد ذكر المقدسىّ ـ العالم الجغرافىّ فى القرن الرابع الهجرىّ ـ فى أمر شيوع التشيّع فى هذه البلاد أنّ أهالى طبرية، ونصف أهل نابلُس والقدس، وأغلب أهل عمان هم من الشيعة. كما ذكر أنّ عدداً كبيراً من أهالى تلك المناطق يرفضون مذهب أهل السنّة، وأنّ أولئک الأهالى يدينون ـ غالباً ـ بالمذهب الفاطمىّ.(٢٦٧)

ومن مدن الشام المشهورة مدينة حِمص، وقد انتشر التشيّع فى هذه المدينة فى القرن الرابع الهجرىّ على يد الدولة الحمدانيّة، وذكر المقريزىّ بأنّ أهل حمص كانوا يؤذّنون فى سنة ٣٤٧ هـ بجملة » حَىّ على خير العمل « (٢٦٨)، وذكر الذهبىّ بأنهم كانوا يؤذنون بها أيضاً فى مطلع القرن الخامس الهجرىّ، وأنّ والى دمشق كان يومذاک من الشيعة.(٢٦٩)

وورد أنّ أهل حمص هدّدوا ياقوت الحموىّ (صاحب مُعجم البلدان) وكان مُتّهماً بالنصَّب(٢٧٠) ، ففرّ من مدينتهم، وقال فى كتابه بأنّ أهل حمص الذين اشتهروا بالنصب قد غدوا اليوم من غُلاة الشيعة.(٢٧١)

ويجدر بالذكر أنّ التواجد الشيعىّ فى مدينة حمص كان له جذوره وتاريخه، وأنّ الشيعة وُجِدوا فى حمص حتّى قبل مجيء الدولة الحمدانيّة، وقد اشتهر من هؤلاء الشيعة رجال، من بينهم الشاعر الشيعىّ المعروف ديک الجنّ (ت ٢٣٥ هـ.(٢٧٢))

ومن بين علماء الشيعة :أحمد بن على بن معقل الحمصىّ (ت ٦٦٢ هـ) ويعدّ وجود مثل هذا العالم المعروف من الأدلّة على التواجد الشيعىّ فى مدينة حمص خلال القرن السابع الهجرىّ.

ويلزمنا أن نذكر بأنّ الدولة الأيّوبيّة قد بذلت كلّ ما فى وسعها فى قمع الشيعة واستئصالهم من بلاد الشام، وقد ذكر الخفاجىّ بأنّ مساعى الأيوبيّين فى استئصال الشيعة وآثارهم طالت حتّى المكتبات والمخطوطات.(٢٧٣)

وتبع العثمانيّون أسلافهم الأيّوبيّين فى محاربة الشيعة ونصب العداء لهم، عداءً منهم للدولة الصفويّة، فآل أمر الشيعة فى بلاد الشام إلى الضعف، بعد أن ازدهر التشيّع فى الفترة الواقعة ما بين القرنَين الرابع والسابع، وتناقصت أعداد الشيعة فى بلاد الشام ـ ومن ضمنها مدينة حلب ـ لكنّ الحضور الشيعىّ فى هذه البلاد ظلّ مستمراً.

وقد أشار الخوارزمىّ (الأديب الشيعىّ المشهور فى القرن الرابع) إلى تناقص الشيعة فى خراسان فى عصره، لكنّه نوّه بتزايد أعدادهم ـ فى المقابل ـ فى بلاد الحجاز، والحرمين الشريفين، والشام، والعراق، وجزين، والجبل (٢٧٤)، كما أشار عبدالجليل القزوينىّ الرازى ـ من علماء القرن السادس ـ إلى وجود الشيعة فى بعض مناطق بلاد الشام(٢٧٥) ، وذكر المقريزى بأنّ المذهب الرافضى انتشر فى زمن الفاطميين فى غرب بلاد الشام، وديار بكر، والكوفة، والبصرة، وبغداد، وجميع العراق، وبلاد خراسان، وما وراء النهر، والحجاز، واليمن، والبحرين (٢٧٦).

وقد تحدّث الرحّالة المعروف ابن جبير (ت ٦١٤ هـ) عن تشيّع دمشق، ووصف زيارته لها فى رحلته التى استمرت من سنة ٥٧٨ هـ إلى سنة ٥٨١ هـ وتحدّث على الخصوص عن مشاهد أهل البيت عليهم السّلام والأوقاف التى خصّص الشيعة عائداتها لتأمين مستلزمات تلک المشاهد الشريفة، وصرّح بأنّ الشيعة فى بلاد الشام أكثر من أهل السنّة.(٢٧٧)

وذكر الكراجكىّ العالم الشيعى فى القرن الخامس الهجرىّ بأنّ أهل مدينة رملة فى فلسطين من الشيعة.(٢٧٨)

وذكر ناصر خسرو الداعية الإسماعيلى (ت ٤٨١ هـ) أنّ أهل مدينة طرابلس قاطبة هم من الشيعة، وأنّ الشيعة بنوا مساجد جميلة فى المناطق المختلفة.(٢٧٩)
وأورد فى معرض كلامه عن مدينة طبرية ـ وهى من مدن بلاد الشام ـ أن أحداً لا يستطيع زيارة قبر أبى هريرة الواقع فى ضواحى المدينة، نظراً لأنّ ساكنى تلك المناطق هم من الشيعة.(٢٨٠)

وتطرّق ابن بطوطة ـ الذى عاش فى القرن الثامن الهجرىّ ـ إلى ذكر مدينة معرّة التى يُنسب إليها أبو العلاء المعرّىّ، وقال بأنّ طائفة من الرافضة يقطنون فيها.(٢٨١)
وكان للشيعة تواجدٌ ملحوظ فى مدينة دمشق خلال القرن العاشر الهجرىّ، حيث ذكر القاضى نور الله أنّ المسافرين الشيعة الذين يقصدون بيت الله الحرام لأداء فريضة الحجّ، كانوا إذا مرّوا على بلاد الشام حَطّوا رحالهم فى محلّة خراب ـ من محلاّت الشام ـ نظراً لكَون أهل تلك المحلّة قاطبة من المؤمنين ذوى الاعتقاد الخالص .(٢٨٢)

الشيعة فى حلب

ومن المدن السوريّة المهمّة مدينة حلب، وللتشيّع فيها عراقة وتاريخ قديم، وكان لها دور مهمّ فى نشر التشيّع فى مناطق سورية المختلفة. ومدينة حلب من المدن التى شاركت فى صياغة الوقائع السياسيّة خلال التاريخ الإسلامىّ، وأضحت ـ لمرّات ـ مركزاً للحكم. ويبدأ تاريخ التشيع فى حلب مع ظهور الدولة الحمدانيّة الشيعيّة، على الرغم من أنه يُحتمل قويّاً أن جذور التشيّع امتدّت إلى ما قبل الدولة الحمدانيّة أيضاً.(٢٨٣)
وقد بدأت دولة آل حمدان فى شمال سورية سنة ٣٣٣ هـ حيث دخل سيف الدولة الحمدانىّ مدينة حلب فجعلها مركزاً لحكمه الذى امتدّ إلى أوائل القرن الخامس الهجرىّ، أى إلى سنة ٤٠٦ هـ التى سيطرت فيها الدولة الفاطميّة على دمشق، ثمّ سيطر بنو مرداس على مدينة حلب سنة ٤١٤هـ فأنهوا بذلك حكم بنى حمدان.(٢٨٤)
وكان للدولة الحمدانيّة الدور الكبير فى ازدهار الثقافة الإسلاميّة فى حلب، من خلال نبذهم للتعصّب المذهبىّ وتشجيعهم للعلم والفِكر ـ وبخاصّة من قبل سيف الدولة ـ وللتضحيات والمواقف المشرّفة التى كانت للحمدانيّين فى تصدّيهم للروم.
أمّا دول بنى مرداس (٤١٤ ـ ٤٧٢ هـ (التى سيطرت فى القرن الخامس على مناطق مهمّة فى بلاد الشام، فقد كانت روّجت لمذهب التشيّع إلى حدٍّ ما بحيث نقل ابن بغلان المتطبب بأنّ الفقهاء فى حلب كانوا يُفتون وفق مذهب الإماميّة.(٢٨٥)

ومن أشهر فقهاء حلب الشيعة: سالار الديلميّ وأبو الصلاح الحلبيّ مؤلف « تقريب المعارف » و« الكافى فى الفقه ».

وأنشد المولى الرومىّ (عاش فى القرن السابع الهجرىّ) فى أهل حلب (ما تعريبه:(

اجتمع أهل حلب يوم عاشوراء بأجمعهم عند باب أنطاكية إلى الليل، اجتمعوا نساءً ورجالاً، ليُقيموا مأتم أهل البيت يوم عاشوراء. فالشيعة يئنون وينوحون ويذرفون الدموع سِخاناً لأجل مصاب كربلاء.(٢٨٦)

وبعد مجىّ الدولة الأيّوبيّة ونتيجةً للعداء الذى كان صلاح الدين الأيّوبىّ يكنّه للشيعة، فقد اضطُرّ الشيعة فى تلك الديار إلى التستّر والعمل بالتقيّة؛ حفظاً على أرواحهم وحقناً لدمائهم، فانحسر ازدهار التشيّع نتيجة لذلك.(٢٨٧)

وعلى الرغم من هذا كلّه، فقد بقيت مدينة حلب مركزاً تخرّج منه عدد كبير من علماء الشيعة، منهم مؤلف كتاب « حلب والتشيّع(٢٨٨) « ، ولا يزال الشيعة فى عصرنا الحاضر يسكنون فى بعض أطراف مدينة حلب.

الشيعة فى لبنان

أمّا لبنان فقد اشتهر بأنّه أحد مراكز التشيّع طوال التاريخ الإسلامىّ، وقد عُدّ أبو ذر الغفارىّ الذى أبعده عثمان إلى الربذة فى جنوب لبنان أحد عوامل انتشار التشيّع فى تلك البلاد.(٢٨٩)

وقد ازدهر التشيّع فى لبنان فى نفس الفترة التى شهدت ازدهاره فى الشام، بفارق أنّ التشيّع فى لبنان بلغ انتشاره ذروةً صار معها القسم الأعظم من سكّان لبنان ـ وإلى يومنا هذا ـ يدينون بالتشيّع.

ونُقل عن أبى شامة رأيه أنّ الرفض ازداد فى أيّام الفاطميين فأفسد عقائد أهل الجبل الساكنين فى ثغور الشام .(٢٩٠)وفى الحقيقة فإنّ الحكومات الشيعيّة المختلفة فى الشام ـ ومن بينها الدولة الفاطميّة ـ كان لها إسهام كبير فى ترويج التشيّع فى لبنان.

ومن المدن اللبنانيّة العريقة فى التشيّع مدينة « كرك نوح »، وقد ذكر صاحب « معجم الأدباء « أحد الأدباء فى لبنان، فسمّاه: « أحمد بن طارق بن سنان أبو الرضا الكركىّ الرافضىّ المتوفّى سنة ٥٩٢ هـ .(٢٩١) « وورد أنّ أحد علماء كرك قدم إلى دمشق سنة ٨٤٢ هـ بطلب من السلطان، لكنّه تعرّض ـ بسبب انتمائه الشيعىّ ـ إلى هجوم عوام أهل السنة، فقُتل وقُتل معه ابنه وخمسمائة نفر من أتباعه. كما ورد أنّ طائفة من مشايخ كرك اعتُقِلوا بأمر من حكّام دمشق، ثمّ قُتلوا.(٢٩٢)

ومن جملة علماء جبل عامل الذين قدموا إلى إيران، وكان لهم سهم وافر فى نشر التشيّع فيها: المحقّق الكركىّ . وقد ذكر مؤلّف كتاب « أمل الآمل » أسماء ثلاثين عالماً شيعياً من كرك. ويلزمنا أن نذكر أنّ قبر جعفر الطيّار عليه السّلام يقع فى هذه المدينة.(٢٩٣)

وأغلب ساكنى جنوب لبنان فى عصرنا الحاضر هم من الشيعة الذين لجأوا إلى هذه المنطقة فراراً من الجور الذى تعرّضوا له خلال فترات حكم الأيّوبيّين والعثمانيّين. ويعيش هؤلاء الشيعة فى مناطق جبليّة وقرويّة، وكانوا مُجبرين سابقاً على البقاء فى هذه القرى وعدم الخروج منها .وتبلغ نسبة السكّان الشيعة فى جبل عامل حوالى

٨٠ فى المائة، أمّا فى باقى المناطق فتتنزّل هذه النسبة إلى ما بين ٥٠ و ٦٠ فى المائة من عدد السكّان.
ويتواجد الشيعة فى العاصمة بيروت بأعداد كبيرة، خلافاً للسابق، كما تعدّ منطقة البقاع أيضاً أحد المراكز الأصليّة للشيعة.(٢٩٤)

ووفقاً للإحصائيّات الرسميّة المعلنة، فإنّ عدد نفوس لبنان يُقدّر بـ « ٠٠٠ / ٤٧٥ / ٣ شخص »، يتوزّعون على الطوائف المذهبيّة المختلفة على النحو التالى:(٢٩٥)

ص: ٣٢

!Error

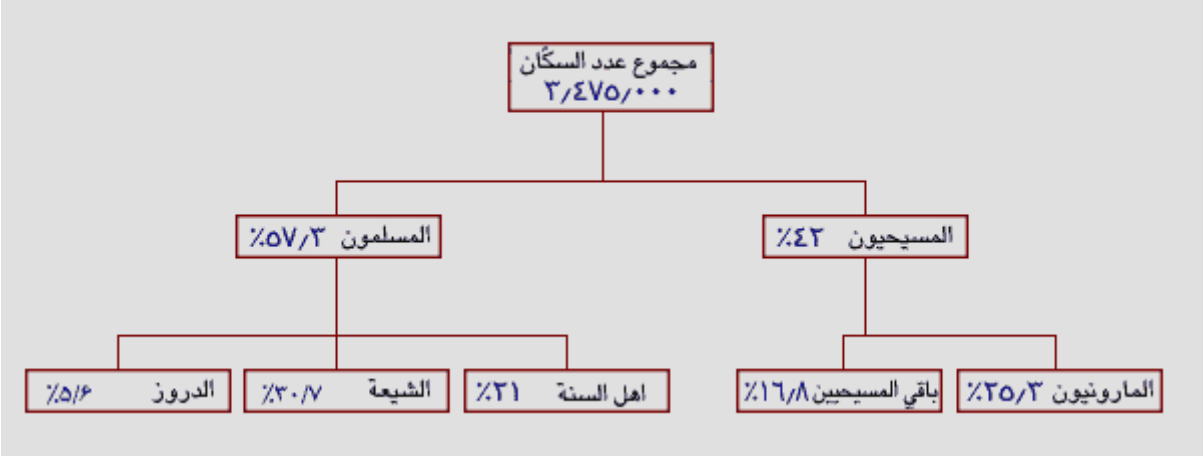

ص: ٣٣

والطائفة الدرزيّة من الفرق الإسماعيليّة، وتُنسب إلى محمّد بن إسماعيل الدرزىّ الذى كان من الدعاة الفاطميّين، وكان له تعلّق زائد بالحاكم بأمر الله الحاكم الإسماعيلىّ فى مصر.
وقد تمكّن الشيعة فى العقود الأخيرة بهمّة علمائهم ـ كالسيّد شرف الدين والسيّد موسى الصدر ـ ومن خلال منهجة عملهم، من تسنّم بعض المسؤوليّات المهمّة، والمشاركة فى صياغة التحوّلات الجارية فى لبنان.
أمّا فى سورية، فإنّ عدد الشيعة وفقاً للأرقام الرسميّة المعلنة فى حدود خمسين ألف نفر، وهذا الرقم لا يشمل ـ بطبيعة الحال ـ العلويّين الحاكمين فى سورية حاليّاً.
أمّا عدد الشيعة فى الأردن، فيبلغ عشرة آلاف نفر وفقاً للأرقام الرسميّة المعلنة سنة ١٩٤٩ م (١٣٢٨ هـ(، أى ما يقابل واحد من ثلاثين من مجموع عدد السكّان، وثُلث عدد المسيحيين هناك، لكنّ المصادر غير الرسميّة تذكر أرقاماً للشيعة تفوق هذه الأرقام المعلنة.(٢٩٦)

التشيّع فى شمال أفريقية

التشيّع فى البلاد الأفريقيّة له تاريخ عريق، على الرغم من أنّ المناطق الأفريقيّة التى تواجد فيها التشيّع قديماً أصبحت لا تحمل فى عصرنا الحاضر ـ تبعاً للضغوط التى تعرّض لها الشيعة طوال الفترات المنصرمة ـ إلاّ تقاليد وعادات شيعيّة فقط.

وكانت بلاد مصر مركزاً لحكومة الفاطميّين، وكان لها ازدهار كبير فى فنون العلم على مدى قرون ثلاثة، لا يَزال « الجامع الأزهر » من آثارها الماثلة إلى يومنا هذا، وقد سعى الخواجة نظام المُلك فى تقليد المدارس العلميّة المصريّة، فأسّس المدارس النظاميّة فى إيران والعراق.

بيد أنّ الحكومات الشيعيّة (الفاطميّة، البويهيّة، الحمدانيّة) كانت حكومات ذات سياسات منفتحة بعيدة عن التعصّب المذهبىّ، فإنّها لم تحدّ من نشاطات أهل السنّة، بينما نجد بعض الحكومات السنّيّة المتعصّبة التى أعقبت الفاطميين (كالدولة الأيّوبيّة) قد مارست ضدّ الشيعة أشدّ الضغوط، حتّى بلغ بها الحدّ فى ذلک إلى استئصال الشيعة ومحوهم فى بعض مناطق البلاد.

ويوجد فى بلاد المغرب مدينة تدعى « كتامة »، سكن فيها أبو عبدالله الشيعىّ (أحد دعاة الإسماعيليّة) وعمل على جعلها قاعدة لنشر التشيّع فى بلاد المغرب. ويُستفاد من عبارة ابن حوقل أن التشيّع فى تلک المدينة له جذور متقدّمة تسبق تواجد أبى عبدالله الشيعىّ (٢٩٧) كما ورد أنّ مدينة « سوس » المغربيّة كان فيها وجود للشيعة.(٢٩٨)

وقد ازدهر التشيّع فى مصر بعد مجىء الدولة الفاطميّة، حتّى نقل السيوطىّ أنّ الفاطميّين كانوا يخطبون بـ » اللهمّ صلِّ على محمّد المصطفى، وعلىّ المرتضى، وفاطمة البتول، وعلى الحسن والحسين سبطَى الرسول » وذكر الاسنوى المصرىّ فى مقدّمة كتاب « مهمّات الفقه » بأنّ العلماء الرافضة حلّوا محلّ العلماء الشافعيّين بعد مجىء الدولة الفاطميّة.

وجاء فى كتاب » الطالع السعيد » أنّ أهالى قرية « أرمنت » المصريّة كانوا من الشيعة، ثمّ تناقص عدد الشيعة بمرور الوقت (٢٩٩) كما جاء فى الكتاب المذكور أنّ مدينة « أسفون » المصريّة كانت تضمّ أعداداً من الشيعة، ثمّ تناقص عدد الشيعة فيها.(٣٠٠)

وذكر المقدسىّ فى القرن الرابع الهجرىّ أنّ أهالى قصبة « فسطاط » وقصبة « صندفا » ينتمون إلى المذهب الشيعىّ.(٣٠١)

وقال ابن حوقل: إنّ من أولاد القبط: غيلان أبو مروان رئيس الغيلانيّة، وهم فرقة من فرق الشيعة.(٣٠٢)

وعلى أيّة حال، فقد تعرّض الشيعة إلى قمع وملاحقة شديدين بعد ظهور صلاح الدين الأيوّبىّ، وذكر ابن الأثير فى وقائع سنة ٥٨٤ هـ أنّ عدداً من الشيعة يُقدَّرون باثنى عشر رجلاً ثاروا فى القاهرة ونادوا « يا علىّ يا علىّ »، إلاّ أنّ أحداً لم يُغثهم.(٣٠٣)

وورد أنّ مدينة « نفطة » الواقعة فى بلاد المغرب، بين الجزائر وتونس هى المدينة الوحيدة فى تلك الديار التى ينتمى جميع أهليها إلى المذهب الشيعىّ، وذُكر أنّها تُدعى بـ « الكوفة الصغيرة.(٣٠٤) »

وذكرت بعض المصادر أنّ طائفة من أهل شيراز ـ وهم من الشيعة ـ هاجروا إلى بلاد أفريقية.(٣٠٥)

ومن الجدير بالتأمّل أنّ من الآثار التى خلّفها التشيّع فى البلاد الأفريقية انتشار حبّ أهل البيت عليهم السّلام ومودّتهم، وهى ظاهرة مكثّفة فى بلاد السودان على الخصوص، حيث ذكر أحمد بن أبى الضياف فى كتاب « الإتحاف » أنّ أهالى أفريقية لهم محبّة زائدة لعلىّ وآله، يشترك فى ذلك عالمهم وجاهلهم، حتّى إنّ نساءهم إذا

ضربهنّ الطلق نادَين برفيع الصوت » يا محمّد يا علىّ ». وكان الشاذلى ـ وهو من قادة المذهب الصوفىّ فى تلك الديار ـ قد أوصى أصحابه أن يستغيثوا عند الشدائد وينادوا « يا محمّد يا علىّ.(٣٠٦) » ومن أفريقية انتشر التشيّع إلى بلاد الأندلس، حيث ذكر القاضى نور الله أنّ فى بلاد الأندلس منطقة تُدعى بـ « جزيرة الرفضة »؛ لأنّ سكّان سواحل تلك الجزيرة قاطبةً هم من الشيعة الإماميّة.(٣٠٧) وجاء فى بعض التقارير التى نُشرت حديثاً أنّ هناك طائفة من الشيعة الإماميّة فى مدينة « غرناطة« ، يُعدّون من السكّان الأصليّين فى تلك الديار(٣٠٨) ، وهو خبر جدير بالتأمّل حقّاً.

التشيّع فى شرق أفريقية

التشيّع فى شرق أفريقية مدين لهجرة الشيعة الهنود الذين يُعرفون بـ « الخوجة »، وينتمون إلى الطائفة الإماميّة الاثنى عشريّة، حيث هاجر هؤلاء الشيعة الهنود قبل ما يقرب من قرن ونصف القرن إلى شرق أفريقية، وشكّلوا بجهودهم ومساعيهم الحثيثة مجتمعات مستقلّة ومنظّمة فى تلك البلاد.

الشيعة فى تنزانيا

ومن أهم مراكز الوجود الشيعىّ فى شرق أفريقية دولة تنزانيا، وتُعتبر العاصمة « دار السلام » المركز الأساس للخوجة، الذى يتكفّل بتنظيم علاقاتهم وارتباطاتهم مع بعضهم البعض.
وقد شُكّلت هذه الجمعيّة فى دار السلام سنة ١٩٤٥م لهذه الغاية، ثمّ هاجر أحد علماء الشيعة إلى هناك، فبدأ بالتدريج نشاطات فى الدعوة للتشيّع بين سكّان البلاد الأصليّين.
ويوجد فى تنزانيا ما يقرب من ١٢ ألف نفر من الشيعة الإماميّة من أصل هندىّ، يعيش نصفهم فى دار السلام، ويتوزّع الآخرون فى مدن « تانكا »، « أروشا »، « موشى »، « موانزا« ، »بكوبا »، « ليندى »، « سونكيا »، و « زنجبار.«
هذا وقد سافر أحد علماء الشيعة سنة ١٩٥٩م إلى تنزانيا، وأسّس سنة ١٩٦٥م مؤسسة بلال الإسلاميّة التى تقوم

بنشاطات دينيّة وترفيهيّة فى الدول الأفريقيّة.
ويوجد فى تنزانيا عدد كبير من المساجد والحسينيّات، كما يوجد فيها مدرسة دينيّة يُدرَّس فيها: نهج البلاغة، شرائع الإسلام وبعض الدروس الأخرى، وتضمّ حالياً ۶۵ طالباً.

ص: ۳۶

كما تُصدر موسّسة بلال مجلّة شهريّة باللغة السواحليّة شهراً وبالانجليزية شهراً بصورة متعاقبة، وقد قامت المؤسسة المذكورة بنشر ما يقرب من ۸۰ كتاباً، إضافة إلى عدد من الكرّاسات، ويرتبط بالمؤسسة المذكورة ما يقرب من ۲۵ ألف نفر يعيشون فى أمريكا وأوروبا وأفريقية. وأدّت هذه الكرّاسات إلى تشكّل مجتمع شيعىّ صغير فى منطقة « گويان » الواقعة فى أمريكا الجنوبيّة. وللمؤسسة المذكورة فروع فى سائر الدول يقرب عددها من ۱۶ فرعاً؛ وقد أدّت نشاطات هذه المؤسسة إلى تشيّع ما يزيد على ۲۰ ألف نفر من سكّان تنزانيا الأصليّين.

الشيعة فى الصومال

وكان يقطن فى الصومال قبل ذلک ما يقرب من ۱۲۰۰ نفر من الخوجة، أُجبِروا ـ إثْر وقوع مذابح قبليّة ـ على الهجرة إلى كينيا وتنزانيا.

الشيعة فى كينيا

يوجد فى كينيا ما يقرب من ستة آلاف نفر من الشيعة الإماميّة، لهم مساجدهم وحسينيّاتهم .وقد هاجر عالم لبنانىّ إلى كينيا فأسّس فى العاصمة « نايروبى » ومدينة « نكورو « مدرستين لتدريس العلوم الدينيّة، تقومان بتدريس عدد كبير من الطلبة فى الوقت الحاضر. ويُقدّر عدد السكّان الأصليّين الكينيّين الذين انتموا إلى المذهب الشيعىّ خلال السنوات الأخيرة بعشرة آلاف نفر.

الشيعة فى أُوغندا

كان فى أوغندا قبل سنة ۱۹۷۲م عدّة آلاف من الخوجة، قام عيدى أمين بإخراجهم من أوغندا، فهاجروا إلى أمريكا وأوروبا وأسّسوا مجتمعات شيعيّة فى تلک البلاد. وقد عاد عدد محدود من هؤلاء الخوجة إلى اوغندا واستعادوا مسجدهم وحسينيّتهم فى العاصمة « كامبالا.«

الشيعة فى بروندى ورووانداا

يعيش فى بروندى عدد من الخوجة الشيعة يُقدّر عددهم بـ « ۶۰۰ نفر« ، لهم نشاطات محدودة، ولهم مسجد وحسينيّة. وكان لمؤسسة بلال نشاطات فى بروندى، تشيّع على أثرها عدد من سكّان بروندى الأصليّين، يقرب عددهم من (۲۰۰۰) نفر. كما يعيش فى دولة رووانداا طائفة قليلة من الخوجة.

الشيعة فى زائير

يعيش فى زائير طائفة من الخوجة يتمركزون فى مدينة « كيسانكانى »؛ وقد أُجبر هؤلاء بعد المذابح الأخيرة فى هذه المدينة على الهجرة إلى « كنشاسا.«

ص: ۳۷

وقد أدّت النشاطات التى بذلها أحد العلماء الشيعة خلال السنوات العشر الأخيرة إلى تشيّع حدود مائة نفر من سكّان زائير الأصليّين، كما تشيّع فى شرق زائير إثر نشاطات مؤسسة بلال ما يقرب من ١٢ ألف نفر.
#الشيعة فى موزامبيق

يوجد فى موزامبيق طائفة من الخوجة يقدّر عددها بخمسمائة نفر، وقد أدّى النشاط التبليغىّ إلى تشيّع عدد من السكّان الأصليّين، أضحى عددهم يفوق عدد الخوجة.
الشيعة فى مدغشقر

يعيش فى مدعشقر ما يقرب من (٤٠٠٠) نفر من الشيعة ذوى الأصول الهنديّة، يتواجدون فى ١٢ مدينة. وقد قام أحد مبلّغى مؤسسة بلال بنشاطات تبليغيّة بين سكّان مدغشقر الأصليّين، أثمرت فى انتشار التشيّع بينهم.
الشيعة فى موريس
يتواجد فى موريس حوالى ٣٠٠ نفر من الخوجة، كما يعيش فى ايونين ـ الخاضعة للسلطة الفرنسيّة ـ حدود ٢٠٠ نفر من الخوجة لهم مسجد وحسينيّة خاصّة.(٣٠٩)
الشيعة العرب
العدد٢/٣٤٤/٠٠٠ :
لنسبة المئويّة: ٥١/٤
السنّة العرب
العدد: ٩٠/٠٠٠
لنسبة المئويّة: ١٩/٧
السنّة الأكراد
العدد: ٨٤٠/٠٠٠
لنسبة المئويّة١٨/٤ :
الشيعة الايرانيّون
العدد: ٥٢/٠٠٠
لنسبة المئويّة: ١/٢

السنّة الأتراك

العدد: ٥٠/٠٠٠

لنسبة المئويّة: ١/١

الشيعة الأتراك

العدد٤٢/٠٠٠ :

لنسبة المئويّة: ٠/٩

الشيعة الأكراد

العدد: ٣٠/٠٠٠

لنسبة المئويّة: ٠/٦

المسيحيّون

العدد: ١٤٩/٠٠٠

لنسبة المئويّة١/٣ :

اليهود

العدد: ١١٧/٠٠٠

لنسبة المئويّة: ٢/٦

اليزيديّون والسَّبَك

العدد: ٣٣/٠٠٠

لنسبة المئويّة: ٠/٨

الصابئة

العدد: ٧/٠٠٠

لنسبة المئويّة: ٠/٢(٤٠)

ص: ٣٩

بحث حول التشيع فى سوريا

إيلاف <<ثقافات <<عالم الأدب
حُميده حَميد
الأحد ٧ يناير ٢٠٠٧

بحث هو الأول من نوعه حول التشيع فى سوريا
معطيات إحصائية شبه دقيقة حول عملية "التشيع "فى سورية:
الأرقام تشير إلى عكس ما يروج له فى وسائل الإعلام

٨٥بالمئة يتم فى أوساط الطائفة العلوية والباقى يتوزع على الطوائف الأخرى ولا تتجاوز النسبة فى الوسط السنى ٢ بالمئة من إجمالى المتشيعين
استمرار الوتيرة على هذا النحو سيؤدى إلى "انقراض " الطائفة العلوية بعد ٢٥ عاما والاسماعيلية بعد خمسين عاما!؟

ظهرت فى الآونة الأخيرة إلى الوجود قضية لم تكن مطروحة على جدول أعمال اهتمامات الرأى العام، سواء داخل سورية أم خارجها، وهى قضية ما سمى بعملية التشيع فى البلد المذكور.ولعل أول من أثارها المراقب العام للإخوان المسلمين فى سوريا، المحامى على صدر الدين البيانونى، ونائب الرئيس "المنشق" عبد الحليم خدام، فى تصريحات إعلامية مختلفة قبل أن تأخذ طريقها إلى بيانات رسمية صادرة عن" جبهة الخلاص الوطنى".
وأشير فى مختلف هذه التصريحات إلى أن السفارة الإيرانية تقود هذه العملية مقابل دفع مبالغ مالية لكل من يتخلى عن مذهبه السنى ويلتحق بالمذهب الجعفرى، وصولا إلى الإعراب عن مشاعر القلق بشأن ما يمكن يؤدى إليه الأمر من تغيير لبنية السكان الديمغرافية فى سوريا! وبدا أن وراء إثارة القضية "أمر عمليات" صادر من جهة ما، بدليل أن عشرات المقالات ظهرت دفعة واحدة، فى مواكبة هذه التصريحات، على مختلف مواقع الإنترنت التابعة للجهتين المذكورتين، سواء بشكل رسمى أو غير رسمى .والأدهى من ذلک أن نشطاء معارضين يعيشون

فى المنفى منذ عشرات السنين، وبعضهم (مثل فريد الغادرى) لا يجيد تحديد الموقع الجغرافى لأربع مدن سورية

دون الاستعانة بأطلس) بالمعنى الحقيقى لا المجازى)، ولا يعرف أى شىء على الإطلاق عن التركيبة الديمغرافية لسورية، انخرط فى هذه الحملة بناء على " معطيات " مولدة ومنقولة بطريقة " القيل والقال !"
فهل لهذه المعلومات والهواجس المثارة أى أساس واقعى، أم أن الأمر يدخل فى إطار التعبئة السياسية ـ الإيديولوجية على خلفية " المواجهة المذهبية " الجارية فى العراق والشرق الأوسط عموما، و الصراع السياسى الدائر فى لبنان على وجه الخصوص، والذى وجد بعض فصائل المعارضة السورية نفسه مدفوعا إلى الدخول فيه بحكم التداخل بين قضايا البلدين!؟
هذا السؤال، ونعنى تحديدا الجانب العلمى الإحصائى، أجيب عليه مؤخرا فى أول دراسة من نوعها فى هذا المجال قام بها باحثون ميدانيون على مدى ستة أشهر بناء على طلب إحدى الجهات الأوربية الرسمية، وبتمويل منها. وتتناول الدراسة عملية "التشيع" فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٥)، مع ملحق إضافى تناول النصف الأول من العام ٢٠٠٦. أعد الدراسة تسعة باحثين ميدانيين متخصصين فى مجال علم الاجتماع وعلم الاجتماع السياسى والاحصاء، ويشتركون فى أنهم جميعا علمانيون ونشطاء فى حركات "المجتمع المدنى" السورية. وقد جاءت الدراسة فى ٣٢ صفحة فولسكاب وتحت عنوان The Shiitization Process in Syria ١٩٨٥–٢٠٠٦, a Socio-statistic paper (عملية التشيع فى سوريا ١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦، دراسة اجتماعية ـ إحصائية)، أشرفت عليها، إداريا وحسب، منظمة "المجلس الوطنى للحقيقة والعدالة والمصالحة فى سوريا "، التى انحصر دورها فى ترشيح الباحثين وترتيب الاتصال بينهم وبين الجهة الممولة مقابل السماح للمنظمة بوضع اسمها على البحث كجهة مشرفة إداريا .وبسبب حساسية الموضوع، خصوصا لجهة إمكانية ملاحقة الباحثين أمنيا وقضايا بتهمة " قبض أموال من جهات أجنبية "، فقد أجريت الدراسة بشكل سرى وبعيدا عن الأضواء، كما جرى إغفال أسمائهم والاحتفاظ بها على وثيقة مستقلة لدى الجهة الممولة فى بلجيكا .وقدم للدراسة الكاتب والصحفى السورى نزار نيوف. وهو متخصص أكاديميا فى الاقتصاد والعلوم السياسية والتاريخ الاقتصادى ـ السياسى المقارن للديكتاتوريات فى حوض المتوسط .

الإطار الجغرافى ـ الديمغرافى العام للدراسة :
تتناول الدراسة عملية التشيع فى المحافظات السورية الرئيسة: دمشق وريف دمشق، حلب وريفها، حمص، حماة، اللاذقية، طرطوس، إدلب، الرقة، دير الزور، السويداء. وقد اختيرت هذه الدراسة، كما يشير البحث، لكونها تضم الغالبية الساحقة من سكان سوريا، ولأن عملية التشيع تجرى فى حصريا، ولأنها المحافظات التى تضم أقليات

إسلامية مذهبية غير سنية (علويون، إسماعيليون، شيعة.. إلخ) بنسب مختلفة، طاغية فى بعضها، وضئيلة فى بعضها الآخر .وأشار البحث إلى أن محافظة القنيطرة قد استثنيت من البحث بسبب وضعها الخاص (معظم أراضيها تحت الاحتلال الإسرائيلى منذ العام ١٩٦٧)، ولكون الغالبية الساحقة من سكانها نازحين إلى المحافظات السورية الأخرى، لاسيما دمشق وريفها، وبالتالى فقد شملها البحث بطريقة غير مباشرة.

يتبع....

طريقة البحث وكيفية الحصول على معلوماته الخام:
يشير البحث إلى أن الباحثين لجأوا إلى طريقة " مبتكرة " وهى تفرغ كل منهم لمنطقة جغرافية ـ ديمغرافية بعينها، وعدم الالتقاء ببعضهم البعض أو مناقشة المعلومات والنتائج الخام التى توصل كل منهم إليها طيلة الفترة المكرسة لجمع المعلومات والبيانات، وهى خمسة أشهر. أما الشهر الأخير فخصص لعقد حلقات نقاشية مغلقة فيما بينهم لتداول هذه المعلومات ومناقشتها وغربلتها واستخلاص المعطيات النهائية والنتائج بعد بعضها من الحساب حين تكون نسبة الارتياب أكبر من ٥٠ ٪، ومن ثم تحرير النص النهائى. أما مصادر المعلومات الخام فقد حددها البحث بأربعة :
ـ سجلات المحاكم الشرعية (المذهبية) وبيانات الزواج والطلاق ؛
ـ معطيات مستخلصة من سجلات مديريات وزارة الأوقاف فى المحافظات ؛
ـ مقابلات شخصية ميدانية مع رجال دين ووجهاء ومواطنين عاديين ينتمون إلى مختلف المذاهب الإسلامية المعنية ؛
ـ معطيات مستخلصة من سجلات المراكز الثقافية الإيرانية والحوزات والمدارس الشيعية التى تشرف عليها وتدعمها، جزئيا أو كليا، السفارة الإيرانية فى دمشق.

ص: ٤٢

نتائج البحث:
خلص البحث إلى نتائج تشير إلى أن إجمالى المسلمين المتشيعين فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦) لا يتجاوز اثنين وستين ألفا، أغلبيتهم الساحقة من أبناء الطائفة العلوية، ولا يتجاوز نسبة المسلمين السنة فيهم الألف وخمسمئة مواطن! وفى المعطيات الأكثر تفصيلا، يشير البحث إلى أن عدد الأسر " العلوية" التى تشيعت خلال الفترة المذكورة بلغ ٨٧٨٣ أسرة. وبافتراض أن متوسط عدد أفراد الأسرة السورية هو ستة أشخاص، وأن جميع أفراد الأسرة تبعوا رب الأسرة المتشيع ، فإن العدد الإجمالى للعلويين الذين تشيعوا يبلغ حوالى ٥٢٧٠٠ شخص. هذا بينما بلغ عدد الأسر الإسماعيلية المتشيعة حوالى ألف ومئتى أسرة، أى حوالى سبعة آلاف وأربعمئة شخص. واستنادا إلى هذه الأعداد تكون نسبة المتشيعين فى كل طائفة / مذهب خلال الفترة المذكورة: ٨٥ بالمئة فى الوسط العلوى ؛ ١٣ بالمئة فى الوسط الاسماعيلى ؛ و ٢ بالمئة فقط فى الوسط السنى. ولم يسجل التقرير أى حالة تشيع فى الأوساط الأخرى (مسيحية، درزية.. إلخ .(

التوضع الجغرافى للتشيع :
تلاحظ الدراسة أن التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط العلوى توزع على النحو التالى: محافظة طرطوس وريفها ٤٤ بالمئة ؛ محافظة اللاذقية وريفها ٢٦ بالمئة ؛ محافظة حمص وريفها ١٤ بالمئة ؛ محافظة حماة وريفها دمشق وريفها ١٦ بالمئة (وهؤلاء ينحدرون من مختلف المحافظات .(

أما التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط السنى فتوزع على النحو التالى: محافظة حلب وريفها ٤٦ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢٣ بالمئة ؛ محافظة حمص ٢٢ بالمئة ؛ محافظة حماه ٥ بالمئة ؛ محافظة إدلب ٤ بالمئة. وقد أهملت نسب التشيع فى محافظتى دير الزور والرقة والقنيطرة كونها لا تشكل إلا أجزاء عشرية متناهية الصغر (بضع عائلات تعد أصابع يد واحدة)، ولكون النشاط الشيعى فيها يبتعد عن الشكل " التبشيرى" ويقتصر على الجانب " الطقسى" (إحياء المناسبات الدينية المرتبطة بالتراث الدينى الشيعى، و ترميم وإحياء بعض الأضرحة القديمة وتنظيم الزيارات إليها من مناطق أخرى، سواء من داخل سورية أو خارجها .(
هذا بينما جاء التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط الإسماعيلى على النحو التالى: محافظة حماة وريفها (وبشكل خاص مدينتى السلمية ومصياف و بلدة عقارب) ٥١ بالمئة ؛ محافظة طرطوس وريفها (بلدات: القدموس ومنطقة نهر الخوابى) ٤٣ بالمئة ؛ محافظة حلب وريفها ٣ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢ بالمئة ؛ محافظة إدلب وريفها ١ بالمئة .

ص: ٤٣

من ناحية ثانية، ذكرت الدراسة ملاحظتين فى هذا السياق، أولاهما أنه لم تسجل أى حالة تشيع فى وسط الشيعة الموحدين (المعروفين باسم " الدروز ") أو فى الوسط المسيحى بمختلف مذاهبه (الكاثوليكية، الأرثوذوكسية، البروتستانتية.. إلخ)، وثانيهما أن ٧ بالمئة على الأقل من المسلمين السنة الذين تشيعوا فى دمشق وريفها جرى فى أوساط العائلات الشيعية فى الأصل، والتى "تسننت" مع الزمن لأسباب مختلفة. وذكرت فى هذا الإطار حالات نموذجية من عائلات (العطار، قصاب حسن، اللحام، بختيار / اختيار .(..كما وسجلت ملاحظة مشابهة لجهة المسلمين السنة فى حلب، حيث أشارت إلى أن ١١ بالمئة منهم ينحدرون من أصول شيعية فى الأساس، أو من "قرى شيعية" فى إدلب مثل " لفوعة" و" معرتمصرين". وهو ما أسمته الدراسة بـ "تجديد التشيع."

يتبع...

syrian man

عرض ملفه الشخصى

البحث عن كافة المشاركات بواسطة syrian man

٠١-١١-٢٠٠٧, ٠٤:٢١ PM

تاريخ التسجيل٢٠٠٧ Jan :

المشاركات: ٦٣٥

syrian man

Senior Member

الوضع المهنى والاجتماعى للمتشيعين :
خلصت الدراسة إلى أنه من الصعب ربط حالات التشيع بوضع اجتماعى " معيارى " يمكن الركون إليه علميا فى تحديد سبب أساسى أو طاغ وقف وراء تشيع هؤلاء، سواء فى الوسط السنى أو فى الوسطين

الاسماعيلى والعلوى، لاسيما منه الجانب الاقتصادى، أو ما أشير إليه فى بعض وسائل الإعلام بـ " الفقر والحاجة إلى الأموال الإيرانية ". فالقسم الأكبر من المتشيعين السنة فى دمشق (٦٤,٤ بالمئة) ينتمون لعائلات تجارية أو مهنية وضعها الاقتصادى جيد أو ممتاز. كما أن القسم الأكبر منهم (حوالى ٦٩ بالمئة) من حملة الشهادات الثانوية أو المعاهد المتوسطة وما فوق. واقتربت النسب فى حلب من هذا الإطار. حيث سجل البحث أن ٦١ بالمئة من متشيعى حلب ذوو وضع اجتماعى ـ اقتصادى متوسط أو جيد. فيما كان معظم الفقراء المتشيعين منهم (٣٩ بالمئة) ذوى أصول شعية بعيدة) جددوا تشيعهم). أى أن دافعهم إلى ذلك " دينى ". ولم تتجاوز نسب المتشيعين لأسباب " مالية" فى الوسط السنى إجمالا (فى جميع المحافظات التى جرى مسحها) الـ ٣ بالمئة .وسجلت الدراسة " مفارقة ظريفة " فى هذا المجال، وهو أن بعض السنة المتشيعين، وخصوصا طلاب الجامعات منهم، غير ملتزمين دينيا، وكان تشيعهم، حسب ما أفادوا للباحثين، "لأنهم أرادوا الحصول على مبلغ مالى لتسديد نفقات الدراسة أو الزواج رغم أن الالتزام الدينى، سواء أكان سنيا أو شيعيا، إسلاميا أو مسيحيا، لا يعنى لهم شيئا ". وهو ما يمكن أن يصنف تحت عنوان " الانتهازية ". مفارقة ظريفة أخرى سجلتها الدراسة فى الملحق الإضافى لجهة المتشيعين السنة، لا سيما من تشيع منهم بعد الحرب الإسرائيلية الأخيرة على لبنان الصيف الماضى، وهى أنهم " تشيعوا حبا بحزب الله وحسن نصر الله !"

ص: ۴۴

فى إطار التشيع فى الوسط العلوى، أشارت الدراسة إلى أن الأغلبية الساحقة من المتشيعين (حوالى ٧٦ بالمئة) هم من الطلاب أو العاطلين عن العمل. ولاحظت الدراسة أن قسما من المتشيعين العلويين هم من العسكريين. وهذه الملاحظة منقولة من إفادة أحد رجال الدين العلويين فى طرطوس، لأنه من الصعب معرفة النسبة الحقيقية من المتشيعين العسكريين، لأسباب " لوجستية " مفهومة. أما المتشيعون فى الوسط الإسماعيلى فجلهم) حوالى ٨٤ بالمئة) من الفئات الوسطى وما فوق، منهم ٦٨ بالمئة من حملة الشهادات الثانوية وما فوق.

خلاصات البحث الأساسية:

استخلصت الدراسات ستة مؤشرات أساسية من عملية التشيع فى سوريا:

ـ إن معظم حالات التشيع جرت وتجرى فى الوسط الإسلامى المعتبر تاريخيا وفقهيا من " العائلة الفقهية الشيعية " (اسماعيليون، علويون..)؛

ـ إن نسبة التشيع المتواضعة جدا (٢ بالمئة) فى الوسط السنى لا تسمح بالحديث أبدا عن " عملية تبشير شيعى " فى هذا الوسط، خصوصا إذا أخذنا بعين الاعتبار أن قسما من هؤلاء ينحدرون أصلا من عائلات شيعية تسننت مع الزمن لاعتبارات مختلفة ؛

ـ إن نسبة المتشيعين لأسباب اقتصادية ـ مالية (الوضع الاقتصادى ـ الاجتماعى (لا تسمح بالحديث عن " ظاهرة تشيع مأجور " أو " ظاهرة ارتزاق مذهبى" ؛

ـ إن الغالبية الساحقة من حالات التشيع الاسماعيلى تندرج فى " الإطار الطقسى " و " الرمزى" إذا

جاز التعبير، كالالتزام بالصلوات الخمس فى مساجد ينفصل فيها النساء عن الرجال بدلا من الصلوات " شبه المختلطة " عند الاسماعيليين حيث النساء الملتزمات دينيا منهم لا يعنين كثيرا بوضع الحجاب وإزالة المكياج أثناء الصلاة. وبالنسبة للمتشيعين العلويين، تلاحظ الدراسة أنها اقتصرت فى غالبيتها الساحقة على الرجال (٩٣ بالمئة). أما النساء المتشيعات فلم يلتزمن بما يعرف بـ " الشادور " (الحجاب)، واكتفين بعطاء عادى للرأس. و يعود هذا أساسا إلى أن الفقه الجعفرى، على الطريقة العلوية، يعفى النساء من واجباتهن الدينية. (المرأة غير مكلفة شرعيا .)

ـ إن استمرار وتيرة التشيع على هذا النحو فى الوسطين الاسماعيلى والعلوى، سيؤدى إلى " انقراض " الطائفة الأولى نظريا خلال عقد من الزمن، وإلى " انقراض" الثانية خلال ربع قرن.

ـ حددت الدراسة نسبة النحراف المعيارى بـ ± ٢,٥ بالمئة.

ص: ٤٥

يتبع.....

syrian man

عرض ملفه الشخصى

البحث عن كافة المشاركات بواسطة syrian man

٠١-١١-٢٠٠٧, ٠٤:٢١ PM

تاريخ التسجيل: Jan ٢٠٠٧

المشاركات: ٦٣٥

syrian man

Senior Member

وفى تقديمه للبحث أشار نزار نيوف إلى أن حركة التشيع فى سوريا بدأت مع العلامة عبد الرحمن الخير (المولود فى العام ١٩٢٥ .(لكنها لم تأخذ بعدا جماعيا منظما إلا مع جميل الأسد، شقيق الرئيس الراحل، الذى أسس " جمعية الإمام المرتضى " مطلع الثمانينيات الماضية لأسباب " مافيوية ـ سياسية ـ مذهبية مركبة " حسب تعبير الكاتب. حيث "كان همه الأساسى التربح والتكسب من خلال الحصول على أموال إيرانية بذريعة تمكين أعضاء جمعيته، لاسيما العلويين منهم، من أداء فريضة الحج (...) رغم أن العلويين، كما الاسماعيليين، لا يؤدون هذه الفريضة لحجج فقهية وتاريخية مختلفة، بعضها يتصل بأن الحجر الأسود الموجود اليوم ليس الحجر الأسود الأصلى الذى أخفاه القرامطة، وبعضها الآخر ينطلق من اجتهاد فقهى يرى أن الحج والدوران حول الكعبة هو طقس وثنى صرف ". ومن المعلوم أن الرئيس السورى الراحل حل جمعية الإمام المرتضى فى العام ١٩٨٤ وحظر نشاطها قانونيا بقرار من رئيس مجلس الوزراء آنذاك عبد

الرؤوف الكسم. كما وأشار فى تقديمه إلى واقعة أن الرئيس السورى الراحل "كان يعارض بقوة عملية التشيع (...) بدليل أنه أمر باعتقال أحد أطباء الأسنان العلويين فى طرطوس، المهلب حسن، وبمصادرة كل المطبوعات والمنشورات التى كان يتولى إحضارها من إيران ". وليس معلوما المصير الحقيقى لهذا الطبيب، ولو أن بعض المعلومات تشير إلى أن الرئيس الراحل "أمر بتصفيته وهو رهن الاعتقال ". لكن الملاحظة الأهم فى المقدمة هو إشارة الكاتب فى تقديمه إلى أن " عملية التشيع فى الوسط العلوى والاسماعيلى أكثر خطورة وكارثية على المجتمع السورى من تشيع المسلمين السنة بما لا يقاس (...). فالفروق بين السنة والشيعة تكاد لا تذكر، من حيث التزمت والتعصب الفقهى والطقسى، بينما تشيع العلويين والاسماعيليين والدروز هو الخسارة الحقيقية للتعددية الثقافية فى سوريا، بالنظر لأن هؤلاء هم الورثة الحقيقيون للفكر الاعتزالى وللثورة الثقافية الإسلامية فى القرنين التاسع والعاشر، وآخر بقاياها (...) فضلا عن أنها طوائف علمانية إذا جاز التعبير ؛ بمعنى أنها طوائف تفصل الزمنى عن الدينى فى عقائدها، ولا تؤمن

ص: ٤٦

أصلا بفكرة الدولة الإسلامية ". ومن هنا، يقول الكاتب، على القوى العلمانية والمعارضة فى سوريا "أن تتعاطى مع عملية تشيع هذه الطوائف باعتبارها كارثة ثقافية وطنية لا بوصفها خطرا متربصا بالبنية الديمغرافية لسكان سوريا كما يحاول أن يصور الأمر، على نحو شديد الابتزال والسطحية والانتهازية المذهبية ـ السياسية، كل من خدام وجماعة الإخوان المسلمين (...). ذلك لأن جمهور هذه الأقليات الإسلامية الثلاث هو فى الواقع الخزان الحقيقى والأهم والأكبر للحركات العلمانية واليسارية والديمقراطية (...) وبانقراض هذه الطوائف تصبح مهمة القوى الديمقراطية والعلمانية عسيرة جدا، إذ سيتوجب عليها آنذاك النحت فى الصخر السنى بدلا من الغرف من البحر العلوى ـ الاسماعيلى ـ الدرزى ـ المسيحى!"

http://www.elaph.com/ElaphWeb/ElaphLiterature/٢٠٠٧/١/٢٠٢٣٧١.htm

مع تحياتى

syrian man

عرض ملفه الشخصى

البحث عن كافة المشاركات بواسطة syrian man

٠١-١٢-٢٠٠٧, ١١:٣٥ AM

joshua

Junior Member

تاريخ التسجيل: Jan ٢٠٠٧

المشاركات: ١٤

شكرا على الرد وشكرا على نقل المقال الموضح عن هذه المسألة

وقد تفاجئت حقا عن الاعداد الهائلة بين العلويين والاسماعيلين بما يتعلق فى تغيير مذهبهم واضم صوتى الى صوتك اتمنى ان لا يتحقق هذا الامر او ان لا يكون واسع الانتشار اكثر من ذلك

ص: ۴۷

joshua

عرض ملفه الشخصى

البحث عن كافة المشاركات بواسطة joshua

۰۱-۱۲-۲۰۰۷, ۰۴:۱۲ PM

تاريخ التسجيل۲۰۰۷ Jan :

الاصلاحى

المشاركات: ۷۱

Member

أكد أن البلاد تشهد حملة واسعة لنشر التشيع الإيرانى

"هيئة علماء المسلمين" فى سورية

تتهم النظام بمحاربة المذهب السنى

«اتهمت هيئة علماء المسلمين فى سورية النظام السورى بشن حملة على الطائفة السنية التى تشكل الاغلبية الساحقة من سكان البلاد لصالح ما وصفتها بالاحزاب الخيمنية.

وقالت الهيئة فى نداء تلقت »السياسة« نسخة منه امس ان هذه الحكومة تصرفت دوما على طريقة (انا ربكم الاعلى فاعبدون) فى كافة المجالات فعاثت فسادا فى كل ما هوعمومى وخصوصى ودقيق وجليل فى حياة ابناء شعبنا وتمعن اليوم فى نقل الفساد والدمار الى اعمق نقطة ممكنة والى اخص خصوصيات الانسان المسلم السورى وهى معتقداته الدينية.

لقد حاربت هذه الحكومة فى زعمها منذ ايامها الاولى التدين فى سورية بشكل عام بحجة ان التدين يناقض مبادىء العلمانية والمجتمع المدنى والفكر القومى والاشتراكى , ولكن وبعد سنوات قليلة اتضح ان هذه الحكومة تحارب الدين الاسلامى فقط والمذهب السنى بعينه دون غيره , فلقد اطلقت هذه الحكومة العنصرية الطائفية الحاقدة العنان لاتباع كافة الديانات العشرة الموجودة على ارض سورية لممارسة التدين والدعوة والنشاط واعطت رجال الدين لكافة الطوائف كل الحقوق المفترضة لرجال الدين وفى الوقت نفسه راحت تحارب المتدينين من اهل السنة بكافة الوسائل بداية من منعهم من اطلاق لحاهم الى منعهم من اداء الصلوات فى المساجد بحرية الى حظر حرية تدريس الدين فى المساجد وحرمان رجال الدين المسلمين السنة من مرتباتهم وحقوقهم المالية والقانونية بقصد افقارهم واذلالهم وانتهاء بملاحقة علماء الدين من اهل السنة والجماعة والتنكيل بهم دون مراعاة حرمة دين او قانون او انسانية.

واضاف »لقد كان واضحا لدى علماء الدين المسلمين السنة ان هذه الحكومة الطائفية تسعى للقضاء على الدين الاسلامى السنى وذلك بمحاربة علمائه ومنعهم من اداء مهماتهم فى الدعوة والارشاد, وطبعا هذا الهدف يعنى تحقيقه القضاء على الطائفة السنية لاحقا وبشكل تام وهو هدف هذه الحكومة الحقيقى وما تدمير حماة ومجازر القرن الماضى الا بعض الادلة على حقيقة وجود نوايا الالغاء الطائفى هذه لدى حكام دمشق الطائفيين.

ص: ۴۸

وتابع النداء »لقد صاحبت اجراءات الحكومة العدوانية بحق علماء الدين المسلمين السنة اجراءات عدوانية اخرى بحق بقية ابناء الطائفة الاسلامية السنية ليست باقل عسفا وقسوة مما اصاب العلماء , فمن التفقير والتجويع والتمييز والحرمان من الوظائف العليا وحتى الدنيا وفرض البطالة والنهب المتواصل للاموال عن طريق الابتزاز والفساد القسرى والاختلاس وصولا الى الابادة الجماعية.»

واعتبر ان هذه الاجراءات القصد من ورائها دفع اتباع الاسلام السنة الى هجران بلادهم وتركها اوالتخلى عن هويتهم ودينهم والبقاء دون هوية ودون معتقد دينى تمهيدا لمرحلة اخرى اكبر واعم واعمق لتحقيق الالغاء والاستئصال لهذه الطائفة السنية كانت هذه الحكومة تعد لها بتان واصرار ولقد بدات بتنفيذها بفاعلية منذ خمسة اعوام.

وقال »هذه المرحلة تتضمن بالاعتماد على نتائج سياسات الاضطهاد والعسف تشجيع ودعم التشيع الايرانى الخمينى لينتشر فى سورية تمهيدا لتحويل اكثرية اهل السنة فى سورية الى اتباع للدين الخمينى الذى يعتنقه الان رئيس الدولة وكافة اعوانه الكبار وكافة قادة طائفته الحاكمين بالجور للبلاد السورية العزيزة.

واكد ان التسهيلات التى تقدمها الحكومة للخمينيين تتزامن مع حملة شعواء تشنها على ما تبقى من مدارس وهيئات علمية دينية اسلامية سنية فلا يكاد يمر يوم الا وتصدر فيه اوامر وتعليمات وقوانين جديدة تضيق على علماء المسلمين السنة مجال حركتهم بداية من اذلالهم الدائم على ابواب فروع مخابرات النظام ونهاية باغلاق مدارسهم ومعاهدهم التى اغلق اكثرها وما تبقى ينتظر نفس المصير.

واوضح ان اكثر المناطق المستهدفة بهذه الحملة هى اكثر المناطق السورية معاناة من سياسات التفقير والتجويع الحكومية الطائفية.

ص: ۴۹

عرض ملفه الشخصى

البحث عن كافة المشاركات بواسطة الاصلاحى

٠١-١٢-٢٠٠٧, ٠٤:٢٠ PM

تاريخ التسجيل: Jan ٢٠٠٧

الاصلاحى

Member

المشاركات: ٧١

إيران بين تصدير الفكر الشيعى وقمع الفكر السنى فى الداخل

الحرب على الفكر السنى فى إيران قديمة وتعود بأصولها إلى بداية قيام الدولة الصفوية (١١٤٨هـ ـ ٩٠٥ هـ) التى بنيت على أساس مزج القومية بالمذهبية . وكما هو معلوم فان هذه الدولة التى تبنت التشيع الاثنى عشرى مذهبا رسميا لها قامت على أبادت أهل السنة الذين كانوا يشكلون السواد الأعظم لبلاد فارس حيث لم يكن آنذاك وجود حقيقى للمذهب الشيعى الاثنى عشرى فى تلك البلاد و إذا كان من شيعة فى بعض المناطق الشمالية والشرقية لإيران فهم من الشيعة الزيدية و الشيعة الإسماعيلية من جماعة الحسن الصباح الذين كانوا يعرفون بالحشاشين. وتذكر الروايات الإيرانية أن إسماعيل الصفوى عندما فرض سلطته على مدينة تبريز أول عاصمة للدولة الصفوية واجه صعوبة بالحصول على مؤذن واحد يلفض كلمة " اشهد أن عليا والى الله " وهذا ما كان سببا فى اعتماد الشاه إسماعيل الصفوى ومن بعده ابنه طهماسب و حفيده الشاه عباس الأول على استقدام مشايخ شيعة جبل عامل فى لبنان للقيام بمهام نشر تعاليم المذهب الشيعى فى البلاد. وكان أول من دعى من لبنان لهذه الغاية هو الشيخ، نورالدين على بن عبدالعلى الكركى المشهوربالمحقق الثانى، ثم تبعه بعد ذلك آخرون من أمثال محمد بن عز الدين حسين بن عبد الصمد العاملى المشهور بالشيخ البهائى و الذى كان يعد ثانى أهم شخصية فى البلاد بعد الشاه عباس الصفوى، وغيرهم من أقرانهم اللبنانيين الذين اصبحوا فيما بعد من كبار علماء البلاط الصفوى .

ص: ٥٠

وعلى الرغم من عدم معرفة السبب الحقيقى الذى دفع بالصفويين لتغير لقب جدهم صفى الدين الاردبيلى من شيخ إلى سيد وربط نسبهم بالإمام موسى بن جعفر الملقب بالكاظم وتبنيهم المذهب الشيعى ليصبح مذهبا رسميا لدولتهم، إلا أن بعض المؤرخين الإيرانيين لا يتردد فى الربط بين رغبة الكنيسة الشرقية التى كانت تسعى جاهدة آنذاك لفتح جبهة فى الشرق لاضعاف الإمبراطورية العثمانية و أشغالها عن التقدم نحو الغرب، وبين العلاقة العائلية التى تربط تلك الكنيسة بالأسرة الصفوية حيث أن والدة الشاه إسماعيل الصفوى كانت مسيحية تنحدر من أحد أسر بلاط الإمبراطورية الرومانية. كما ربط هؤلاء المؤرخون بين قيام الدولة الصفوية و ظهور الحركة اللوثرية البروستانتية فى أوروبا. ولهذا السبب يعللون اعتماد الصفويين

على علماء شيعة لبنان لكونهم كانوا على تماس ومقربة من المسيحيين و الأفكار المسيحية دون غيرهم من علماء الشيعة الآخرون وعلى الأخص علماء شيعة العراق الذين لم ينالوا أى حظوة لدى الدولة الصفوية .

الصفويون وبعد أن فرضوا مذهبهم بقوة السيف فى بلاد فارس سعوا إلى توسيع سلطتهم ونشر مذهبهم إلى خارج الحدود وبدئوا بغزو أفغانستان و بخارى و سمرقند مرتكبين بها مجازر دامية، ثم بعد ذلك توجهوا إلى الغرب واحتلوا بغداد وحفروا قبر الإمام أبى حنيفة ثم توجهوا جنوبا واحتلوا الأحواز و أطاحوا بالدولة المشعشعيين . وبقيت حروبهم على أهل السنة قائمة حتى غزى الأفغان بقيادة محمود الأفغانى اصفهان عاصمة الصفويين واحتلها وهد ملكم. وكان الصفويون قبل سقوطهم قد شرعوا وذلک عن طريق الإكراه تارة وتارة أخرى عن طريق الإغراء .

ورغم اندحار الأسرة الصفوية و تولى الأسرة ألافشارية زمام الملک فى بلاد فارس إلا أن الحرب على الفكر السنى لم تتوقف لا فى بلاد فارس ولا خارجها وكانت الحروب المتواصلة مع الدولة العثمانية تمثل أحد اوجه هذه الحرب. ولو استثنينا فترة حكم نادر الشاه الافشارى (١١٦٠– ١١٤٨ هـ) التى شهدت ما يشبه الهدنة مع أهل السنة فان الأنظمة التى أعقبته قد واصلت منهج الصفويين وان بطرق ووسائل مختلفة. ولم يكن النظام البهلوى١٩٢٦ -١٩٧٩) م) ورغم علمانيته مستثنى عن الأنظمة الصفوية و ألافشارية و القاجارية فى هذا الخصوص. فقد كان الشاه محمد رضا بهلوى قد دعم وبشكل كبير حوزة قم و النجف أيام مرجعيات البروجردى ومحسن الحكيم و الخوئى الذين كانت لهم مؤسسات فى مصر و الهند ولبنان وغيرها من الدول تعمل على نشر فكر التشيع الصفوى. ومن طريف ما ينقله السيد طالب الرفاعى أحد وكلاء المرجع محسن الحكيم فى مصر فترة السبعينيات (وهو الذى صلى على جنازة الشاه محمد رضا بهلوى فى القاهرة حيث دفن) انه وحين كان فى زيارة لآية الله محسن الحكيم فى النجف سأله صهر الحكيم و مدير مكتبه السيد إبراهيم اليزدى الطبطبائى قائلا: له، يا سيد طالب أين وصلت فى نشر مذهب أهل البيت، هل جعلت المصريون يلعنون عمر بن الخطاب؟.

ص: ٥١

ومع انتصار الثورة وقيام نظام الجمهورية الإسلامية أصبحت سياسة تصدير التشيع الصفوى ومواجهة الفكر السنى وقمع أهل السنة فى الداخل جزء من استراتيجية نظام الجمهورية الذى عمل ومازال يعمل على تحقيق هذه الاستراتيجية عبر مختلف الأساليب والوسائل.

يتبع

Understood seek first to understand then to be

الاصلاحى

عرض ملفه الشخصى

٠١-١٢-٢٠٠٧, ٠٤:٢٤ PM
تاريخ التسجيل: Jan ٢٠٠٧
المشاركات: ٧١
الاصلاحى
Member

و بخصوص قمع أهل السنة فى الداخل الذين ينتمون إلى أقوام وشعوب إيرانية مختلفة يقول الشيخ مولوى عبد الحميد مرادزهى أحد ابرز الشخصيات الدينية السنية الإيرانية. إن السنة يمثلون ٢٥ فى المئة من ساكن إيران أى ١٨ مليون شخص وهؤلاء الملايين لا يوجد بينهم وزير أو محافظ واحد كما لا يوجد سنى واحد من بين أعضاء هيئة رئاسة البرلمان الإيرانى، و منذ ٢٧ عاما ونحن نطالب بالترخيص لنا لبناء مسجد لأهل السنة فى العاصمة طهران ولكن الحكومة ترفض الموافقة على هذا الطلب. (علما أن الدستور الإيرانى الذى وضع على أسس طائفية حرم المواطن الإيرانى السنى من تبوئ منصب رئاسة الجمهورية وجعل هذا المنصب محصورا باتباع المذهب الشيعى مثله مثل منصب مرشد الثورة .)
و قد حذر إمام جمعة مدينة زاهدان مركز إقليم بلوشستان فى شرق إيران من سياسة التمييز الطائفى الذى تمارس ضد أهل السنة قائلا: إذا لم يتم مواجهة المتطرفين ووقف تصرفاتهم التمييزية فان مخاطر كثيرة سوف تواجه الجمهورية الإسلامية و أننا نأمل من قادة النظام أن يقفوا بوجه المتطرفين الشيعة وان لا يفرضوا قيود طائفية على أهل السنة
ويضيف مولوى عبد الحميد، أن أهل السنة بذلوا قصارى جهدهم لأى لا ينقلوا شكواهم من السياسات التمييزية التى يتعرضون لها إلى الخارج حيث إن غيرتنا الإسلامية وايرانيتنا منعتنا من نقل شكوانا من المسؤولين فى النظام إلى المجامع الدولية .

ص: ٥٢

وعن الازدواجية التى يظهرها النظام الإيرانى فى ادعائه بالعمل على التقريب والوحدة بين المسلمين يقول مدير مدرسة دار العلوم الإسلامية فى زاهدان، إن مسؤولى مجمع التقريب بين المذاهب الإسلامية يسافرون إلى كل مكان فى العالم بهدف الوحدة ولكن مع الأسف أن هذا المجمع لا يعمل فى الداخل كما يظهره فى الخارج وهذا الأمر يثير لدينا التساؤل حيث نحن فى الداخل لدينا مشاكل متعددة تواجه الوحدة .مؤكداً أن حل معاناة أهل السنة أهم بكثير من قضية الملف النووى وان مواجهة العدو الخارجى لا تتم إلا بالوحدة الداخلية
قادة النظام الإيرانى الذين لم يتركوا مناسبة إلا و طرحوا فيها موضوع الوحدة الإسلامية عملوا ومازالوا يعملون على جعل مذهب التشيع وسيلة لاختراق ساحات الدول الإسلامية، فقد تمرسوا العزف على هذا الوتر الحساس الذى اصبح من اخطر التهديدات التى تواجه الدول العربية تحديدا وذلك لما لهذا الموضوع من خطر على وحدة المجتمعات العربية وسلامة أمنها. وقد أظهرت حالة الاقتتال الطائفى التى يمر بها

العراقيون اليوم والتى يلعب النظام الإيرانى دورا بارزا فى تأجيجها، أظهرت بجلاء مدى خطورة سياسة نشر الفكر الطائفى على المجتمعات العربية والإسلامية

فبعد فشل تحقيق أهدافهم فى تصدير الثورة عن طريق القوى العسكرية التى أفشلتها تجربة حرب الثمانية سنوات مع العراق، فقد لجئ قادة النظام الإيرانى إلى سياسة اعتماد التفرقة الطائفية فى البلدان العربية تحت غطاء نشر المذهب الشيعى ليسهل عليهم عملية اختراق تلك البلدان وهذا ما رأينا بعض صوره فى اليمن عبر ما دار من اقتتال بين الحكومة والمتشيعين الذين يتلقون أوامرهم من قادة لهم فى حوزة قم الإيرانية. كما أن هناك مجادلات واتهامات حادة تدور حاليا بين بعض المتشيعين ورجال دين ومثقفين فى الساحة مصر. حيث اعتبر المتشأمون أن ظاهرة المتشيعين الجدد إنما هى حركة سياسية تقف ورائها أيادى أجنبية تستهدف البلاد. وقد رد على ذلك بعض المتشيعون أن التشيع له جذور فى مصر، فالدولة الفاطمية كانت دولة شيعية. وقد استشهد بعضهم بكتاب المقريزى تحت عنوان) تعازى الحنفاء فى أخبار الفاطميين الخلفاء) الذى يقول أن الفاطميون أثناء حكمهم لمصر اعترفوا بالمذهب الشافعى والمالكى إلى جانب مذاهب الشيعة الإمامية والإسماعيلية

ص: ٥٣

كما إن موضوع إنشاء " المجلس الشيعى الأعلى فى فلسطين " على يد أحد أعضاء حركة الجهاد الإسلامى الموالية لإيران قد أثارت استغراب الفلسطينيين حيث تاريخيا لم يذكر وجود للشيعة فى فلسطين!. بالإضافة إلى هذه البلدان فقد بانت ظواهر المتشيعين فى السودان والأردن وغيرها .

بطبعة الحال ليس من حق أحد الاعتراض على الآخرين باعتناق ما يرونه مقنعا لهم من الناحية العقائدية ولكن الاعتراض أو الخشية من وقوعهم فى فخ النظام الإيرانى الذى يسعى إلى تصدير أفكاره السياسية تحت عباءة نشر فكر التشيع لأهل البيت فيما هو يواجه نشر فكر المذاهب الإسلامية السنية ويقمع أهل السنة الإيرانيون ويهدم مساجدهم ويغلق مدارسهم و يعتقل ويعدم علمائهم

ولكن ما هو ملفت للنظر أيضا أن ظاهرة انتشار الفكر السنى فى الأوساط الشيعية الإيرانية تجرى بوتيرة ربما تكون أسرع من ظاهرة المتشيعين فى بعض الأقطار العربية بكثير .والدليل على ذلك إن إقليم الأحواز العربى الذى إلى ما قبل عشرة سنوات لم تكن نسبة أهل السنة فيه تتجاوز الـ ٢٪ فقط إلا أن هذه النسبة ارتفعت الآن إلى اكثر من ١٥ %وقد دفع هذا الأمر السلطات الإيرانية إلى اعتقال زعيم أهل السنة فى الأحواز الشيخ عبد الحميد الدوسرى و الحكم عليه بالسجن ١٨ عاما بتهمة قيامه بالدعوة للفكر السنى .وهذا ما يكشف عمق النفاق فى الخطاب الإيرانى الداعى إلى التقريب والوحدة بين المسلمين .

الكاتب رئيس المكتب السياسى لحزب النهضة العربى الأحواز

ص: ٥٤

Understood seek first to understand then to be

الاصلاحى

عرض ملفه الشخصى

البحث عن كافة المشاركات بواسطة الاصلاحى

٠١-١٢-٢٠٠٧, ٠٦:١٦ PM

تاريخ التسجيل٢٠٠٧ Jan :

المشاركات: ٧١

الاصلاحى

Member

التقارب السورى الإيرانى خطر جداً على السعودية

التقارب السورى الإيرانى خطر جداً على الأمن القومى العربى ، وربما كانت المملكة العربية السعودية من أكبر الدول العربية ، ولها قيادة إسلامية ، ولها اعتدال وحكمة فى السياسة العربية والاقليمية والدولية يضعها فى صف القيادة العربية....

ولذلك تقصدها إيران ، وتريد إلحاق الضرر بها لأنها تمثل ركناً أساسياً للعرب والمسلمين...

والمملكة العربية السعودية ، حكومة وشعباً وقفت ومازالت تقف بصلابة ضد تصدير الثورة الخمينية ، وقد بات واضحاً أن تصدير الثورة الخمينية هو نشر التشيع فى العالم العربى ، واستمرار العنف الطائفى الذى بدأه الشاه إسماعيل الصفوى ، والذى حول إيران إلى دولة شيعية بعد أن كان الشيعة فيها لايتجاوزون (٣٠ ٪) من الشعب الايرانى يوم استلام الشاه إسماعيل الصفوى للسلطة فى طهران ...

يقول أحمد تمام فى (موقع إسلام أون لاين) عن الدولة الصفوية:

يمثل تاريخ الدولة الصفوية فى إيران منعطفاً خطيراً فى تاريخها، فبقيامها اتخذت إيران المذهب الشيعى الإثنا عشرى مذهباً رسمياً، وكان لهذا التحول آثاره البعيدة فى تاريخ إيران خاصة وتاريخ العالم الإسلامى عامة .

وكانت الأجواء التى تعيشها إيران فى أواخر القرن التاسع الهجرى من التمزق السياسى وشيوع الفوضى [كحال العرب اليوم ولاحول ولاقوة إلا بالله] ؛ أفضل مناخ استغله الصفويون لجذب المزيد من الأنصار، والتطلع إلى قيام دولة تدين بالمذهب الشيعى لأول مرة فى تاريخ الإسلام .

تمكن إسماعيل الصفوى وأنصاره من خوض عدة معارك ضد حكام بعض المناطق فى إيران والتغلب عليهم، وتساقطت فى يده كثير من المدن الإيرانية، وتوج جهوده بالاستيلاء على مدينة "تبريز" عاصمة آق قويونلو، ودخلها دخول الفاتحين، ثم أعلنها عاصمة لدولته .

وبدخول إسماعيل مدينة تبريز تم تتويجه ملكا على إيران، ولقبه أعوانه بأبى المظفر شاه إسماعيل الهادى الوالى، وذلك فى سنة٩٠٧) ه = ١٥٠٢م) وأصدروا العملة باسمه .

المذهب الشيعى.. المذهب الرسمى للدولة

كانت إيران سنية المذهب –وإن كانت العناصر الشيعية متمركزة فى بعض المدن مثل: كاشان، وقم، والرَّى– وعقب تتويج إسماعيل الصفوى ملكا على إيران أعلن فرض المذهب الشيعى مذهباً رسمياً للدولة دون مقدمات .

استقبل الناس هذا القرار بعدم رضا، حتى إن علماء الشيعة أنفسهم ذهبوا إلى الشاه إسماعيل وقالوا له : "إن ثلاثة أرباع سكان تبريز من السنة، ولا يدرون شيئاً عن المذهب الشيعى، ونخشى أن يقولوا: لا نريد مُلك الشيعة"، لكن إسماعيل لم يهتم باعتراضهم، وأمر الخطباء والمؤذنين أن يتلوا تشهد الشيعة (أشهد أن عليا ولى الله، حى على خير العمل) فى الأذان .

استسلم الناس لهذا الجبر فى فرض مذهب الشيعة عليهم، ما عدا بعضهم الذين لقوا حتفهم على يد إسماعيل الذى تمكن من فرض المذهب الشيعى بحد السيف، بالإضافة إلى سعيه لإنشاء عدد من المدارس لتدريس المذهب ونشره بين الناس .

بشار الأسد الصفوى اليوم:

ذكر القادمون من داخل سوريا ، أن كل من يعارض موجة (التشيع) القائمة على قدم وساق اليوم فى

ص: ٥٦

سوريا عامة ، وفى محافظة الرقة خاصة ، كل من ينتقد أو يعارض أو يعبر عن عدم سروره بتشيع بعض المواطنين السوريين الفقراء من القبائل العربية فى (الرقة) ، كل من يعارض ذلک التشيع يعتقل من قبل وحدات الأمن السورية ، ويتهم بأكبر تهمة توجه فى سوريا اليوم ، وهى أنه) وهابى... (

وفى موقع سوريا الحرة اليوم الأحد (٢٠٠٦/٩/١٠) : أعلن عمار قربى اليوم أن السلطات السورية ، اعتقلت فى (٢٠٠٦/٨/٢٣) خمسة عشر مواطناً فى محافظة الرقة على (خلفية دينية) محظورة ، بعضهم من الطلاب والموظفين وذوى أعمال حرة وبتعبير آخر أنهم ممن يقاومون حملة التشيع....
يتبع

ص: ٥٧

گزارشگر : مهدی فردوسی مشهدی

چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ داخلی » آرشیو گفتگو » بین الملل

مرجع : آینده روشن

خبرگزاری آینده روشن به منظور آگهی از نظرات شیخ سید عبدالله نظام، مفتی شیعیان دمشق در خصوص امام مهدی (عج(، انتظار و چگونگی ظهور با وی گفت و گویی انجام داده است که در زیر می خوانید .

برای بالابردن سطح آگاهی عمومی نسبت به مسئله انتظار چه پیشنهادی دارید؟

برای ما شیعیان اهل بیت حقیقت امامت و امامت حضرت مهدی (عج) خیلی اهمیت دارد، چون حقیقت دین محمدی به دست ایشان اجرا خواهد شد و وقتی امام از ظهور به غیبت منتقل شدند این انتقال حتما باید علتی داشته باشد، چرا ایشان الان در حال ظهور نیستند؟ چون حال و احوال تشیع هنوز به این حد و قدرت نرسیده است که امام ظاهر باشد خود شیعیان آماده نیستند مثلا در زمان متوکل عباسی امام عسکری (ع) به پیروان خود می گفت: به من نگاه نکن یا به من سلام نکن شاید فاصله کمی هم بین ایشان و شیعیان بوده است ولی این را می گفتند و به شکل شدیدی تقیه می کردند و باید با ایشان مانند یک انسان معمولی برخورد می شد در این فضا دیگر وجود امام فایده ندارد، ظهور امام تأثیری نخواهد داشت یعنی وقتی من نتوانم بپرسم، گفت و گو کنم و کلمه ای با ایشان صحبت داشته باشم حالت ظهور فایده ای ندارد و پیامد های آن خطرناک است، از این جهت غیبت امام یعنی مسئولیت ما پیروان. باید شیعه به یک حدی برسد که وقتی حضرت می آید از حداقل پیروان برخوردار باشد و این مسئولیت شیعه است .

انتظار مسئولیت می آورد

امام معصوم فرمود «ما عبد الله بأفضل من الانتظار» این انتظار به معنای انتظاری ساده نیست این به معنای یک کار و فعالیت است تا زمینه آماده ای برای ظهور درست شود بنابراین خواب و رؤیا و این طور چیزها اهمیت ندارد باید کاری اساسی برای تربیت جوانان و تفهیم مسائل دینی و رشد عقول مردم انجام شود

متأسفانه اکثر کسانی که راجع به امام مهدی (عج) نوشته اند مسائل غیبی و معجزه و کرامت و علائم ظهور و ... را ذکر می کنند، ولی من می گویم واجب ما در عصر غیبت این ها نیست در حال حاضر باید به جوانان و مردم

مسائلی علمی و اساسی مرتبط با امامت و زمینه سازی برای ظهور ایشان آموزش داده شود. مطرح کردن این شکل از تفکر و مسائل بین مردم بهترین کاری است که می تواند انجام شود .

به نظر شما برای رفع سوء تفاهم پاره ای از اندیشمندان که جنگ و خونریزی را پیامد ظهور موعود شیعه می دانند، چه باید کرد؟
اینجا دو مسئله است یکی این که محور کار امام چیست؟ و دیگری این که درباره معادیان و ستیزه جویان چه خواهد کرد؟
در مسئله اول با گفتگو و منطق، روشن گری خواهد کرد اما وقتی به سمت این چیزها حرکت کرد و ستمگران مانع کار شدند و با خشونت رفتار کردند و عناد به خرج دادند حضرت از در دفاع بر خواهد آمد و حتما جنگ در این جهت اتفاق خواهد افتاد. ولی این جنگ از سوی منحرفان و طاغیان شروع خواهد شد از این جهت می گوییم او «امام» است» .امام» یعنی حافظ دین و حفاظت دین هم از طریق گفت و گو و هدایت و تبیین مسائل خواهد بود ولی در مقابل، وقتی ستیزه گران خشونت به خرج دادند و با فشار و شمشیر و ... جلو آمدند حضرت به دفاع برخواهد خواست .
امام حافظ دین است و هیچ گاه حرکت های خشونت آمیز را شروع نمی کند بلکه تنها دفاع می کند .

حرکت های ظلم ستیزانه در سراسر عالم پیام آور صلح جهانی و در جهت ظهور منجی هست یا خیر؟
برای اسلام دو جنگ هست یک جنگ با فساد و فحشا و جنگ دیگر با افراطیون و افراد رادیکال مثل طالبان که «ترور» در صدر فعالیت های ایشان قرار دارد .
این ها خیلی برای اسلام محمدی اصیل خطرناک است جوانان تحت تأثیر ایشان قرار می گیرند و رهبران آن ها خود تربیت شده ابرقدرت ها هستند .
جنگ دیگر با فساد و فحشا است. الان کانال های زیادی برای فساد و فحشا شبانه روز فعالیت می کنند و متأسفانه در بعضی کشورهای اسلامی نمی توانند با این ها مقابله کنند و بالاخره جوانان ما یا به سوی فساد و فحشا می روند یا به سمت فکر افراطی و رادیکال و حضرت با هر دوی این ها جنگ خواهند کرد .
افراد زیادی در کشورهای مستضعف حرکت های صلح آمیز انجام می دهند، ولی مشکل ما با کشورهای مستکبر است که این دو جنگ را پشتیبانی می کنند .

مشکل عالم اسلامی تربیت جوانان است، متأسفانه در همه جا یا افراط می کنیم یا تفریط یا به کرامات و خواب و امور غیبی و ... می چسبند که حجیت هم ندارد و به نتیجه هم نمی رسد یا این که در سوی دیگر فقط مسائل علمی را به شکل خشک و بدور از مسائل معنوی و روحی به مردم منتقل می کنند ما باید به طور معتدل امور غیبی را حفظ کنیم و بعضی از آن ها حجیت دارند ولی از طرفی باید مسائل فکری و علمی برای ارتقاء سطح

دانش و فکر مردم بیان شود .

آیا نشر این نوع از تشرفات و وقایع خاص در سطح جامعه را تجویز می کنید؟

نباید همه ذهن مردم با این مسائل پر شود من اگر زمانی برای مطالعه اختصاص می دهم نباید همه وقت را صرف خواندن این مسائل بکنم .

عده ای از اهل شام رفتند خدمت امام صادق (ع) و از حضرت برای مناظره دعوت کردند حضرت فرمود: من خودم مناظره نمی کنم ولی سه نفر از شاگردانم را می فرستم یکی از این ها هشام بن حکم بود نفر اول با رقیب خود گفت و گوی زیادی کردند ولی به نتیجه نرسیدند. نفر دوم گفت و گوی زیادی کرد تا طرف خود را مغلوب کرد. ولی هشام دو سه کلمه که گفت طرف مقابل مغلوب شد. حضرت امام به نفر دوم گفتند: «لقد صعدت عالیا و هبطت واطئا و ان قلیلا من الحق لیغنی» یک چیز کمی از حق و به طور صاف و روشن تأثیر گذار خواهد بود .

شیوه هشام بیان اندکی از حق بود. مسئله ما همین است که برخی از آقایان خیلی رعایت نمی کنند درباره سخنان و نوشته های خود کمی از حق و کمی از باطل را مطرح می کنند و این مشکل اصلی ما است وقتی کلمه ای نادرست و باطل باشد بر کلمات درست و حق هم تأثیر می گذارد. ما باید رعایت دقت را داشته باشیم حتما باید آقایان دقت لازم را داشته باشند .

هجرت به کویر در باره سید محسن امین

نامه های فراوانی که شیعیان دمشق سمت نجف فرستادند، سرانجام سودمند واقع شد و دانشور بزرگ خاندان امین را به خدمت در آن سامان مشتاق ساخت . بنابراین در واپسین روزهای جمادی الثانی سال ۱۳۱۹ ق . نجف را – پس از دو سال و نیم اقامت – ترک گفته ، رهسپار دمشق شد و در روزهای پایانی شعبان بدان شهر رسید.

ص: ۶۱

بزرگ نمایی اتهامات تکراری علیه شیعیان در آستانه محرم

شبکه العربیه با مصاحبه با مسوول مسجد اموی دمشق به بررسی فعالیت شیعیان در این مسجد پرداخت.

زاهر شیبانی، مسوول مسجد اموی دمشق در این مصاحبه اعلام کرد فعالیتها و سینه زنی شیعیان ایران فقط در قسمت راس الحسین (علیه السلام) انجام می شود و داخل صحن مسجد نیست.

این اولین پاسخگویی رسمی مسجد اموی به مطالب گفته شده اخیر درباره عزاداری و سینه زنی شیعیان در مسجد اموی است.

پیش از این سایتهایی اینترنتی و انجمنهایی در سوریه با انتشار یک نامه از شخصی مجهول با امضای"یک هموطن سوریه ای مسلمان" منتشر کرده بودند که در آن با اظهار تعجب از اینکه شیعیان را در این مسجد مشغول سینه زنی دیده بوده و صدای گریه ایشان در ان شنیده، گفته است این مسجد متعلق به اهل سنت است ! و نباید درآن رسوم شیعیان انجام شود.

مسوول این مسجد در اولین اظهار نظر رسمی به پاسخگویی در اینباره پرداخت وگفت: زائران شیعه ایرانی همراه با راهنمایشان به اینجا می آیند وداخل حرم مینشیند و راهنما برای آنها وقایع را توضیح میدهد. بعضی از زائران از حرفهای او متاثر میشوند و به گریه می افتند. اما انجام بعضی مراسم شیعی فقط داخل "مشهد امام حسین(علیه السلام) انجام میشود و درون صحن یا حرم مسجد نیست.

وی ادامه داد "این سینه زنی به شکل دردناک نیست. بلکه به آرامی بر سینه می زنند و در اثنای آن به زبان فارسی صحبت میکنند که ما متوجه نمیشویم چه میگویند. وی تاکید کرد زائران شیعه هیچگونه تجمعی در صحن مسجد ندارند.

گفتنی است تعدادی از معارضان داخلی سوریه، اخیرا سخنان تحریک آمیزی درباره فعالیت شیعیان، و عزاداری آنها در این مسجد و تبلیغ مذهب شیعه پرداخته بودند.

این سخنان با واکنش دو روحانی شیعه سوری،عبدالله نظام و نبیل حلفاوی روبرو شد که خواستار ارئه سند و مدارک این حرف شدند. و اعلام کردند که شیعیان سوریه در امور مساجد و ائمه جماعات، تابع وزارت اوقاف سوریه هستند.

ص: ۶۲

همچنین عبدالله نظام جلسات درس فقه شیعی در این مسجد را تکذیب و اعلام کرد: این مسجد معلق به برادران اهل سنت است و دروس فقهی اهل سنت در ان ارائه میشود.تنها در ماه رمضان من (عبدالله نظام) یک روز به

این مسجد دعوت شدم و ۷ دقیقه راجع به حدیثی سخن گفتم. آیا برای شیعیان ۷ دقیقه صحبت کردن آنهم از تنها یک حدیث زمان زیادی است؟

ص: ۶۳

چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۸۶ ۱۵:۵۵ شماره خبر : ۲۱۰۸۲۴

بزرگداشت آیین عزاداری سالار شهیدان در حرم بانوی کربلا

گروه بین‌الملل: آیین عزاداری ایام شهادت سرور و سالار شهیدان هم‌زمان با فرارسیدن ماه محرم به همت دفتر بعثه مقام معظم رهبری در سوریه،در حرم بانوی کربلا برگزارمی‌شود.

«وحید شه‌بخش»، عضو دفتر مقام معظم رهبری در سوریه در گفت‌وگوی تلفنی با خبرگزاری قرآنی ایران(ایکنا) با اعلام این خبر گفت: این مراسم با حضور عزاداران و عاشقان حسینی از امشب ۱۹ دی‌ماه جاری آغاز خواهدشد و تا ۱۲ محرم نیز ادامه‌دارد.

شه‌بخش با اشاره به مراسم ویژه ایرانیان در حرم بانوی کربلا افزود: این مراسم امروز پس از اقامه نماز مغرب و عشاء در مصلای امام خمینی(ره) حرم مطهر حضرت زینب(س) آغازمی‌شود و حاضران در این مراسم با برنامه‌هایی همچون نوحه‌سرایی و سخنرانی ارادت ویژه خود را به سومین امام شیعیان ابراز خواهندکرد.

عضو دفتر مقام معظم رهبری در سوریه در ادامه تصریح‌کرد: در این مراسم «شریعت‌زاده»، یکی از خطیبان اعزامی از ایران سخنرانی خود را با موضوع نهضت عاشورای حسینی ارائه‌خواهدداد.

وی برگزاری مراسم ویژه شیعیان عرب‌زبان سوریه در حرم حضرت زینب(س) را از دیگر برنامه‌های ویژه این ایام دانست و گفت: این مراسم فردا پنج‌شنبه ۲۰ دی‌ماه جاری پس از اقامه نماز مغرب و عشاء آغازمی‌شود و با سخنرانی عربی شریعت‌زاده همراه خواهدبود.

وحید شه‌بخش در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مراسم ویژه دفتر مقام معظم رهبری در سوریه گفت: مسئولان این دفتر نیز هم‌زمان با فرارسیدن ایام شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین(ع) ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز پنج‌شنبه، میزبان گروهی دیگر از شیعیان سوری خواهدبود.

عضو دفتر مقام معظم رهبری در سوریه:

شیعیان مناطق مختلف دمشق همچون «حی الامین»،«حی امام زین‌العابدین(ع)»،«حی محسنیه»،«حی صالحیه» و شیعیان منطقه «باتبوما» و سیده زینب(س) دمشق نیز مانند دیگر هم‌کیشان خود با برگزاری آیین ویژه‌ای به عزاداری و سوگواری خواهندپرداخت

ص: ۶۴

عضو دفتر مقام معظم رهبری در سوریه در پایان با اشاره به برگزاری آیین عزاداری در حسینیه‌های مناطق شیعه‌نشین این کشور افزود: حسینیه‌های مناطقی همچون «حی الامین»، «حی امام زین‌العابدین(ع)»، «حی محسنیه»، «حی صالحیه» و شیعیان منطقه «باتبوما» و سیده زینب(س) دمشق نیز مانند دیگر هم‌کیشان خود با برگزاری آیین ویژه‌ای به‌مناسبت گرامی‌داشت یاد امام حسین(ع) و یاران باوفای ایشان به عزاداری و

سوگواری خواهندپرداخت.

ص: ۶۵

یا ۸۸٪ ساکنان سوریه مسلمانند و بقیّه مسیحی و اندکی یهودی هستند که از قدیم الایّام در این کشور زندگی می کنند و نیز اقوامی از چرکس، کرد و غیره در نواحی مختلف ساکنند .

شیعیان در سوریه اندکند و نفوس آنان بین دویست تا پانصدهزار حدس زده می شود و در این میان نام مجتهد بزرگ شیعه سید محسن امین صاحب اثر ارزشمند «اعیان الشیعه» بیش از سایر نامها می درخشد و او را به حق «خاتمة المجتهدین» آن سامان خواندهاند که در واقع کسی جایگزین آن مرد بزرگ نشده است.

شیعیان کنونی سوریه در طیفهی زیر می زیند:

ـ شیعیان تحت رهبری سید علی مکّی ، او بر بیشتر مساجد شیعه و اکثر شیعیان سوریه نفوذ دارد. مناطق حی الأمین، حی الإمامالصادق و حی الامام زینالعابدین سه منطقه تمرکز شیعه است و

مسجد امیرالمؤمنین که از مساجد مهمّ شیعیان است علاوه بر اقامه نماز جماعت در آن، مرکز فعّالیتهی تبلیغی و آموزشی و خدماتی است ودر حی الأمین دمشق قرار دارد.

ـ شیعیان طرفدار سید محسن امین ـ رحمةالله علیه ـ هستند که بر اداره چندین مسجد اشراف دارند و به کارهی تبلیغی و فرهنگی عبادی مشغولند.

ـ شیعیان طرفدار انقلاب اسلامی ایران که در زینبیّه مستقرّند وداری مجتمعها، حوزه علمیه و نماز جمعه و جماعت می باشند ونمایندهی از سوی مقام معظّم رهبری آن را اداره می کند

ارسال شده بوسیله جعفر در مورخه :پنجشنبه پنجم بهمن ۱۳۸۵

-۴ادیان و مذاهب در سوریه:

مردم در سوریه به دو بخش فرقه های مسلمان و اقلیتهای دینی تقسیم میشوند :
فرقه های مسلمان در سوریه پنج فرقه اساسی هستند که عبارتند از: علویها – سنی ها - اسماعیلیه ها – شیعیان –دروزیها .

با توجه به اینکه ۷۰ درصد این ترکیب مذهبی را اهل تسنن در سوریه تشکیل میدهند (۱۰ میلیون) بزرگترین فرقه مذهبی این کشور محسوب میشوند، علویها اکثراً در منطقه ساحلی تجمع دارند و ۱۲ درصد کل جمعیت را تشکیل میدهند عقائد خاص خود را دارند، اما اکثریت آنان خود را جزئی از شیعیان ۱۲ امامی میدانند، علویها در گفتگوها و نوشته های خود دائماً مظلوم نمایی می کنند و آنچه در تاریخ بر سر شیعیان آمده به خود نسبت میدهند بویژه در کتب خطی آنان مسأله گواهی دادن به الوهیت علی(ع) به فراوانی مشهود است. مؤسس مذهب علوی فردی بنام ابو شعیب محمد بن نصیر یمزی بوده است بع همین خاطر این طایفه به نصیری معروف گردیدند. بافت جامعه علوی عشییره ای است و در رأس فرقه مشایخ " قرار دارند که بر فرقه و عشیره ریاست می کنند. اگر چه سوریه بر اساس مردم حزب بعث (غیر مذهبی) اداره میشود لکن شخص اول حکومت که در رأس حزب بعث قرار دارد علوی مذهب است. دروزیها حدوداً ۱۵۰ هزار نفر هستند که در منطقه سویداو جولان اشغالی زندگی می کنند این فرقه عقائد خاص خود را دارند و بر این باورند که جزو فرقه دروزیها سوریه و فلسطین اشغالی هستند .اسماعیلیها فرقه منزوی از جامعه سوری هستند که حدوداً ۳۰۰ هزار نفرند. این فرقه در عین پایبندی به اعتقادات خود با فرقه علویها ارتباط دارند. شیعیان شمار تقریبی آنان ۸۰ هزار نفر در پایتخت سوریه و حومه چند شهر اساسی حمص –حماتا و حلب اقمت دارند .
اقلیتهای غیر مسلمان شامل مسیحیان و یهودیان هستند. مسیحیان خو د در سوریه ۱۰ فرقه مذهبی هستند که بطور کلی ۱۴ درصد کل جمعیت را تشکیل میدند ودر شهرهای دمشق و حلب و شهرهای ساحلی و شمال شرقی سوریه ساکنند

یهودیان به ۴ هزار نفر میرسند که بیشتر در دمشق و حلب زندگی می کنند. اسرائیل خواهان خروج آنان از سوریه و مهاجرت به فلسطین اشغالی است. سوریه هم در این اواخر در چهارچوب مانورهای سیاسی در روند مذاکرات صلح خاورمیانه با خروج یهودیان سوری از این کشور موافقت کرده و اکنون تعداد کمی از آنها در سوریه باقی اند .

ص: ۶۷

بطور کلی میتوان گفت که سوریه و لبنان گوناگونترین کشورهای خاورمیانه از نظر مذهبی هستند و سوریه پیوسته محل برخورد اقوام و نژادها و عقاید و فرهنگهای مختلف بوده است. البته هر تازه واردی در بدو ورود خود به سوریه متوجه نفوذ دین در آداب و رسوم مردم و فرهنگ حاکم بر جامعه میشود میتوان گفت که در

سوریه شعائر مذهبی رعایت میشود و مردم خود را حقیر به آن میدانند از قبیل نماز جماعت و برگزاری مراسم و اعیاد مذهبی و.....حکومت نیز بر پایبندی به شعائر مذهبی حتی در سازمانها و دوایر دولتی تأکید دارد خاصه در ایام ماه مبارک رمضان و ایام حج.

حکومت سوریه به واسته سوسیالیست بودن دیدگاه خاصی به مذهب دارد با پیروزی انقلاب اسلامی ایران دولت سوریه نسبت به دین توجه خاصی‌نموده است .

در قانون اساسی مصوب ۱۹۷۳ کشور سوریه آمده است که دین رئیس جمهوری باید اسلام باشد .

نمی توان گفت جامعه سوریه آن تجانس اسلامی را که جوامع ایران و مصر به منایش می گذارند در خود داشته باشند. ریشه این شرایط شاید سابقه تاریخی سوری ها در تأثیر پذیریهای گوناگون می باشد که از جزم گرایی در تعهدات اسلامی آنها کاسته است. اخوان المسلمین که یک جنبش اسلامی است در سوریه هرگز نتوانست مانند سلف خود در مصر ریشه پیدا کند یا مانندتشکیلات مذهبی ایران قشرهای وسیع مردم را گرد خود آورد .

دنیای شیعه : سوریه

سوریه کشوری در خاورمیانه و پایتخت آن، شهر تاریخی دمشق است. در گذشته سوریه، لبنان، فلسطین و اردن جزو سرزمین شام بوده اند. این منطقه، تاریخی پنج هزار ساله دارد و تمدن های بزرگی در این سرزمین به وجود آمده است.

پیش از فتح این کشور به دست مسلمانان، قوم های مختلفی از جمله اقوام سامی، آموری، آرامی، مصری، آشوری، بابلی، یونانی، رومی و ایرانی در این کشور سکونت داشته و نشانه هایی از تمدن خویش را در این سرزمین به جا گذاشته اند.

با فتح شام در سال سیزده یا شانزده هجری به وسیله سپاه اسلام، فرهنگ غنی اسلامی بر تمدن های پیش از خود غلبه یافت.

از یک سو علاقه ساکنان تازه مسلمان و حاکمان اسلامی آن به دعوت مردم به اسلام و از سوی دیگر پویایی تمدن اسلام، نیرویی فعال در میان آنان پدید آورد تا برای تثبیت و تحکیم این دین، به ساخت مساجد، بناهای مذهبی، مدارس و دارالقرآن ها بپردازند که امروزه صدها اثر تاریخی در این سرزمین ساخته شده است. حضور ده ها تن از یاران و شماری از بازماندگان اهل بیت پیامبر و مهاجرت آنان به این ناحیه برای گسترش عقاید اسلام، بسیار اهمیت دارد. پس از گذشت قرن ها، بسیاری از مسلمانان، مشتاقان و ارادت مندان اهل بیت برای زیارت آرام گاه های یاران و نوادگان پیامبر، به ویژه مرقد مطهر زینب(س) و رقیه(س) به سوریه می آیند.

در قرن های پنجم و ششم هجری که برابر با جنگ های صلیبی بود، حاکمان مقتدر و دین داری در این کشور حکم رانی می کردند و پرچم جهاد علیه صلیبی ها و رومیان را برافراشته بودند. سردارانی چون نورالدین محمود زنگی، صلاح الدین ایوبی، ملک عادل ایوبی، ملک ظاهر بیبرس، سیف الدوله حمدانی و... از مفاخر جهان اسلام بوده اند.

از جمعیت هجده میلیونی سوریه، ۸۶ درصد مسلمان و ۱۳ درصد مسیحی هستند. شیعیان سوریه به تحصیلات و کسب علم توجه ویژه ای دارند و در بسیاری از برنامه های فرهنگی و سیاسی فعال هستند. با این که اکثر مسلمانان سوریه سنی هستند و شیعیان قرن ها توسط عثمانی ها تحقیر شده اند، اکنون این کشور را شیعیان اداره می کنند.

ص: ۶۹

پیوند مردم و دولت ایران با مردم و دولت سوریه بسیار خوب است و بسیاری از مردم ایران برای سفر زیارتی به این کشور مسافرت می کنند. در سوریه مکان های تاریخی و زیارتی بسیاری وجود دارد که برخی از این مکان ها را برای آشنایی شما برمی شماریم:

حرم مطهر حضرت زینب(س)، حرم حضرت رقیه(س)، مقام حضرت سکینه(س)، مقام حضرت ام

کلثوم(س)، مقام رأس شهدا، مقام حضرت یحیی(ع)، جایگاه اصحاب کهف، بازار شام و... .

زینبیه

روستای راویه که امروزه به شهر ((السیده زینب)) معروف است در شش کیلومتری جنوب دمشق قرار گرفته و حرم مطهر حضرت زینب(س) در آن جا قرار دارد. موقعیت زینبیه نسبت به دمشق, مانند شهر ری به تهران است. آیه الله شهید سیدحسن شیرازی ـ که حکومت عراق او را در ۱۹۷۰ به سوریه تبعید کرد ـ در تشویق شیعیان سوریه برای سکونت در شهر زینبیه نقش به سزایی داشت. معماری حرم, به سبک ایرانی ـ اسلامی است که ده هزار متر مربع وسعت دارد .مقبره سید محسن امین عاملی, صاحب اعیان الشیعه در داخل حرم و آرامگاه دکتر علی شریعتی در کنار حرم قرار دارد که رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مشغول ساختن گنبدی به روی آن است.

وقفـة مع دراسـة عن التشيـع فى سـوريا

نشـر موقع إيـلاف (شبه الرسمى) فى سوريا يقول :

صدرت مؤخراً أول دراسة من نوعها فى هذا المجال قام بها باحثون ميدانيون على مدى ستة أشهر بناء على طلب إحدى الجهات الأوروبية الرسمية، وبتمويل منها. وتتناول الدراسة عملية "التشيع" فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ـ ٢٠٠٥)، مع ملحق إضافى تناول النصف الأول من العام ٢٠٠٦، أعد الدراسة تسعة باحثين ميدانيين متخصصين فى مجال علم الاجتماع وعلم الاجتماع السياسى والإحصاء، ويشتركون فى أنهم جميعا علمانيون ونشطاء فى حركات "المجتمع المدنى" السورية.

وقد جاءت الدراسة فى ٣٢ صفحة وتحت عنوان: (عملية التشيع فى سوريا ١٩٨٥ـ ٢٠٠٦، دراسة اجتماعية- إحصائية)، وأجريت الدراسة بشكل سرى وبعيداً عن الأضواء، كما جرى إغفال أسماء الباحثين والاحتفاظ بها على وثيقة مستقلة لدى الجهة الممولة فى بلجيكا. وقدم للدراسة الكاتب والصحفى السورى نزار نيوف. وهو متخصص أكاديمى فى الاقتصاد والعلوم السياسية والتاريخ الاقتصادى- السياسى المقارن للديكتاتوريات فى حوض المتوسط.

خلص البحث إلى نتائج تشير إلى أن إجمالى المسلمين المتشيعين فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦) لا يتجاوز (٦٢) ألفا، أغلبيتهم الساحقة من أبناء الطائفة العلوية، ولا تتجاوز نسبة المسلمين السنة فيهم (١٥٠٠) مواطن! [يبدو لى فى الغالب هذه الأرقام حتى ٢٠٠٥ولاتشمل عام ٢٠٠٦ حيث اشتدت وتيرة انتشار التشيع بعد تمثيلية حرب لبنان] ، والعدد الإجمالى للعلويين الذين تشيعوا يبلغ حوالى (٥٢٧٠٠) شخص. و(٧٤٠٠) شخص إسماعيلى. واستنادًا إلى هذه الأعداد تكون نسبة المتشيعين فى كل مذهب خلال الفترة المذكورة ٨٥٪ فى الوسط العلوى !!! ؛ ١٣٪ فى الوسط الإسماعيلى؛ و٢٪ فقط فى الوسط السنى.

استخلصت الدراسات ستة مؤشرات أساسية من عملية التشيع فى سوريا:

١ـ معظم حالات التشيع جرت وتجرى فى الوسط الإسلامى المعتبر تاريخيا وفقهيا من "العائلة الفقهية الشيعية" (إسماعيليون، وعلويون...).

ص: ٧٢

٢ـ نسبة التشيع المتواضعة جدا (٢٪) فى الوسط السنى لا تسمح بالحديث أبدا عن "عملية تبشير شيعى" فى هذا الوسط، خصوصا إذا أخذنا بعين الاعتبار أن قسما من هؤلاء ينحدرون أصلا من عائلات شيعية "تسننت" مع الزمن لاعتبارات مختلفة.

[أقول : هذه النتيـجة تتناقض مع الواقع كما هو فى عام (٢٠٠٦) ، فقد تناقلت الأنبـاء تشيع قـرى بكاملها ـ مثل قرية زرزور قرب جسر الشغور ـ ، كما تناقلت الأنباء بنـاء عشـرات

الحسينيات فى دمشق ، وحلب ، والرقة ، وحوران .....وفى الغالب لم تشمل الدراسة العام (٢٠٠٦) وهو الأكثر تشيعاً كما أسلفت ...، كما قالت الأنباء عن بناء كلية شريعة تدرس المذهب الجعفرى فى الرقتة أو حولها ، يلتحق المتخرجون منها فى قسم لمتابعة الدراسة ثم يتخرجون دعاة للمذهب الشيعى ... ووصلنا تقرير من الأستاذ سرور زين العابدين وهو باحث ثقة وكفء يتكلم فيعه عن التشيع فى حوران يذكر فيه بناء حسينيتين ، كما يذكر فيه نشاط داعية التشيع فى حوران ـ زيدان الغزالى ، مدرس فلسفة ـ الذى ينفق الملايين فى دعوته هذه ...

كما ذكر قادمون أن مدرسين اثنين على الأقل يدعوان إلى التشيع فى ريف حماة : أحدهما من قرية بسيرين جنوب حماة ، وهو من بيت (الياسين) ، ومدرس آخر فى قرية (صماخ) كلاهما من الناشطين للدعوة إلى التشيع ...] .

٣ـ تدعى الدراسة أن نسبة المتشيعين لأسباب اقتصادية– مالية (الوضع الاقتصادى– الاجتماعى) لا تسمح بالحديث عن "ظاهرة تشيع مأجور" أو "ظاهرة ارتزاق مذهبى".

[أقول : هذه النتيجة تناقض ماتقوله الدراسة نفسها ، فقد جاء فى الدراسة :

(سجلت الدراسة "مفارقة طريفة" فى هذا المجال، وهو أن بعض السنة المتشيعين – وخصوصا طلاب الجامعات منهم– غير ملتزمين دينيا، وكان تشيعهم، حسب ما أفادوا للباحثين، "لأنهم أرادوا الحصول على مبلغ مالى لتسديد نفقات الدراسة أو الزواج رغم أن الالتزام الدينى، سواء أكان سنيا أو شيعيا، إسلاميا أو مسيحيا، لا يعنى لهم شيئا". وهو ما يمكن أن يصنف تحت عنوان "الانتهازية".

و تتابع الدراسة فتقول : فى إطار التشيع فى الوسط العلوى، أشارت الدراسة إلى أن الأغلبية الساحقة من المتشيعين (حوالى ٧٦٪) هم من الطلاب أو العاطلين عن العمل.) .

[أقول : هذا يؤكد كما يلاحظ أن الأسباب الاقتصادية ـ المالية لها دور كبير فى انتشار التشيع فى سوريا ، سواء فى الطائفة السنية أو الطائفة العلوية ...والنظام الإيرانى يبذل مئات الملايين من أجل تصدير الثورة الإيرانية (أى نشر التشيع) بكافة الوسائل ومنها الوسائل العسكرية كما فى العراق ، والوسائل الاقتصادية كما فى سوريا ولبنان وفلسطين .... وقد تعاون النظام الأسدى الذى أفقر الشعب ونهب خيراته ، مع النظام الإيرانى الذى يبذل الملايين من أجل نشر التنشيع فى سوريا ....ومن ذلک أن ميزانية حزب الله تصل مائتى مليون دولار سنوياً ... ويقول الأستاذ سرور فى تقريره عن التشيع فى حوران أن زيدان الغزالى يتصرف بالملايين ويدفع لكل من يتشيع مالاً للعمل أو الزواج ، كما يبنى الحسينيات فى حوران ....]

وتسهم الدول العربية (السـنية) بشكل غير مباشر وغير مقصود عندما تقف مقاطعة حكومة حماس فى فلسطين ، وتسهم فى تجويـع الشـعب الفلسطينى ، الذى تلـوح لـه حكومة طهران بالملايين إذا مشـى مع السياسة الإيرانية ، ومنها نشـر التشيع فى فلسطين ...

وختاماً أتمنى أن تعمل إيـران على نشـر الإسـلام فى أوربا وأمريكا وأفريقيا وأستراليا ، والهنـد واليابان والصين ...حيث (غير المسلمين) ، وحيث مازال كثير من البشـر يعبدون البقـر ، ويعبدون النـار ، ويعبدون الأوثان فى أفريقيا وغيرها ... كما يوجد الملايين من البشر فى أوربا وأمريكا ملحدون ، لايعبدون سوى شهواتهم ومصالحهم ....وهناك حيث ذكرت ميـدان واسـع لنشـر الإسلام ، والاستفادة من ملايين الدولارات الإيرانيـة التى تنفـق على نشـر التشيع بين المسلمين ....مما لايقصد بـه وجـه الله عزوجل ... بل يقصد بـه محاربـة الله ورسوله وآلـه وصحبـه والمؤمنين ....

أصلح الله المـسلمين ، ورفـع البغضـاء والشـحناء من بينهم ، وهداهم إلى التعاون على البـر والتقـوى ، وأبعدهم عن الصراع المذهبى والطائفى ...إنـه على كل شـىء قدير ....

الدكتور خالد الاحمـد كاتب سورى فى المنفى

العلويون فى سوريا و تحديات المرحلة الراهنة

حمدى شريف
london١٥١٤@hotmail.com
الحوار المتمدن – العدد: ١٧٢٥ – ٢٠٠٦ / ١١ / ٥

تواجه الطائفة العلوية فى سوريا و العالم أحد أهم التحديات التى واجهتها خلال مسيرة حياتها إن لم يكن أهمها على الإطلاق و تعود أهمية هذه المرحلة لكونها مرحلة إعادة تكوين الشرق الأوسط من جديد و فى ظل احتدام الصراع بين الشرق و الغرب و دخول العراق فى المجهول و عدم حسم المعركة فى لبنان حتى الآن لذلك باتت سوريا هى الفصل فإذا حسمت فيها المعركة لمصلحة إيران ستحسم لها فى لبنان لمصلحة حزب الله و فى العراق لمصلحة فيلق بدر و إذا حسمت لصالح أمريكا ستحسم لها فى لبنان لصالح قوة ١٤ آذار و فى العراق لصالح القوى الديمقراطية العلمانية لذلك لن يتراجع أى طرف من الطرفين أو يتهاون فى مسألة حسم معركة سوريا لأنها لا تعنى سوريا وحدها بل تعنى الشرق الأوسط كله و هنا يضع بشار الأسد الطائفة العلوية فى المكان الخطأ بدلاً من أن تكون على مسافة واحدة من جميع الفرقاء فى الشرق و الغرب كما كانت أيام والده الجميع يطلب ودها و يريد رضاها اتخذ موقف مع أحد أطراف النزاع مما جعل الطائفة فى قلب المعركة لذلك فهى تواجه عدة تحديات لكى تتمكن من الخروج من هذا النفق المظلم أهمها :

١– تحدى الخوف من العلويين و الخوف عليهم : هذا التحدى قديم جديد حيث اعتدنا بين الفترة و الأخرى أن نسمع ما يخوفنا من العلويين كتخوينهم أو عمالتهم أو تعصبهم و كل هذا الكلام ليس له أساس من الصحة حيث أن الطائفة العلوية الكريمة لا تشكل خطر دينى ضد السنة لأن لديهم العلوى لا يصبح علوى إلا بالوراثة أى لا يوجد عندهم دعوة علوية و هذا الكلام واضح فرغم حكمهم لسوريا لعشرات السنين إلا أنهم لم يغيروا البنية السكانية فيها و لقد كانت الطائفة العلوية تاريخياً جزء لا يتجزأ من الشعب العربى المسلم لها ما له و عليها ما عليه و لقد دفعت الكثير خلال القرون الماضية فهى وقفت ضد المغول و دمر المغول دولتهم الأولى أى أن العلويين لم يتآمروا على بلادهم كما فعل غيرهم و كذلك وقف العلويين ضد الصليبيين و خاضوا عشرات المعارك ضدهم فى طرطوس و اللاذقية و كان العلويون كذلك ضد الوجود التركى فى البلدان العربية و قدموا آلاف الشهداء و لقد و قف العلويون موقف وطنى ضد الاستعمار الفرنسى و خاضوا ضده عشرات المعارك حتى

أن مناطقهم كانت تتمتع بالحكم الذاتى و بعد الاستقلال وقفت الطائفة العلوية مع الخيار الوطنى ضد التخلف و الرجعية و الاستبداد أما بالنسبة للخوف عليهم و الذى تروجه الآن المخابرات الشرقية فى الساحل السورى فهذا لا أساس له من الصحة لأنهم يوهموهم بأن مصير سوريا سيكون كمصير العراق أى أن الطائفة العلوية ستكون ضحية الإرهاب و هذا الكلام بعيد عن الصحة لأن من يقوم بأعمال العنف ضد الشيعة بالعراق هو تنظيم القاعدة الذى يتزعمه بن لادن من بن لادن إنه ابن إحدى بنات الطائفة الكريمة فهل يقتل أتباعه أخوال قائدهم أما إذا كانوا يخوفون الطائفة العلوية من أعمال فيلق بدر أو جيش المهدى فهذا ممكن لان لا الصدر و لا الحكيم أمهم من سوريا أو من العلويين يخوفون الطائفة العلوية من السعوديين و نسوا أن اقتصاد المنطقة الساحلية يعتمد بشكل كامل على السياح السعوديين و ليس على السياح الإيرانيين و نسوا كذلك أن هنالك آلاف العلويين يعملون بالمملكة العربية السعودية غايتهم الوحيدة تحسين وضعهم المادى أما بعض العشرات اللذين ذهبوا إلى إيران ماذا يعملون بعد عودتهم إلى سوريا سوا نشر الفرقة و الحقد و نقل المعلومات عن بلدهم للغرباء و نسوا أن هنالك أكثر من مئة أمير سعودى من آل سعود أمهاتهم من علويات سوريا و من الممكن أن يكون أحد ملوك السعودية فى المرحلة القادمة من أم علوية عربية سورية أما فى بلاد الفرس فهل يوجد فيهم أى مسؤول أمه علوية أو عربية أو سورية و كيف عامل الفرس العرب عبر التاريخ الأسود لعلاقات الفرس مع العرب بمختلف طوائفهم و فئاتهم إذاً الخوف ليس من أطماع المملكة التوسعية بل من أطماع الصفويين التوسعية مع العلم أن الشيعة لا يعترفون بأى مذهب سوى مذهبهم و لديهم تمسك شديد بمسألة قتل المرتد أى كل من يخالفهم بالرأى و دولتهم دينية علناً تستمد شرعيتها من الله مباشرةً يخوفون الطائفة من الغرب أمريكا فرنسا بريطانيا نسوا أن هذه الدول كان لها دور كبير فى تعليم أبناء هذه الطائفة و فى وصولهم إلى أعلى المراتب العلمية و المناصب العالمية ونسوا أن غاية هذه الدول هى فقط نشر الديمقراطية التى توصل أبناء الأقليات إلى أعلى المناصب كما فى الهند حيث رئيس الوزراء من أقلية السيخ و الرئيس من الأقلية المسلمة و كما فى أمريكا كيف ينافس مواطن من أصل كينى على رئاسة اكبر دول العالم و يقربوهم من إيران التى لا هم لها سوا نشر التشيع و الفوضى يخوفون العلويين من المعارضة السورية و التى لا هم لها سوى المحافظة على استقرار سوريا و أبعادها عن دائرة الصراعات الدولية و يحببوهم بالنظام الذى لا هم له سوى إدخال سوريا فى الصراعات و التى سوف تنشر ببلدنا الفوضى و بالتالى سيخسر العلويين كل مكتسباتهم و بالتالى من ماذا يجب أن تخاف الطائفة العلوية و من يجب أن يخاف منها إن من يخاف من العلويين هم أعداء الوطن و العروبة و من يجب أن تخاف منهم الطائفة العلوية هم كذلك أعداء الوطن و العروبة .

٢- التحدى الثانى تصحيح أخطاء الماضى و أثبات الولاء الوطنى : لقد ارتكبت الطائفة العلوية فى العشرين سنة الأخيرة من حكمها لسوريا أخطاء كبيرة يجب عليها تصحيحها فوراً فعلى سبيل المثال الجيش السورى معظمه من العلويين و لا يسمح لغير العلويين بدخوله هذا غير مهم المهم الخدمة العسكرية الإلزامية و التى يجبر الشباب السورى عليها من شرق سوريا إلى غربها من شمالها إلى جنوبها يخدمون فى الجيش عند الضباط العلويين

اللذين يذلوهم و يظلموهم و يستفزوهم مالياً و معنوياً مما ولد ردات فعل عند كل فئات الشعب السورى ضدكم لذلک يجب عليكم فوراً إلغاء الخدمة الإلزامية و ما ينطبق على الجيش ينطبق على الأمن استأثروا بقوى الأمن و لكن لا ترهبوا الناس بها دعوها فى أيديكم و لا تلوثوا أيديكم بدماء إخوانكم من أبناء الوطن فلتكن هذه القوة لحماية المواطنين لا لتخويفهم و بذلک يصبح الشعب السورى مدين لكم بأرواحه لا أرواحه فى أيديكم و الأهم من هذه وتلک هى المؤسسة الدينية السنية أرفعوا أيديكم عنها يكفيكم لعب بالنار ضعوا مشايخ ترضون عنهم لكن فليكن لديهم الحد الأدنى من الشرف و الكرامة و الاستقلالية لكى تستطيعوا أن تعتمدوا عليهم و يجب عليكم إيقاف عملية سرقة الأوقاف السنية و محاسبة من يقوم بذلک و ليس التسهيل له و يجب عليكم أن تعرفوا أن الفرنسيين و الأتراک تركوا المؤسسات الدينية تتمتع باستقلاليتها فكيف بكم أنتم أبناء البلد هذا بالإضافة إلى إغلاق ملف أحداث الثمانينات على الأقل بدفع بعض التعويضات و بعزل من تلوثت أيديهم بدماء إخوانكم السوريين من المناصب العليا و بذلک تستطيع الطائفة العلوية من إعادة كل أوراق اللعب التى فقدتها إلى يديها.
٣- التحدى الدينى : و هو التحدى الأهم الذى تواجهه الطائفة العلوية حيث يقوم بعض المتنفذين و المتنفعين من أبناء الطائفة بتسهيل المد الشيعى الصفوى داخل الطائفة العلوية و هذا أمر خطير جداً لأنه يفقد الطائفة الآلاف من أبناءها كما حدث زمن الاستعمار الفرنسى عندما شقوا الطائفة العلوية و اخذوا منها المرشديين و النصارى الجدد اللذين لم يعودوا إلى دينهم الأصلى بعد رحيل الفرنسيين فإذا كان فى تلک الفترة الفقر و الجهل سبب شق الطائفة فما السبب الآن و أين وجهاء الطائفة و مثقفيها مما يجرى لإخوانهم و أهلهم و وطنهم نتيجة شق الطائفة العلوية و نشر التشيع فى سوريا و على حساب من ستكون مكاسب الشيعة مستقبلاً فى سوريا و لمن سيكون ولاءهم و يضاف إلى ذلک توريط الطائفة فى مواجهة بين الشرق و الغرب لا ناقة لها فيها و لا جمل يضاف إلى ذلک أن الطائفة الآن بأمس الحاجة إلى مجلس دينى أو مرجعية دينية علوية يكون لها موقف لأن جمع بين المرجعيتين الدينية و السياسية فى رجل واحد هذا يحمل الطائفة كلها أخطاء هذا الرجل و يجب أن تكون مصلحة الطائفة و الوطن فوق مصلحة أى فرد مع العلم أنه الآن لم يبقى فى العالم كله سوا العلويين لا يملكون مرجعية دينية منفصلة عن المرجعية السياسية من البوذيين شرق إلى اللاتينيين و البروتستنت غرباً مروراً بالسنة و الشيعة و الدروز و الموارنة فى الوطن العربى .

و يجب على الطائفة العلوية أن تعلم أن النظام السورى أصيب بسرطان هذا العصر أمريكا و الذى سيقتل مريضه لا محال و خاصةً إذا كان هذا المريض بعيد عن رجال الطب و الدين و لذلک يجب علينا مواجهة تحدى الخوف منا و الخوف علينا و يجب علينا تصحيح أخطاء الماضى و حماية الطائفة من الاختراقات الدينية الخارجية و يجب على الشعب السورى كله الوقوف مع الطائفة العلوية فى مواجهة التحديات التى تحيط بها لكى تخرج الطائفة العلوية منها منتصرة و بالتالى ينتصر الوطن و كلنا ثقة بالشرفاء السوريين من العلويين و السنة و النصارى و الدروز عشتم وعاشت سوريا حرة سيدة أبية.

بحث حول التشيع فى سوريا

حُميده حَميد الأحد ٧ يناير GMT ٦:٠٠:٠٠ ٢٠٠٧

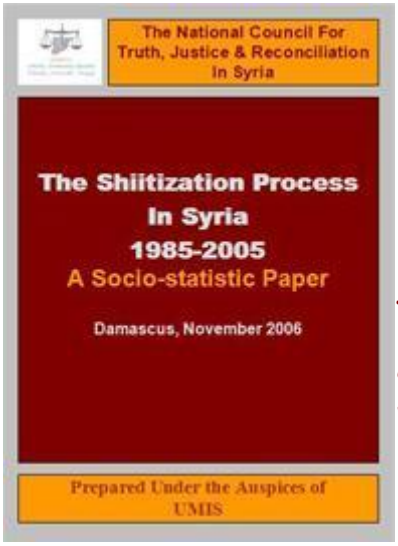

بحث هو الأول من نوعه حول التشيع فى سوريا

معطيات إحصائية شبه دقيقة حول عملية "التشيع" فى سورية:

الأرقام تشير إلى عكس ما يروج له فى وسائل الإعلام

٨٥ بالمئة يتم فى أوساط الطائفة العلوية والباقى يتوزع على الطوائف الأخرى ولا تتجاوز النسبة فى الوسط السنى ٢ بالمئة من إجمالى المتشيعين استمرار الوتيرة على هذا النحو سيؤدى إلى "انقراض " الطائفة العلوية بعد ٢٥ عاما والاسماعيلية بعد خمسين عاما!؟

ظهرت فى الآونة الأخيرة إلى الوجود قضية لم تكن مطروحة على جدول أعمال اهتمامات الرأى العام، سواء داخل سورية أم خارجها، وهى قضية ما سمى بعملية التشيع فى البلد المذكور. ولعل أول من أثارها المراقب العام للإخوان المسلمين فى سوريا، المحامى على صدر الدين البيانونى، ونائب الرئيس "المنشق" عبد الحليم خدام، فى تصريحات إعلامية مختلفة قبل أن تأخذ طريقها إلى بيانات رسمية صادرة عن "جبهة الخلاص الوطنى". وأشير فى مختلف هذه التصريحات إلى أن السفارة الإيرانية تقود هذه العملية مقابل دفع مبالغ مالية لكل من يتخلى عن مذهبه السنى ويلتحق بالمذهب الجعفرى، وصولا إلى الإعراب عن مشاعر القلق بشأن ما يمكن يؤدى إليه الأمر من تغيير لبنية السكان الديمغرافية فى سوريا! وبدا أن وراء إثارة القضية "أمر عمليات" صادر من جهة ما، بدليل أن عشرات المقالات ظهرت دفعة واحدة، فى مواكبة هذه التصريحات، على مختلف مواقع الإنترنت التابعة للجهتين المذكورتين، سواء بشكل رسمى أو غير رسمى. والأدهى من ذلك أن نشطاء معارضين يعيشون فى المنفى منذ عشرات السنين، وبعضهم (مثل فريد الغادرى) لا يجيد تحديد الموقع الجغرافى لأربع مدن سورية دون الاستعانة بأطلس (بالمعنى الحقيقى لا المجازى)، ولا يعرف أى شىء على الإطلاق عن التركيبة الديمغرافية لسورية، انخرط فى هذه الحملة بناء على " معطيات " مولدة ومنقولة بطريقة " القيل والقال"!

فهل لهذه المعلومات والهواجس المثارة أى أساس واقعى، أم أن الأمر يدخل فى إطار التعبئة السياسية ـ الإيديولوجية على

خلفية " المواجهة المذهبية " الجارية فى العراق والشرق الأوسط عموما، و الصراع السياسى الدائر فى لبنان على وجه الخصوص، والذى وجد بعض فصائل المعارضة السورية نفسه مدفوعا إلى الدخول فيه بحكم التداخل بين قضايا البلدين!؟

هذا السؤال، ونعنى تحديدا الجانب العلمى الإحصائى، أجيب عليه مؤخرا فى أول دراسة من نوعها فى هذا المجال قام بها باحثون ميدانيون على مدى ستة أشهر بناء على طلب إحدى الجهات الأوربية الرسمية، وبتمويل منها. وتتناول الدراسة عملية "التشيع" فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٥)، مع ملحق إضافى تناول النصف الأول من العام ٢٠٠٦. أعد الدراسة تسعة باحثين ميدانيين متخصصين فى مجال علم الاجتماع وعلم الاجتماع السياسى والاحصاء، ويشتركون فى أنهم جميعا علمانيون ونشطاء فى حركات "المجتمع المدنى" السورية. وقد جاءت الدراسة فى ٣٢ صفحة فولسكاب وتحت عنوان The Shiitization Process in Syria ١٩٨٥-٢٠٠٦, a Socio-statistic paper (عملية التشيع فى سوريا ١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦، دراسة اجتماعية ـ إحصائية)، أشرفت عليها، إداريا وحسب، منظمة "المجلس الوطنى للحقيقة والعدالة والمصالحة فى سوريا "، التى انحصر دورها فى ترشيح الباحثين وترتيب الاتصال بينهم وبين الجهة الممولة مقابل السماح للمنظمة بوضع اسمها على البحث كجهة مشرفة إداريا. وبسبب حساسية الموضوع، خصوصا لجهة إمكانية ملاحقة الباحثين أمنيا وقضايا بتهمة " قبض أموال من جهات أجنبية "، فقد أجريت الدراسة بشكل سرى وبعيدا عن الأضواء، كما جرى إغفال أسمائهم والاحتفاظ بها على وثيقة مستقلة لدى الجهة الممولة فى بلجيكا. وقدم للدراسة الكاتب والصحفى السورى نزار نيوف. وهو متخصص أكاديميا فى الاقتصاد والعلوم السياسية والتاريخ الاقتصادى ـ السياسى المقارن للديكتاتوريات فى حوض المتوسط.

الإطار الجغرافى ـ الديمغرافى العام للدراسة:

تتناول الدراسة عملية التشيع فى المحافظات السورية الرئيسة: دمشق وريف دمشق، حلب وريفها، حمص، حماة، اللاذقية، طرطوس، إدلب، الرقة، دير الزور، السويداء. وقد اختيرت هذه الدراسة، كما يشير البحث، لكونها تضم الغالبية الساحقة من سكان سوريا، ولأن عملية التشيع تجرى فى حصريا، ولأنها المحافظات التى تضم أقليات إسلامية مذهبية غير سنية (علويون، إسماعيليون، شيعة.. إلخ) بنسب مختلفة، طاغية فى بعضها، وضئيلة فى بعضها الآخر. وأشار البحث إلى أن محافظة القنيطرة قد استثنيت من البحث بسبب وضعها الخاص (معظم أراضيها تحت الاحتلال الإسرائيلى منذ العام ١٩٦٧)، ولكون الغالبية الساحقة من سكانها نازحين إلى المحافظات السورية الأخرى، لاسيما دمشق وريفها، وبالتالى فقد شملها البحث بطريقة غير مباشرة.

ص: ٨٠

طريقة البحث وكيفية الحصول على معلوماته الخام:

يشير البحث إلى أن الباحثين لجأوا إلى طريقة " مبتكرة " وهى تفرغ كل منهم لمنطقة جغرافية ـ ديمغرافية بعينها، وعدم الالتقاء ببعضهم البعض أو مناقشة المعلومات والنتائج الخام التى توصل كل منهم إليها طيلة الفترة المكرسة لجمع المعلومات والبيانات، وهى خمسة أشهر. أما الشهر الأخير فخصص لعقد حلقات نقاشية مغلقة فيما بينهم لتداول هذه المعلومات ومناقشتها وغربلتها واستخلاص المعطيات النهائية والنتائج بعد بعضها من الحساب حين تكون نسبة الارتياب أكبر من ٥٠

٪، ومن ثم تحرير النص النهائى. أما مصادر المعلومات الخام فقد حددها البحث بأربعة:

ـ سجلات المحاكم الشرعية (المذهبية) وبيانات الزواج والطلاق ؛

ـ معطيات مستخلصة من سجلات مديريات وزارة الأوقاف فى المحافظات ؛

ـ مقابلات شخصية ميدانية مع رجال دين ووجهاء ومواطنين عاديين ينتمون إلى مختلف المذاهب الإسلامية المعنية ؛

ـ معطيات مستخلصة من سجلات المراكز الثقافية الإيرانية والحوزات والمدارس الشيعية التى تشرف عليها وتدعمها، جزئيا أو كليا، السفارة الإيرانية فى دمشق.

نتائج البحث:

خلص البحث إلى نتائج تشير إلى أن إجمالى المسلمين المتشيعين فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦) لا يتجاوز اثنين وستين ألفا، أغلبيتهم الساحقة من أبناء الطائفة العلوية، ولا يتجاوز نسبة المسلمين السنة فيهم الألف وخمسمئة مواطن! وفى المعطيات الأكثر تفصيلا، يشير البحث إلى أن عدد الأسر " العلوية" التى تشيعت خلال الفترة المذكورة بلغ ٨٧٨٣ أسرة. وبافتراض أن متوسط عدد أفراد الأسرة السورية هو ستة أشخاص، وأن جميع أفراد الأسرة تبعوا رب الأسرة المتشيع ، فإن العدد الإجمالى للعلويين الذين تشيعوا يبلغ حوالى ٥٢٧٠٠ شخص. هذا بينما بلغ عدد الأسر الإسماعيلية المتشيعة حوالى ألف ومئتى أسرة، أى حوالى سبعة آلاف وأربعمئة شخص. واستنادا إلى هذه الأعداد تكون نسبة المتشيعين فى كل طائفة / مذهب خلال الفترة المذكورة: ٨٥ بالمئة فى الوسط العلوى ؛ ١٣ بالمئة فى الوسط الاسماعيلى ؛ و ٢ بالمئة فقط فى الوسط السنى. ولم يسجل التقرير أى حالة تشيع فى الأوساط الأخرى (مسيحية، درزية.. إلخ).

ص: ٨١

التوضع الجغرافى للتشيع:

تلاحظ الدراسة أن التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط العلوى توزع على النحو التالى: محافظة طرطوس وريفها ٤٤ بالمئة ؛ محافظة اللاذقية وريفها ٢٦ بالمئة ؛ محافظة حمص وريفها ١٤ بالمئة ؛ محافظة حماة وريفها دمشق وريفها ١٦ بالمئة (وهؤلاء ينحدرون من مختلف المحافظات).

أما التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط السنى فتوزع على النحو التالى: محافظة حلب وريفها ٤٦ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢٣ بالمئة ؛ محافظة حمص ٢٢ بالمئة ؛ محافظة حماه ٥ بالمئة ؛ محافظة إدلب ٤ بالمئة. وقد أهملت نسب التشيع فى محافظتى دير الزور والرقة والقنيطرة كونها لا تشكل إلا أجزاء عشرية متناهية الصغر (بضع عائلات تعد أصابع يد واحدة)، ولكون النشاط الشيعى فيها يبتعد عن الشكل " التبشيرى" ويقتصر على الجانب " الطقسى" (إحياء المناسبات الدينية

المرتبطة بالتراث الدينى الشيعى، و ترميم وإحياء بعض الأضرحة القديمة وتنظيم الزيارات إليها من مناطق أخرى، سواء من داخل سورية أو خارجها).

هذا بينما جاء التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط الإسماعيلى على النحو التالى: محافظة حماة وريفها (وبشكل خاص مدينتى السلمية ومصياف و بلدة عقارب) ٥١ بالمئة ؛ محافظة طرطوس وريفها (بلدات: القدموس ومنطقة نهر الخوابى) ٤٣ بالمئة ؛ محافظة حلب وريفها ٣ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢ بالمئة ؛ محافظة إدلب وريفها ١ بالمئة. من ناحية ثانية، ذكرت الدراسة ملاحظتين فى هذا السياق، أولاهما أنه لم تسجل أى حالة تشيع فى وسط الشيعة الموحدين (المعروفين باسم " الدروز ") أو فى الوسط المسيحى بمختلف مذاهبه (الكاثوليكية، الأرثوذوكسية، البروتستانتية.. إلخ)، وثانيهما أن ٧ بالمئة على الأقل من المسلمين السنة الذين تشيعوا فى دمشق وريفها جرى فى أوساط العائلات الشيعية فى الأصل، والتى "تسننت" مع الزمن لأسباب مختلفة. وذكرت فى هذا الإطار حالات نموذجية من عائلات (العطار، قصاب حسن، اللحام، بختيار / اختيار..). كما وسجلت ملاحظة مشابهة لجهة المسلمين السنة فى حلب، حيث أشارت إلى أن ١١ بالمئة منهم ينحدرون من أصول شيعية فى الأساس، أو من "قرى شيعية" فى إدلب مثل " لفوعة" و "معرتمصرين". وهو ما أسمته الدراسة بـ "تجديد التشيع".

الوضع المهنى والاجتماعى للمتشيعين:

خلصت الدراسة إلى أنه من الصعب ربط حالات التشيع بوضع اجتماعى " معيارى " يمكن الركون إليه علميا فى تحديد سبب أساسى أو طاغ وقف وراء تشيع هؤلاء، سواء فى الوسط السنى أو فى الوسطين الاسماعيلى والعلوى، لاسيما منه الجانب الاقتصادى، أو ما أشير إليه فى بعض وسائل الإعلام بـ " الفقر والحاجة إلى الأموال الإيرانية ". فالقسم الأكبر من

المتشيعين السنة فى دمشق (٦٤,٤ بالمئة) ينتمون لعائلات تجارية أو مهنية وضعها الاقتصادى جيد أو ممتاز. كما أن القسم الأكبر منهم (حوالى ٦٩ بالمئة) من حملة الشهادات الثانوية أو المعاهد المتوسطة وما فوق. واقتربت النسب فى حلب من هذا الإطار. حيث سجل البحث أن ٦١ بالمئة من متشيعى حلب ذوو وضع اجتماعى ـ اقتصادى متوسط أو جيد. فيما كان معظم الفقراء المتشيعين منهم (٣٩ بالمئة) ذوى أصول شعية بعيدة (جددوا تشيعهم). أى أن دافعهم إلى ذلك " دينى ". ولم تتجاوز نسب المتشيعين لأسباب " مالية" فى الوسط السنى إجمالا (فى جميع المحافظات التى جرى مسحها) الـ ٣ بالمئة. وسجلت الدراسة " مفارقة ظريفة " فى هذا المجال، وهو أن بعض السنة المتشيعين، وخصوصا طلاب الجامعات منهم، غير ملتزمين دينيا، وكان تشيعهم، حسب ما أفادوا للباحثين، " لأنهم أرادوا الحصول على مبلغ مالى لتسديد نفقات الدراسة أو الزواج رغم أن الالتزام الدينى، سواء أكان سنيا أو شيعيا، إسلاميا أو مسيحيا، لا يعنى لهم شيئا ". وهو ما يمكن أن يصنف تحت عنوان " الانتهازية ". مفارقة ظريفة أخرى سجلتها الدراسة فى الملحق الإضافى لجهة المتشيعين السنة، لا سيما من تشيع منهم بعد الحرب الإسرائيلية الأخيرة على لبنان الصيف الماضى، وهى أنهم " تشيعوا حبا بحزب الله وحسن نصر الله "! فى إطار التشيع فى الوسط العلوى، أشارت الدراسة إلى أن الأغلبية الساحقة من المتشيعين (حوالى ٧٦ بالمئة) هم من الطلاب أو العاطلين عن العمل. ولاحظت الدراسة أن قسما من المتشيعين العلويين هم من العسكريين. وهذه الملاحظة منقولة

من إفادة أحد رجال الدين العلويين فى طرطوس، لأنه من الصعب معرفة النسبة الحقيقية من المتشيعين العسكريين، لأسباب " لوجستية " مفهومة. أما المتشيعون فى الوسط الإسماعيلى فجلهم (حوالى ٨٤ بالمئة) من الفئات الوسطى وما فوق، منهم ٦٨ بالمئة من حملة الشهادات الثانوية وما فوق.

خلاصات البحث الأساسية:

استخلصت الدراسات ستة مؤشرات أساسية من عملية التشيع فى سوريا:

ـ إن معظم حالات التشيع جرت وتجرى فى الوسط الإسلامى المعتبر تاريخيا وفقهيا من " العائلة الفقهية الشيعية " (اسماعيليون، علويون..)؛

ـ إن نسبة التشيع المتواضعة جدا (٢ بالمئة) فى الوسط السنى لا تسمح بالحديث أبدا عن " عملية تبشير شيعى " فى هذا الوسط، خصوصا إذا أخذنا بعين الاعتبار أن قسما من هؤلاء ينحدرون أصلا من عائلات شيعية تسننت مع الزمن لاعتبارات مختلفة ؛

ص: ٨٣

ـ إن نسبة المتشيعين لأسباب اقتصادية ـ مالية (الوضع الاقتصادى ـ الاجتماعى) لا تسمح بالحديث عن " ظاهرة تشيع مأجور " أو " ظاهرة ارتزاق مذهبى" ؛

ـ إن الغالبية الساحقة من حالات التشيع الاسماعيلى تندرج فى " الإطار الطقسى " و " الرمزى" إذا جاز التعبير، كالالتزام بالصلوات الخمس فى مساجد ينفصل فيها النساء عن الرجال بدلا من الصلوات " شبه المختلطة " عند الاسماعيليين حيث النساء الملتزمات دينيا منهم لا يعنين كثيرا بوضع الحجاب وإزالة المكياج أثناء الصلاة. وبالنسبة للمتشيعين العلويين، تلاحظ الدراسة أنها اقتصرت فى غالبيتها الساحقة على الرجال (٩٣ بالمئة). أما النساء المتشيعات فلم يلتزمن بما يعرف بـ " الشادور " (الحجاب)، واكتفين بعطاء عادى للرأس. و يعود هذا أساسا إلى أن الفقه الجعفرى، على الطريقة العلوية، يعفى النساء من واجباتهن الدينية. (المرأة غير مكلفة شرعيا).

ـ إن استمرار وتيرة التشيع على هذا النحو فى الوسطين الاسماعيلى والعلوى، سيؤدى إلى " انقراض " الطائفة الأولى نظريا خلال عقد من الزمن، وإلى " انقراض" الثانية خلال ربع قرن.

ـ حددت الدراسة نسبة النحراف المعيارى بـ ± ٢,٥ بالمئة.

وفى تقديمه للبحث أشار نزار نيوف إلى أن حركة التشيع فى سوريا بدأت مع العلامة عبد الرحمن الخير (المولود فى العام ١٩٢٥). لكنها لم تأخذ بعدا جماعيا منظما إلا مع جميل الأسد، شقيق الرئيس الراحل، الذى أسس " جمعية الإمام المرتضى " مطلع الثمانينيات الماضية لأسباب " مافيوية ـ سياسية ـ مذهبية مركبة " حسب تعبير الكاتب. حيث "كان همه الأساسى التربح والتكسب من خلال الحصول على أموال إيرانية بذريعة تمكين أعضاء جمعيته، لاسيما العلويين منهم، من أداء فريضة

الحج (...) رغم أن العلويين، كما الاسماعيليين، لا يؤدون هذه الفريضة لحجج فقهية وتاريخية مختلفة، بعضها يتصل بأن الحجر الأسود الموجود اليوم ليس الحجر الأسود الأصلى الذى أخفاه القرامطة، وبعضها الآخر ينطلق من اجتهاد فقهى يرى أن الحج والدوران حول الكعبة هو طقس وثنى صرف ". ومن المعلوم أن الرئيس السورى الراحل حل جمعية الإمام المرتضى فى العام ١٩٨٤ وحظر نشاطها قانونيا بقرار من رئيس مجلس الوزراء آنذاك عبد الرؤوف الكسم. كما وأشار فى تقديمه إلى واقعة أن الرئيس السورى الراحل "كان يعارض بقوة عملية التشيع (...) بدليل أنه أمر باعتقال أحد أطباء الأسنان العلويين فى طرطوس، المهلب حسن، وبمصادرة كل المطبوعات والمنشورات التى كان يتولى إحضارها من إيران ". وليس معلوما المصير الحقيقى لهذا الطبيب، ولو أن بعض المعلومات تشير إلى أن الرئيس الراحل "أمر بتصفيته وهو رهن الاعتقال".

ص: ٨٤

لكن الملاحظة الأهم فى المقدمة هو إشارة الكاتب فى تقديمه إلى أن " عملية التشيع فى الوسط العلوى والاسماعيلى أكثر خطورة وكارثية على المجتمع السورى من تشيع المسلمين السنة بما لا يقاس (...). فالفروق بين السنة والشيعة تكاد لا تذكر، من حيث التزمت والتعصب الفقهى والطقسى، بينما تشيع العلويين والاسماعيليين والدروز هو الخسارة الحقيقية للتعددية الثقافية فى سوريا، بالنظر لأن هؤلاء هم الورثة الحقيقيون للفكر الاعتزالى وللثورة الثقافية الإسلامية فى القرنين التاسع والعاشر، وآخر بقاياها (...) فضلا عن أنها طوائف علمانية إذا جاز التعبير ؛ بمعنى أنها طوائف تفصل الزمنى عن الدينى فى عقائدها، ولا تؤمن أصلا بفكرة الدولة الإسلامية ". ومن هنا، يقول الكاتب، على القوى العلمانية والمعارضة فى سوريا "أن تتعاطى مع عملية تشيع هذه الطوائف باعتبارها كارثة ثقافية وطنية لا بوصفها خطرا متربصا بالبنية الديمغرافية لسكان سوريا كما يحاول أن يصور الأمر، على نحو شديد الابتزال والسطحية والانتهازية المذهبية ـ السياسية، كل من خدام وجماعة الإخوان المسلمين (...). ذلك لأن جمهور هذه الأقليات الإسلامية الثلاث هو فى الواقع الخزان الحقيقى والأهم والأكبر للحركات العلمانية واليسارية والديمقراطية (...) وبانقراض هذه الطوائف تصبح مهمة القوى الديمقراطية والعلمانية عسيرة جدا، إذ سيتوجب عليها آنذاك النحت فى الصخر السنى بدلا من الغرف من البحر العلوى ـ الاسماعيلى ـ الدرزى ـ المسيحى"!

ص: ٨٥

علماء الدين ينفون نشر التشيع الإيرانى فى سوريا

قرر علماء الشيعة فى سوريا الخروج عن صمتهم، والحديث لأول مرة عبر" العربية.نت"، حول ما يثار من قبل بعض أطراف المعارضة السورية وفى مقدمتها جماعة الإخوان المسلمين فضلا عن شخصيات إسلامية عربية مثل الداعية السعودى البارز الشيخ سلمان العودة عن وجود "حملة تبشير شيعية" بين السنة والعلويين فى سوريا، بدعم إيرانى وبالتزامن مع حرب حزب الله وإسرائيل .

ونفى العالمان الشيعيان البارزان فى سوريا، عبد الله نظام ونبيل حلباوى، وجود "حملة تبشيرية شيعية" بين أهل السنة مطالبين بتقديم الدلائل والوثائق على هذا الكلام حتى يتم التحقيق فيه.

كما نفى أحد أبرز علماء الطائفة العلوية "ذوالفقار غزال" وجود ظاهرة تشيع بين العلويين، وتحدث بإسهاب للعربية.نت عن الفوارق بين العلويين والشيعة، مشددا فى حديثه على أن النظام السورى لا يمارس قيادة الدولة من باب أنه نظام علوى، قائلا إن الطائفة العلوية تتأتى حمايتها من محبة الناس وتعايش السوريين مع بعضهم، حيث يمكن العثور على السنى إلى جانب العلوى فى كل مكان بسوريا، مشيرا إلى أن الطائفة العلوية من أكثر الطوائف انفتاحا وعلمانية واستعدادا لقبول الحوار مع الآخر .

ووجّه العالم عبد الله نظام، وهو المشرف على المؤسسات والمزارات الشيعية فى سوريا، "رسالة عتاب" إلى الداعية السعودى البارز الشيخ سلمان العودة، قال فيها: "نطمئن الشيخ العودة أنه لن يكون هناك أى خطر على التسنن ونحن ضد أن يبيع الناس عقائدهم ."

وفى هذا السياق، كشف د. محمد حبش، النائب الإسلامى السورى ومدير مركز الدراسات الإسلامية بدمشق، عن حملة لعلماء السنة السوريين بالتعاون مع جميعة علماء الشريعة للقيام بسلسلة لقاءات وحوارات وإرسال وفود بهدف الرد على ما يقال عن" ظاهرة تشيع" ببلاده مقابل دفع أموال للمتشيعين، نافيا ما نشرته مواقع وصحف عربية مؤخرا عن التشيع السرى لمفتى سوريا العام الشيخ أحمد حسون ومنح الجنسية لعشرين ألف إيرانى .

-وكان الداعية السعودى البارز الشيخ سلمان العودة، المشرف العام على "مؤسسة الإسلام اليوم" السعودية، حذر منذ أيام "من ظاهرة انتشار التوجهات الشيعية داخل الإطار السنى فى بلاد الشام وسوريا، معتبرا أنه أمر لا يمكن السكوت عليه"، محذرا من أن "التمدد الشيعى فى الإطار السنى هو لعب بالنار."

ص: ٨۶

وقال العودة، فى تصريحات صحفية: "هناك انتشار كبير للمد الشيعى فى بلاد الشام وسوريا على وجه الخصوص وفى عدد من بلاد العالم الإسلامى، وأعتقد أن جزءا من هذه الظاهرة يمكن أن نقول عنه إنه تشيع سياسى، بمعنى أنه ولاء للحضور السياسى لإيران، ولكن هذا لا يمنع أن يكون هناك آخرون يخلطون بين الجانب السياسى والجانب العقائدى."

وأشار العودة إلى أن "انتشار التشيع فى بلاد الشام يتم بطرق ملتوية، حيث "تستخدم الوسائل المادية لدعوة الناس لاعتناق المذهب الشيعى، ما أدى إلى انتشار الحسينيات، ومحاربة كل من يقف فى طريقها."

-ولكن ماذا يقول علماء الشيعة السوريون إزاء ما قيل فى وسائل إعلام عربية عن "حملة تبشيرية شيعية" بين أهل السنة فى بلادهم. العالم الشيعى عبد الله نظام، المشرف على المؤسسات الشيعية الموجودة فى سوريا والأستاذ فى الحوزة العلمية فى "السيدة زينب" وهو مدير الجامعة الإسلامية فى "السيدة رقية" بدمشق أيضا، تحدث بإسهاب لـ"العربية.نت" حول الموضوع .

قال: الكلام عن ظاهرة تشيع فى سوريا بدعم إيرانى وغض السلطات السورية النظر عنها هو كلام عار عن الصحة، وهدفه التفرقة. فى سوريا لا يوجد شيء اسمه الدعوة إلى مذهب معين، والقانون يخضع له الجميع بنفس الطريقة، والشيعة أصلا تابعون فى كل أمورهم الدينية إلى وزارة الأوقاف فى سوريا من مساجد وأئمة. نحن كشيعة عبارة عن مذهب فقهى، والمذهب الفقهى ليس دينا أو شيئا خاصا حتى يدعو إليه الإنسان لا سيما أنه توجد ضمن المذهب الواحد فى الإسلام فتاوى متعددة وأكثر من قول فى مسألة واحدة. لا يوجد تشيع فى سوريا مرتبط بجهة خارجية أبدا. أى شخص لديه مثال واحد فليقل مثاله لنا.

وعن حالات استقبال الشيعة اللاجئين من هول حرب حزب الله وإسرائيل، يقول: الشعب فى سوريا شارك فى احتضان العائلات مع غض النظر عن المذهب. أكثر المهجرين كانوا من الشيعة لكن الاحتضان الذى حصل لهم كان من إخوانهم أهل السنة وقدموا لهم مساعدات وإيواء فى المسكن والشراكة فى المسكن. وهذا يؤكد وجود وعى إسلامى بدون تفرقة. رموز أهل السنة مثل كريم راجح وسعيد رمضان وقفوا معهم، وكذلك مجمع المرحوم الشيخ أحمد كفتارو افتتح معسكرا للأيتام وللعائلات المهجرة من لبنان .هذا الاحتضان لا علاقة له بالمذاهب. حتى المسيحيون وقفوا معهم فى صيدنايا وفى الأديرة المسيحية .

-إذن هناك تشيع مقابل أموال كما قالت جهات سورية معارضة – سألت" العربية.نت"؟ يجيب: هذا كذب صراح من جماعات تريد حربا طائفية فى المنطقة. الإنسان الذى يتم شراؤه بالأموال لا خير فيه.

وسألت العربية.نت: هناك تقارير تحدثت عن نشاطات إيرانية من خلال بناء مراكز ثقافية جديدة وحوزات شيعية؟ فأجاب الشيخ نظام: لديهم مركز ثقافى فى دمشق فقط، و السفارة الأمريكية لها مركز ثقافى أيضا. أما بالنسبة للحوزات، فنحن لدينا حوزات معروفة لتدريس الطلبة كما توجد عند أهل السنة معاهد لتدريس الطلبة أيضا وهى معاهد شرعية. هذا عمل طبيعى والمسيحيون عندهم مدارس لاهوتية.

-ونفى عبد الله نظام أن يكون المسجد الأموى يعطى دروسا فى الفقه الشيعى قائلا: "هذا المسجد لإخواننا السنة". وأضاف: الدروس التى فيه هى لرجال دين وفقه من أهل السنة، ولكن فى شهر رمضان حصل أن أذيع حديث رمضان الدينى من المسجد الأموى بدلا من ان يذاع فى التلفزيون وشخصيا شاركت لمدة ٧ دقائق. ودعيت إليه فى يوم أصل ٢٩ يوما تكلم فيها رجال دين من السنة فهل كثير على الشيعة أن يتكلموا ٧ دقائق فى حديث دينى واحد.

وأبدى عبد الله نظام استغرابه من موجة التهويل بمد شيعى فى بلاده، وقال: العقيدة ليست مصبغة نرسل إليها القماش لتغيير لونه والإنسان حر بما يختار ولا نستطيع أن نفرض عليه أى شئ .

وأشار نظام إلى وجود مزارات شيعية فى سوريا منها السيدة زينب بنت على، السيدة رقية بنت الحسين، السيدة سكينة وأم كلثوم بنات الحسين، ويأتيها زوار من داخل وخارج سوريا وهذه سياحة دينية لأنه توجد كثير من المقدسات الإسلامية للشيعة والسنة مثل زوجات الرسول صلى الله عليه وسلم ومراقد الصحابة، وبالنسبة للمزارات تمول تمويلا ذاتيا وتتبع وزارة الأوقاف.

-وتحدث عن تقارب سنى شيعى فى سوريا منطقع النظير، مشيرا إلى زيجات كثيرة بين الشيعة والسنة فى سوريا، وبيوت ملتصقة مع بعضها خاصة فى أحياء دمشق حيث توجد هذه الظاهرة.

وقال: القضايا العقائدية قضايا شخصية ولكل إنسان ما يعتقد. كل من يشهد الشهادتين ويعتقد بالقرآن كتابا والكعبة قبلة ويؤدى الفرائض هو من شيعة أهل البيت إذا كان يعتقد بإمامة الإمام على، وهناك فرق فى قضية الخلافة وهذا أمر انقضى ومضى ولا يوجد الآن لا خلافة ولا خلفاء ولا أئمة ولا أحد.

ص: ٨٨

-وإزاء التحذير من قبل بعض علماء السنة من امتداد شيعى من إيران إلى العراق فسوريا، وخاصة التحذير الأخير للشيخ سلمان العودة، يقول: أقول لجميع إخوتنا من علماء السنة لا تقلقوا على التسنن والناس لن يبيعوا مذهبهم وعقيدتهم التى اعتادوا عليها ويعتقدون أنها صحيحة لمجرد نصر عسكرى حصل فى معركة ربما لها طابع أو خصوصية معينة. نشكركم على دعائكم بالنصر. نحن وأنتم أبناء دين واحد والقضية الفقهية لن تفرق بيننا والمذهب ليس دينا، ونحن جميعا ندين بالإسلام ولا حاجة لأحد لأن يتحول من مذهب إلى آخر. أنا أتعجب أن شخصية إسلامية كبيرة مثل العودة يتكلم بهذا. أنا عاتب عليه وأدعوه لأن نقف جميعا فى وجه أعداء الإسلام.

-ونحا العالم الشيعى السورى البارز نبيل حلباوى منحى العالم عبد الله نظام. وقال حلباوى، فى حديثه لـ"العربية.نت"، إن "من يتشيع أو يتسنن لمال فهو لا يحسب فى حساب الشيعة أو السنة ولا فى حساب المسلمين أصلا ."

سألته "العربية.نت": بعض وسائل الإعلام نقلت عن العالم مصطفى السادة قوله إن حرب حزب الله مع إسرائيل أدت إلى موجة تحول من المذهب السنى إلى الشيعى فى سوريا، فأجاب: "هذه حرب كانت دفاعا عن لبنان بكل طوائفه وتخص كل المسلمين ولا تصب فى خانة تغليب مذهب على مذهب."

وتحدث عن حوارات مستمرة بين السنة والشيعة فى سوريا، مشيرا إلى وجود "مؤسسات تؤكد هذا التلاقى والحوار وتدعمه. ."

وعن القلق فى بعض الدول من امتداد شيعى من إيران إلى سوريا فلبنان ورفع صور حسن نصر الله وخامنئى أكثر من صور الزعماء السياسيين فى المنطقة، قال" :الشعوب قالت كلمتها: إنها مع كل من يقف بصدق فى وجه أعداء الأمة، وعندما يقوم نموذج فيه هذه المواصفات فإن الجماهير تلتف حوله، كل المسلمين يحترمون أبطال المقاومة فى فلسطين ولبنان متجاوزين كل الفتن الطائفية والتفريق بين المسلمين ."

وشدد على أن شيعة سوريا يؤمنون أن "المسلمين أمة واحدة، الشيعة والسنة جناحان لهذه الأمة السلامية التى لا تقوم إلا بهما معا، والحديث عن تشيع بين أهل السنة هو فى معرض تأثيرات سلبية على قضية التلاحم والوحدة، ويجب أن نركز على ما يجمع ويوحد الأمة."

ص: ٨٩

-وفى جانب آخر للقضية، قال النائب الإسلامى السورى، محمد حبش، إن الحديث عن وجود "ظاهرة تشيع فى سوريا" هدفه وضع سوريا على القطار العراقى وهذا خطير جدا على سوريا والمنطقة ولذلک سيدشن مركز الدراسات الإسلامية الذى يشرف عليه، وبالتعاون مع جميعة علماء الشريعة بسوريا، حملة من لقاءات وحوارات وتنظيم وفود لتوضيح ما يجرى فى سوريا وتفنيد ما يقال عن تشيع فيها. وقال إن جلسات مركز الدراسات الإسلامية شارک فيها علماء سوريون مثل: د. محمود كفتارو ود.عبد القادر الكتانى.

وانتقد حبش، فى حديث لـ"العربية.نت"، التحذير الأخير للداعية السعودى البازر الشيخ سلمان العودة من انتشار التشيع فى سوريا"، مشددا على أن "ما يروج له من مد شيعى فى سوريا بتمويل إيرانى كلام يفقتر للدقة وغير منطقى ولا توجد أدلة ووثائق عليه ."

وقال: لم يحصل فى سوريا أننا صنفنا الناس طائفيا ولكن الحالة الشيعية فى سوريا ممتدة حتى فى أهل السنة لأنهم محبون لآل بيت رسول الله صلى الله عليه وسلم وأيضا يحترمون سائر الأئمة من الشيعة ولا ينظرون بأى عين سوداء للامتداد الشيعى فى سوريا. وما يروج له من مد شيعى فى سوريا بتمويل إيرانى كلام يفتقر للدقة .كما أن وجود قرى شيعية فى سوريا ظاهرة قديمة، و الاهتمام بالمزارات والأضرحة هو شأن شيعى وسنى، ونفرح بوجود مزارات أهل البيت مثل السيدة زينب والسيدة رقية والسيدة سكينة بنت الحسين وعمار بن ياسر.. واجبنا

احترام هذه المزارات. كما أن المسيحيين السوريين يحملون مشاعر دافئة تجاه أهل البيت، ومنذ شهورعقد احتفال هائل فى كنسية" محردة" من أجل إحياء ذكرى فاطمة الزهراء وهذا شعور وطنى سنى شيعى مسيحى علوى درزى وإسماعيلى.

-سألت العربية.نت: بعض قوى المعارضة السورية تحدثت عن حالات تشيع بين السوريين مقابل دفع أموال لهم؟ فأجاب د. حبش: إذا كانت هناك حالات تشيع مقابل دفع مال سنرفض ذلك وسنحذر منه، ونقول: هذه حالات غير موجودة وعلى الأقل لا توجد وثائق حقيقية تدل على وجودها، وإذا كانت هناك وثائق سنقاوم أى تسييس أو تحويل للناس عن أفكارهم أو شراء ضمائرهم، ولكن هذا كله كذب، ولا يوجد شريف يرضى بيع ضمائر الناس بالمال نحو أى اتجاه فكرى.

وعما أشيع من أنباء فى صحف ومواقع عربية عن التشيع السرى لمفتى سوريا، سخر حبش من هذا الكلام وقال "هذه ليست إشاعة سوريّة."

ص: ٩٠

وأضاف متحدثا عن هذا الموضوع: يوجد منطق يرفض أى اتصال مع الإخوة الشيعة، ويعتبر أى اتصال معهم هو تشيع، وإذا كان المقصود بهذا التشيع هو إقدامنا نحن على إقامة حوار وعلاقة مع الفقه الشيعى فسوريا كلها شيعية، وقبل ٣٠ سنة قال مفتى سوريا السابق إذا كانت الشيعة هى محبة أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وسلم فكلنا شيعة وإذا كانت السنة هى العمل بسنة رسول الله صلى الله عليه وسلم فكلنا سنة .وإذا كان هذا خط أحمر تتجاوزه سوريا فقد تجاوزناه منذ ٤٠ سنة .

وإزاء ما أشيع عن أن "سوريا منحت الجنسية لعشرين ألف إيرانى"، قال: المواطن السورى يعلم أن هذا كذب كذب، فليذكروا اسم شخص واحد فقط منح الجنسية .حتى حالات الحصول على الجنسية تكاد تكون معدومة ولا يمكن تصديق ذلك .

وقال: "الانتشار الثقافى الإيرانى فى سوريا مرتبط بالعلاقات الدبلوماسية وهى قوية مع إيران أكثر من السفارات الأخرى لوجود علاقات استراتيجية مع إيران."

-وأول ما يثير انتباه الزائرين إلى العاصمة السورية دمشق انتشار الصور التى تجمع الرئيس السورى بشار الأسد وأمين عام حزب الله اللبنانى حسن نصر الله، على واجهة المحلات التجارية، السيارات الخاصة، وحافلات النقل العام، وحتى على الجدران.

ويعلق مثقفون سوريون من داخل سوريا على هذه الحالة بوصفها أنها" وطنية" أكثر مما هى مذهبية أو دينية، إذ أن معظم السوريين من مختلف المذاهب الاسلامية وحتى المسيحيين وضعوا هذه الصورة مشددين على أن هذا لم يتم بتوجيهات رسمية أو بالقوة.

وكانت بعض أطراف المعارضة السورية تحدثت أيضا عن وجود "تشيع بين العلويين فى سوريا وذلک بدفع من النظام الذى يمر بظروف تدفعه لتشجيع هذا التحالف العلوى- الشيعى"، ودائما حسب هذه المعارضة وفى مقدمتها الاسلامية. إلا أن بعض المثفين السوريين داخل سوريا نفوا ذلک مشيرين إلى عدم وجود ظواهر تشيع بين العلويين، ومشددين على أن النظام يتحالف مع إيران ولكن ليس فى حسبانه أن يضحى بقاعدته الاجتماعية أو خصوصيته السورية.

ص: ٩١

ونفى الشيخ ذوالفقار غزال، أحد ابرز رجال الدين فى الطائفة العلوية فى سوريا وخطيب مسجد الإمام الحسن العسكرى فى اللاذقية ونجل الشيخ الراحل فضل غزال الذى كان مرجعا مهما فى الطائفة، وجود ظاهرة تشيع بين العلويين .

وقال لـ"العربية.نت": لابد من أخذ هذه القضية فى محورين؛ أولا هناک عملية مثاقفة تجرى بين كل الأفكار والمذاهب ليس فقط من منظور دينى، وهناک حرب ثقافية الآن، وقضية انتشار التشيع من عدم انتشاره هى إحدى مظاهر هذه المثقافة التى تجرى، فلا يمكن القول إن هناک تشيعا يجرى فى صفوف أبناء الطائفة العلوية لأنه لا يوجد هناک عمل منظم لهذا التشيع أو محفّز ومحرّض عليه. ومن يعتنق المذهب الشيعى فهو يفعل ذلک بناء على رؤية ذاتية لديه وليس بناء على حملة تخاض ضد الطائفة أو مع الطائفة. ثانيا، نحن العلويين نقول عند كل مناسبة إننا جزء من الشيعة الاثنى عشرية الذين انتشروا فى هذا العالم، ونحن العلويين كان لدينا دور كبير فى نشر مذهب أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وسلم وعلى الأخص فى سوريا ولبنان وفلسطين والأردن، ودور كبير فى الحفاظ على خصوصية المنطقة، وسادة العلويين من ألف عام صدوا الهجمات الخارجية العسكرية والثقافية فى كل أشكالها.

وأضاف: أطمئن الناس أنه لا وجود لظاهرة تشيع منظمة أبدا. والحديث عن نشاط إيرانيين ودفعهم المال للناس مقابل التشيع مبالغ فيه، وهذا يراد منه تفريق الجسد الواحد، والأولى بهم أن يقولوا إن اسرائيل تأتينا بالجنس والمخدرات بدل أن يقولوا إن إيران تأتينا بالحسينيات.

-ثم سألت "العربية.نت" الشيخ غزال عن رأيه فيما تقوله أوساط المعارضة وخاصة الإسلامية من أن "النظام يشجع التشيع حماية للطائفة العلوية وله"، فأجاب : النظام شجع على الرؤية المعرفية الممنهجة وافتتح مجالات العلم فى كل نواحى الحياة، النظام عندنا لا يمارس قيادة الدولة من باب أنه نظام علوى وهذا أجمل ما فى هذا

النظام ولكن من باب أنه نظام عربى سورى يحمل فكر الأمة العربية الواحدة وهذا الأمر الذى يلاقى قبولا عند الأغلبية الساحقة من الناس.

وتابع "الطائفة محمية من خلال محبة الشعب لبعضه. مفتى الجمهورية أحمد حسون له شعبية كبيرة بين العلويين وغيرهم، وأقص عليك هذه الطرفة التى تبين موقفه: سألوه على أى مذهب تفتى فقال على الذى ييسر مصلحة المواطن. ولدينا مثلا فى مديرية الأوقاف السنى والعلوى جنبا إلى جنب ولا فرق بينهما. الطائفة محمية ليس من خلال الشيعة ولكن من خلال حضورها الاجتماعى والعلمى والذى كان غائبا على مدار ٤٠٠ سنة والنظام سمح

بإدخال الرؤية المعرفية وتقويتها عند هذه الطائفة فصار عندنا أطباء ومهندسون مشاركون فى الحياة، ولا توجد عندنا طائفية. أنا الآن أسكن فى حى الزقزقانية، فى اللاذقية، ولدى حوالى ٢٠ جارا بين السنى والمسيحى وأتوا فى عيد الفطر وعيّدنا فى الجامع.

-ولكن ماهو موقف علماء العلويين إزاء من يعلن تشيعه من أبناء الطائفة- سألت "العربية.نت" الشيخ غزال الذى رد قائلا: هناك بعض الخصوصيات بين الفريقين أى العلويين والشيعة؛ فنحن العلويين مثلا لا نأخذ بولاية الفقيه التى يأخذ بها الشيعة، فضلا عن بعض الخصوصيات فى قضية تحديد المرجعية من حيث متى ينتخب المرجع فهذه غير موجودة عندنا، أى حجة الإسلام والمسلمين وآية الله العظمى ثم المرجع ثم الإمام غير موجودة، ثالثا مصادر التشريع عند العلويين أوسع وأشمل؛ فهناك هامش كبير لتجديد الثقافة الإسلامية قد لاتكون موجودة عند غيرهم، ومنها قضية العلاقة والحوار مع الآخر حيث أنه عندنا لا مقدسات فى الحوار.

واستطرد: " الشخص الذى يعلن تركه للمذهب العلوى وانضمامه للمذهب الشيعى يتخلى عن بعض هذه الخصوصيات، لكن لا يتحرك كثيرا فى فكره ومذهبه، لأن الأشياء التى طرحتها لا تتعلق بالأمور العقدية وإنما تتعلق بالممارسة وتطوير هذه العقيدة، لأنه بالنتيجة سلوك الإنسان هو نتيجة الثقافة وليس الثقافة نفسها. وخلافنا مع الشيعة هو فى ممارسة وتطبيق العقيدة الواحدة."

وأضاف متحدثا عن الفوارق بين الشيعة والعلويين: قضية وجود نساء علويات لا يرتدين الحجاب هى قضية نسبية فهناك نشاء شيعيات وسنيات لا يرتدين الحجاب أيضا. اللواتى رفعن الحجاب ذلك بسبب عدم تبنى الفكر الدينى أيضا. أيضا الشيعة ركزوا على الإمام الحسين أكثر من بقية الأئمة. كما أن العلويين لا يجدون مبررا أو معنى لإخراج الخطاب الدينى من المسجد حيث هو أقدس مكان يمكن أن يذكر الله تعالى فيه، ولا حاجة لتوزيع الأماكن التى يجتمع فيها الناس وتشتيت أماكن الخطاب الدينى.

ويضيف: أول جامعة أقيمت فى الإسلام هى جامعة الإمام جعفر الصادق ومقرها كان فى مسجد الرسول صلى الله عليه وسلم بالمدينة المنورة، ولم يقم الإمام جعفر حسينية علما أنه من الأئمة الذين أتيح لهم طرح فكرهم الثقافى فى فترة ضعف الدولة الأموية وقيام الدولة العباسية. لا حاجة للحسينيات عند العلويين. كذلك لاحاجة عند

العلويين لإثارة مصيبة أهل البيت بالشكل الذى يثار عليه الآن من الضرب بالسكاكين عند الشيعة مما يؤدى لتشتيت الخطاب الدينى. العلويون لا يقبلون دولة الفقيه ولا دولة قبل دولة المهدى المنتظر ومع ذلك أى دولة

تحكم بالعدل فهى دولة عادلة يقبلون بها. اجتماعيا، العلويون أكثر تشددا فى الضوابط الأخلاقية مثلا: نحن نعف عن لحم الذبيحة الأنثى، والدين عندنا تطوع فى الإقبال على الله تعالى كما أننا أكثر الطوائف علمانية وانفتاحا فى سوريا وهناك قنوات كثيرة فى مبادئ العلويين للحوار مع الآخرين حيث أقروا للآخرين بثقافاتهم وصحة ثقافاتهم .

وأشار أخيرا إلى أن أبرز علماء الشيعة محمد مهدى شمس الدين ومحمد حسين فضل الله أصدروا فتاوى تقول إن العلويين مسلمون. وقال: فى قضايا أصول الدين مثل التوحيد والعدل والنبوة والإمامة لا فرق بين العلويين والشيعة، كذلك أيضا لا فرق فى الصلاة والزكاة والحج..الخ .

-من جانبه قال الكاتب السورى المعارض أكرم البنى لـ"العربية.نت :"الحديث عن ظاهرة تشيع فيه مبالغات، وعلاقة سورية وإيران قديمة وقوية، والآن هذه العلاقة هى إعادة إحياء تحالف على ضوء أوضاع جديدة فى المنطقة. سمعت عن مساع للتشيع ولكن ليست ظاهرة وهذا كلام مبالغ فيه. نصر حزب الله شجع البعض على التحرك فى اتجاه التشيع، والأمر سياسى أكثر مما هو مفاضلة بين مذهبين وأيهما أفضل من الآخر.

ويضيف: ليس من مصلحة النظام تشجيع التشيع فى سوريا، ممكن أن يستفيد من العلاقة الجدية مع إيران وليس من مصلحته أن تذهب قاعدته الاجتماعية من عنده لأطراف إيرانية وليس من المنطقى فى السياسة أن يتم نقاش أن هناك علويين من مصلحتهم الآن التشيع أو سنة تشيعوا. الموضوع ليس كذلك. برأيى كمحلل سياسى لا يوجد نظام يسلم قاعدته الاجتماعية الحزبية أو الدينية لحليفه، حتى فى علاقة سوريا والاتحاد السوفيتى القوية لم يفعل النظام هذا أى لم يجبر الناس أن يصبحوا شيوعيين وترك مسافة لمصلحته الخاصة وصرف النظر عن نشاط بعض الشيوعيين. النظام علاقته قوية مع إيران ولكن يريد الحفاظ على خصوصيته السورية، وهو أيضا لم يسقط من حساباته العلاقة مع الغرب .

ومن جانبه يقول نبيل فياض، الباحث السورى فى شؤون الأقليات، لـ"العربية.نت"، ردا على ما تقوله بعض أوساط المعارضة " عن سماح النظام بنشر صور زعيم حزب الله والسماح بالتحرك الشيعى أنه نابع من قلق عند العلويين لذلك يريدون التحالف مع الشيعة الإيرانيين": أنا شخصيا لا أتفق مع حزب الله ونصر الله وأنا ضد التعصب الدينى، لكن حسب علمى النظام لا يجبر أحدا على وضع صورة حسن نصر الله ولا يجبر أحدا أن ينزعها، الناس أعجبوا بحسن نصر الله وهم من مختلف الطوائف. صديقى سنى أطلق على ولده الجديد اسم حسن

نصر الله، وهو شخص لا علاقة له بالتشيع وإنما يعتبر نصر الله رمزا وطنيا، ولشعب يتطلع دائما لمخلص. نصر الله فى سوريا رمز وطنى وليس رمزا دينيا أو طائفيا. التقيت سوريين كثيرين لا يحبون حزب الله ولكن أعجبوا بحسن نصر الله كحالة وطنية.

وأضاف: أما فيما يتعلق بالحديث عن قلق لدى العلويين، فهذا كلام غير دقيق، والعلويون هم أكثر الطوائف علمانية فى سوريا، وهذا كلام لإثارة نعرات طائفية ومذهبية كما حصل فى العراق. العلويون غير طائفيين، فى مكان عملى يوجد معى علويون لم أحس أبدا أنهم طائفيون. هذا كلام هدفه خلق نزعات طائفية فى البلاد .وأتمنى للوباء العراقى ألا يمتد إلى سوريا وهناك محاولة لمده إلى سوريا وتفجير الوضع الداخلى فى سوريا. وأصلا يوجد خطر على العلمانيين فى سوريا أكثر من العلويين ورغم ذلک لم يتحالفوا مع شيعة ولا غيرهم ولا حتى مع علمانيين غربيين.

ص: ٩٥

*البيانونى يؤكد أن حركة التشييع فى سورية محاولة لتغيير تركيبة فى المجتمع وإثارة البلبلة: خدام يدرجها فى إطار سياسة المصالح الإيرانية ووهبة الزحيلى يصفها "بالعدوان"

لندن – أخبار الشرق

أكد المراقب العام لجماعة الإخوان المسلمين فى سورية المحامى على صدر الدين البيانونى أن حركة التشيع، التى قالت تقارير أمنية وسياسية إنها حركة قوية حيث رصدت لها مبالغ مالية ضخمة سواء لبناء حسينيات شيعية فى مختلف المحافظات السورية أو لتقديم هبات ومساعدات عينية للمحتاجين من السوريين اللذين يوافقون على تحويل مذهبهم .. ذات طابع سياسى بالدرجة الأولى، ولا يمكنها أن تحقق هدفها فى التأثير على وحدة المجتمع السورى ولا فى تركيبته ذات الغالبية السنية.
وكانت تقارير سياسية وأمنية قد ذكرت أن المستشارية الإيرانية فى دمشق تقود حركة تشيّع كبيرة فى سورية مستخدمة أساليب مختلفة. وقالت أوساط سياسية إن هذه الحركة تتم بالتواطؤ مع جهات فى الحكم السورى الذى يغض الطرف عن هذه التحركات. وبينما قلل كتاب ومثقفون سوريون من أهمية هذه الحركة على اعتبار أن سورية ليست دولة دينية، وأن السوريين بطبيعتهم مجتمع متدين، حمل سياسيون نظام الرئيس بشار الأسد مسؤولية ما يمكن أن تنتجه هذه السياسة التى تؤسس برأيهم لنزاع دينى طائفى يمزق وحدة المجتمع.
وقال البيانونى فى تصريحات لوكالة "قدس برس" إن "كل ما يجرى من حركة تشييع فى سورية هو إساءة للمجتمع السورى، ومحاولة لإثارة البلبلة من أجل تغيير تركيبة المجتمع السورى."
وأشار البيانونى فى هذا السياق إلى ما قال إنه محاولة فاشلة من جهات مشبوهة داخل النظام السورى حاولت الترويج إلى عداء ضد الطائفة العلوية، مضيفاً: "العلويون هم جزء من الشعب السورى، ولا عداوة بينهم وبين باقى مكونات الشعب السورى."
ويجمع السوريون والمراقبون لتطورات الوضع الأمنى والسياسى فى سورية أن العلاقات السورية - الإيرانية، وهى علاقات ذات جذور دينية وسياسية، قد مهدت لبروز حركة التشيع.
وقد ساعدت المتغيرات السياسية الإقليمية والدولية فى تسريع خطوات التقارب الإيرانى - السورى الذى تجاوز فى مرحلته الأخيرة مستوى التنسيق المتبادل إلى الارتباط الكلى، خصوصا بعد خروج القوات السورية من لبنان واغتيال رئيس الوزراء اللبنانى الأسبق رفيق الحريرى وما تبعه من تطورات أمنية وسياسية.

ص: ٩٦

ويقول نائب الرئيس السورى السابق عبد الحليم خدام ، الذى انشق عن نظام الرئيس بشار الأسد وشارک فى تأسيس جبهة الخلاص الوطنى بالتحالف مع جماعة الإخوان المسلمين وأطراف معارضة أخرى فى الخارج:
كانت العلاقات السورية – الإيرانية علاقات تحالف مبنى على المصالح المتبادلة من أجل الحفاظ على الاستقرار فى منطقة الخليج العربى، وكانت علاقات سورية العربية خطا أحمر، أما اليوم فالعلاقات السورية الإيرانية علاقات

ارتباط."

واعتبر خدام أن تغيير نوعية العلاقة السورية مع إيران نتيجة لسياسات خاطئة لنظام الرئيس بشار الأسد، وقال: "بشار الأسد نهج نهجا سياسيا مغايرا، ووتّر علاقاته مع العالم العربى وأبعد نفسه عن المنظومة العربية، وهو يبحث عن حماية بسبب تورطه فى لبنان ووضعه السياسى الداخلى المتأزم."

واعتبر خدام أن هذا هو السبب فى تحويل العلاقات السورية من علاقات متوازنة كانت تميز العلاقات السورية الإيرانية أيام الرئيس الراحل حافظ الأسد إلى علاقات ارتباط وثيق فى عهد الرئيس بشار الأسد. ونفى خدام أن يكون الرئيس الراحل حافظ الأسد طائفيا. وقال: "كان الرئيس الراحل حافظ الأسد مسلما، ولم يعلن تشيعه، ولم يكن طائفيا، صحيح هناك ممارسات كانت تجرى فى عهده ولكننى لا أستطيع أن أقول إنه كان طائفيا."

وامتدح خدام أسلوب القادة الإيرانيين دون موافقتهم، وقال إنهم "أكفاء يعرفون كيف يحددون مصالحهم وكيف يتعاملون معها"، ولذلک فإنهم يعرفون أن الدفاع عن مصالحهم الاستراتيجية لا يجب أن يتم على أرضهم بل فى الخارج، وقال: "إيران دولة كبرى فى المنطقة ولها مصالح استراتيجية، والدول التى لها مصالح استراتيجية تدافع عن مصالحها خارج أرضها."

وأرجع خدام السياسة الإيرانية فى نشر التشيع إلى مبدأ الدفاع عن مصالح إيران فى المنطقة حتى ولو كان ذلک بالتحالف مع الشيطان الأكبر كما حصل فى أفغانستان والعراق، وذلک فى إشارة إلى تضحيتها بعلاقاتها التاريخية مع سورية التى وقفت معها يوم كان العالم كله ضدها فى حرب الثمانى سنوات ضد العراق.

ولم يستبعد عبد الحليم خدام ما تحدثت عنه أوساط سياسية وأمنية رفيعة المستوى فى سورية عن اختراق الحرس الثورى الإيرانى للمؤسسات الأمنية السورية، وقال: "المسألة غير ذلک وأبعد من ذلک بكثير، فهنالک اتفاق أمنى بين أجهزة الأمن السورية والإيرانية، وقد تم التوقيع على اتفاقية الدفاع المشترک هذا العام بين إيران وسورية، ويوجد تنسيق أمنى واسع بين الأجهزة الأمنية فى البلدين تشمل لبنان وسورية."

ص: ٩٧

وانتقد خدام السفير الإيرانى فى دمشق تحديدا واتهمه بقيادة حركة التشييع فى سورية، وقال: "حركة التشييع هى ظاهرة سياسية يقوم بها السفير الإيرانى فى دمشق بهدف إيجاد حالة سياسية مرتبطة بإيران، وهذا النشاط خطير لأنه يؤسس لفتنة مذهبية فى سورية."

حركة وليست ظاهرة:

الدكتور وهبه الزحيلى، أستاذ الشريعة والأصول فى الجامعة السورية والمفكر الإسلامى المعروف، قلل من أهمية الحركة التى تقودها المؤسسات السياسية والدينية الإيرانية فى سورية، على خلفية أن الأغلبية السكانية لسورية هم من السنة، رغم تعبيره عن استيائه منها إلى حد وصفها بـ"العدوان."

وقال الزحيلى: "لم يصل أمر الدعاية الشيعية فى سورية إلى درجة الظاهرة، ولكنه حركة دؤوبة تستخدم فيها المستشارية الإيرانية فى دمشق الإغراءات المادية من مال وبيوت وسيارات من أجل جلب الناس إلى اعتناق التشيع."

وأوضح الزحيلى أن هذه الحركة التى تتم بسرية كاملة والتى تقابل بصمت رسمى، قد تزعج السوريين فى المستقبل، وقال: "لقد تحدثنا قبل أشهر مع السيد (على (خامنئى فى طهران واعتبرنا ما يجرى فى سورية عدواناً لا بد من إيقافه، إذ كيف يتم الحديث عن الوحدة والحوار وفى المقابل يتم دفع الأموال للناس كى يغيروا مذاهبهم."

وأكد الزحيلى أن عملية التشييع أمر واقع ولا يمكن أن يخفى على كل ذى بصيرة، وذكر أن مئات من السوريين فى دير الزور والرقة ودرعا وغوطة دمشق قد استجابوا فعلا لإغراءات المستشارية الإيرانية وتشيعوا. ومع ندرة البيانات الإحصائية التى تعرض للتوزع السكانى فى سورية من حيث الانتماء الطائفى إلا أن أغلب الدراسات تشير إلى أن نسبة السنة فى سورية تصل إلى ٨٥ فى المائة، أما الشيعة فنسبتهم ١ فى المائة، بالإضافة إلى ٩ فى المائة نسبة العلويين، أما النسبة المتبقية فمتوزعة بين المسيحيين والشركس. وقد لعب الخلاف العقائدى بين العلويين والشيعة دورا فى تأخير التقارب السورى – الإيرانى.

فقد "نشأت الطائفة العلوية فى القرن الثالث الهجرى نتيجة انقسامات فى تاريخ الشيعة، وتعود تسميتها بالنصيرية النميرية، إلى مؤسسها) أبو شعيب محمد بن نصير البصرى النميرى) الذى توفى عام ٢٧٠ هـ (٨٨٤م)، وقد زعم - بعد ما يُعرف لدى الشيعة باختفاء الإمام محمد المهدى الثانى عشر فى السلسلة الجعفرية – أنّه هو (ابن نصير) يمثل "الباب إلى السرداب" الموصل إلى الإمام الحسن العسكرى، الحادى عشر فى السلسلة نفسها. وادّعى النبوة لاحقا وتابعه ورثته وأضافوا تعاليم عديدة لحركته."

ص: ٩٨

يذكر أن الشيخ سلمان العودة الداعية السعودى الإسلامى المعروف والمشرف العام على "مؤسسة الإسلام اليوم" قد تحدث عن ظاهرة التشيع السياسى التى خلقتها الحالة السياسية الراهنة، خصوصا بعد سقوط العراق تحت الاحتلال وظهور الدعوات الطائفية مع خطاب بعض الحركات الإسلامية الشيعية الموالية لطهران عن المظلومية الشيعية.

وقال: "هناك انتشار كبير للمد الشيعى فى بلاد الشام وسورية على وجه الخصوص وفى عدد من بلاد العالم الإسلامى، وأعتقد أن جزءاً من هذه الظاهرة يمكن أن نقول عنه إنه تشيع سياسى بمعنى أنه ولاء للحضور السياسى لإيران، ولكن هذا لا يمنع أن يكون هناك آخرون يخلطون بين الجانب السياسى والجانب العقدى."

انتقادات مبالغ فيها:

لكن الدكتور حسين جمعة رئيس اتحاد الكتاب العرب الذى يخضع لسيطرة البعثيين فى سورية؛ نفى أن تكون هناك حركة تشييع تقودها جهات إيرانية فى سورية، معتبراً أن "ما تداولته بعض الأوساط السياسية والإعلامية عن أن سورية تشهد حركة تشييع تقوم بها جهات إيرانية، معلومات فيها كثير من المبالغة وتقوم بترويجها جهات معادية لسورية."

واعتبر جمعة أن إقبال بعض السوريين على التشيع يأتى فى سياق بحث الناس عن التمسک بمظهر من مظاهر البطولة فى إشارة إلى ما حققه حزب الله فى حربه الأخيرة مع إسرائيل والتى يعدها السوريون وقسم من اللبنانيين انتصارا غير مسبوق وتحطيما لأسطورة الجيش الذى لا يقهر.
وانتقد جمعة من يروج له البعض من امتداد للخطر الشيعى فى سورية، وقال إن السوريين أذكياء ويقدرون على التمييز بين الدين الذى هو لله وبين الوطن الذى هو للجميع، حسب تعبيره.

http://www.thisissyria.net/٢٠٠٦/١٠/٣١/syriatoday/٠٥.html

ص: ٩٩

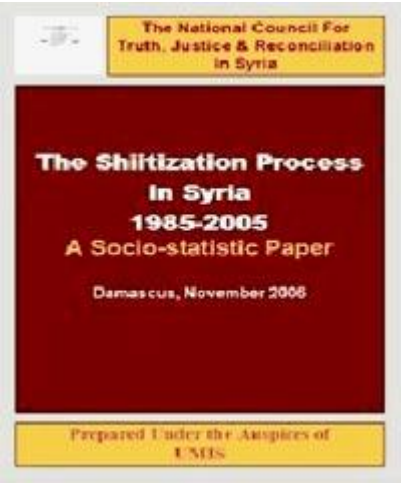

التشيع فى سورية

حُميدة حَميد

صدرت مؤخرا أول دراسة من نوعها فى هذا مجال التشيّع فى سورية قام بها باحثون ميدانيون على مدى ستة أشهر بناء على طلب إحدى الجهات الأوروبية الرسمية، وبتمويل منها. وتتناول الدراسة عملية "التشيع" فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ـ ٢٠٠٥)، مع ملحق إضافى تناول النصف الأول من العام ٢٠٠٦، أعد الدراسة تسعة باحثين ميدانيين متخصصين فى مجال علم الاجتماع وعلم الاجتماع السياسى والإحصاء، ويشتركون فى أنهم جميعاً علمانيون ونشطاء فى حركات "المجتمع المدنى" السورية.

وقد جاءت الدراسة فى ٣٢ صفحة وتحت عنوان: (عملية التشيع فى سوريا ١٩٨٥ـ ٢٠٠٦، دراسة اجتماعية– إحصائية)، وأجريت الدراسة بشكل سرى وبعيدا عن الأضواء، كما جرى إغفال أسماء الباحثين والاحتفاظ بها على وثيقة مستقلة لدى الجهة الممولة فى بلجيكا. وقدم للدراسة الكاتب والصحفى السورى نزار نيوف. وهو متخصص أكاديمى فى الاقتصاد والعلوم السياسية والتاريخ الاقتصادى– السياسى المقارن للديكتاتوريات فى حوض المتوسط.

وتتناول الدراسة عملية التشيع فى المحافظات السورية الرئيسة؛ لكونها تضم الغالبية الساحقة من سكان سوريا، ولأن عملية التشيع تجرى فيها حصرياً، ولأنها المحافظات التى تضم أقليات إسلامية مذهبية غير سنية (علويون، وإسماعيليون، وشيعة... إلخ) بنسب مختلفة، طاغية فى بعضها، وضئيلة فى بعضها الآخر. وأشار البحث إلى أن محافظة القنيطرة قد استثنيت من البحث بسبب وضعها الخاص (معظم أراضيها تحت الاحتلال الإسرائيلى منذ العام ١٩٦٧).

المعلومات الخام

يشير البحث إلى أن الباحثين لجئوا إلى طريقة "مبتكرة" وهى تفرغ كل منهم لمنطقة جغرافية ـ ديمجرافية بعينها، وعدم الالتقاء ببعضهم بعضاً أو مناقشة المعلومات والنتائج الخام التى توصل كل منهم إليها طيلة الفترة

المكرسة لجمع المعلومات والبيانات، وهى خمسة أشهر. أما الشهر الأخير فخصص لعقد حلقات نقاشية مغلقة فيما بينهم لتداول هذه المعلومات ومناقشتها وغربلتها واستخلاص المعطيات النهائية والنتائج بعد طرحها من الحساب حين تكون نسبة الارتياب أكبر من ٥٠٪، ومن ثم تحرير النص النهائى. أما مصادر المعلومات الخام فقد حددها البحث بأربعة:

ـ سجلات المحاكم الشرعية (المذهبية) وبيانات الزواج والطلاق.

ـ معطيات مستخلصة من سجلات مديريات وزارة الأوقاف فى المحافظات.

ـ مقابلات شخصية ميدانية مع رجال دين ووجهاء ومواطنين عاديين ينتمون إلى مختلف المذاهب الإسلامية المعنية.

ـ معطيات مستخلصة من سجلات المراكز الثقافية الإيرانية والحوزات والمدارس الشيعية التى تشرف عليها وتدعمها، جزئيا أو كليا، السفارة الإيرانية فى دمشق.

تجديد التشيع

خلص البحث إلى نتائج تشير إلى أن إجمالى المسلمين المتشيعين فى سوريا خلال عشرين عاماً (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦) لا يتجاوز (٦٢) ألفا، أغلبيتهم الساحقة من أبناء الطائفة العلوية، ولا تتجاوز نسبة المسلمين السنة فيهم (١٥٠٠) مواطن! ويشير البحث إلى أن عدد الأسر "العلوية" التى تشيعت خلال الفترة المذكورة بلغ (٨٧٨٣) أسرة. وبافتراض أن متوسط عدد أفراد الأسرة السورية هو ستة أشخاص، وأن جميع أفراد الأسرة تبعوا رب الأسرة المتشيع، فإن العدد الإجمالى للعلويين الذين تشيعوا يبلغ حوالى (٥٢٧٠٠) شخص. هذا بينما بلغ عدد الأسر الإسماعيلية المتشيعة حوالى (١٢٠٠) أسرة، أى حوالى (٧٤٠٠) شخص. واستنادًا إلى هذه الأعداد تكون نسبة المتشيعين فى كل طائفة/ مذهب خلال الفترة المذكورة ٨٥٪ فى الوسط العلوى؛ ١٣٪ فى الوسط الإسماعيلى؛ و٢٪ فقط فى الوسط السنى.

ذكرت الدراسة ملاحظتين فى هذا السياق، أولاهما أنه لم تسجل أى حالة تشيع فى وسط الشيعة الموحدين (المعروفين باسم "الدروز") أو فى الوسط المسيحى بمختلف مذاهبه (الكاثوليكية، والأرثوذوكسية، والبروتستانتية... إلخ)، وثانيتهما أن ٧٪ على الأقل من المسلمين السنة الذين تشيعوا فى دمشق وريفها جرت فى

أوساط العائلات الشيعية فى الأصل، والتى "تسننت" مع الزمن لأسباب مختلفة. كما سجلت ملاحظة مشابهة لجهة المسلمين السنة فى حلب، حيث أشارت إلى أن ١١٪ منهم ينحدرون من أصول شيعية فى الأساس، وهو ما أسمته الدراسة بـ "تجديد التشيع".

التشيع والوضع الاجتماعى

خلصت الدراسة إلى أنه من الصعب ربط حالات التشيع بوضع اجتماعى "معيارى" يمكن الركون إليه علميا فى تحديد سبب أساسى أو طاغ وقف وراء تشيع هؤلاء، سواء فى الوسط السنى أو فى الوسطين الإسماعيلى والعلوى، لا سيما منه الجانب الاقتصادى، أو ما أشير إليه فى بعض وسائل الإعلام بـ"الفقر والحاجة إلى الأموال الإيرانية"، فالقسم الأكبر من المتشيعين السنة فى دمشق (٦٤,٤٪) ينتمون لعائلات تجارية أو مهنية وضعها الاقتصادى جيد أو ممتاز.

كما أن القسم الأكبر منهم (حوالى ٦٩٪) من حملة الشهادات الثانوية أو المعاهد المتوسطة وما فوق. واقتربت النسب فى حلب من هذا الإطار. حيث سجل البحث أن ٦١٪ من متشيعى حلب ذوو وضع اجتماعى- اقتصادى متوسط أو جيد. فيما كان معظم الفقراء المتشيعين منهم (٣٩٪) ذوى أصول شيعية بعيدة (جددوا تشيعهم). أى أن دافعهم إلى ذلك "دينى". ولم تتجاوز نسب المتشيعين لأسباب "مالية" فى الوسط السنى إجمالا (فى جميع المحافظات التى جرى مسحها) الـ٣٪.

سجلت الدراسة "مفارقة طريفة" فى هذا المجال، وهو أن بعض السنة المتشيعين -وخصوصا طلاب الجامعات منهم- غير ملتزمين دينيا، وكان تشيعهم، حسب ما أفادوا للباحثين، "لأنهم أرادوا الحصول على مبلغ مالى لتسديد نفقات الدراسة أو الزواج رغم أن الالتزام الدينى، سواء أكان سنيا أو شيعيا، إسلاميا أو مسيحيا، لا يعنى لهم شيئا". وهو ما يمكن أن يصنف تحت عنوان "الانتهازية".

مفارقة طريفة أخرى سجلتها الدراسة فى الملحق الإضافى لجهة المتشيعين السنة، لا سيما من تشيع منهم بعد الحرب الإسرائيلية الأخيرة على لبنان الصيف الماضى، وهى أنهم "تشيعوا حبا بحزب الله وحسن نصر الله"!

فى إطار التشيع فى الوسط العلوى، أشارت الدراسة إلى أن الأغلبية الساحقة من المتشيعين (حوالى ٧٦٪) هم من الطلاب أو العاطلين عن العمل. ولاحظت الدراسة أن قسما من المتشيعين العلويين هم من العسكريين.

ص: ١٠٢

وهذه الملاحظة منقولة من إفادة أحد رجال الدين العلويين فى طرطوس؛ لأنه من الصعب معرفة النسبة الحقيقية من المتشيعين العسكريين لأسباب "لوجستية" مفهومة. أما المتشيعون فى الوسط الإسماعيلى فجلهم (حوالى ٨٤٪) من الفئات الوسطى وما فوق، منهم ٦٨٪ من حملة الشهادات الثانوية وما فوق.

الخلاصات

استخلصت الدراسات ستة مؤشرات أساسية من عملية التشيع فى سوريا:

ـ معظم حالات التشيع جرت وتجرى فى الوسط الإسلامى المعتبر تاريخيا وفقهيا من "العائلة الفقهية الشيعية" (إسماعيليون، وعلويون...).

ـ نسبة التشيع المتواضعة جدا (٢٪) فى الوسط السنى لا تسمح بالحديث أبدا عن "عملية تبشير شيعى" فى هذا الوسط، خصوصا إذا أخذنا بعين الاعتبار أن قسما من هؤلاء ينحدرون أصلا من عائلات شيعية "تسننت" مع الزمن لاعتبارات مختلفة.

ـ نسبة المتشيعين لأسباب اقتصادية- مالية (الوضع الاقتصادى- الاجتماعى) لا تسمح بالحديث عن "ظاهرة تشيع مأجور" أو "ظاهرة ارتزاق مذهبى".

ـ الغالبية الساحقة من حالات التشيع الإسماعيلى تندرج فى "الإطار الطقسى" و"الرمزى" إذا جاز التعبير، كالالتزام بالصلوات الخمس فى مساجد ينفصل فيها النساء عن الرجال بدلا من الصلوات "شبه المختلطة" عند الإسماعيليين حيث النساء الملتزمات دينيا منهم لا يعنين كثيرا بوضع الحجاب وإزالة المكياج أثناء الصلاة. وبالنسبة للمتشيعين العلويين، يلاحظ على الدراسة أنها اقتصرت فى غالبيتها الساحقة على الرجال (٩٣٪). أما النساء المتشيعات فلم يلتزمن بما يعرف بـ"الشادور" (الحجاب)، واكتفين بغطاء عادى للرأس. ويعود هذا أساسا إلى أن الفقه الجعفرى (على الطريقة العلوية) يعفى النساء من واجباتهن الدينية (المرأة غير مكلفة شرعيا).

ـ استمرار وتيرة التشيع على هذا النحو فى الوسطين الإسماعيلى والعلوى، سيؤدى إلى "انقراض" الطائفة الأولى نظريا خلال عقد من الزمن، وإلى "انقراض" الثانية خلال ربع قرن.

ص: ١٠٣

** جزء من مقال منشور على موقع إيلاف تحت عنوان: "التشيع فى سوريا".

وبعد: قد يكون ما ورد فى التقرير أعلاه صحيحاً،ولكن ما لم يتطرق إليه هو:لماذا ظهور ظاهرة التشيّع فى سورية وليس ظهور ظاهرة التسنّن فى إيران؟أليس من حق أهل السنّة أيضاً أن يقوموا بالعمل على "تسنين" الإيرانيين؟هل تسمح الحكومة الإيرانية بمثل هذا النشاط؟ وإذا كانت الظاهرة فى حدها الذى أشار إليه التقرير،فلماذا إذن هذه الحمى الشديدة فى بناء الحسينيات فى مناطق لايوجد فيها شيعة أصلاً ـ حسب التقرير؟ وماذا عن تجنيس عشرات الآلاف من الشيعة الإيرانيين بالجنسية السورية؟وماذا عن اعتماد الرئيس بشار فى حمايته الشخصية على الحرس الثورى الإيرانى؟إن التقرير لم يأت على كل ما فى الموضوع؟ولم يُجب عن كل الأسئلة التى تشغل بال القلقين على محاولات تغيير التركيب الديمغرافى للشعب السورى.

إبراهيم درويش

أولاً : إحصائية للأديان والفرق فى سوريا:

-١أهل السنة : ٨٠ %
-٢النصارى : ٧ %
-٣النصيرية : ٧ %
-٤الدروز : ٦ %

ص: ١٠٤

سوريا:

رافضة سوريا واحتفالاتهم الشركية

ويشرف على هذا المخطط ويدعمه إيران وبموافقة رسميةً من سوريا ومن أعمالهم :
-١توزيع واسع النطاق لكتب الرافضة من إيران فى المدن والقرى والتركيز على المناطق الشرقية فى سوريا.
-٢حصانة دعاة الرافضة العراقيين فى سوريا وعلى رأسهم عبدالحميد المهاجر (سورى الجنسية وأهله من العراق) .
-٣شراء العقارات من رافضة إيران وفتح الجامعات ، وبناء الحسينيات ، والبدء بإعلان أذان الرافضة فى بعض المساجد فى القرى (وأشهد أن علياً ولى الله . (
كل ذلك فى حين غفلة أهل السنة والجماعة فى العالم الإسلامى عن إخوانهم فى سوريا .

ثالثاً : التضييق الشديد على أهل السنة والجماعة .

-١العداء النصيرى لأهل السنة بحيث إن كل شاب سنى يستدعى يُسأل : ما علاقتك بالمشايخ بالمملكة ؟! هل تقرأ لابن عثيمين وابن باز؟ . !

-٢التضييق الشديد على أهل السنة والجماعة حتى إن كلمة (وهابى) أو(سلفى) تهمة يسجن عليها ستة أشهر فأكثر ؟ . !

-٣المنع التام للكتب القادمة من السعودية ، أو التى مؤلفها سماحة الشيخ ابن باز وابن عثيمين وعلماء المملكة عموماً .

-٤تأكيدهم المستمر على أن أهل السنة يكرهون النبى محمد صلى الله عليه وسلم.

-٥تشبع الصوفية من النشأة على العداء التام للوهابية.

-٦أخذ التعهد رسمياً بالامتناع عن الدعوة إلى الله إذا كان التوجه فى الظاهر سلفى.

-٧امتحان الناس بالكفريات فى التحقيق مثل : ما رأيك بالتبرك بالقبور ؟ والتوسل بالأنبياء والصالحين ؟ والجواب بالمنع يعنى ثبوت التهمة الوهابية.

-٨محاربة مظاهر السنة كاللحية والثوب القصير.

-٩الإلزام بحلق اللحية فى السجون وخصوصاً فرع فلسطين المشهور بالتعذيب.

-١٠الاعتقال الكثير جداً لكل ملتحى من أجل تشويه سمعته ، وتنفير الناس من الدعوة.

-١١فتح المجال للسحرة والسكوت عنهم .

-١٢سب الضباط لله تعالى ولرسوله صلى الله عليه وسلم علناً وباستمرار والعياذ بالله .

مشايخ الدولة كلهم من الصوفية الحاقدين على دعوة الإمام محمد بن عبدالوهاب ، ولهم دور كبير فى تشويه سمعة الدعوة السلفية بين عامة الناس ، ومنهم :

) •أحمد حسون) المفتى الجديد لسوريا يقول : سأنظف البلاد من السلفية وكتبهم.

) •محمد سعيد رمضان البوطى) من أشدهم عداءً للدعوة السلفية ويقول : " هذه الكتب التى تتسلل إلى سوريا من السعودية سنخبر السلطات لمنعها " . وفى كلمة له فى مؤتمر وحدة الأديان وأمام اليهود والنصارى يقول : " إن مشكلتنا تكمن فى أهل اللحى الطويلة والثياب القصيرة."

) •محمد حبش) رئيس مركز الدراسات الإسلامية فى جامعة دمشق يتبنى وحدة الأديان.

رابعاً : الدعوة فى سوريا:

-١الضعف الشديد للنشاط الدعوى فى سوريا.

-٢يمنع دعوة النصارى للإسلام , ويسمح بالدعوة للنصرانية ؟

ختاماً : هذا بعض ما يحصل لإخواننا من أهل السنة والجماعة فى سوريا ، ولابد من القيام بالواجب الدعوى والاحتسابى والتفات العلماء من سوريا وخارجها لإصلاح الأوضاع فيها، والعمل على الحد من هذا المد الرافضى الخطير ووضع برامج دعوية نافعة والاستفادة من قناة المجد الفضائية ، وموقع البث الإسلامى وكافة المواقع الدعوية فى الإنترنت.

منقول

ص: ١٠٧

رئيس التحرير
٠١-٢٥-٢٠٠٧, ٠٩:١٩ PM
بحث حول التشيع فى سوريا

حُميده حَميد :٢٠٠٧٠٠

بحث هو الأول من نوعه حول التشيع فى سوريا
معطيات إحصائية شبه دقيقة حول عملية "التشيع" فى سورية:
الأرقام تشير إلى عكس ما يروج له فى وسائل الإعلام
٨٥بالمئة يتم فى أوساط الطائفة العلوية والباقى يتوزع على الطوائف الأخرى ولا تتجاوز النسبة فى الوسط السنى ٢ بالمئة من إجمالى المتشيعين
استمرار الوتيرة على هذا النحو سيؤدى إلى "انقراض " الطائفة العلوية بعد ٢٥ عاما والاسماعيلية بعد خمسين عاما!؟

ظهرت فى الآونة الأخيرة إلى الوجود قضية لم تكن مطروحة على جدول أعمال اهتمامات الرأى العام، سواء داخل سورية أم خارجها، وهى قضية ما سمى بعملية التشيع فى البلد المذكور. ولعل أول من أثارها المراقب العام للإخوان المسلمين فى سوريا، المحامى على صدر الدين البيانونى، ونائب الرئيس "المنشق" عبد الحليم خدام، فى تصريحات إعلامية مختلفة قبل أن تأخذ طريقها إلى بيانات رسمية صادرة عن "جبهة الخلاص الوطنى". وأشير فى مختلف هذه التصريحات إلى أن السفارة الإيرانية تقود هذه العملية مقابل دفع مبالغ مالية لكل من يتخلى عن مذهبه السنى ويلتحق بالمذهب الجعفرى، وصولا إلى الإعراب عن مشاعر القلق بشأن ما يمكن يؤدى إليه الأمر من تغيير لبنية السكان الديمغرافية فى سوريا! وبدا أن وراء إثارة القضية "أمر عمليات" صادر من جهة ما، بدليل أن عشرات المقالات ظهرت دفعة واحدة، فى مواكبة هذه التصريحات، على مختلف مواقع الإنترنت التابعة للجهتين المذكورتين، سواء بشكل رسمى أو غير رسمى .والأدهى من ذلک أن نشطاء معارضين يعيشون فى المنفى منذ عشرات السنين، وبعضهم (مثل فريد الغادرى) لا يجيد تحديد الموقع الجغرافى لأربع مدن سورية دون الاستعانة بأطلس) بالمعنى الحقيقى لا المجازى)، ولا يعرف أى شىء على الإطلاق عن التركيبة الديمغرافية لسورية، انخرط فى هذه الحملة بناء على " معطيات " مولدة ومنقولة بطريقة " القيل والقال !"

ص: ١٠٨

فهل لهذه المعلومات والهواجس المثارة أى أساس واقعى، أم أن الأمر يدخل فى إطار التعبئة السياسية ـ

الإيديولوجية على خلفية " المواجهة المذهبية " الجارية فى العراق والشرق الأوسط عموما، و الصراع السياسى الدائر فى لبنان على وجه الخصوص، والذى وجد بعض فصائل المعارضة السورية نفسه مدفوعا إلى الدخول فيه بحكم التداخل بين قضايا البلدين!؟

هذا السؤال، ونعنى تحديدا الجانب العلمى الإحصائى، أجيب عليه مؤخرا فى أول دراسة من نوعها فى هذا المجال قام بها باحثون ميدانيون على مدى ستة أشهر بناء على طلب إحدى الجهات الأوربية الرسمية، وبتمويل منها. وتتناول الدراسة عملية "التشيع" فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٥)، مع ملحق إضافى تناول النصف الأول من العام ٢٠٠٦. أعد الدراسة تسعة باحثين ميدانيين متخصصين فى مجال علم الاجتماع وعلم الاجتماع السياسى والاحصاء، ويشتركون فى أنهم جميعا علمانيون ونشطاء فى حركات "المجتمع المدنى" السورية. وقد جاءت الدراسة فى ٣٢ صفحة فولسكاب وتحت عنوان The Shiitization Process in Syria ١٩٨٥–٢٠٠٦, a Socio-statistic paper (عملية التشيع فى سوريا ١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦، دراسة اجتماعية ـ إحصائية)، أشرفت عليها، إداريا وحسب، منظمة "المجلس الوطنى للحقيقة والعدالة والمصالحة فى سوريا "، التى انحصر دورها فى ترشيح الباحثين وترتيب الاتصال بينهم وبين الجهة الممولة مقابل السماح للمنظمة بوضع اسمها على البحث كجهة مشرفة إداريا .وبسبب حساسية الموضوع، خصوصا لجهة إمكانية ملاحقة الباحثين أمنيا وقضايا بتهمة " قبض أموال من جهات أجنبية "، فقد أجريت الدراسة بشكل سرى وبعيدا عن الأضواء، كما جرى إغفال أسمائهم والاحتفاظ بها على وثيقة مستقلة لدى الجهة الممولة فى بلجيكا .وقدم للدراسة الكاتب والصحفى السورى نزار نيوف. وهو متخصص أكاديميا فى الاقتصاد والعلوم السياسية والتاريخ الاقتصادى ـ السياسى المقارن للديكتاتوريات فى حوض المتوسط .

الإطار الجغرافى ـ الديمغرافى العام للدراسة :

تتناول الدراسة عملية التشيع فى المحافظات السورية الرئيسة: دمشق وريف دمشق، حلب وريفها، حمص، حماة، اللاذقية، طرطوس، إدلب، الرقة، دير الزور، السويداء. وقد اختيرت هذه الدراسة، كما يشير البحث، لكونها تضم الغالبية الساحقة من سكان سوريا، ولأن عملية التشيع تجرى فى حصريا، ولأنها المحافظات التى تضم أقليات إسلامية مذهبية غير سنية (علويون، إسماعيليون، شيعة.. إلخ) بنسب مختلفة، طاغية فى بعضها، وضئيلة فى بعضها الآخر .وأشار البحث إلى أن محافظة القنيطرة قد استثنيت من البحث بسبب وضعها الخاص (معظم أراضيها تحت الاحتلال الإسرائيلى منذ العام ١٩٦٧)، ولكون الغالبية الساحقة من سكانها نازحين إلى المحافظات السورية الأخرى، لاسيما دمشق وريفها، وبالتالى فقد شملها البحث بطريقة غير مباشرة .

طريقة البحث وكيفية الحصول على معلوماته الخام:

يشير البحث إلى أن الباحثين لجأوا إلى طريقة " مبتكرة " وهى تفرغ كل منهم لمنطقة جغرافية ـ ديمغرافية بعينها، وعدم الالتقاء ببعضهم البعض أو مناقشة المعلومات والنتائج الخام التى توصل كل منهم إليها طيلة الفترة المكرسة لجمع المعلومات والبيانات، وهى خمسة أشهر. أما الشهر الأخير فخصص لعقد حلقات نقاشية مغلقة فيما

بينهم لتداول هذه المعلومات ومناقشتها وغربلتها واستخلاص المعطيات النهائية والنتائج بعد بعضها من الحساب حين تكون نسبة الارتياب أكبر من ٥٠ ٪، ومن ثم تحرير النص النهائى. أما مصادر المعلومات الخام فقد حددها البحث بأربعة :

ـ سجلات المحاكم الشرعية (المذهبية) وبيانات الزواج والطلاق ؛

ـ معطيات مستخلصة من سجلات مديريات وزارة الأوقاف فى المحافظات ؛

ـ مقابلات شخصية ميدانية مع رجال دين ووجهاء ومواطنين عاديين ينتمون إلى مختلف المذاهب الإسلامية المعنية ؛

ـ معطيات مستخلصة من سجلات المراكز الثقافية الإيرانية والحوزات والمدارس الشيعية التى تشرف عليها وتدعمها، جزئيا أو كليا، السفارة الإيرانية فى دمشق.

نتائج البحث:

خلص البحث إلى نتائج تشير إلى أن إجمالى المسلمين المتشيعين فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦) لا يتجاوز اثنين وستين ألفا، أغلبيتهم الساحقة من أبناء الطائفة العلوية، ولا يتجاوز نسبة المسلمين السنة فيهم الألف وخمسمئة مواطن! وفى المعطيات الأكثر تفصيلا، يشير البحث إلى أن عدد الأسر " العلوية" التى تشيعت خلال الفترة المذكورة بلغ ٨٧٨٣ أسرة. وبافتراض أن متوسط عدد أفراد الأسرة السورية هو ستة أشخاص، وأن جميع أفراد الأسرة تبعوا رب الأسرة المتشيع ، فإن العدد الإجمالى للعلويين الذين تشيعوا يبلغ حوالى ٥٢٧٠٠ شخص. هذا بينما بلغ عدد الأسر الإسماعيلية المتشيعة حوالى ألف ومئتى أسرة، أى حوالى سبعة آلاف وأربعمئة شخص. واستنادا إلى هذه الأعداد تكون نسبة المتشيعين فى كل طائفة / مذهب خلال الفترة المذكورة: ٨٥ بالمئة فى الوسط العلوى ؛ ١٣ بالمئة فى الوسط الاسماعيلى ؛ و ٢ بالمئة فقط فى الوسط السنى. ولم يسجل التقرير أى حالة تشيع فى الأوساط الأخرى (مسيحية، درزية.. إلخ .(

ص: ١١٠

التوضع الجغرافى للتشيع :

تلاحظ الدراسة أن التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط العلوى توزع على النحو التالى: محافظة طرطوس وريفها ٤٤ بالمئة ؛ محافظة اللاذقية وريفها ٢٦ بالمئة ؛ محافظة حمص وريفها ١٤ بالمئة ؛ محافظة حماة وريفها دمشق وريفها ١٦ بالمئة (وهؤلاء ينحدرون من مختلف المحافظات .(

أما التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط السنى فتوزع على النحو التالى: محافظة حلب وريفها ٤٦ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢٣ بالمئة ؛ محافظة حمص ٢٢ بالمئة ؛ محافظة حماه ٥ بالمئة ؛ محافظة إدلب ٤ بالمئة. وقد أهملت نسب التشيع فى محافظتى دير الزور والرقة والقنيطرة كونها لا تشكل إلا أجزاء عشرية متناهية الصغر (بضع عائلات تعد أصابع يد واحدة)، ولكون النشاط الشيعى فيها يبتعد عن الشكل " التبشيرى" ويقتصر على

الجانب " الطقسى" (إحياء المناسبات الدينية المرتبطة بالتراث الدينى الشيعى، و ترميم وإحياء بعض الأضرحة القديمة وتنظيم الزيارات إليها من مناطق أخرى، سواء من داخل سورية أو خارجها .(

هذا بينما جاء التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط الإسماعيلى على النحو التالى: محافظة حماة وريفها (وبشكل خاص مدينتى السلمية ومصياف و بلدة عقارب) ٥١ بالمئة ؛ محافظة طرطوس وريفها (بلدات: القدموس ومنطقة نهر الخوابى) ٤٣ بالمئة ؛ محافظة حلب وريفها ٣ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢ بالمئة ؛ محافظة إدلب وريفها ١ بالمئة .

من ناحية ثانية، ذكرت الدراسة ملاحظتين فى هذا السياق، أولاهما أنه لم تسجل أى حالة تشيع فى وسط الشيعة الموحدين (المعروفين باسم " الدروز ") أو فى الوسط المسيحى بمختلف مذاهبه (الكاثوليكية، الأرثوذوكسية، البروتستانتية.. إلخ)، وثانيهما أن ٧ بالمئة على الأقل من المسلمين السنة الذين تشيعوا فى دمشق وريفها جرى فى أوساط العائلات الشيعية فى الأصل، والتى "تسننت" مع الزمن لأسباب مختلفة. وذكرت فى هذا الإطار حالات نموذجية من عائلات (العطار، قصاب حسن، اللحام، بختيار / اختيار .(..كما وسجلت ملاحظة مشابهة لجهة المسلمين السنة فى حلب، حيث أشارت إلى أن ١١ بالمئة منهم ينحدرون من أصول شيعية فى الأساس، أو من "قرى شيعية" فى إدلب مثل " لفوعة" و" معرتمصرين". وهو ما أسمته الدراسة بـ "تجديد التشيع ."

الوضع المهنى والاجتماعى للمتشيعين :

خلصت الدراسة إلى أنه من الصعب ربط حالات التشيع بوضع اجتماعى " معيارى " يمكن الركون إليه علميا فى تحديد سبب أساسى أو طاغ وقف وراء تشيع هؤلاء، سواء فى الوسط السنى أو فى الوسطين الاسماعيلى والعلوى، لاسيما منه الجانب الاقتصادى، أو ما أشير إليه فى بعض وسائل الإعلام بـ " الفقر والحاجة إلى الأموال

الإيرانية ". فالقسم الأكبر من المتشيعين السنة فى دمشق (٦٤,٤ بالمئة (ينتمون لعائلات تجارية أو مهنية وضعها الاقتصادى جيد أو ممتاز. كما أن القسم الأكبر منهم (حوالى ٦٩ بالمئة) من حملة الشهادات الثانوية أو المعاهد المتوسطة وما فوق .واقتربت النسب فى حلب من هذا الإطار. حيث سجل البحث أن ٦١ بالمئة من متشيعى حلب ذوو وضع اجتماعى ـ اقتصادى متوسط أو جيد. فيما كان معظم الفقراء المتشيعين منهم (٣٩ بالمئة) ذوى أصول شعية بعيدة (جددوا تشيعهم). أى أن دافعهم إلى ذلک " دينى ". ولم تتجاوز نسب المتشيعين لأسباب " مالية" فى الوسط السنى إجمالا (فى جميع المحافظات التى جرى مسحها) الـ ٣ بالمئة. وسجلت الدراسة " مفارقة ظريفة " فى هذا المجال، وهو أن بعض السنة المتشيعين، وخصوصا طلاب الجامعات منهم، غير ملتزمين دينيا، وكان تشيعهم، حسب ما أفادوا للباحثين، " لأنهم أرادوا الحصول على مبلغ مالى لتسديد نفقات الدراسة أو الزواج رغم أن الالتزام الدينى، سواء أكان سنيا أو شيعيا، إسلاميا أو مسيحيا، لا يعنى لهم شيئا ". وهو ما يمكن أن يصنف تحت عنوان " الانتهازية ". مفارقة ظريفة أخرى سجلتها الدراسة فى الملحق الإضافى لجهة المتشيعين السنة، لا سيما من تشيع منهم بعد الحرب الإسرائيلية الأخيرة على لبنان الصيف الماضى، وهى أنهم " تشيعوا حبا بحزب الله وحسن نصر الله !"

فى إطار التشيع فى الوسط العلوى، أشارت الدراسة إلى أن الأغلبية الساحقة من المتشيعين (حوالى ٧۶ بالمئة)

هم من الطلاب أو العاطلين عن العمل. ولاحظت الدراسة أن قسما من المتشيعين العلويين هم من العسكريين . وهذه الملاحظة منقولة من إفادة أحد رجال الدين العلويين فى طرطوس، لأنه من الصعب معرفة النسبة الحقيقية من المتشيعين العسكريين، لأسباب " لوجستية " مفهومة. أما المتشيعون فى الوسط الإسماعيلى فجلهم (حوالى ٨٤ بالمئة) من الفئات الوسطى وما فوق، منهم ٦٨ بالمئة من حملة الشهادات الثانوية وما فوق .

خلاصات البحث الأساسية:

استخلصت الدراسات ستة مؤشرات أساسية من عملية التشيع فى سوريا:

ـ إن معظم حالات التشيع جرت وتجرى فى الوسط الإسلامى المعتبر تاريخيا وفقهيا من " العائلة الفقهية الشيعية " (اسماعيليون، علويون..)؛

ـ إن نسبة التشيع المتواضعة جدا (٢ بالمئة) فى الوسط السنى لا تسمح بالحديث أبدا عن " عملية تبشير شيعى " فى هذا الوسط، خصوصا إذا أخذنا بعين الاعتبار أن قسما من هؤلاء ينحدرون أصلا من عائلات شيعية تسننت مع الزمن لاعتبارات مختلفة ؛

ـ إن نسبة المتشيعين لأسباب اقتصادية ـ مالية (الوضع الاقتصادى ـ الاجتماعى) لا تسمح بالحديث عن " ظاهرة تشيع مأجور " أو " ظاهرة ارتزاق مذهبى" ؛

ص: ١١٢

ـ إن الغالبية الساحقة من حالات التشيع الاسماعيلى تندرج فى " الإطار الطقسى " و " الرمزى" إذا جاز التعبير، كالالتزام بالصلوات الخمس فى مساجد ينفصل فيها النساء عن الرجال بدلا من الصلوات " شبه المختلطة " عند الاسماعيليين حيث النساء الملتزمات دينيا منهم لا يعنين كثيرا بوضع الحجاب وإزالة المكياج أثناء الصلاة. وبالنسبة للمتشيعين العلويين، تلاحظ الدراسة أنها اقتصرت فى غالبيتها الساحقة على الرجال (٩٣ بالمئة). أما النساء المتشيعات فلم يلتزمن بما يعرف بـ " الشادور " (الحجاب)، واكتفين بعطاء عادى للرأس. و يعود هذا أساسا إلى أن الفقه الجعفرى، على الطريقة العلوية، يعفى النساء من واجباتهن الدينية. (المرأة غير مكلفة شرعيا .(

ـ إن استمرار وتيرة التشيع على هذا النحو فى الوسطين الاسماعيلى والعلوى، سيؤدى إلى " انقراض " الطائفة الأولى نظريا خلال عقد من الزمن، وإلى " انقراض" الثانية خلال ربع قرن.

ـ حددت الدراسة نسبة النحراف المعيارى بـ ± ٢,٥ بالمئة .

وفى تقديمه للبحث أشار نزار نيوف إلى أن حركة التشيع فى سوريا بدأت مع العلامة عبد الرحمن الخير (المولود فى العام ١٩٢٥). لكنها لم تأخذ بعدا جماعيا منظما إلا مع جميل الأسد، شقيق الرئيس الراحل، الذى أسس " جمعية الإمام المرتضى " مطلع الثمانينيات الماضية لأسباب " مافيوية ـ سياسية ـ مذهبية مركبة " حسب تعبير الكاتب. حيث "كان همه الأساسى التربح والتكسب من خلال الحصول على أموال إيرانية بذريعة تمكين أعضاء جمعيته، لاسيما العلويين منهم، من أداء فريضة الحج (...) رغم أن العلويين، كما الاسماعيليين، لا يؤدون هذه الفريضة لحجج فقهية وتاريخية مختلفة، بعضها يتصل بأن الحجر الأسود الموجود اليوم ليس الحجر الأسود الأصلى الذى أخفاه القرامطة، وبعضها الآخر ينطلق من اجتهاد فقهى يرى أن الحج والدوران حول الكعبة هو طقس وثنى صرف ". ومن المعلوم أن الرئيس السورى الراحل حل جمعية الإمام المرتضى فى العام ١٩٨٤

وحظر نشاطها قانونيا بقرار من رئيس مجلس الوزراء آنذاك عبد الرؤوف الكسم. كما وأشار فى تقديمه إلى واقعة أن الرئيس السورى الراحل "كان يعارض بقوة عملية التشيع (...) بدليل أنه أمر باعتقال أحد أطباء الأسنان العلويين فى طرطوس، المهلب حسن، وبمصادرة كل المطبوعات والمنشورات التى كان يتولى إحضارها من إيران ."وليس معلوما المصير الحقيقى لهذا الطبيب، ولو أن بعض المعلومات تشير إلى أن الرئيس الراحل "أمر بتصفيته وهو رهن الاعتقال ."

لكن الملاحظة الأهم فى المقدمة هو إشارة الكاتب فى تقديمه إلى أن " عملية التشيع فى الوسط العلوى والاسماعيلى أكثر خطورة وكارثية على المجتمع السورى من تشيع المسلمين السنة بما لا يقاس .(...) فالفروق بين السنة والشيعة تكاد لا تذكر، من حيث التزمت والتعصب الفقهى والطقسى، بينما تشيع العلويين والاسماعيليين والدروز هو الخسارة الحقيقية للتعددية الثقافية فى سوريا، بالنظر لأن هؤلاء هم الورثة الحقيقيون للفكر الاعتزالى

وللثورة الثقافية الإسلامية فى القرنين التاسع والعاشر، وآخر بقاياها (...) فضلا عن أنها طوائف علمانية إذا جاز التعبير ؛ بمعنى أنها طوائف تفصل الزمنى عن الدينى فى عقائدها، ولا تؤمن أصلا بفكرة الدولة الإسلامية ". ومن هنا، يقول الكاتب، على القوى العلمانية والمعارضة فى سوريا "أن تتعاطى مع عملية تشيع هذه الطوائف باعتبارها كارثة ثقافية وطنية لا بوصفها خطرا متربصا بالبنية الديمغرافية لسكان سوريا كما يحاول أن يصور الأمر، على نحو شديد الابتزال والسطحية والانتهازية المذهبية ـ السياسية، كل من خدام وجماعة الإخوان المسلمين (...). ذلك لأن جمهور هذه الأقليات الإسلامية الثلاث هو فى الواقع الخزان الحقيقى والأهم والأكبر للحركات العلمانية واليسارية والديمقراطية (...) وبانقراض هذه الطوائف تصبح مهمة القوى الديمقراطية والعلمانية عسيرة جدا، إذ سيتوجب عليها آنذاك النحت فى الصخر السنى بدلا من الغرف من البحر العلوى ـ الاسماعيلى ـ الدرزى ـ المسيحى!"

---

vBulletinإصدار ٣,٥,٤, كافة الحقوق محفوظة ©٢٠٠٠-٢٠٠٧, مؤسسة Jelsoft المحدودة

التشيع فى درعا

منتديات الإنترنت

هذا ملخص تقرير نشره مركز الدراسات الإسلامية فى بريطانياحول التشيع فى محافظة درعا يقول فيه الناشر أنه أعد من قبل ثقات معروفون من جهته, ويضيف أنه سينشر تقارير عن التشيع فى محافظات أخرى. و يطالب المركز (الذى يديره الشيخ محمد سرور العابدين) المسلمين أن يفكر كل منهم بما يستطيع تقديمه للإخوة الدعاة داخل سورية, و يقول الناشر: من تدفعه مروءته إلى تلبية هذا النداء فليتصل بنا بالطريقة التى يريدها.

ظهرت الشيعة فى محافظة درعا منذ عشر سنوات على الأقل بدعم واضح من حكومة البعث حيث لا يخفى على أحد الانتماء العقدى والفكرى لحكومة البعث فى سورية، وخاصة أن محافظة درعا تتمتع بحضورقوى للبعثية أولاً والصوفية ثانياً ، ولكن وجود الشيعة فى المحافظة يزيد على المائة سنة فى مدينة بصرى الشام مثلاً ـ بلد الإمام ابن كثيرـ والمليحة الغربية ، والشيخ مسكين ، ودرعا المدينة ، وطفس، وغيرها . ولكن كانوا يستعملون التقية ويصلون فى مساجد السنة ويحضرون مجالسهم ولا تستطيع أن تفرق بينهم وبين أهل السنة أبداً .إلى أن عاد المدعو زيدان الغزالى ـ تخرج فى كلية الفلسفة كان من الإخوان المسلمين ثم انتقل إلى حركة المرتضى التى كان يتزعمها جميل الأسد شقيق حافظ الأسد ثم أصبح ينتمى إلى الرافضة علناً ويلبس زيهم ـ فى إيران وبدأ يدعو إلى التشيع بقوة وهمة تناطح الجبال وكان يأتيه الدعم المالى من إيران علناً , عنده شدة فى منهجه ودعوته إلى التشيع ، يقدم كل المغريات للشباب وخاصة المال وأثاث البيوت والكتب واللباس ولربما يهيئ لهم سفراً إلى إيران ,ومن أعظم الأمور التى قدمها ويقدمها زواج المتعة ، وكل من تصدى له وعارضه فى منهجه دخل السجن أو جرى استدعاؤه وتهديده من قبل الأجهزةالأمنية فى سورية لأن الغزالى يعتبر من المقربين جداً للأمنيين وخاصة أنه ابن عم العميد رستم الغزالى الذى كان يترأس الاستخبارات فى لبنان هذا من جهة ، ومن جهة ثانية أنه كان يتكلم دائماً بلسان الحكومة ويثنى على النصارى.

ص: ١١٥

١-أهل السنة مضطهدون فى سوريا و هم يكرهون العلويين جدا، ولكن الملاحظ أن عمق معرفة أهل السنة لديانة الباطنية النصيرية و عقائد الشيعة محدودة فى كثير من مناطق سوريا و إن كانوا يرونهم على انحراف .. و هذا يتطلب توعيةلأهل السنة بعقائد الباطنية بالتفصيل و كذلک عقائد الشيعة و انحرافها عن الإسلام .

٢- ينتشر التصوف و الجهل بين كثير من أبناء السنة و هذا يسهل الكثيرعلى الرافضة.

٣- يتواجد كثير من السوريين (أهل السنة) فى الخارج و خاصة فى الجزيرة و الخليج و ربما الأردن كمهندسين أو فنيين و مقاولين و كذلک فى أوروبا كأطباء و غيره، و الغالب من هؤلاء يستطيع زيارة بلاده و أهله فى سوريا ، و لذا فالواجب على هؤلاء الإخوة كبير فى تعلم دور الحركات الباطنية و عقائدها و نشر العلم الشرعى بين أهليهم و توضيح عقائد الباطنية و التشيع لأهل السنة بالتفصيل.

٤- أظن أن الكثير لا يعرف إلا القليل عن عقائد الباطنية بشكل خاص و ذلک يرجع إلى عقيدةالكتمان لدى هؤلاء الناس، و هناک مرجع رائع يوضح عقائد الباطنية و هو رسالة دكتوارة لأحمد الخطيب من الأردن حيث يفصل تاريخ و عقائد فرق الباطنية بأسلوب تاريخى وعقائدى جميل. عنوان الكتاب (الحركات الباطنية و دورها فى العالم الإسلامى.

٥- أكثر المناطق المستهدفة بهذه الحملة كما يقوله علماء سوريا هى أكثرالمناطق السورية معاناة من سياسات التفقير و التجويع الحكومية الطائفية و منها مناطق الريف التالية: دير الزور الجنوبية و الشرقية، الحسكة الجنوبية ، الرقةالشرقية ، إدلب الشرقية و الجنوبية ، حماة الشمالية الشرقية و ريف حماة الغربية ،حمص الغربية و الجنوبية الغربية، و بعض مناطق ريف دمشق الجنوبية، و كذلک أحياء دمشق الفقيرة كالحجر الأسود و الدويلعة و المساكن الزاهرة و مناطق المخالفات و بعض مناطق الغوطة. و طبعا مدن و مناطق الساحل السورى و مناطق تواجد الطائفة العلوية التى نالها النصيب الأكبر من الظهور الخمينى لدرجة أن الحكومة الطائفية راحت تفتتح مدارس لتعليم اللغة الفارسية لأبناء تلک المناطق تمهيدا لنقل عدد منهم إلى إيران.

٦-لمن يريد معرفة تفاصيل التشيع فى سوريا و فى كل المدن هناک كتاباسمه (تحذير البرية من نشاط التشيع فى سورية).

ص: ١١٦

٧-من المهم معرفة أنالتيار الشيعى الحالى ما هو إلا نتاج من نتائج التيار الصفوى الذى فرض التشيُّع على سُنَّة إيران. ويلاحظ أن المناطق الفارسية التى كانت فى السابق القريب سنية شافعية حُوِّلت بالقهر إلى المذهب الإثنى عشرى، وكانت المدن تُخَيَّر بين السيف والتحوُّل،ولذا لم يبقَ أثر للسنّة فى إيران إلا فى مناطق الأكراد والبلوش. ولم يمنع تنفيذالمخطط الصفوى فى العراق إلا تدخل الدولة العثمانية العسكرى، ولكن هذا لم يمنع الشيعة من

التمدد السلمى فى العراق؛ حيث جرى التركيز على العشائر العراقية عن طريق تردد دعاة الرافضة عليهم فى غفلة وغياب من علماء السنة. ففى سنة ١٣٢٦هـ كشف الشيخ العلاَّمة محمد كامل الرافعى فى رسالة أرسلها من بغداد لصديقه الشيخ رشيد رضا،ونشرتها مجلة المنار فى المجلد السادس عشر، ما يقوم به علماء الشيعة من دعوةالأعراب إلى التشيع واستعانتهم فى ذلک بإحلال متعة النكاح لمشايخ قبائلهم. وإليک اسماء بعض العشائر التى دخلها التشيع فى القرنين الأخيرين: ربيعة، وتميم، والخزاعل،وعشيرة زبيد، بنو عمير وهم بطن من تميم، والخزرج وهم بطن من بنى مزيقيا من الأزد،وشمر طوكه، والدوار، والدفافع، وآل محمد، وعشيرة بنى لام، وعشائر الديوانية،وعشيرة كعب. وكان التوسع فى التعليم بعد ثورة ١٩٥٨م رافداً لهذا التسلل عن طريق المعلمين الشيعة فى المناطق النائية والبدوية .

فى مدينة طفس بدأ الشيعة التحرک من أجل بناء حسينية ولكنهم يجتمعون فى بيت كبير وهبهم إياها لمدعو محمد الحجازى ويعتبر هو الحسينية وهذا الأخير له ارتباط مباشر مع السفيرالإيرانى فى سورية وممثل الخامنئى وقد زاروه فى بيته مراراً .و فى كثير من المدن والقرى ظهر التشيع ولكن دون بناء حسينيات ، و قام الشيعة بتوزيع كتب كثيرة على البيوت حتى غزت كتبهم كل بيت ، ومن ضمن الأهداف التى اطلعت عليها تشييع درعا فى عشرسنوات.فى الشيخ مسكين أقاموا حسينية تكاد تطابق الحسينية الموجودة فى مدينة درعا نشاطاً وقوة، والقائم عليها هناک رجل من العراق يعتبر هو السيد الآن والمرجعية يدعى (أبو منتظر) ، وهذه الحسينية عندما كانت تبنى حرص الشيعة أن لا يعمل فيها إلا من ينتمى للشيعة فقط، وهى مجهزة تجهيزاً لا يقل روعة وإتقاناً عن الحسينية فى درعا وخاصة القسم المتعلق بالأطفال .أما الحسينية التى أقاموها فى بلدة المليحة الغربية بجوار المسجد تماماً حتى أن المسافة بينهما لا تتجاوز المائة متر فقط ، وأهالى المليحة عددهم حوالى ٥٠٠٠نسمة والشيعة فيهم لها جذور قديمة نشطت منذ سنوات فقط والآن اعتزلوا مساجد أهل السنة واعتزلوا مجالسهم وأفراحهم وأتراحهم وقسموا البلد حتى أنهم غيروا أسماء المحلات التجارية والصناعية خاصتهم وسموها بأسماء شيعية معروفة .الحسينية التى تحمل أسماً يخالف مضمونها ودعوتها فى بلدة قرفة حيث سماها القوم(الوحدة الإسلامية)وهذه الحسينية بنتها إيران والقائم على بنائها وإمامتها زيدان الغزالى الذى مرّ ذكره سابقاً ، وبلدة قرفة

من القرى التى ظهر فيها التشيع بقوة وكثرة بسبب زيدان الخبيث حيث كان يعطى عطاء يغنى الفقراء والمساكين مما اضطرهم إلى أتباعه والالتصاق به ، يأتى هذا الخبيث الدعم المالى من إيران علناً وهو يزور المثقفين والمشايخ ويدعوهم للتشيع علناً وقبل أن يستطرد بالكلام يعرض على المدعو المال ، أما دعوته لغير المثقفين وطلاب العلم فتكون عن طريق المتعة وقد أثر أثراً واضحاً على كثير من الناس ، وفى الفترة الأخيرة بدأ يظهر عداءه للصحابة الكرام وخاصة أبى هريرة ومعاوية وأم المؤمنين رضوان الله عليهم،وقد لمز على المنبر مراراً أبا هريرة وكاد أن يكفر معاوية.يعمل الغزلى الآن خطيباً فى مدينة درعا ـ حى الزاهرة ـ جامع على بن أبى طالب ـ وهذاالمسجد للسنة وقد أخذه عنوة ولا يستطيع أحد عزله منه .للشيعة العراقية باع طويل فى المد والنشاط الشيعى فى درعا وقد وفدوا إلى درعا منذ سنوات وقبل سقوط بغداد وكان لزعيمهم أبى جعفر العراقى الحضور القوى والمتميز .. قلما يخلو يوم دون أن يوزع مئات الكتب فى أرجاء المحافظة وكلها تدعو إلى ضرورة الالتفاف

حول المرجعية المنبثقة من الأئمة والانقياد لها .تأثر بدعوته كثير من الناس وخاصة أنه كان يفتش على من كانت جذوره شيعية ويدعوه لإظهار تشيعه علناً دون خوف وكان يردد دائماً على المنبر يجب أن نظهر ودعوتنا أصبحت علنية .لم يكن فى المحافظة أى حسينية على الإطلاق بل كان من ينتسب إلى الشيعة يستعمل أسلوب التقية يصلى فى بيوت الله مع أهل السنة والجماعة ،حتى بدأت دعوة الشيعة تظهر فكانت أول حسينية بنيت فى مدينة درعا حى المطار مجاورة لمسجدين من مساجد أهل السنة تماماً ، وهذه الحسينية تم بناؤها بشكل سريع جداً حضرافتتاحها السيد حسين فضل الله من لبنان وعدد كبير من حكومة البعث وطلاب العلم من أهل السنة الذين غرر بهم ولا يعرفون حقيقة الشيعة وقد أكرمهم الشيعة .هناك أيضاً حسينية فى مدينة بصرى الشام

ص: ١١٨

حثت هيئة علماء المسلمين فى سوريا كافة العلماء والمسلمين السنة فى العالم بأسره على التصدى لحملة التشيع الجارية على أشدها فى البلاد والتى تلقى كامل الدعم والتأييد من قبل النظام الحاكم.

وقالت الهيئة فى بيانها الأول الذى تلقت' مفكرة الإسلام' نسخة منه 'أن الحكومة حاربت منذ أيامها الأولى التدين فى سوريا بشكل عام بحجة أن التدين يناقض مبادئ العلمانية والمجتمع المدنى ,[...], ولكن وبعد سنوات قليلة اتضح أن هذه الحكومة تحارب الدين الإسلامى فقط والمذهب السنى بعينه دون غيره.'

وأضافت الهيئة فى بيانها أن الحكومة راحت تحارب المتدينين من أهل السنة بكافة الوسائل بداية من منعهم من إطلاق لحاهم إلى منعهم من أداء الصلوات فى المساجد بحرية إلى حظر حرية تدريس الدين فى المساجد وحرمان رجال الدين المسلمين السنة من مرتباتهم وحقوقهم المالية والقانونية بقصد إفقارهم وإذلالهم وانتهاء بملاحقة علماء الدين من أهل السنة والجماعة والتنكيل بهم.'

وجاء فى البيان 'أن هذه الإجراءات بحق علماء الدين المسلمين السنة صاحبها إجراءات عدوانية أخرى بحق بقية أبناء الطائفة الإسلامية السنية لدفع أتباع الإسلام السنة إلى هجر بلادهم وتركها أو التخلى عن هويتهم ودينهم والبقاء دون هوية ودون معتقد دينى تمهيدًا لمرحلة أخرى أكبر و أعم وأعمق لتحقيق الإلغاء والاستئصال لهذه الطائفة السنية كانت هذه الحكومة تعد لها بتأن وإصرار ولقد بدأت بتنفيذها بفاعلية منذ خمسة أعوام.'

وأردفت الهيئة قائلة :'هذه المرحلة تتضمن دعم التشيع الإيرانى الخمينى لينتشر فى سوريا تمهيدًا لتحويل أكثرية أهل السنة فى سورية إلى أتباع للدين الخمينى الذى يعتنقه الآن رئيس الدولة وكافة أعوانه الكبار وكافة قادة طائفته الحاكمين.'

ص: ١١٩

وعن الأساليب المتبعة فى محاربة السنة ونشر التشيع قالت الهيئة: 'إن ذلک يتم بتصيد شباب حديثى السن من طلبة الجامعات وخريجى بعض المعاهد الإسلامية التى يديرها عملاء الحكومة فغسلوا أدمغتهم مستخدمين المال والنساء وسواها من الأساليب القذرة لإغرائهم باتباع الدين الخمينى, ثم استخدموا هؤلاء الشباب مصايد للإيقاع بشباب غيرهم بنفس الأساليب مستغلين فقر وحرمان هؤلاء الشباب الذى افتعلته الحكومة لتجعله وسيلة لتسهيل مهمة دعاة التشيع.'

كما أن الحكومة ـ كما ورد فى بيان الهيئة ـ سهلت لأتباع الدين الخمينى فتح مدارسهم 'الحوزات' فى كل المدن السورية, كما سهلت وتسهل لهم بناء معابدهم 'الحسينيات' فى مدن سورية وفى أحياء سنية لا تكاد تجد فيها شيعيًا واحدًا, ويتزامن ذلک مع حملة شعواء تشنها على ما تبقى من مدارس وهيئات علمية دينية إسلامية سنية .

ودعت هيئة علماء المسلمين فى سوريا فى نهاية بيانها كافة العلماء المسلمين السنة فى العالم بأسره وخاصة المسلمين السنة السوريين الذين يعيشون فى منفاهم القسرى لأخذ النداء بكامل الجدية والتحرک بالسرعة القصوى لإنقاذ سوريا وشعبها من الخطر الداهم .

السلام عليكم

ما قيل هو تماما صحيح, لا أخفيكم الخوف من ذلک فالشيعة ينشطون وراء قبائل سورية من البدو أيضا. و هنا مكمن الخطر .ان البدو يشكلون عددا لا بأس به و إذا تشيع زعيم القبيلة هذا يعنى تشيع القبيلة , طبعا هذا مرده إلى الأمية و الجهل المتفشيين فيهم و هذه ليست سبة و الله فهم قوم كرم و نخوة و بنفس الوقت عندهم عادات الثأر و العصبية المبالغ بها.الأمل هنا أن يكون هناک زعماء قبائل أنعم الله عليهم بنعمة رجاحة العقل فيحكموا عقلهم مقابل الملايين التى تعرض عليهم و التى تأتى من إيران.
القضية هنا أن الشيعة يبحثون عن الكم و ليس عن النوع.و بعدها يبدأ العمل الفعلى.
المصيبة أنى سمعت خبرا مفاده أن بشار الأسد وافق على تجنيس أربعين ألف إيرانى شيعى فى سورية و هنا المصيبة الفعلية لأن الشعب السورى غير قادر على مواجهة المد الشيعى على أرض الواقع و ذلک بسبب حالة القمع و الأحكام العرفية السائدة فى سورية من زمن حافظ أسد و هنا يكتفى الناس بالحسرة على بلادهم و هى

تضيع أمامهم فى ظل الإبتسامة الشفافة للرئيس الأزرق العينين .بينما تأتى التطمينات من مشايخ السلطة بأنه لا يوجد حركة تشييع و لا أى كلام فارغ و البلد ينعم بوحدة وطنية يحسده عليها العالم بأسره و سورية الله حاميها و إلى آخر سيمفونية الكذب و النفاق و التدليس.

السؤال هل هناك من طريقة يمكن اتباعها لحماية دين الإسلام من هؤلاء المجوس؟؟
من كان له رأى فليدل به فربما كان بالإمكان عمل شيئ.
أسأل الله العظيم بفضله أن يحمى دينه و حماه فى بلاد الشام و تونس و مصر من هجمات أعداء الدين.
اللهم انصر المجاهدين فى العراق على الأمريكان و من شايعهم من شيعة العم سام و أوساخ الأكراد اللهم آمين.

هذا ملخص تقرير نشره مركز الدراسات الاسلامية فى بريطانيا حول التشيع فى محافظة درعا يقول فيه الناشر أنه أعد من قبل ثقات معروفون من جهته, و يضيف أنه سينشر تقارير عن التشيع فى محافظات أخرى. و يطالب المركز (الذى يديره الشيخ محمد سرور العابدين) المسلمين أن يفكر كل منهم بما يستطيع تقديمه للإخوة الدعاة داخل سورية, و يقول الناشر: من تدفعه مروءته إلى تلبية هذا النداء فليتصل بنا بالطريقة التى يريدها .
سأضع مختصرا لتقرير مركز الدراسات الاسلامية ثم أعقب عليه بما يعنينا ..

مختصر التقرير :

)ظهرت الشيعة فى محافظة درعا منذ عشر سنوات على الأقل بدعم واضح من حكومة البعث حيث لا يخفى على أحد الانتماء العقدى والفكرى لحكومة البعث فى سورية، وخاصة أن محافظة درعا تتمتع بحضور قوى للبعثية أولاً والصوفية ثانياً ، ولكن وجود الشيعة فى المحافظة يزيد على المائة سنة فى مدينة بصرى الشام مثلاً ـ بلد الإمام ابن كثيرـ والمليحة الغربية ، والشيخ مسكين ، ودرعا المدينة ، وطفس، وغيرها . ولكن كانوا يستعملون التقية ويصلون فى مساجد السنة ويحضرون مجالسهم ولا تستطيع أن تفرق بينهم وبين أهل السنة أبداً .إلى أن عاد المدعو زيدان الغزالى ـ تخرج فى كلية الفلسفة كان من الإخوان المسلمين ثم انتقل إلى حركة المرتضى التى كان يتزعمها جميل الأسد شقيق حافظ الأسد ثم أصبح ينتمى إلى الرافضة علناً ويلبس زيهم ـ فى إيران وبدأ يدعو إلى التشيع بقوة وهمة تناطح الجبال وكان يأتيه الدعم المالى من إيران علناً , عنده شدة فى منهجه ودعوته إلى التشيع ، يقدم كل المغريات للشباب وخاصة المال وأثاث البيوت والكتب واللباس ولربما يهيئ لهم سفراً إلى

ص: ١٢١

إيران ,ومن أعظم الأمور التى قدمها ويقدمها زواج المتعة ، وكل من تصدى له وعارضه فى منهجه دخل السجن أوجرى استدعاؤه وتهديده من قبل الأجهزة الأمنية فى سورية لأن الغزالى يعتبر من المقربين جداً للأمنيين وخاصة أنه ابن عم العميد رستم الغزالى الذى كان يترأس الاستخبارات فى لبنان هذا من جهة ، ومن جهة ثانية أنه كان يتكلم دائماً بلسان الحكومة ويثنى على النصارى.

يعمل الغزلى الآن خطيباً فى مدينة درعا ـ حى الزاهرة ـ جامع على بن أبى طالب ـ وهذا المسجد للسنة وقد أخذه عنوة ولا يستطيع أحد عزله منه. للشيعة العراقية باع طويل فى المد والنشاط الشيعى فى درعا وقد وفدوا إلى درعا منذ سنوات وقبل سقوط بغداد وكان لزعيمهم أبى جعفر العراقى الحضور القوى والمتميز .. قلما يخلو يوم دون أن يوزع مئات الكتب فى أرجاء المحافظة وكلها تدعو إلى ضرورة الالتفاف حول المرجعية المنبثقة من الأئمة والانقياد لها .تأثر بدعوته كثير من الناس وخاصة أنه كان يفتش على من كانت جذوره شيعية ويدعوه لإظهار تشيعه علناً دون خوف وكان يردد دائماً على المنبر يجب أن نظهر ودعوتنا أصبحت علنية .لم يكن فى المحافظة أى حسينية على الإطلاق بل كان ممن ينتسب إلى الشيعة ويستعمل أسلوب التقية يصلى فى بيوت الله مع أهل السنة والجماعة ، حتى بدأت دعوة الشيعة تظهر فكانت أول حسينية بنيت فى مدينة درعا حى المطار مجاورة لمسجدين من مساجد أهل السنة تماماً ، وهذه الحسينية تم بناؤها بشكل سريع جداً حضر افتتاحها السيد حسين فضل الله من لبنان وعدد كبير من حكومة البعث وطلاب العلم من أهل السنة الذين غرر بهم ولا يعرفون حقيقة الشيعة وقد أكرمهم الشيعة .هناك أيضاً حسينية فى مدينة بصرى الشام.

فى الشيخ مسكين أقاموا حسينية تكاد تطابق الحسينية الموجودة فى مدينة درعا نشاطاً وقوة، والقائم عليها هناك رجل من العراق يعتبر هو السيد الآن والمرجعية يدعى (أبو منتظر) ، وهذه الحسينية عندما كانت تبنى حرص الشيعة أن لا يعمل فيها إلا من ينتمى للشيعة فقط، وهى مجهزة تجهيزاً لا يقل روعة وإتقاناً عن الحسينية فى درعا وخاصة القسم المتعلق بالأطفال .أما الحسينية التى أقاموها فى بلدة المليحة الغربية بجوار المسجد تماماً حتى أن المسافة بينهما لا تتجاوز المائة متر فقط ، وأهالى المليحة عددهم حوالى ٥٠٠٠نسمة والشيعة فيهم لها جذور قديمة نشطت منذ سنوات فقط والآن اعتزلوا مساجد أهل السنة واعتزلوا مجالسهم وأفراحهم وأتراحهم وقسموا البلد حتى أنهم غيروا أسماء المحلات التجارية والصناعية خاصتهم وسموها بأسماء شيعية معروفة .الحسينية التى تحمل أسماً يخالف مضمونها ودعوتها فى بلدة قرفة حيث سماها القوم(الوحدة الإسلامية)وهذه

ص: ١٢٢

الحسينية بنتها إيران والقائم على بنائها وإمامتها زيدان الغزالى الذى مرّ ذكره سابقاً ، وبلدة قرفة من القرى التى ظهر فيها التشيع بقوة وكثرة بسبب زيدان الخبيث حيث كان يعطى عطاء يغنى الفقراء والمساكين مما اضطرهم إلى اتباعه والالتصاق به ، يأتى هذا الخبيث الدعم المالى من إيران علناً وهو يزور المثقفين والمشايخ ويدعوهم للتشيع علناً وقبل أن يستطرد بالكلام يعرض على المدعو المال ، أما دعوته لغير المثقفين وطلاب العلم فتكون عن طريق المتعة وقد أثر أثراً واضحاً على كثير من الناس ، وفى الفترة الأخيرة بدأ يظهر عداءه للصحابة الكرام وخاصة أبى هريرة ومعاوية وأم المؤمنين رضوان الله عليهم، وقد لمز على المنبر مراراً أبا هريرة وكاد أن يكفر معاوية.

فى مدينة طفس بدأ الشيعة التحرك من أجل بناء حسينية ولكنهم يجتمعون فى بيت كبير وهبهم إياه المدعو محمد الحجازى ويعتبر هو الحسينية وهذا الأخير له ارتباط مباشر مع السفير الإيرانى فى سورية وممثل الخامنئى وقد زاروه فى بيته مراراً .و فى كثير من المدن والقرى ظهر التشيع ولكن دون بناء حسينيات ، و قام الشيعة بتوزيع كتب كثيرة على البيوت حتى غزت كتبهم كل بيت ، ومن ضمن الأهداف التى اطلعت عليها تشييع درعا فى عشر سنوات(

تعليق:

(١أهل السنة مضطهدون فى سوريا و هم يكرهون العلويين جدا، و لكن الملاحظ أن عمق معرفة اهل السنة لديانة الباطنية النصيرية و عقائد الشيعة محدودة فى كثير من مناطق سوريا و ان كانو يرونهم على انحراف .. و هذا يتطلب توعية لأهل السنة بعقائد الباطنية بالتفصيل و كذلک عقائد الشيعة و انحرافها عن الاسلام

(٢ينتشر التصوف و الجهل بين كثير من أبناء السنة و هذا يسهل الكثير على الرافضة ، و ربما شاهدنا تعليق مفتى سوريا الضال على هذا الموضوع فى الساحة اليوم

ص: ١٢٣

(۴يتواجد كثير من السوريين (أهل السنة) فى الخارج و خاصة فى الجزيرة و الخليج و ربما الأردن كمهندسين أو فنيين و مقاولين و كذلک فى أوروبا كأطباء و غيره، و الغالب من هؤلاء يستطيع زيارة بلاده و أهله فى سوريا ، و هذه فرصة لكن كثيرا من هؤلاء أيضا يجهلون عقائد الرافضة و الباطنية بالتفصيل، و لذا فان دور هؤلاء الاخوة كبير فى نشر العلم الشرعى بين أهليهم و توضيح عقائد الباطنية و التشيع لأهل السنة ، و لكن علينا نحن التواصل معهم فى هذا الجانب و هذا أمر سهل

(٥أظن أن الكثير منا و من اخواننا السوريين لا يعرف الا القليل عن عقائد الباطنية بشكل خاص و ذلک يرجع الى عقيدة الكتمان لدى هؤلاء الناس، و هناک مرجع رائع يوضح عقائد الباطنية و هو رسالة دکتواره لأحمد الخطيب من الأردن حيث يفصل تاريخ و عقائد فرق الباطنية بأسلوب تاريخي و عقائدى جميل. عنوان الکتاب (الحرکات الباطنية و دورها فى العالم الاسلامى). و قد کنت عرضت هذا الکتاب على کثيرين فکلهم أخبرنى بقراءة هذا الکتاب کاملا ، و من هؤلاء أحد الاخوة السوريين ممن لا يبدو عليه الالتزام و الذى تحمس لارساله الى أهله فى الى سوريا فخفت عليه و لکنه کان مصرا على ذلک. و أما أمر الرافضة فأيضا فان الاخوة فى سوريا يجهلون تفاصيل عقائهم و انحرافها و أقوال علماء السنة فيهم ، و لکنى أعتقد أن الکثير منا يعرف مصادر قديمة و حديثة تتحدث عن عقائد الشيعة و ما أود أن أقوله هو أن کثير من الاخوة السوريين لا يعرفون کثيرا عن تفاصيل عقائد الشيعة و الباطنية بحکم الواقع فى سوريا منذ عشرات السنين .

(٦أکثر المناطق المستهدفة بهذه الحملة کما يقوله علماء سوريا هى أکثر المناطق السورية معاناة من سياسات التفقير و التجويع الحکومية الطائفية و منها مناطق الريف التالية: دير الزور الجنوبية و الشرقية، الحسکة الجنوبية ، الرقة الشرقية ، إدلب الشرقية و الجنوبية ، حماة الشمالية الشرقية و ريف حماة الغربية ، حمص الغربية و الجنوبية الغربية، و بعض مناطق ريف دمشق الجنوبية، و کذلک أحياء دمشق الفقيرة کالحجر الأسود و الدويلعة و المساکن الزاهرة و مناطق المخالفات و بعض مناطق الغوطة. و طبعا مدن و مناطق الساحل السورى و مناطق تواجد الطائفة العلوية التى نالها النصيب الأکبر من الظهور الخمينى لدرجة أن الحکومة الطائفية راحت تفتتح مدارس لتعليم اللغة الفارسية لأبناء تلک المناطق تمهيدا لنقل عدد منهم إلى إيران

(٧لمن يريد معرفة تفاصيل التشيع فى سوريا و فى کل المدن هناک کتاب اسمه (تحذير البرية من نشاط التشيع فى سورية) و سأنقله الى الساحة الاسلامية

(٨أعتقد أن هناک دورا سهلا آخر يمکن أن يقوم به کل شخص و هو: التعريف بهذه الفرق و توضيح انحرافها عن الاسلام فى المنتديات. يمکن زيارة المنتديات التى يهتم بها السوريون و خاصة خارج سوريا مثل" ساحة المعارضة السورية" أما المنتديات داخل سوريا فيسيطر عليها العلويين و البعثيون و تجد فيها منعا للحديث عن

المذاهب و الطوائف. هناک کذلک منتدی آخر و لکن یکثر فیه الوطنیون من علمانیین وناصریین وبعض العلویین وهو "سیریا نیوز" وفیه حریه الرأی والتعبیر متاحه ولکن عبر اداره الموقع (توقع الردود مما لذ وطاب .. من البذاءة(

ولکن هذا الموقع هو الاغزر روادا وشهره فی سوریا کما یحوی کبار کتاب ومشاهیر السیاسه السوریین .

(٩من المهم معرفة أن التيار الشيعى الحالى ما هو إلا نتاج من نتائج التيار الصفوى الذى فرض التشيُّع على سُنَّة إيران .ويلاحظ أن المناطق الفارسية التى كانت فى السابق القريب سنية شافعية حُوِّلت بالقهر إلى المذهب الإثنى عشرى، وكانت المدن تُخَيَّر بين السيف والتحوُّل، ولذا لم يبقَ أثر للسنّة فى إيران إلا فى مناطق الأكراد والبلوش. ولم يمنع تنفيذ المخطط الصفوى فى العراق إلا تدخل الدولة العثمانية العسكرى، ولكن هذا لم يمنع الشيعة من التمدد السلمى فى العراق؛ حيث جرى التركيز على العشائر العراقية عن طريق تردد دعاة الرافضة عليهم فى غفلة وغياب من علماء السنة. ففى سنة ١٣٢٦هـ كشف الشيخ العلاَّمة محمد كامل الرافعى فى رسالة أرسلها من بغداد لصديقه الشيخ رشيد رضا، ونشرتها مجلة المنار فى المجلد السادس عشر، ما يقوم به علماء الشيعة من دعوة الأعراب إلى التشيع واستعانتهم فى ذلک بإحلال متعة النكاح لمشايخ قبائلهم. وإليک اسماء بعض العشائر التى دخلها التشيع فى القرنين الأخيرين: ربيعة، وتميم، والخزاعل، وعشيرة زبيد، بنو عمير وهم بطن من تميم، والخزرج وهم بطن من بنى مزيقيا من الأزد، وشمر طوكه، والدوار، والدفافع، وآل محمد، وعشيرة بنى لام، وعشائر الديوانية، وعـشيرة كعب .وكـان التوسـع فى التـعليم بعد ثورة ١٩٥٨م رافداً لهذا التسلل عن طريق المعلمين الشيعة فى المناطق النائية والبدوية .

ص: ١٢٥

-منقول من الأخ دجلة والفرات - الساحة العربية-

استراتيجية إيران لنشر التشيع فى سورية

الوطن العربى (ملف خاص عن التشيع فى سوريا(

قبل الإعلان المفاجئ عن توقيع معاهدة دفاع مشترك بين طهران ودمشق فى منتصف يونيو "حزيران" الماضى إثر زيارة وفد عسكرى سورى رفيع وكبير يتقدمه وزير الدفاع حسن توركمانى إلى إيران كانت التقارير الدبلوماسية والأمنية العربية والغربية الصادرة فى العاصمة السورية تكاد تنحصر فى رصد وتحليل ما يدور من زيارات ونشاطات ومعاهدات مكثفة على خط دمشق ـ طهران فى شكل لا سابق له منذ قيام التحالف الاستراتيجى بين البلدين فى الثمانينيات عندما اختار الرئيس حافظ الأسد الانحياز إلى إيران فى حربها مع عراق عدوه اللدود صدام حسين.

ص: ١٢٦

وعلى الرغم من تركيز معدى التقارير على تفاصيل المعاهدة الأخيرة ودورها فى تفعيل وتوثيق التعاون الاستراتيجى والعسكرى فى محور طهران ـ دمشق والجبهة المشتركة التى قرر الحليف إقامتها لمواجهة مخططات العزل والحصار الأميركية والدولية، إلا أن الأيام الأخيرة تميزت بصدور تقارير تعالج خفايا وأبعاد التحالف

السورى ـ الإيرانى الجديد من زوايا مختلفة وتحديداً من زاوية ما بات يعتبر هيمنة إيرانية شبه كاملة على سورية وتحول الدعم الإيرانى المتعدد الأوجه لدمشق إلى نوع من الوصاية والنفوذ اللذين يجعلان نظام الرئيس بشار الأسد رهينة فى يد نظام الملالى وسورية دولة تابعة لإيران!

ويصل أحد التقارير الغربية فى قراءته المبالغة لحجم الاختراق الإيرانى الأخطبوطى لسورية إلى حد عقد مقارنة بينه وبين مرحلة الهيمنة السورية على لبنان، ويشير إلى أن الوضع الصعب الذى تعيشه سورية منذ خروجها من لبنان لم يقد فقط إلى نجاح إيران فى ملء الفراغ السورى فى لبنان بل نجحت فى ملء "الفراغ" الذى واجهه النظام السورى بفعل الضغوط والتهديدات الدولية والانقسامات الداخلية.

ويزعم التقرير أن سورية تجد نفسها اليوم محشورة بين مطرقة الضغوط الدولية وسندان الإنقاذ الإيرانى بعدما سلمت كل أوراقها لإيران لهذه الغاية.

وفى إطار تشبيهه بين الدور السورى فى لبنان "قبل الانسحاب" والدور الإيرانى فى سورية حالياً وصف التقرير العلاقات الوثيقة بين البلدين بأنها أشبه بمعاهدة الأخوة والتعاون والتنسيق التى أرغم لبنان على توقيعها مع سورية تكريساً لحالة الهيمنة والوصاية وذلك عبر "اللجنة العليا المشتركة" وأشار إلى مسلسل الزيارات التى لا تنقطع بين البلدين منذ أشهر ولا تشمل فقط كبار المسؤولين السياسيين بل الوزراء والخبراء ورجال الدين وكان آخرهم "حتى كتابة هذه السطور" السيد حسن الخمينى حفيد الإمام الراحل الخمينى ـ من ابنه أحمد ـ والذى يتولى إدارة مركز تراث الإمام.

ويبدو أن زيارة السيد حسن الخمينى إلى سورية مناسبة لإثارة جوانب أخرى من ملفات التعاون والتنسيق بين البلدين ومدى الاختراق الإيرانى لسورية. وهو ملف يزعم معدو التقرير أنه مرشح للتحول إلى صاعق إضافى لانفجار الوضع الداخلى السورى على خلفية ارتفاع حالة التذمر الشعبى من التغلغل الإيرانى فى سورية. ويبدو أن هذه الحالة لا تعود فقط إلى مجريات التعاون الاستراتيجى والعسكرى والسياسى بين بلدى هذا المحور بقدر ما

تشكل إفرازا للتواجد الإيرانى المفاجئ والمكثف فى كل مجالات الحياة السورية، وما عرف حتى الآن من اتفاقيات التعاون بين البلدين هو إلى جانب معاهدة الدفاع وما قيل عن شمولها قوات من الحرس الثورى وخبراء عسكريين إيرانيين فى سورية، اتفاقيات التعاون الاقتصادى والمالى والصناعى والسياحى والثقافى وهى اتفاقيات تلحظ مساهمات مالية إيرانية ضخمة فى الاقتصاد السورى تشمل بناء مصانع سيارات وأسمنت وخط أنابيب ومشاريع اقتصادية وسياحية أخرى وافتتاح فروع لمصرف صادرات إيران فى سورية.

لكن يبدو أن الجانب الأكثر حساسية يتعلق بالتسهيلات السورية وفتح البلاد أمام سائر النشاطات الإيرانية ووصولها إلى اتهامات للنظام بتسهيل حركة التشيع فى سورية!

وفى هذا الإطار يتحدث التقرير عن دخول عشرات ألوف الإيرانيين إلى سورية فى شكل دورى "أكثر من مليون سائح سنوياً" حيث يتوزع هؤلاء على المراكز السياحية الدينية الشيعية مثل السيدة زينب والسيدة سكينة وسائر الأضرحة التى تعتبر عتبات مقدسة شيعية يؤمها آلاف الإيرانيين، وإضافة إلى هؤلاء السياح انتعشت حركة الاستثمار الإيرانية فى سورية لكنها فى المقابل قادت إلى إثارة حفيظة فئات من الشعب السورى راحت تتذمر من الهجوم الإيرانى على بلادهم. وتصل هذه الفئات التى لا تعرف بعدائها للنظام إلى حد اتهام أركانه بأنهم "باعوا البلد لإيران**!**"

ويبدو أن خلفية هذه الحالة هى المعلومات المتداولة والمبالغ فيها أحياناً عن تعرض المجتمع السورى إلى عملية "تشييع" مقصودة ومنظمة خصصت لها ميزانية ضخمة بمئات ملايين الدولارات .

وتشير هذه المعلومات إلى أن الأشهر الأخيرة شهدت نشاطات إيرانية مثيرة للشبهات وانتشارا كثيفا للمظاهر الشيعية شمل كل المحافظات فى بلد يعتبر ذا أغلبية سنية ساحقة ولا يمثل الشيعة فيه "إذا استثنينا العلويين" سوى واحد فى المائة وحوالى ١٥٠ ألف نسمة .

وتضيف المعلومات أن عدد الحوزات الشيعية قد زاد فى سورية فى شكل كبير بدعم إيرانى واضح. وأن دعاة شيعة يطوفون المدن والقرى السورية، وسط تغاضى الجهات الرسمية؛ لنشر المذهب الشيعى وفتح حسينيات ومراكز دينية وثقافية ومراكز تدريس ومكتبات فى غالبية المناطق ووصلت إلى حلب وضواحيها وحمص وحماه

والحسكة والقاقشلى والرقة واللاذقية ودير الزور وغيرها، ولم تعد هذه النشاطات محصورة فى ضاحية السيدة زينب كما فى السابق. وفى موازاة إقامة المناسبات الدينية والموالد والمآتم والمؤتمرات الثقافية التى يحضرها مسؤولين رسميون لوحظ أن إيران تلعب دوراً فى تمويل بناء مستشفيات ومستوصفات خيرية ومساجد وحسينيات انضمت إلى مسجدى صفية ودرعا فى دمشق ومسجد النقطة فى حلب ومشفى الخمينى فى دمشق والمشفى الخيرى فى حلب.

ويتردد فى سورية أن أنشط الجمعيات الخيرية حالياً وأكثرها فعالية فى دعم ومساعدة المحتاجين هى جمعيات ذات تمويل إيرانى تتولى توفير مساعدات مالية شهرية للمسنين وتوزيع الأرز والسكر والطحين .

وفى الآونة الأخيرة بدأ الإيرانيون بإعداد برامج تعاون ثقافى تشمل زيارات منظمة إلى سورية وتوزيع دعوات على فعاليات من مختلف القطاعات السورية وإلى أساتذة الجامعات وتخصيص منح دراسية فى الجامعات الإيرانية. وقد أدى هذا التعاون الجامعى مؤخراً إلى إدخال تعلم اللغة الفارسية إلى عدد من الجامعات السورية.

تشيع أم تفريس

لكن الجانب الأكثر إثارة لحساسية السوريين تجاه هذا الاجتياح الإيرانى لبلادهم كان فى امتداد عملية نشر "التفريس" والتشيع إلى حد ظاهرة الدعوة إلى التشيع والعمل على إقناع الشباب السورى باعتناق المذهب الشيعى. ويقال إن حالات اعتناق المذهب الشيعى شهدت مؤخراً تزايداً بالآلاف وتقول بعض الشائعات الرائجة فى سورية قد تصل إلى حد توفير العمل لهم فى المراكز الثقافية وخصوصاً المركز الثقافى الإيرانى فى دمشق الذى تمت توسعته مؤخراً وبات يعتبر من أكثر المراكز الثقافية نشاطاً فى سورية .

ومع انتشار مظاهر التشيع والتغلغل الإيرانى فى البلاد وخصوصاً فى دمشق ومحافظات الشمال وسط صمت رسمى كامل سادت قناعة فى أوساط السوريين المطلعين بأن ثمة تشجيعاً رسمياً خفياً ومعلنا لهذه الظاهرة، ووصل البعض إلى حد وصفها بأنها سياسة رسمية للنظام مبنية على حسابات مستقبلية .

وفى رأى بعض الخبراء السوريين أن النظام اختار فى المقابل "تشجيع" ظاهرة التدين فى شكل عام والتقرب من الإسلاميين على حساب العلمانيين بهدف لجم حالة التذمر التى سادت فى الأوساط الدينية والشعبية السنية. ويضيف هؤلاء أن انفتاح نظام البعث على الجماعات والقيادات الإسلامية الرسمية أو شبه الرسمية لم يكن فقط

ص: ١٢٩

بهدف استقطابها فى مواجهة حركة الإخوان المسلمين، بل أيضاً استمالتها لتخفيف حملاتها ضد الهيمنة الإيرانية ومظاهر التشيع فى سورية، ويبدو أن هذه الجماعات والحركات الإسلامية غير المعارضة للنظام بدأت تستغل هذه الظاهرة لحسين مواقعها والحصول على "مكتسبات" دينية من النظام البعثى الذى كثف فى الآونة الأخيرة من تنازلاته للجماعات الدينية .

واللافت أن انتشار هذه الظاهرة قد قاد جهات غير دينية إلى التحذير من انعكاساتها ومخاطرها، إذ إن هيثم المالح رئيس جمعية حقوق الإنسان حذر مؤخراً من نشاط العديد من الشيعة الإيرانيين على الساحة السورية بدءاً من مركز السيدة زينب إلى منطقة الجزيرة مروراً بوسط سورية وخاصة حول حماه. وتساءل عن سر افتتاح العديد من الحوزات الشيعية فى سورية وإقامة النشاطات وإجراء الاجتماعات، وعما إذا لم يكن هناك اتفاق ضمنى بين الدولة الإيرانية والنظام السورى لتقديم التسهيلات للوافدين من إيران

أما المحامى عبد الله الخليل الناشط فى مجال حقوق الإنسان والذى يقطن فى محافظة الرقة السورية فقد كشف عن أن الحكومة السورية قامت بتقديم مقبرة أويس القرنى فى الرقة حيث دفن الصحابى عمار بن ياسر كهبة للحكومة الإيرانية. وبنى على أطلالها مركز شيعى وجامع كبير اسمه مقام عمار بن ياسر وبات مركزاً للتشيع. وقال الخليل: إن هذا المركز يعتبر أول مركز شيعى فى الرقة وإن ثمة مشروعاً لتوسعته بإقامة مساكن وسوق تجارية على غرار جامع السيدة رقية فى النجف .

ولا تقتصر عمليات التشيع هذه على نشاطات المدارس الدينية المنتشرة فى حى السيدة زينب حيث قامت حوزات متعددة تتوزع مرجعياتها الدينية بين آية الله على خامنئى المرشد الأعلى للجمهورية الإيرانية وآية الله على السيسانى المرجع الشيعى العراقى والمرجع اللبنانى محمد حسين فضل الله .

ويعترف الشيخ محمود الحائرى الذى يشرف على حوزة شيرازية بأنه يلتقى على الأقل كل أسبوع بسورى يريد اعتناق المذهب الشيعى وأن هؤلاء السوريين ينتمون إلى كل الطبقات الاجتماعية ومختلف المناطق .

ورغم رمزية أعداد السوريين الذين يختارون المذهب الشيعى واستمرار محدودية هذا الرقم قياسا لعدد السكان إلا أن الظاهرة بدأت تشكل هاجساً مقلقاً خصوصاً لدى رجال الدين السنة الذين راح بعضهم يتحدث صراحة عن خطة إيرانية إقليمية لنشر المذهب الشيعى وتفريس سورية. ويلتقى هؤلاء مع الأطراف "العلمانية" التى تحذر من عواقب مساهمة النظام فى تأجيج الحساسيات الطائفية والمذهبية وانخراطه فى مشروع" الهلال الشيعى" عبر

ص: ١٣٠

إثارة تناقضات جديدة داخل المجتمع السورى تضاف إلى تناقضاته المعروفة لتشكيل عامل تفجير إضافيا. وحتى الآن يبدو أن هذا الهاجس ما زال ينحصر فى إطار إثارة حساسية السوريين تجاه الإيرانيين ومخاوفهم من دفع ثمن التحالف بين طهران ودمشق؛ بفرض وصاية إيرانية كاملة على البلاد. ويصل بعض السوريين إلى حد القول علنا :إن إيران باتت قادرة على أن تفعل ما تشاء فى سورية وتمارس أى نشاط تريد بدون أن تستطيع أية سلطة حكومية أو رسمية منعها .

رهينة إيرانية

والواقع أن انتشار هذه الظاهرة وتوسعها يشكل حاليا محوراً أساسياً لانتقاد النظام والسلطة. أما التقارير الأخيرة فإنها بدأت تعتبر هذه الظاهرة بانعكاساتها السلبية على تماسك المجتمع السورى نقطة ضعف و "مقتلا" للنظام ولم تعد تنظر إلى توثيق العلاقات بين طهران ودمشق كمصدر قوة ودعم وصمود لبشار الأسد . واللافت أن أحد التقارير توسع فى قراءته لظاهرة التشيع والتفريس فى سورية وحالة السخط الشعبى تجاهها فاعتبرها بوضوح دليلا على ضعف النظام وعلى وقوعه رهينة فى أيدى الإيرانيين. ولفت هذا التقرير إلى النفوذ المتزايد الذى تلعبه إيران داخل سورية على كل المستويات، وليست "ظاهرة التشيع" والتغلغل الإيرانى سوى الجزء الظاهر منها. ويعتبر التقرير أن السفير الإيرانى فى دمشق محمد حسن أخترى يلعب حالياً دوراً محورياً داخل سورية. ويلفت أن أخترى الذى سبق له أن عمل سفيراً "فوق العادة" فى سورية هو فى الوقت ذاته رئيس "جمعية أهل البيت" وهو بالتالى يشرف على اختراق إيران للساحة السورية فى كل المجالات. ويذهب التقرير ـ للدلالة على حجم الهيمنة الإيرانية على سورية ـ إلى حد الإشارة إلى أن الملصق الأكثر مبيعاً فى حى السيدة زينب هو الملصق الذى يصور الرئيس السورى الدكتور بشار الأسد محاطاً من جهة بالرئيس الإيرانى أحمدى نجاد ومن جهة أخرى بزعيم حزب الله السيد حسن نصر الله!

ويعكس هذا الملصق ما تتحدث عنه بعض التقارير الاستخبارية من أن مصير النظام السورى بات بعد الخروج من لبنان فى أيدى الإيرانيين وأن طهران قد اختارت بدورها حمايته من السقوط بتوفير جميع أوجه الدعم له، وهو دعم يصل حسب بعض المعلومات إلى حد تكليف المخابرات الإيرانية برصد ما يدور داخل القيادة السورية موازين القوى فيها فى شكل دقيق والتدخل أكثر من مرة لمنع تصدعه. وهو ما حصل مؤخراً عندما توسط قائد الحرس الثورى الجنرال رحيم صفوى لتسوية خلاف حاد اندلع بين ماهر الأسد وآصف شوكت وقام بزيارة سرية إلى دمشق لهذه الغاية.

ص: ١٣١

ولكن السؤال الذى يطرحه بعض السوريين المطلعين هو: أين سيتوقف الغزو الإيرانى لسورية وهل مازالت دمشق قادرة على رفض شروط طهران و "مساعداتها"؟ وأخر هذه الشروط التى تمت تلبيتها كان فى شن حملة شعواء ضد عرب الأحواز اللاجئين إلى سورية.

أما معدو التقارير فتتمحور تساؤلاتهم الجديدة عن مدى قدرة النظام السورى على حفظ التماسك الداخلى بعدما بدأت أولى ثمار التعاون الوثيق مع طهران تنعكس خللا فى التوازن وتهدد بإثارة حساسيات مذهبية. ويبدو أن انتشار ظاهرة التشيع والتفريس بات ينظر إليه لدى غالبية السوريين على أنه "تحالف دينى" وليس سياسيا أو عسكرياً فقط مع إيران. وهى نظرة تنذر فى حال تجذرها وانتشارها رغم إصرار النظام على التعتيم الإعلامى الكامل عليها، بإشعال ظاهرة التطرف الدينى فى سورية وتهديد مستقبل البلاد والنظام. وثمة من يضيف إلى هذه المخاوف تحذيرات من أن تؤدى مجدداً إلى إعادة صراعات الأجنحة داخل النظام حيث يقال إن ثمة جناحا كان يحذر من مغبة وضع كل بيض سورية فى سلة إيران وأن هذا الجناح قد يستغل المخاطر التى تنذر بها هذه المعادلة .

وليس مستبعداً أن يكون استمرار رهان البعض على قرب حصول التغيير الداخلى فى دمشق مرتبطاً بهذا الوضع الصعب للنظام رغم إشراف ومراقبة وحماية المستشارين الإيرانيين من قلب العاصمة السورية !

ص: ١٣٢

October ٠٦, ٢٠٠٧

إيران والسعودية وسباق فى نشر التسنن والتشيع فى سوريا

الحملات المسعورة لا تستثنى شراء العقارات بمختلف أنواعها فى الساحل السورى

خاص ثروة

لعله من أهم ما أظهرته حرب تموز ٢٠٠٦ التى شنتها إسرائيل على لبنان أنها جعلت الصراع السعودى الإيرانى على المنطقة يطفو على السطح بشكل جلى وواضح، وتحديداً منطقة بلاد الشام. وقد بدأ الحديث عن ذاك الصراع يزداد طرداً مع الحديث عن مشروع الشرق الأوسط الجديد الذى تزعم الإدارة الأمريكية تنفيذه. و من اللافت للانتباه أن ذلك كله أتى بالتزامن أيضاً مع حملات التشيع والتسنن التى تتم فى سوريا برعاية سعودية وإيرانية وغض بصر من قبل النظام لاعتبارات يمكننا تفهمها.

غنى عن البيان انه لا يضير إيران –من وجهة نظر أمنها الاستراتيجى– أن تبسط سيطرتها ونفوذها على العراق ولبنان وسوريا بما يضمن لها نافذة دائمة على البحر المتوسط، ومن البديهى أن ذلك البسط سيكون سريع الإتيان بالنتائج المرجوة حال تمكّنت من نشر مذهبها الدينى وفرضه على السكان الأصليين للبلدان المذكورة بالطرق المتاحة التى تعتمد عادة أسلوبى الترغيب والمراوغة، فمثلاً سبق أن أنفقت جمعية "الجهاد" الشيعية فى لبنان أكثر من ستين مليار دولار على شراء العقارات فى مختلف المناطق اللبنانية وهذا الموضوع ليس سراً إذ تتداوله

مختلف الشرائح والأطياف اللبنانية، ولدى زيارتنا إلى لبنان رأينا المناطق المدعومة بالمال الإيرانى وتميزها عن المناطق المسيحية فى بيروت!، قبالة ذلك لا تجد السعودية ضيراً فى بقاء زعامتها الدينية (وما تنطوى عليه من ضمان لبقاء آل سعود فى الحكم) مبسوطة على العالم الإسلامى ومن ضمنه المناطق ذاتها التى تحاول إيران

الهيمنة عليها، وللسعودية أيضاً مبررات تتعلق بأمنها القومى انطلاقاً من كونها دولة تقوم على أساس إيديولوجى دينى (وهابى) بما فيه من تحالف وثيق العرى بين آل سعود والوهابية الدينية.

ولعل ذاكرة السوريين ما تزال تتذكر كيف هب العام الفائت عدد من مشايخ دمشق ورجال دينها للوقوف فى وجه الهجمة الإيرانية التى تسعى لنشر التشيع فى سوريا، من دون أن تستثنى منطقة منها، وقد كان فى مقدمة المشايخ المحتجين الشيخ وهبة الزحيلى والشيخ صلاح كفتارو، وبعضهم سافر إلى إيران وقابل السيد على خامنئى مرشد الثورة الإيرانية طالباً منه إيضاحات حول نشر التشيع فى سوريا، لابل أن إحدى المصادر المطلعة والموثوقة سبق وان أفادتنا أن الشيخ صلاح كفتارو زار السفير الإيرانى فى دمشق منذ فترة قصيرة وتجادل معه متهماً إياه بالعمل على نشر المذهب الشيعى فى صفوف السنة. ولم يلبث الوقت طويلاً حتى دخلت السعودية على خط المواجهة بأشخاص بعض رجال دينها وكهنوتها وذلك عقب انتهاء حرب تموز ٢٠٠٦ مباشرة. ومن الطبيعى أن لا تطرق السعودية وحلفائها فى دمشق إلى نشر التسنن فى صفوف الأقليات الدينية تحت غطاء جمعية خيرية هنا وأخرى هناك محتكرة الفقر الذى تعانيه تلك الأقليات بغية إدخالها فى المذهب الوهابى كما يحدث فى بعض مناطق الإسماعيلية كمدينة سلمية السورية وبلدة القدموس ومدينة مصياف حيث يكثر تواجد أبناء الطائفة الإسماعيلية، لكنهم دائماً يركزون –أى الأطراف السنية ذات الصلة بالمسألة– على انتشار التشيع فى مدن كمدينة الرقة السورية التى بنت فيها إيران مقاماً معتبراً للصحابى عمار بن ياسر كما أقامت مسجداً ضخماً بجانبه، وكذلك الأمر فى بعض ريف دمشق.

والحق أن إيران تنشط أكثر ما تنشط فى الساحل السورى وتحديداً فى صفوف أبناء الطائفة العلوية حيث أن الفقر المادى المدقع الذى يعيش فى ظله غالبية أبناء هذه الطائفة وفر الأرضية الخصبة لتدفق أموال النفط الإيرانى إما بطريقة مباشرة وإما عن طريق بعض الشيعة اللبنانيين المقربين من حزب الله الذين استغلوا عدة عوامل متوافرة لهم فى صفوف الطائفة العلوية وهى عوامل تعتبر بمثابة الأرض الخصبة الصالحة لنشر المذهب الشيعى منها:

–الفقر المادى الذى تعيش فى ظله غالبية الطائفة العلوية. – ومنها ارتفاع نسبة التعاطف التى أبداها العلويون لحزب الله إبان حرب تموز ٢٠٠٦. – ومنها كذلك التحالف القائم بين النظام السورى من جهة وحزب الله وإيران من جهة أخرى، إضافة إلى اعتبار الطائفة العلوية مشتقة عن الشيعة وان كانت هذه الأخيرة تنظر ضمنياً (وربما

علناً) إلى العلويين على أنهم مجرد كفار صغار ومعاداتهم واجبة حال تعذر "هدايتهم" إلى الصراط المستقيم، هذا فضلاً عن غياب مرجعية دينية للطائفة العلوية –شأنها شأن بقية الطوائف والأديان المكونة للمجتمع السورى– من شأنها الدفاع عن وجهة نظر الدين العلوى والوقوف والتحذير من حملات التشيع (وحتى التسنن) ذات الأغراض السياسية بعيدة المدى. وقد تكللت مساعى حملات التشيع التى تقوم بها أطراف مقربة من حزب الله فى الساحل السورى ومن خلفها إيران عن تشيع عدد من قرى اللاذقية وطرطوس (كقرية مطرو فى قضاء الدريكيش فى محافظة طرطوس على حسب ما يروى) وإشادة جامع للشيعة "الجدد" فى مدينة اللاذقية، وكذلك وجود شركة نقل سياحى داخل سوريا تحمل اسم "المنار" وترى على واجهاتها شعار قناة المنار اللبنانية الخاصة بحزب الله وتعمل الشركة على خط اللاذقية–دمشق، وهى من خلال توزيعها للركاب من حيث فصل الذكور عن "الحريم"

لا تختلف عن عقلية شركة "الأهلية" المملوكة لبعض رجال الدين الإسلامى الحموبين وذلک على نقيض شركة "القدموس" الخاصة بمهران خوندة وشركاه والتى لاترى حرجاً من جلوس الذكور بجانب الإناث، ولهذا السلوک وان بدا لنا رمزياً إلا أن له دلالته!

كثر هم الأصدقاء من السنة الذين يبدون تذمرهم فى جلساتنا الخاصة من المد الإيرانى، بما فيه تصديرهم لمذهبهم الدينى، فإبراهيم مهندس إلكترون فى إحدى الدوائر الرسمية لم يخف قوله لنا انه متشائم لما سماه المشروع الفارسى الإيرانى فى المنطقة، وعندما سألناه عن رأيه فى المد السعودى لم يبرّأ السعودية من مساعيها هى الأخرى ولو كان يبدو –من وجهة نظره– كردة فعل على المساعى الإيرانية مضيفاً: "ما الذى يجعل إيران تعتقد أن السنة هم على خطأ والشيعة هم على صواب حتى تسعى إلى نشر ثقافتها الشيعية فى الربوع السورية؟!"، ولم يجد إبراهيم حرجاً من القول: "قد لا أكون متديناً والدين بالنسبة لى حالة اجتماعية أكثر من كونه حالة روحية، لكن هل يا ترى المطلوب منا كى ترضى عنا إيران أو السعودية أن نغيّر من المذاهب المكونة للمجتمع السورى؟". حديث إبراهيم منتشر فى بعض صفوف الشباب السنة وان كانت إجاباتهم لا تتفق دائماً مع إجابته، فزياد (طبيب بشرى) يكيل الاتهامات على إيران والشيعة متغافلاً الحديث عن السعودية وفى بعض المحطات يدافع عنها باعتبارها مهد الرسالة المحمدية وأراضيها –أى السعودية– مقدسة "؟!". ومنهم من أشار إلى السفير الإيرانى والمستشارية الثقافية الإيرانية بإصبع الاتهام. وفى حال كنت على علاقة مميزة مع هذا الشاب أو ذاک من السنة الدماشقة سيحدثک عن العلويين ويروى لک النكات التى لها مدلولها، كالنكتة التى تقول: إن علوياً وشامياً وفلسطينياً وجدوا مصباحاً سحرياً خرج منه المارد وطلب منهم إظهار رغباتهم، فطلب العلوى إنشاء وطن قومى للعلويين فى استراليا، فأجابه المارد على طلبه وكان له ذلک، فى حين طلب الفلسطينى تحرير

بلاده وجمع الشتات الفلسطينى فيها فكان له ما أراد، وعندما أتى دور الشامى لإظهار رغبته سأل المارد: "هل باتت الشام –أى دمشق– خالية من العلويين والفلسطينيين؟، فأجابه المارد بنعم، فما كان من الشامى إلا أن تنفس الصعداء قائلاً: حسناً لم أعد أريد شيئاً".

ليست الحال فى صفوف الطوائف الأخرى أفضل من حال إبراهيم وسواه فى الطائفة السنية وان اختلفت الإجابات التى سنذكرها اعتماداً واستناداً على أحاديث جرت مع بعضهم فى جلسات خاصة بعيدة عن العمل المهنى نظراً لاعتقادنا أن ذلک يوفر عوامل الصدق والعفوية فى الإجابات خلال الحديث مع زيد أو عمرو منهم، فمما لاشک فيه أن جلّ من صادفناهم وصادقناهم ومن الطوائف كافة لهم أحاديثهم المغايرة لما يعلنونه فى العلن، فناصر شاب من مدينة "سلمية" الإسماعيلية لم يخف هواجسه من كثرة الجوامع بمال سعودى وتحت غطاء ذى طابع خيرى تشرف عليه مؤسسات سعودية وقد فاق عدد الجوامع حتى الآن السبعة فى سلمية التى سبق أن قال عنها الشاعر الكبير محمد الماغوط أنها مدينة الكفر والفكر والفقر، ويضيف ناصر: "هل من المعقول أن تحوى هذه البلدة هذا العدد من المساجد وليس فيها من المنشآت الصناعية سوى معمل البصل المجفف الذى أنشئ فيها أواسط ستينات القرن الماضى؟!"، بعد لحظة صمت يردف قائلاً بحسرة: "عدد سكان سلمية يتجاوز المئة ألف وفيها أكثر من ألف طبيب وقدمت للبلاد أكثر من شاعر وأديب وسياسى ومناضل، هل يعقل أن تصبح هذه المدينة معقلا للوهابية فى المستقبل وليس فيها حتى الآن كلية جامعية حتى ولو كانت كلية طب بيطرى باعتبار أن المنطقة مشهورة بالأغنام

إضافة إلى البصل؟!". فى حين أن تامر (أحد مثقفى مدينة سلمية، يقيم حالياً فى دمشق) وان بدا لنا علمانياً شبه مطلق ولايقيم للدين وزناً غير أنه اعتبر أن انتشار الوهابية فى صفوف الإسماعيليين يعتبر كارثة تعد للمستقبل، متسائلاً عن مدى إمكان تعايشه مع هذا الوهابى المُحدث فى المستقبل خاصة فى ظل ضخ مال النفط السعودى وتصدير الوهابية إلى منطقته.

فيما يخصّ الأصدقاء فى الطائفة العلوية كانت حدة الإجابات واضحة والنقمة عارمة على السعودية وإيران معاً، وقد علل بعضهم أسباب النقمة والنفور من مساعى البعض لنشر مذهبى التسنن والتشيع بمبررات تتعلق بالتفوق الحضارى والاجتماعى، فمحمد (طبيب أسنان) يعتقد أن مجرد كونه من الطائفة العلوية فقد تحققت له مكاسب اجتماعية كبرى ليس مستعداً للتفريط بها لأجل أى شخص كان، من هذه المكاسب على سبيل المثال، والقول له: إن ثمة فصل تاريخى بين الدينى والاجتماعى فى طائفته، ورجل الدين العلوى لا يتدخل فى تفاصيل حياة الناس اليومية ولا يصدر الفتاوى التى تتعلّق بشؤون الناس وأمور حياتهم المعاشية والزوجية وليس له سلطة على المجتمع فيما يتعلّق بأداء الفرائض من صوم وزكاة وصلاة الخ... كما أن المرأة تتمتع بقسط وافر ومعقول من

ص: ١٣٦

الحرية التعليمية والاجتماعية مقارنة بغيرها من النساء لدى الشيعة والسنة تحديداً، ويضيف محمد متسائلاً بعد برهة تفكير: "تصور لو أن حملات التشيع والتسن نجحت فى صفوف العلويين والأقليات الأخرى فى سوريا، هل تعرف ماذا ستكون النتيجة؟"، اسأله: "ماذا ستكون؟" يجيب: "هذا يعنى أن زوجتى وابنتى لن تعودا تأخذان راحتيها لافى ملبسهما ولا مأكلهما وسيتغير نمط حياتنا الاجتماعية، وعملياً هذا ما نعيشه فى فصل الصيف على شاطئ البحر.. فأنا لا أستطيع أن أتخيل أن جارى العلوى أو الإسماعيلى أو المسيحى الذى لا يقيّم النساء من طريقة لباسهن حالياً سينظر إلى زوجتى أو أختى على أنها كافرة وفاسقة كون لباسها لا يعجبه حال أصبح وهابيا أو شيعيا!، وهذه النظرة لا أعانى منها شخصياً من أقرانى المسيحيين أو الدروز، طبعاً هذا حال أردت الإنصاف"، اسأل محمد: "لكن ليس كل الشيعة والسنة يحملون نظرة تكفيرية حتى تعمم هذه النظرة"، يجيبنى: "أعرف هذا جيداً وأدرك كما تدرك أنت أن ثمة عقلانيون ومفكرون مهمين جداً لدى كافة الأطراف وربما كان عدد المنفتحين لدى السنة والشيعة أكثر من عددهم لدى الطوائف الأخرى لكن أين تأثيرهم إزاء تأثير أى رجل دين مهما صغر شأنه؟ من ثم لا تنسى أن من يغيّر دينه من الأقليات لأى سبب كان سيكون ملكياً أكثر من الملك بمعنى سيكون أكثر تعصباً من الذى "أنار" قلبه وهداه إلى الطريق "الحق"!".

بعض الشباب العلويين الذين قابلناهم تحدثوا إلينا بإفاضة عن التغيير الديموغرافى الذى يعد للمنطقة برعاية سعودية حسب زعمهم ومنهم من لم يستبعد أن يكون السيد عبد الحليم خدام والسيد على صدر البيانونى على صلة بذلك المشروع الكائن فى شراء عقارات واسعة فى المدن الساحلية وجبال العلويين، فعلى (أستاذ فى مادة التاريخ) أفادنا بالقول متسائلاً: "بماذا تفسرون لنا شراء أراض ومنازل سكنية من أصحابها فى مناطق وقرى رأس البسيط من قبل أناس حلبيين تركوا حلب وأتوا للاستقرار مع عائلاتهم فى قرى البسيط وسواه؟، هذا عدا عن أن الشاليهات فى البسيط والرمال الذهبية قرابة بانياس والنورس بالقرب من طرطوس وسواها غدت بمجملها لأهالى حلب! ولك أن تعلم أن نسائنا لم يعدن يستطعن السباحة فى البحر كونهن لسن محجبات؟! من ثم بماذا تفسرون لنا شراء العقارات فى مدن كجبلة وطرطوس التى أصبح فيها سوق النسوان يسمى سوق الحلبية لكون الحلبية

اشتروا المحلات التجارية فى السوق المؤلَّف من أكثر من ٢٥٠ محل تجارى وبمبالغ خيالية، حتى أن متر العقار فى شارع المشبكة وسط طرطوس وصل إلى الخمسمائة ألف ليرة سورية على ذمة الرواة!"، وعندما واجهنا الأستاذ على بقولنا إن أبناء الساحل، وبكلمة أدق: الطائفة العلوية، كذلك يستوطنون فى دمشق. أجاب: "هذا صحيح، وليس أبناء الساحل وحدهم بل أبناء الداخل السورى وكذلك أبناء الجزيرة وغيرهم كلهم يقصدون العاصمة وذلك ببساطة كون العاصمة فى أى بلد من بلدان العالم مركز استقطاب لكافة الشرائح الاجتماعية والطائفية والعرقية والثقافية نتيجة توافر فرص العمل، فما بالك فى بلد كسوريا أهملت القيادة السياسية فيه ولعقود

ص: ١٣٧

عدة عوامل التنمية الاقتصادية والاجتماعية فى كافة أرجائه حتى العاصمة لم تكن فيها عوامل التنمية كما هو مرتجى!، من جهة أخرى لا تنس أن غالبية الجيش من الأقليات وهذه الأقليات لولا الفقر لما انخرطت فى صفوف الجيش، ومركز الجيش كائنة فى العاصمة وجوارها وذلك نظراً لوجود الجبهة القتالية (المفترضة) على مقربة من العاصمة وكذلك نظراً لتمركز السلطة فيها كذلك!.. لكن أنت لا تشاهد أبناء حوران يذهبون بشكل جماعى إلى دير الزور بغية الاستيطان وشراء الأراضى والأمر نفسه لاتراه فى أبناء الساحل فأهالى اللاذقية لا يذهبون جماعات جماعات إلى الرقة أو الحسكة بصدد الاستيطان، لكن بماذا تفسر لى قدوم أهالى حلب وتجارها بهذا الشكل الفاضح إلى الساحل ودفعهم لمبالغ خيالية ثمناً للعقارات؟"، أسأله: "لماذا"، يجيب: "لا أدرى، لكن لا أخفيك أن قضية شراء العقارات بهذا الشكل تذكرنى بقضية شراء اليهود للعقارات فى فلسطين قبيل حدوث نكبتهم"، يصمت برهة ثم يردف قائلاً: "لا أكتمك أنه حتى نمط الحياة بات يتغير فى مدن الساحل السورى، تصور أنى قرأت إعلاناً على واجهة احد المحلات فى مدينتى (اللاذقية) يقول: إيشارب هدية لكل فتاة محجبة. متى كنّا نرى مثل هذا التصدير شبه القسرى لثقافة الآخر على ما تبقى من مكونات المجتمع السورى؟".

لم يبرّأ الأستاذ على دولاً كالسعودية وإيران مما يشاع حول سعيهما الحثيث فى نشر المذهبين السنى والشيعى فى الساحل السورى، معتبراً أن إيران تعمل على ذلك من خلال رجال يعملون وفقاً لأجندتها وبما يخدم مصالحهم الاقتصادية أيضاً تدفع لهم الأموال مستغلة عوامل عدة (سبق ذكرها)، والسعودية من خلال الاستيطان الحنبلى – الأب الشرعى للوهابية – فى مدن وريف الساحل وشرائه للعقارات بطريقة لافتة للانتباه.

خلاصة القول: إن المجتمع السورى يعانى من أزمة هوية، وهى أزمة تتأثر بما يجرى فى الخارج من متغيرات سرعان ما تجد أصداءها فى الداخل السورى، لكن من خلف الجدران وفى الغرف المغلقة التى لا أحد يستطيع التكهن بساعة انفلاشها.

ص: ١٣٨

عشيرة الكلابيين تتحول من الشيعة إلى السنة

نشرت مفكرة الإسلام فى (٢٠٠٦/٩/١٩) خبراً مفاده أن قرية تبعد عن مركز المحمودية (١٥) كلم ، جنوب بغداد ، سبق لهذه القرية أن تحول أهلها من المذهب الشيعى إلى المذهب السنى ، بعد سقوط بغداد (٢٠٠٣) ، وتضم هذه القرية (١٠٠) أسرة من عشيرة الكلبية ، وقام أهلها بهدم الحسينية ، وحولوها إلى مسجد سموه مسجد (الغر المحجلين) ، والتحق بعض شبابهم بالمقاومة العراقية ، لمقاومة الاحتلال الأمريكى ، بينما يمنع علماء الشيعة أفراد مذهبهم من محاربة الأمريكان ، وقيل أن السيستانى أفتى بحرمة محاربة الأمريكان فى العراق ... بينما يدعى الشيعة أن أمريكا هى الشيطان الأكبر ، ويدعون أنهم يحاربونها فى لبنان وفلسطين ، والغريب فى الأمر أن هؤلاء المسلمين هداهم الله إلى الحق ، بدون دولة قوية تنفق على أهل السنة ، كما تفعل إيران التى تنفق الملايين حالياً لنشر التشيع فى سوريا ، مدعومة من النظام السورى الصفوى...

سوريا اليوم تفتح على مصراعيها للتشيع

أكثر من (٥٠٠) حسينية تبنى فى سوريا ، وقيل فى دمشق فقط ، وصار تحول المسلمين السنة فى محافظات الرقة وحلب على قدم وساق ، ومنح النظام السورى ، الجنسية السورية لعشرات الألوف من الفرس الإيرانيين ، فى حين يحجبها عن المواطنين الأكراد السوريين منذ أربعين سنة ...

وفى محافظة الرقة فى سوريا تركيز على دعوة القبائل العربية إلى التشيع ، ومعاداة أهل السنة ، وإثارة أحقاد تاريخية زرعها أعداء الإسلام بين أبنائه ... وفى الرقة أسست الشيعة مايشبه كلية الشريعة ، يدرس فيها الطلاب أسس ومبادئ التشيع ، ثم يرسل النابهون منهم إلى (قم) ليتخرج منه داعية إلى التشيع... ومنذ عقدين يعمل حزب (جمعية المرتضى) على نشر التشيع بين القبائل العربية (البدوية) ، مستغلاً انتشار الجهل عند الكثيرين ، وعدم اهتمامهم بتعلم دينهم ، مما جعلهم فريسة سهلة عند دعاة التشيع ....

جيش المهدى وفيلق بدر يحاربون هذه القرية السنية

والآن تتعرض هذه القريـة من أهل السنة ، منذ ثلاثة أيام لهجمات من قِبل جيش المهدى وفيلق بدر أسفرت عن استشهاد (١٤) شخصًا منهم وجرح أكثر من (٣٠) آخـرين.

وأوضح المراسل أن هذه القرية والتى تقع على طريق الصويرة قرب شارع ٣٧ ، تتعرض لأعمال سلب ونهب وحرق واعتداء من قِبل الشيعة منذ أيام تحت أعين عناصر الشرطة والجيش، وغالبيتهم من الشـيعة. وأضاف المراسل أنه تم كذلك قطع الماء والكهرباء عن أهالى القرية كعقوبة لهم، مشيراً إلى أن أهالى القرية وجهوا مناشدةً للخيرين بالعالم من أجل الوقوف معهم فى هذه المحنة.

فمـن يسـمع هذه المناشـدة !!؟ مـَن هم بواكى أهل السـنة !!؟ إيـران الصفويـة تنشـر التشيع فى سوريا ، وتنفق عليه الملايين ، فى شعب فقيـر سـلبه النظام الأسدى كل مقومات الحياة ، ثم جاء دعـاة الشيعة ومعهم المـال ، مدعومين من النظام السـورى...

وكل من ينتقـد حركة التشيع فى سوريا تعتقلـه الوحدات الأمنيـة ، وتوجـه لـه تهمـة (الوهابيـة) وهى أخطر التهـم حالياً...

وهؤلاء المسلون السـنة ، يستغيثون من ضربات جيش المهدى وفيلق بـدر ، فـمن يسـمع استغاثتهم !!؟ ومن يحمـى أهل السـنة فى العراق ، بعد أن مكنت أمريكا للشـيعة فى العراق ، ليذبحوا أهل السـنة ، حتى يقول مصدر من الحزب الاسلامى العراقى أن أسـراً من أهل السـنة بدأت تهاجر من بغداد ، وأن بغداد ـ عاصمة العباسيين ـ ستكون مدينة شيعية ...يقول المصدر:

هذا هو حال أهل السُنّة فى العراق بعد تشكيل وزارة المالكى، بل خلال أيام الاحتلال كلها، فهم فى الوسط يجاهدون الاستعمار الأميركى، فيرد عليهم بقسوة ووحشية، بل يتسلى جنوده أحياناً بقتل بعض العوائل واغتصاب حُرّة مثل عَبير.. ثم يردون على ميليشيات الأحزاب الشيعية وجيش المهدى الصدرى، ويدفعون هجمات مغاوير الشرطة الموالية للأحزاب الشيعية، وأحياناً بعض الجيش المنحاز لها ..وفى الوقت نفسه يواجهون المخابرات الإيرانية الناشطة فى الأرض العراقية، ووصل بها الأمر إلى حد إقامة مفارز تفتيش فى الحصوة والإسكندرية، والتسلل من إيران والوصول إلى مشارف بغداد والمشاركة فى الهجوم على الأعظمية ومحاولة احتلال جامع أبى حنيفة، والحرس الثورى الإيرانى له حضور قوى الآن فى أماكن كثيرة ..

ص: ١٤٠

والذى يزيد الأمر فظاعة أن بغداد العتيدة، رمز الحضارة الإسلامية وبلد الرشيد ومنارة المجد التليد أصبحت فى حُـكم الساقطة فى الحضن الشيعى، وستكون خلال الحقبة القادمة مدينة شيعية ورمزاً لانبعاث التشيع العالمى، وذلك لأن الدستور العراقى الجديد المحشور بالسوء جعل مدينة بغداد فى حدودها البلدية فيدرالية مركزية خاصة، وكانت قبل نصف قرن مدينة ذات أغلبية سُنية وأقلية شيعية، ثم خدم عبد الكريم قاسم الخطة الشيعية

الطويلة المدى فقام بجلب مئات ألوف الشيعة من المحافظات الجنوبية إلى بغداد خدمة للخطة الشيعية، وبنى لهم مدينتى الثورة المعروفة الآن بمدينة الصدر، والشعلة، ثم ازدادت الهجرة الشيعية حين ركب الشيعة موجة حزب البعث وانتموا إليه فى آخر الستينات وخلال السبعينات، وتناسلوا كثيراً، وبتسهيلات مالية من الأوساط الحوزوية لكل فرد يرضى بزيادة النسل، حتى صاروا نصف أهل بغداد الآن، ولكن القتل الذريع بأهل السُنة من قبل جيش المهدى وفيلق بدر وميليشيا حزب الدعوة ارهب وأرعب، وحصلت هجرة سُنية واسعة من بغداد إلى المحافظات السُنية وإلى سوريا والأردن ومصر والخليج، فرجح الوجود الشيعى فيها، وتعزز بتهجير مكثف حصل خلال السنة الأخيرة للشيعة من الجنوب إلى داخل بغداد، وتصرف أموال لهم الآن للبناء والتملّك، وتخدمهم فى ذلك وزارة الإسكان وكل دوائر الدولة، وزادت نسبة الشيعة أكثر بسبب تمركز الجيش والشرطة فى بغداد، والجنود معظمهم شيعة، وبذلك لو حصلت انتخابات للتصويت حول فدرالية بغداد المركزية الآن فستكون أكثرية التصويت شيعية، وبغداد ساقطة لا محالة.

ولاحول ولاقوة إلا بالله العلى العظيم...

فهل ينتبـه المسلمون !!؟ وهل يتكاتف المسلمون لـدرء الخطـر !!؟

اللهم قد بلغنـا !! اللهم فاشـهد ....

ص: ١٤١

الدكتور خالد الاحمـد كاتب سورى فى المنفى

د.خالد الأحمد

abothaer_s@hotmail.com

فى البداية أذكر أننى كنت لا أرضى لنفسى أن أكتب فى هذه المواضيع ، وأعتبرها صراعاً طائفياً يجب أن نبتعد عنه ، ونوجه جهودنا نحو العدو الأكبر : أمريكا ، الصهيونية ، النظام الأسدى ... ولكن طفح الكيل ، وصار التشيع فى سوريا يدق ناقوس الخطر ، الخطر على سوريا ، وعلى الأمة العربية عامة ، ودول الخليج العربى خاصة ...لذلك بدأت أقرأ وأكتب وأهتم بالموضوع ... وصار التشيع فى سوريا إحدى الظواهر المرضية للنظام الأسدى.

النظام الأسدى والتشيع:

وبداية لابد من الربط بين النظام الأسدى والتشيع فى سوريا ، وعندما يسقط النظام الأسدى ينتهى نشاط التشيع فى سوريا ، والتشيع إحدى نتائج ارتماء النظام الأسدى نفسه وسوريا كلها فى حضن النظام الإيرانى الصفوى ... لذلك أعتبر أن الحديث عن انتشار التشيع فى سوريا كالحديث عن انتشار الرشوة ، وانتشار السجون ، وانتشار الوحدات الأمنية فى كل شبر من أرض سوريا تحصى أنفاس الشعب المسكين ، وتكبله بالحديد والنار ليستمر آل الأسد وأصهارهم وأنسباؤهم يحكمون سوريا وينهبون خيراتها...

معنى الهلال الشيعى

ولابد من التذكير بمعنى الهلال الشيعى ، وهو قيام أنظمة موالية لإيران فى العراق ، وفى سوريا ، وفى لبنان ، وهو بعبارة أخرى تصدير الثورة الخمينية التى وقف العراق فى وجهها ثمانى سنوات متتالية ... وبعد ذلك تنتقم إيران الصفوية من دول الخليج التى دعمت العراق فى عقد الثمانينات ، ومنعت الخمينى من تصدير الثورة الخمينية خارج إيران ... وقلوب الصفويين فى إيران مملوءة بالحقد على دول الخليج لأجل ذلك ... وفى هذا الإطار يتضح معنى الحرب السادسة فى لبنان، التى هدفت إلى تثبيت الشيعة وتمكنهم فى لبنان ، حتى يستلموا الحكم فيه...

ص: ١۴٢

وقد نشرت مجلة الوطن العربى فى (٢٠٠۶/۶/١٢) موضوعاً عنوانه : استراتيجية نشر التشيع فى سوريا جاء فيه :

سوريا مستعمرة إيرانية

ويصل أحد التقارير الغربية فى قراءته المبالغة لحجم الاختراق الإيرانى الأخطبوطى لسورية إلى حد عقد مقارنة

بينه وبين مرحلة الهيمنة السورية على لبنان، ويزعم التقرير أن سورية تجد نفسها اليوم محشورة بين مطرقة الضغوط الدولية وسندان الإنقاذ الإيرانى بعدما سلمت كل أوراقها لإيران لهذه الغاية.

وفى إطار تشبيهه بين الدور السورى فى لبنان "قبل الانسحاب" والدور الإيرانى فى سورية أشار التقرير إلى مسلسل الزيارات التى لا تنقطع بين البلدين منذ أشهر ولا تشمل فقط كبار المسؤولين السياسيين بل الوزراء والخبراء ورجال الدين وكان آخرهم "حتى كتابة هذه السطور" السيد حسن الخمينى حفيد الإمام الراحل الخمينى من ابنه أحمد والذى يتولى إدارة مركز تراث الإمام.

ويبدو أن زيارة السيد حسن الخمينى إلى سورية مناسبة لإثارة جوانب أخرى من ملفات التعاون والتنسيق بين البلدين ومدى الاختراق الإيرانى لسورية. تشكل إفرازاً للتواجد الإيرانى المفاجئ والمكثف فى كل مجالات الحياة السورية، وما عرف حتى الآن من اتفاقيات التعاون بين البلدين هو إلى جانب معاهدة الدفاع وما قيل عن شمولها قوات من الحرس الثورى وخبراء عسكريين إيرانيين فى سورية، اتفاقيات التعاون الاقتصادى والمالى والصناعى والسياحى والثقافى وهى اتفاقيات تلحظ مساهمات مالية إيرانية ضخمة فى الاقتصاد السورى تشمل بناء مصانع سيارات وأسمنت وخط أنابيب ومشاريع اقتصادية وسياحية أخرى وافتتاح فروع لمصرف صادرات إيران فى سورية.

نشر التشيع فى سوريا

ويتابع التقرير الغربى

لكن يبدو أن الجانب الأكثر حساسية يتعلق بالتسهيلات السورية وفتح البلاد أمام سائر النشاطات الإيرانية ووصولها إلى اتهامات للنظام بتسهيل حركة التشيع فى سورية!

ص: ١۴٣

وفى هذا الإطار يتحدث التقرير عن دخول عشرات ألوف الإيرانيين إلى سورية فى شكل دورى "أكثر من مليون سائح سنوياً" حيث يتوزع هؤلاء على المراكز السياحية الدينية الشيعية مثل السيدة زينب والسيدة سكينة وسائر الأضرحة التى تعتبر عتبات مقدسة شيعية يؤمها آلاف الإيرانيين، وإضافة إلى هؤلاء السياح انتعشت حركة الاستثمار الإيرانية فى سورية لكنها فى المقابل قادت إلى إثارة حفيظة فئات من الشعب السورى راحت تتذمر من الهجوم الإيرانى على بلادهم. وتصل هذه الفئات التى لا تعرف بعدائها للنظام إلى حد اتهام أركانه بأنهم "باعوا البلد لإيران

يبدو أن خلفية هذه الحالة هى المعلومات المتداولة والمبالغ فيها أحياناً عن تعرض المجتمع السورى إلى عملية "تشييع" مقصودة ومنظمة خصصت لها ميزانية ضخمة بمئات ملايين الدولارات .
وتشير هذه المعلومات إلى أن الأشهر الأخيرة شهدت نشاطات إيرانية مثيرة للشبهات وانتشاراً كثيفاً للمظاهر الشيعية شمل كل المحافظات فى بلد يعتبر ذا أغلبية سنية ساحقة ولا يمثل الشيعة فيه "إذا استثنينا العلويين" سوى واحد فى المائة وحوالى ١٥٠ ألف نسمة .
يقال إن حالات اعتناق المذهب الشيعى شهدت مؤخراً تزايداً بالآلاف وتقول بعض الشائعات الرائجة فى سورية قد تصل إلى حد توفير العمل لهم فى المراكز الثقافية وخصوصاً المركز الثقافى الإيرانى فى دمشق الذى تمت توسعته مؤخراً وبات يعتبر من أكثر المراكز الثقافية نشاطاً فى سورية .
ومع انتشار مظاهر التشيع والتغلغل الإيرانى فى البلاد وخصوصاً فى دمشق ومحافظات الشمال وسط صمت رسمى كامل سادت قناعة فى أوساط السوريين المطلعين بأن ثمة تشجيعاً رسمياً خفياً ومعلنا لهذه الظاهرة، ووصل البعض إلى حد وصفها بأنها سياسة رسمية للنظام مبنية على حسابات مستقبلية .

الحوزات الشيعية تتكاثر

وتضيف المعلومات أن عدد الحوزات الشيعية قد زاد فى سورية فى شكل كبير بدعم إيرانى واضح. وأن دعاة شيعة يطوفون المدن والقرى السورية، وسط تغاضى الجهات الرسمية؛ لنشر المذهب الشيعى وفتح حسينيات ومراكز دينية وثقافية ومراكز تدريس ومكتبات فى غالبية المناطق ووصلت إلى حلب وضواحيها وحمص وحماه والحسكة والقاقشلى والرقة واللاذقية ودير الزور وغيرها، ولم تعد هذه النشاطات محصورة فى ضاحية السيدة

زينب كما فى السابق. وفى موازاة إقامة المناسبات الدينية والموالد والمآتم والمؤتمرات الثقافية التى يحضرها مسؤولون رسميون لوحظ أن إيران تلعب دوراً فى تمويل بناء مستشفيات ومستوصفات خيرية ومساجد وحسينيات انضمت إلى مسجدى صفية ودرعا فى دمشق ومسجد النقطة فى حلب ومشفى الخمينى فى دمشق والمشفى الخيرى فى حلب.

جمعيات خيرية إيرانية

ويتردد فى سورية أن أنشط الجمعيات الخيرية حالياً وأكثرها فعالية فى دعم ومساعدة المحتاجين هى جمعيات ذات تمويل إيرانى تتولى توفير مساعدات مالية شهرية للمسنين وتوزيع الأرز والسكر والطحين .

وفى الآونة الأخيرة بدأ الإيرانيون بإعداد برامج تعاون ثقافى تشمل زيارات منظمة إلى سورية وتوزيع دعوات على فعاليات من مختلف القطاعات السورية وإلى أساتذة الجامعات وتخصيص منح دراسية فى الجامعات الإيرانية. وقد أدى هذا التعاون الجامعى مؤخراً إلى إدخال تعلم اللغة الفارسية إلى عدد من الجامعات السورية.

منظمات حقوق الإنسان تحذر من خطورة الوضع

ويتابع التقرير الغربى فيقول

إن هيثم المالح رئيس جمعية حقوق الإنسان حذر مؤخراً من نشاط العديد من الشيعة الإيرانيين على الساحة السورية بدءاً من مركز السيدة زينب إلى منطقة الجزيرة مروراً بوسط سورية وخاصة حول حماه. وتساءل عن سر افتتاح العديد من الحوزات الشيعية فى سورية وإقامة النشاطات وإجراء الاجتماعات، وعما إذا لم يكن هناك اتفاق ضمنى بين الدولة الإيرانية والنظام السورى لتقديم التسهيلات للوافدين من إيران.

أما المحامى عبد الله الخليل الناشط فى مجال حقوق الإنسان والذى يقطن فى محافظة الرقة السورية فقد كشف عن أن الحكومة السورية قامت بتقديم مقبرة أويس القرنى فى الرقة حيث دفن الصحابى عمار بن ياسر كهبة للحكومة الإيرانية. وبنى على أطلالها مركز شيعى وجامع كبير اسمه مقام عمار بن ياسر وبات مركزاً للتشيع. وقال الخليل: إن هذا المركز يعتبر أول مركز شيعى فى الرقة وإن ثمة مشروعاً لتوسعته بإقامة مساكن وسوق تجارية على غرار جامع السيدة رقية فى النجف .

ص: ١۴۵

ولا تقتصر عمليات التشيع هذه على نشاطات المدارس الدينية المنتشرة فى حى السيدة زينب حيث قامت حوزات متعددة تتوزع مرجعياتها الدينية بين آية الله على خامنئى المرشد الأعلى للجمهورية الإيرانية وآية الله على السيستانى المرجع الشيعى العراقى والمرجع اللبنانى محمد حسين فضل الله .

ويعترف الشيخ محمود الحائرى الذى يشرف على حوزة شيرازية بأنه يلتقى على الأقل كل أسبوع بسورى يريد اعتناق المذهب الشيعى وأن هؤلاء السوريين ينتمون إلى كل الطبقات الاجتماعية ومختلف المناطق .

ورغم رمزية أعداد السوريين الذين يختارون المذهب الشيعى واستمرار محدودية هذا الرقم قياسا لعدد السكان إلا أن الظاهرة بدأت تشكل هاجساً مقلقاً خصوصاً لدى رجال الدين السنة الذين راح بعضهم يتحدث صراحة عن خطة إيرانية إقليمية لنشر المذهب الشيعى وتفريس سورية. ويلتقى هؤلاء مع الأطراف "العلمانية" التى تحذر من

عواقب مساهمة النظام فى تأجيج الحساسيات الطائفية والمذهبية وانخراطه فى مشروع" الهلال الشيعى" عبر إثارة تناقضات جديدة داخل المجتمع السورى تضاف إلى تناقضاته المعروفة لتشكيل عامل تفجير إضافى . وحتى الآن يبدو أن هذا الهاجس ما زال ينحصر فى إطار إثارة حساسية السوريين تجاه الإيرانيين ومخاوفهم من دفع ثمن التحالف بين طهران ودمشق؛ بفرض وصاية إيرانية كاملة على البلاد. ويصل بعض السوريين إلى حد القول علنا :إن إيران باتت قادرة على أن تفعل ما تشاء فى سورية وتمارس أى نشاط تريد بدون أن تستطيع أية سلطة حكومية أو رسمية منعها .

سوريا رهينة إيرانية

أما التقارير الأخيرة فإنها بدأت تعتبر هذه الظاهرة بانعكاساتها السلبية على تماسك المجتمع السورى نقطة ضعف و "مقتلا" للنظام ولم تعد تنظر إلى توثيق العلاقات بين طهران ودمشق كمصدر قوة ودعم وصمود لبشار الأسد .

واللافت أن أحد التقارير توسع فى قراءته لظاهرة التشيع والتفريس فى سورية وحالة السخط الشعبى تجاهها فاعتبرها بوضوح دليلاً على ضعف النظام وعلى وقوعه رهينة فى أيدى الإيرانيين. ولفت هذا التقرير إلى النفوذ المتزايد الذى تلعبه إيران داخل سورية على كل المستويات، وليست "ظاهرة التشيع" والتغلغل الإيرانى سوى الجزء الظاهر منها. ويعتبر التقرير أن السفير الإيرانى فى دمشق محمد حسن أخترى يلعب حالياً دوراً محورياً داخل سورية. ويلفت أن أخترى الذى سبق له أن عمل سفيراً "فوق العادة" فى سورية هو فى الوقت ذاته رئيس

ص: ۱۴۶

"جمعية أهل البيت" وهو بالتالى يشرف على اختراق إيران للساحة السورية فى كل المجالات. ويذهب التقرير للدلالة على حجم الهيمنة الإيرانية على سورية إلى حد الإشارة إلى أن الملصق الأكثر مبيعاً فى حى السيدة زينب هو الملصق الذى يصور الرئيس السورى الدكتور بشار الأسد محاطاً من جهة بالرئيس الإيرانى أحمدى نجاد ومن جهة أخرى بزعيم حزب الله السيد حسن نصر الله!

ويعكس هذا الملصق ما تتحدث عنه بعض التقارير الاستخبارية من أن مصير النظام السورى بات بعد الخروج من لبنان فى أيدى الإيرانيين وأن طهران قد اختارت بدورها حمايته من السقوط بتوفير جميع أوجه الدعم له، وهو دعم يصل حسب بعض المعلومات إلى حد تكليف المخابرات الإيرانية برصد ما يدور داخل القيادة السورية وموازين القوى فيها بشكل دقيق والتدخل أكثر من مرة لمنع تصدعه. وهو ما حصل مؤخراً عندما توسط قائد الحرس الثورى الجنرال رحيم صفوى لتسوية خلاف حاد اندلع بين ماهر الأسد وآصف شوكت وقام بزيارة سرية إلى دمشق لهذه الغاية.

ولكن السؤال الذى يطرحه بعض السوريين المطلعين هو: أين سيتوقف الغزو الإيرانى لسورية وهل مازالت دمشق

قادرة على رفض شروط طهران و "مساعداتها"؟ وأخر هذه الشروط التى تمت تلبيتها كان فى شن حملة شعواء ضد عرب الأحواز اللاجئين إلى سورية.

أما معدو التقارير فتتمحور تساؤلاتهم الجديدة عن مدى قدرة النظام السورى على حفظ التماسک الداخلى بعدما بدأت أولى ثمار التعاون الوثيق مع طهران تنعكس خللاً فى التوازن وتهدد بإثارة حساسيات مذهبية. ويبدو أن انتشار ظاهرة التشيع والتفريس بات ينظر إليه لدى غالبية السوريين على أنه "تحالف دينى" وليس سياسياً أو عسكرياً فقط مع إيران. وهى نظرة تنذر فى حال تجذرها وانتشارها رغم إصرار النظام على التعتيم الإعلامى الكامل عليها، بإشعال ظاهرة التطرف الدينى فى سورية وتهديد مستقبل البلاد والنظام. وثمة من يضيف إلى هذه المخاوف تحذيرات من أن تؤدى مجدداً إلى إعادة صراعات الأجنحة داخل النظام حيث يقال إن ثمة جناحا كان يحذر من مغبة وضع كل بيض سورية فى سلة إيران وأن هذا الجناح قد يستغل المخاطر التى تنذر بها هذه المعادلة .

وليس مستبعداً أن يكون استمرار رهان البعض على قرب حصول التغيير الداخلى فى دمشق مرتبطاً بهذا الوضع الصعب للنظام رغم إشراف ومراقبة وحماية المستشارين الإيرانيين من قلب العاصمة السورية!

ص: ۱۴۷

يقول عبد الحليم خدام, فى أحدى اللقاءات

" :حركة التشيع هى ظاهرة سياسية يقوم بها السفير الإيرانى فى دمشق بهدف إيجاد حالة سياسية مرتبطة بإيران", و يقول إن السفير الإيرانى يصول ويجول فى سورية بحرية أكثر من رئيس الوزراء السورى

وأرجع خدام السياسة الإيرانية فى نشر التشيع إلى مبدأ الدفاع عن مصالح إيران فى المنطقة حتى ولو كان ذلک بالتحالف مع الشيطان الأكبر كما حصل فى أفغانستان والعراق، وذلک فى إشارة إلى تضحيتها بعلاقاتها التاريخية مع سورية التى وقفت معها يوم كان العالم كله ضدها فى حرب الثمانى سنوات ضد العراق.

ولم يستبعد عبد الحليم خدام ما تحدثت عنه أوساط سياسية وأمنية رفيعة المستوى فى سورية عن اختراق الحرس الثورى الإيرانى للمؤسسات الأمنية السورية، وقال" :المسألة غير ذلک وأبعد من ذلک بكثير، فهنالک اتفاق أمنى بين أجهزة الأمن السورية والإيرانية، وقد تم التوقيع على اتفاقية الدفاع المشترک هذا العام بين إيران وسورية، ويوجد تنسيق أمنى واسع بين الأجهزة الأمنية فى البلدين تشمل لبنان وسورية."

وانتقد خدام السفير الإيرانى فى دمشق تحديدا واتهمه بقيادة حركة التشييع فى سورية، وقال: "حركة التشييع هى

ظاهرة سياسية يقوم بها السفير الإيرانى فى دمشق بهدف إيجاد حالة سياسية مرتبطة بإيران، وهذا النشاط خطير لأنه يؤسس لفتنة مذهبية فى سورية."

إحصائية للأديان والفرق فى سوريا:

-١أهل السنة : ٨٠ %
-٢النصارى : ٧ %
-٣النصيرية : ٧ %
-٤الدروز : ٦ %

ويشرف على هذا المخطط ويدعمه إيران وبموافقة رسميةً من سوريا ومن أعمالهم :

-١توزيع واسع النطاق لكتب الرافضة من إيران فى المدن والقرى والتركيز على المناطق الشرقية فى سوريا.
-٢حصانة دعاة الرافضة العراقيين فى سوريا وعلى رأسهم عبدالحميد المهاجر (سورى الجنسية وأهله من العراق) .

ص: ١٤٨

-٣شراء العقارات من رافضة إيران وفتح الجامعات ، وبناء الحسينيات ، والبدء بإعلان أذان الرافضة فى بعض المساجد فى القرى (وأشهد أن علياً ولى الله . (
كل ذلک فى حين غفلة أهل السنة والجماعة فى العالم الإسلامى عن إخوانهم فى سوريا .

ثالثاً : التضييق الشديد على أهل السنة والجماعة .

-١العداء النصيرى لأهل السنة بحيث إن كل شاب سنى يستدعى يُسأل : ما علاقتک بالمشايخ بالمملكة ؟! هل تقرأ لابن عثيمين وابن باز؟ . !
-٢التضييق الشديد على أهل السنة والجماعة حتى إن كلمة (وهابى) أو(سلفى (تهمة يسجن عليها ستة أشهر فأكثر ؟ . !
-٣المنع التام للكتب القادمة من السعودية ، أو التى مؤلفها سماحة الشيخ ابن باز وابن عثيمين وعلماء المملكة عموماً .
-٤تأكيدهم المستمر على أن أهل السنة يكرهون النبى محمد صلى الله عليه وسلم.
-٥تشبع الصوفية من النشأة على العداء التام للوهابية.
-٦أخذ التعهد رسمياً بالامتناع عن الدعوة إلى الله إذا كان التوجه فى الظاهر سلفى.
-٧امتحان الناس بالكفريات فى التحقيق مثل : ما رأيک بالتبرک بالقبور ؟ والتوسل بالأنبياء والصالحين ؟

والجواب بالمنع يعنى ثبوت التهمة الوهابية.
-٨محاربة مظاهر السنة كاللحية والثوب القصير.
-٩الإلزام بحلق اللحية فى السجون وخصوصاً فرع فلسطين المشهور بالتعذيب.
-١٠الاعتقال الكثير جداً لكل ملتحى من أجل تشويه سمعته ، وتنفير الناس من الدعوة.
-١١فتح المجال للسحرة والسكوت عنهم .
-١٢سب الضباط لله تعالى ولرسوله صلى الله عليه وسلم علناً وباستمرار والعياذ بالله .
مشايخ الدولة كلهم من الصوفية الحاقدين على دعوة الإمام محمد بن عبدالوهاب ، ولهم دور كبير فى تشويه سمعة الدعوة السلفية بين عامة الناس ، ومنهم :
) •أحمد حسون) المفتى الجديد لسوريا يقول : سأنظف البلاد من السلفية وكتبهم.

) •محمد سعيد رمضان البوطى) من أشدهم عداءً للدعوة السلفية ويقول : " هذه الكتب التى تتسلل إلى سوريا من السعودية سنخبر السلطات لمنعها " . وفى كلمة له فى مؤتمر وحدة الأديان وأمام اليهود والنصارى يقول : " إن مشكلتنا تكمن فى أهل اللحى الطويلة والثياب القصيرة."
) •محمد حبش) رئيس مركز الدراسات الإسلامية فى جامعة دمشق يتبنى وحدة الأديان.

رابعاً : الدعوة فى سوريا:
-١الضعف الشديد للنشاط الدعوى فى سوريا.
-٢يمنع دعوة النصارى للإسلام , ويسمح بالدعوة للنصرانية ؟

ختاماً : هذا بعض ما يحصل لإخواننا من أهل السنة والجماعة فى سوريا ، ولابد من القيام بالواجب الدعوى والاحتسابى والتفات العلماء من سوريا وخارجها لإصلاح الأوضاع فيها، والعمل على الحد من هذا المد الرافضى الخطير ووضع برامج دعوية نافعة والاستفادة من قناة المجد الفضائية ، وموقع البث الإسلامى وكافة المواقع الدعوية فى الإنترنت

بسم الله الرحمن الرحيم

نشـر موقع سوريا الحـرة فى أواخر شهر تشرين الأول (اكتوبر) أخباراً تبعث الهلـع والخـوف فى النفـس ، وتـدق ناقوس الخطـر ، ليصحو النيـام على الصفويين يزحفون بثورتهم نحو بلاد الشـام ، ويطوقون الجزيرة العربيـة من الشـمال ، وقد صرح الشيخ الدكتور سلمان العـودة يحفظه الله ، قبل أيـام قليلـة يحـذر من هذا الخطـر...

ص: ١٥٠

جاءت فى موقع سوريا الحـرة النقاط التالية

-١تجنيس الإيرانيين والعراقيين (الشيعة) ذوى التوجهات الإيرانية، بمنحهم الجنسية السورية من قبل النظام الأسدى .. وقد تجاوزت أعدادهم المليون (!!!) حتى الآن، ويقيم معظمهم فى منطقة (السـيدة زينب) وما حولها من دمشق !..

كما برزت عمليات التزوير الفاضحة للتركيبة الديموغـرافية للشعب السورى، ولعل أشدها وضوحاً، تلك الدراسات الوهمية التى نشرتها المخابرات الطائفية السورية، عن أن المجتمع السورى هو مجتمع أقليات، وأن أهل السـنة العرب لا تتجاوز نسبتهم ٤٥ %من مجموع الشعب السورى، وأن هؤلاء منقسمون على أنفسهم! فى محاولات لتزوير التاريخ والجغرافيا والديموغرافيا السورية ..

-٢كما عمد النظام السـورى إلى إحضار ميليشيا خاصـة مهمتها الدفاع عن هذا النظام، تضم حوالى ثلاثـة آلاف من القـوات الإيرانية، بالإضافة إلى بعض التشكيلات من الحرس الثـورى الإيرانى، المختصين بحرب المدن، وهى تعمل إلى جانب قوات الحرس الجمهورى بقيادة ماهر الأسد .

-٣كذلك تعمل الجهات والمؤسسات الإيرانية على تخريج مجموعات متطرفة من السوريين، عبر استيراد أصحاب هذا الفكر من إيران والعراق ولبنان، لفتح ((الحسينيات)) فى جميع أنحاء سوريا لنشر هذه الأفكار.. وقد لوحظ أن النظام يقدم تسهيلات هائلة لمجموعات تعمل على إقامة حزام حول مدينة دمشق، فيما يبدو بوضوح أن هناك موجة متواصلة لشراء المنازل والأراضى فى ريف دمشق

-٤أما الحوزات الإيرانية فعاودت نشاطها بقوة غير مسبوقة، ناشرة فروعها فى مختلف المناطق، وهى تقوم بأعمال التدريس من غير حسيب ولا رقيب، لا على المناهج ولا على الأداء.. وقد دخلت فى سـباق محموم مع

المعـاهد الشرعية الإسلامية) السنية) لاستقطاب الطلاب الوافدين إلى سوريا، والذين طالما اعتادوا ارتياد هذه المعاهد منذ عقود طويلة.. حيث يقوم الإيـرانيون بتقديم مغريات متواصلة لهؤلاء الطلاب، بدءاً من الدراسة المجانية مروراً بالرواتب الشهرية وليس انتهاء بالزواج والدعم فى مرحلة ما بعد الدراسـة حيث تعمل إدارات الحوزات على تحويل هؤلاء عبر البعثات الدبلوماسية والدينية الإيرانية فى دولهم، إلى أدوات تحريک فاعلة فى بلدان، مثل ماليزيا وأندونيسيا والهند وباكستان وأفغانستان والبوسنة وغيرهامن دول العالم الإسلامى .

ص: ١٥١

-٥استحضر النظام الأسـدى مشايخ من اللون الإيرانى لتظهيرهم على حساب الوجوه الإسلامية التى طالما شكلت الوجه ((التقليدى)) طيلة الفترات السابقة.

وقد تطوّر هذا الوضع ليلقى هؤلاء ((القادمون الجدد)) عبر وسائل الاعلام الرسمية دروساً ذات توجهات خلافية، كما حدث قبل حوالى الشهر، عندما أطلّ أحدهم فاتحاً الباب أمام أكثر القضايا إثارة للخلاف السنى – الشيعى (مثل الموقف من صحابة الرسول صلى الله عليه وسلم)، ليتبنى موقفاً محدداً ومنحازاً، أدى إلى ردات فعل إسـلامية شديدة الخطورة فى دمشق خصوصاً، وفى مناطق أخرى تشهد احتكاكات مماثلة مثل حلب وجوارها.
-٦ومن مؤشرات التوسع الإيرانى فى سوريا، وجود إذاعة تبثّ على الموجة القصيرة جداً ((أف. أم)) تتولى بث المفاهيم العقائدية والسياسية، على غرار الإذاعات التابعة لـ((حزب الله)) فى لبنان ولـ((المجلس الأعلـى للثورة الإيرانية فى العراق .((

-٧ذكر القادمون من داخل سوريا أن كل من يعارض موجة التشييع المذهبى – السياسى التى تقوم بها المؤسسات الإيرانية، والمتواصلة على قدم وساق اليوم فى سوريا عامة، وفى محافظة الرقة خاصة.. وكل من ينتقد أو يعارض أو يعبّر عن عدم سروره ورضاه لتشيع بعض المواطنين السوريين الفقراء من القبائل العربية فى الرقة، يكون مصيره الاعتقال من قبل وحدات الأمن السورية، ويتهم بأكبر تهمة توجه فى سوريا اليوم وهى أنه ((وهابى)) أو تكفيرى .

وفى موقع سوريا الحرة ليوم الأحد ٢٠٠٦/٩/١٠ أعلن عمار قربى ان السلطات السورية اعتقلت فى ٢٠٠٦/٨/٢٣ خمسة عشر مواطناً فى الرقة على خلفية دينية محظورة، بعضهم من الطلاب والموظفين وذوى الأعمال الحرة.

ص: ١٥٢

فى الرقـة: كلية إيرانية

فى الرقة تركيز على دعوة القبائل العربية إلى التشيع ومعاداة أهل السنة، وإثارة أحقاد تاريخية زرعها أعداء الإسلام بين أبنائه.

وفى الرقة أنشأ الإيرانيون ما يشبه كلية الشريعة يدرس فيها الطلاب الأسس والمبادىء، ثم يرسل النابغون منهم إلى مدينة قُم ليتخرجوا منها دعاة للسياسة الإيرانية .

يشار هنا إلى انه منذ عقدين يعمل حزب ((جمعية المرتضى ((الذى اسسه جميل الأسد شقيق حافظ ، وعم بشار ، يعمل على نشر التشيع بين القبائل العربية البدوية مستغلاً انتشار الجهل عند الكثيرين، وعدم اهتمامهم بتعلم دينهم، مما جعلهم فريسة سهلة لهذا الاختراق.

بعد ((الإخوان)).. الوهابية

الاتهام بالانتماء إلى جماعة دينية محظورة أو تكفيرية أو وهابية، بات موضة جديدة تختلقها وحدات الأمن السورية وتلصقها بكل من يعبّر عن عدم ارتياحه فى انتشار وفرض التغيير الدينى والفكرى والسياسى على المواطنين، تدل على الإصرار لدى الوحدات الأمنية على محاولة السيطرة والتدخل فى عقول المواطنين، وحجر التفكير عليهم .

وتركز الوحدات الأمنية على المواطن السورى العائد من العمرة فى الديار المقدسة، وتصادر ما يحمل من كتب دينية أحضرها معه من مكة والمدينة، وكثير من المواطنين يحضرها للذكرى أو التبرك بها حسب فهمه، ولا علاقة لهذه الكتب أو لمن يحملها بمقاومة تيار التشيع فى سوريا .

وفى الواقع، فإن النشاط الإيرانى فى أى بقعة انتشر بات يولد ردات فعل مضادة، تتسم فى الكثير من الأحيان بالتشدد، نظراً لما تفرضه هذه الممارسات من استعادة للكثير من الهواجس، ونظراً للواقع والصورة المخيفة التى خلفتها السياسة الإيرانية فى العراق .

اما اعلان عدم السرور من التشيع، فهذا ليس وهابية ولا صوفية، ومن حق المواطن ان يتكلم ويعبر عن رأيه، ومن حق المجتمع المدنى ان يتحرک لسد الثغرات التى تسبب المتاعب فى المستقبل، ومن حق المواطن السوى ان يقول: لا داعى ولا حاجة لنشر المذهب الشيعى فى سوريا بين اهل السنة.. انشروا هذا المذهب بين غير اهل السنة لعل ذلک يكون مفيداً.. اما ان تبنوا مذهباً شيعياً مواجهاً للمذهب السنى ((مذهب الاكثرية المسلمة فى سوريا) فهذا يتوقع ان يسبب المزيد من الصراع والعنف الطائفى كما يحدث فى العراق اليوم . اجتياح ايرانى لسوريا:

أكثر من خمسمائة حسينية تبنى فى سوريا، وقيل فى دمشق فقط، وصار تحول المسلمين السنة فى محافظات الرقة وحلب على قدم وساق، ومنح النظام السورى الجنسية السورية لعشرات الالوف من الايرانيين، فى حين يحجبها عن المواطنين الاكراد السوريين منذ أربعين عاماً .

وهكذا يبيع بشار الأسد سوريا كلها للنظام الإيرانى الصفوى ، وهو بذلک ينفذ مخطط الهلال الشيعى الذى عمل النظام الإيرانى على بنائه مذ قامت الثورة الخمينية ... عندما طرح الخمينى شعار تصدير الثورة الإيرانية ، للزحف نحو البلاد العربية ، والسيطرة عليها ، وتحويل المسلمين السنة إلى المذهب الشيعى ، كما فعل الشاه إسماعيل الصفوى فى إيران خلال القرن التاسع الهجرى ، فقد كان أهل السنة يمثلون (٧٠ (% من سكان إيران يومذاک ، ولكنه نشر المذهب الشيعى بالقوة ، حتى صار الشيعة أكثرية ظاهرة فى إيران فهل يصحو العرب فى الجزيرة العربية ، قبل فوات الأوان ، أسأل الله العلى القدير أن ينهض أهل الجزيرة لدعم المسلمين) السنة) فى بلاد الشام بالمال والإعلام ... كى يقفوا ضد الهلال الشيعى .... والله على كل شىء قدير

الدكتور خالد الاحمد كاتب سورى فى المنفى

الاختراق الإيرانى للعالم العربى١(
حقيقة وأرقام.. أبعاد ودلالات..
بقلم: احمد الايوبى(*)
*تواطؤ النظام مع المستشارية الايرانية فى دمشق واطلاق يد عبدالعزيز الحكيم فى درعا
*خطة ايرانية لتشييع درعا خلال عشر سنوات
*زيدان غزالة انتسب الى حركة)) المرتضى)) بزعامة جميل الاسد لنشر التشييع
*اغراءات للشباب للتشييع: مال وأثاث بيوت ولباس وسفر
*زيدان غزالة يستقوى بإبن عمه رستم ومن يتصدى له عقابه السجن

التدخل أو الاختراق أو التصدير الإيرانى للأفكار والطروحات والعقائد إلى العالم العربى، واستغلال القضية الفلسطينية فى إطار الصراع الإقليمى، ومحاولة الاستناد إلى الوجود الشيعى العربى لخلق نقاط توتر وتماس واحتكاك.. والعمل الإيرانى المحموم لتشييع قبائل وأفراد ومجموعات فى العراق وسوريا والأردن والجزائر واليمن ومصر والخليج.. واستفحال هذه الظاهرة، حتى باتت سبباً هاماً من أسباب التوتر داخل المجتمعات العربية، وفى العلاقات الثنائية والعامة، بين الدول العربية وإيران، يدفعنا إلى فتح هذا الملف، والغوص فيه.
ولعل الاهتمام الواسع النطاق الذى حظى به الموضوع، هو الذى يدفعنا إلى السعى للكشف عن حقائق غائبة عن الرأى العام، نرى من واجبنا إطلاعه عليها، ليعرف فى ضوئها كيف يتخذ مواقفه، وكيف يتعاطى مع هذه المسألة المتصلة بواقعه ومستقبله.
))الشراع)) تبدأ بنشر ملف عن هذه الاختراقات بحلقة اولى تتناول ما يجرى فى سوريا فى هذا الشأن ودور رستم غزالة عبر نسيبه فى نشر التشييع داخل سوريا..

دور رستم غزالة
فى نشر التشييع داخل سوريا

حالة الاختراق الإيرانى لمحافظة درعا السورية هى نموذج آخر عما يجرى فى بلاد الشام من استباحة سياسية وثقافية ودينية، برعاية وتدخل النظام السورى، حيث تعمل أدواته على إلغاء الهوية العربية لأهالى هذه المحافظة، وتسعى لإيقاظ عوامل التفرقة والتمييز فيما بينهم، بدعوى حب آل البيت عليهم السلام، فى حين تتغلغل أهدافها السياسية، لتحول هؤلاء الناس إلى أدوات فى مشروعها الفارسى الآخذ فى التوسع يوماً بعد يوم.

جذور الاختراق فى درعا

تعتبر محافظة درعا المنطقة الجنوبية لسوريا حيث تتجاور مع الجولان من جهة الغرب والسويداء بلد الدروز من جهة الشرق و الأردن من جهة الجنوب ودمشق من جهة الشمال، يبلغ عدد سكان محافظة درعا التقريبى ٩٠٠٠٠٠ نسمة منتشرين فى أرجاء المحافظة التى تزيد على المائة قرية ومدينة، ومساحة المحافظة تزيد بقليل على ٤٠٠٠ كم٢.

ظهرت ملامح التشييع الإيرانى فى محافظة درعا منذ عشر سنوات على الأقل بدعم واضح من حكومة البعث، خاصة أن هذه المحافظة تتمتع بحضور قوى للبعثية أولاً والصوفية ثانياً، ولكن وجود الشيعة فى المحافظة يزيد على المائة سنة فى مدينة بصرى الشام مثلاً ـ بلد الإمام ابن كثيرـ والمليحة الغربية، والشيخ مسكين، ودرعا المدينة، وطفس، وغيرها.

عوامل التغلغل الإيرانى

وقد تضافرت لفرض هذه الحالة على الشعب العربى السورى فى درعـا عوامل كثيرة، أهمها:

-تواطؤ النظام السورى مع المستشارية الثقافية الإيرانية فى دمشق، والتدخل الأمنى والسياسى والمالى المباشر لفرض رؤيتها المذهبية والفقهية على المواطنين.

-توفير الحركة لأتباع عبد العزيز الحكيم لدخول أراضى محافظة درعـا ومؤازرة التحرك الإيرانى، تحت عين ورعاية الأجهزة الأمنية السورية.

-بروز أشخاص يتولون أدواراً هجومية فى الترويج للطروحات الإيرانية، مستندين للسلطة والنفوذ، أمثال زيدان غزالة، نسيب رستم غزالة، آخر رئيس للاستخبارات السورية فى لبنان.

تشييع درعـا خلال عشر سنوات

وقد وضع الإيرانيون هـدفاً استراتيجياً، يتمثّـل فى تشييع درعا خلال عشر سنوات، وقد بدأوا يبعثون الإشارات والرسائل فى هذا الاتجاه، ومن ذلك خروج مسيرة من بلدة "الشيخ مسكين" إلى الكرك الشرقى فى يوم عاشوراء، للإيحاء بأن شعب هذه القرى والمدن تشيعوا جميعاً، كما أن مشايخ الشيعة فى درعا يرفضون التعامل مع الأوقاف ويقولون إن لهم مرجعية يرجعون إليها مع العلم أن الراتب الشهرى الذى يتقاضاه الشيخ كاظم التميمى والشيخ أبو منتظر لايقل عن مرتب وزير مضاعف.

ص: ١٥٦

قبل التدخل الإيرانى لم يكن هناك ما بات يعرف بـ((الحساسية السنية – الشيعية))، حيث كان الجميع ينطلقون من حب آل البيت عليهم السلام ومن الخلفية الصوفية المتلاقية فى السياق الإسلامى العام مع فكرة الوحدة الإسلامية، بمفرداتها ومعانيها البسيطة والعملية، التى جسدها أبناء هذه المحافظة، من دون الحاجة إلى خطاب سياسى وفلسفة امبراطورية ومبانٍ توضع للتفريق بين أبناء الوطن الواحد..

نموذج لتواطؤ النظام

استمر هذا الواقع إلى أن ظهر المدعو زيدان غزالة الذى تخرج فى كلية الفلسفة وانتسب إلى حركة المرتضى، التى كان يتزعمها جميل الأسد شقيق حافظ الأسد لنشر التشيع، ثم أعلن غزالة تشيعه الكامل وتبعيته لمرجعية ولاية الفـقـيـه، وبات يلبس الزى الإيرانى، وبدأ يدعو إلى التشيع بقوة، فيما كان الدعم المالى يأتيه من إيران علناً، وكان يمارس دعوته بشدة وعنف، كما أنه يقدم كل المغريات للشباب وخاصة المال وأثاث البيوت والكتب واللباس ولربما يهيئ لهم سفراً إلى إيران.

كما يزور غزالة المثقفين والمشايخ ويدعوهم للتشيع علناً وقبل أن يستطرد بالكلام يعرض على المدعوين المال، وفى الفترة الأخيرة بدأ يثير القضايا الخلافية بين السنة والشيعة، ويأخذ المواقف المتطرفة فى هذا المجال.

كذلك استعمل غزالة كل وسائل الإرهاب والتخويف، ووضع إلى جانبه السلطة والجبروت لابن عمه، العميد رستم غزالة، آخر رئيس لجهاز الأمن والاستطلاع فى الاستخبارات السورية فى لبنان .

مارست الاستخبارات السورية فى درعـا دور الداعم المباشر لزيدان غزالة، حيث كان رستم يمده بكل أنواع الهيمنة والنفوذ، وجزاء كل من تصدى له وعارضه فى منهجه دخول السجن، أو الاستدعاء والتهديد من قبل الأجهزة الأمنية.

الاستيلاء على المساجد

يعمل زيدان غزالة الآن خطيباً فى مدينة درعا ـ حى الزاهرة ـ جامع على بن أبى طالب ـ وهذا المسجد يعود لأبناء المدينة من العرب السنة، وقد استولى عليه هو ومجموعة من المعتنقين لولاية الفـقـيه، عنوة وقد عجزت الأوقاف وكل أصحاب الحق فى المسجد عن استعادته..

وعبد العزيز الحكيم فى درعـا

لشيعة العراق الموالين لملالى طهران باع طويل فى المد والنشاط الإيرانى فى درعا، وقد وفدوا إلى درعا منذ سنوات وقبل سقوط بغداد، وأعدادهم فيها بالآلاف، وقد أسسوا شارعاً خاصاً بهم يعملون فيه بالتجارة. كما أقاموا حسينية تؤمن لمن يدخلها كل متطلباته، وفيها قسم للأطفال عبارة عن رياض وقسم كمبيوتر ومكتبة أطفال.

بداية الحضور السياسى لهذه المجموعة تحقق على يـد زعيمها ((أبو جعفر العراقى))، الذى حقـّق حضوراً قوياً وصاخباً فى الاجتماعات العامة والتعازى والأفراح، وكان لا يألو أو يدخر جهداً دون أن يتكلم فى هذه المناسبات، غامزاً لامزاً، مستهدفاً فى خطابه الأغنياء والأطباء، ومهيئاً لهم رحلات مجانية إلى إيران مع الهدايا

والمال للفقراء أو الطلاب.
فى غالب الأحيان لا تتشكل الحساسية من النشاط السياسى لأتباع إيران، إلا عندما يبدأون نبش الماضى وإثارة الخلافات المعروفة، ولينتقلوا إلى استهداف شخصيات إسلامية يعرف المسلمون السنة بتعلقهم بها ومحبتهم لها، وفى هذه الأجواء، وبإضافة عناصر التوتر الراهنة، يصبح خطاب كخطاب أبى جعفر العراقى، خطاب فتنة حقيقياً، لأنه لا يأتى فى سياق ندوة علمية تحتمل النقاش البارد، ولا يأتى لجمهور يعتقد صوابية طرحه، بل يرميه على جمهور معروف بمواقفه الرافضة لمثل هذه العبارات، مستنداً إلى دعـم الاستخبارات والأجهزة ..فأى دعـوة هذه؟ !!
مارس أبو جعفر العراقى أقصى درجات التصعيد فأخرج كل من لا يوافقه الاعتقاد من الإسلام، بالتوازى مع الخوض فى تفاصيل الخلاف السنى – الشيعى ومفاصله المحرجة والمؤلمة، ثم ينتقل ليهدد بقتل كل من لا يتوب وينضم إليه.
كذلك ينشط أتباع أبو جعفر فى توزيع الكتب والنشرات التبشيرية، وقلما يخلو يوم دون أن يوزع مئات الكتب فى أرجاء المحافظة وكلها تدعو إلى ضرورة الالتفاف حول مرجعية ولاية الفـقـيه والدولـة الإيرانية.
ومن الأساليب التى أتبعها أبو جعفر البحث والتنقيب عن الجذور المذهبية للمواطنين السوريين فى درعا، بحيث يفتش عن الجذور الشيعية لهم ويدعوهم لإظهار تشيعهم علناً، ولطالما ردد دائماً على المنبر أن دعوته يجب أن تظهر وتصبح علنية.
أما عنصر المال فهو أكثر العناصر توفراً فى حركة أبى حعفر، فهو يغدق بلا حدود على كل من تبعه على منهجه وخاصة ممن يدرس العلوم الدينية أو باقى العلوم.
غادر أبو جعفر العراقى سوريا أيام سقوط بغداد إلى العراق تاركاً وراءه كاظم التميمى، وهو الآن خطيب حسينية الرسول الأعظم، ولكنه أقل حدة وحضوراً من الأول مما دعا النظام الإيرانى إلى إعادة أبى جعفر ولكن هذا الأخير غادر بعد وصوله بشهرين دون سبب واضح .

ص: ١٥٨

الحسينيات فى درعـا
ـــ حسينية حى المطار: لم يكن فى المحافظة أى حسينية على الإطلاق، حتى بدأت التحركات الإيرانية تظهر فبـنـيـت أول حسينية فى مدينة درعا فى حى المطار، مجاورة لمسجدين من مساجد أهل السنة تماماً، وهذه الحسينية تم بناؤها بشكل سريع جداً وحضر افتتاحها عدد كبير من وزراء حكومة البعث.
تعمل هذه الحسينية على استضافة علماء وشخصيات من إيران والعراق ولبنان ومن الشام وخاصة مدير المدرسة المحسنية فى دمشق السيد عبدالله نظام الذى يعتبر من كبار دعاة ولاية الفقيه، وهو مشارك فاعل فى كل اجتماعات علماء الشام ومؤتمراتهم ممثلاً الشيعة فيها، كما يستضيفون أيضاً بعض المشايخ الموالين للبعث أمثال محمد حبش، وهى تنشط بشكل محموم فى محرم تمهيداً لعاشوراء، كما توزع هذه الحسينية الكتب على الناس بكثرة، كما توزع الأشرطة الدينية، وتقام فيها صلاة الجمعة.
ـــ حسينية بصرى: فى مدينة بصرى الشام حسينية أخرى، وهى أقل نشاطاً من الحسينية فى مدينة درعا لأنها

تعتبر فرعاً، ولكن لها نشاطاً ملحوظاً وخاصة أيام عاشوراء، المشرف على هذه الحسينية من سكان بصرى الأصليين ثم جاءها سيد أصله عراقى مقيم فى دمشق منذ فترة طويلة ولا يقل ضراوة عن أبى جعفر وكاظم.

ـــ حسينية الشيخ مسكين: فى هذه البلدة أقام الإيرانيون حسينية تكاد تطابق الحسينية الموجودة فى مدينة درعا نشاطاً وقوة، والقائم عليها هناك رجل من العراق يعتبر السيد والمرجعية يدعى (أبو منتظر)، وهى مجهزة تجهيزاً لا يقل روعة وإتقاناً عن الحسينية فى درعا وخاصة القسم المتعلق بالأطفال.

ـــ حسينية المليحة الغربية: كذلك أنشأ الإيرانيون فى بلدة المليحة الغربية حسينية بجوار المسجد تماماً وبمسافة بينهما لا تتجاوز المائة متر فقط، وأهالى المليحة عددهم حوالى ٥٠٠٠ نسمة وفيها للشيعة جذور قديمة نشطت منذ سنوات فقط، والآن اعتزلوا مساجد أهل السنة واعتزلوا مجالسهم وأفراحهم وأتراحهم وقسموا البلد حتى أنهم غيروا أسماء المحلات التجارية والصناعية خاصتهم وسموها بأسماء فارسية معروفة، والمليحة من أكثر القرى التى وزعت فيها الكتب التى تنادى بالتبعية لولاية الفقيه، والهدايا على الملايين من المواطنين، وأصبح أبناؤها من الشيعة حادى المزاج والمعاملة.

ـــ حسينية ((الوحدة)): فى بلدة ((قرفـة)) حسينية تحمل أسماً يخالف مضمونها ودعوتها، حيث سماها الإيرانيون حسينية (الوحدة الإسلامية) وهذه الحسينية بنتها إيران والقائم على بنائها وإمامتها زيدان غزالة، وبلدة قرفة من القرى التى ظهر فيها التشيع بقوة وكثرة، بسبب زيدان حيث كان يغدق المال بكثرة على المحيط الفقير للحسينية .

ـــ حسينية طفس: فى مدينة طفس بدأ الشيعة التحرك من أجل بناء حسينية ولكنهم يجتمعون فى بيت كبير

وهبهم إياه المدعو محمد الحجازى ويعتبر هو الحسينية وهذا الأخير له ارتباط مباشر مع السفير الإيرانى فى سوريا وممثل الخامنئى وقد زاراه فى بيته مراراً.

وفى كثير من المدن والقرى ظهر التشيع ولكن دون بناء حسينيات، وفى بلدة الصورة عائلة نشيطة جداً فى تشييع الناس وهذه العائلة مؤلفة من أب وابن وبنت، ويقدمون كامل الإغراءات للشباب.

بعد ((النصر الإلهى((

هذا الوضع كان قبل العدوان الصهيونى على لبنان، أما بعد أن أعلن الأمين العام لـ((حزب الله)) السيد حسن نصرالله، عن ((الانتصار الإلهى)) فقد زاد النشاط الإيرانى، وبات هذا التوجه هو المسيطر على التحرك الإيرانى فى سوريا عموماً، وفى محافظة درعـا بشكل خاص.

(*)رئيس المركز اللبنانى للإعلام.

خادم الحرمين الشريفين:

موقف قوى وواضح فى مواجهة التحدى الإيرانى

بعد الأحاديث المتعاقبة للرئيس المصرى حسنى مبارك وللعاهل الأردنى الملك عبد الله الثانى، عن مخاطر الاختراق الإيرانى على العالم العربى، وتداعيات السياسة الإيرانية فى المنطقة.. ومع عدم أخذ القيادة الإيرانية

معانى وأبعاد المواقف العربية والإسلامية التحذيرية المتتابعة، للكف عن ممارساتها وتوجهاتها، فى تصدير الثورة، عن طريق التشييع السياسى والعقائدى، وفـق قاعدة الولاء لولاية الفـقـيـه..

وبعد تراكم الكثير من الوقائع الخطرة، فى أكثر من بلد عربى، وتحول قوى حزبية مرتبطة بإيران إلى مصادر للتوتير السياسى والاجتماعى، نتيجة سياسة التحريض الإيرانية.. اضطر خادم الحرمين الشريفين الملك عبد الله بن عبد العزيز إلى الدخول على خط الممارسات الإيرانية، ليعطى الموقف الأقـوى والأوضح والأفعل، والأكثر شمولية، حول كيفية التعاطى مع التحدى الإيرانى، وسبل مواجهته.

جاءت تصريحات الملك عبد الله عقب استقباله أمين المجلس الأعلى للأمن القومى الإيرانى على لاريجانى، حيث دارت المباحثات حول سبل تحسين العلاقات بين الشيعة والسنة والوضع فى منطقة الشرق الأوسط.

كان الملك عبد الله صريحاً وواضحاً عندما قال: إن جهود نشر المذهب الشيعى فى العالم العربى ستبوء بالفشل، لأن هناك ((استغلالاً للدين وتأجيجاً للصراع المذهبى بين السنة والشيعة))، قائلاً)) :إننا نأخذ الأمر على سبيل الحذر، ولا نأخذه على سبيل الخطر))، وأضاف ((إذا عرفنا كيف نتعامل مع هذا الحذر فسيكون الأمر جيداً، ولن

يكون هناك خطر، ولكن إذا فشلنا فى حذرنا، فربما تكون هناك المخاطر التى قد تضرب هنا أو هناك، ونسأل الله ألا تحدث.((

وفى إشارة إلى ما يجرى فى العراق، قال: ((نحن نتابع هذا الأمر، وعلى علم بأبعاد عملية التشييع وإلى أين وصلت، لكننا نرى أن هذه العملية لن تحقـّق غرضها لأن أكثرية المسلمين الطاغية التى تعتنق مذهب أهل السنة والجماعة، لا يمكن أن تتحول عن عقيدتها ومذهبها، وفى آخر الأمر فإن الكلمة هى كلمة أكثرية المسلمين والتى تبدو المذاهب الأخرى على اختراقها أو النيل من سلطتها التاريخية.((

وأكد أن ((إيران دولة جارة ومسلمة، وقد نصحت لاريجانى وأفهمته أن سياسة المملكة تقتضى بأن لا تتدخل فى شؤون أحد، سواء كانت إيران أم غيرها، والمملكة فى المقابل لا تريد أن يعاديها أحد، أو يعادى أشقاءها فى مجلس التعاون الخليجى أو دول العالم العربى، المرتبطة معها باتفاقات أمن مشترك، لأن المخاطر التى تقع، ستقع علينا جميعاً.((

وبدا أن العاهل السعودى يتهم إيران على ما يبدو باستغلال الصراع الفلسطينى – الإسرائيلى، إذ لفت إلى أن قضية فلسطين المفروض أن يحلها العرب وليس سواهم.. ((لا نريد من يلعب ويتاجر بقضايانا ويتقوى بها. لا نريد من يستغل قضايانا ليدعم موقفه فى صراعاته الدولية.((

أبعاد الموقف السعودى

قبل الدخول فى أبعاد الموقف السعودى، لا بد من الإشارة إلى أن لزيارة لاريجانى إلى المملكة دلالات هامة، خاصة وأن ما ورد فى وسائل الإعلام حولها، كشف صراحة أن المحادثات تناولت واقع العلاقة بين السنة والشيعة، وسبل تخفيف التوتر وكيفية إيقاف الانحدار فى هذه العلاقة، التى أصابها الخلل نتيجة تـفـاقم الحالة الإيرانية وتحولها إلى مصدر مباشر للمواقف وردود الفعل واستنـزاف الطاقات فى علاجها..

وفى هذا الإطار، حدد خادم الحرمين الشريفين جملة معطيات وثوابت، وبعث بعدد من الرسائل ذات العيار الثقيل،

أهمها:

الثوابت:
ان إيران دولة مسلمة جارة، لها حق الأخوة الإسلامية وحق الجوار، وهذا معناه أن المملكة، تفسح فى المجال أمام طهران للتراجع التدريجى والمحسوب، منعاً للإحراج وحتى لا يعتبر الإيرانيون أنفسهم أمام حرب مصيرية لا يمكنهم خسارتها، بالتالى تحويل الموقف من خسارة حرب إلى تراجع يصب فى خدمة تطوير العلاقة بين طهران والعالم العربى، لكنه فى الوقت نفسه، شرط أساس لفتح أفـق مختلف بين الإيرانيين والعرب.
-رفض التدخل فى الشؤون الداخلية، لدى الجانبين.

ص: ١٦١

-رفض استغلال الشعارات الدينية والقضايا المقدسة، وتحديداً القضية الفلسطينية، للمزايدة أو الضغط، وعدم قبول استخدام فكرة المقاومة، لإحداث تحولات ذات طابع مذهبى.
وتعتبر دعوة خادم الحرمين الشريفين لقيادتى حركتى (فتح) و(حماس) إلى المملكة للبحث فى المخارج والتوصل إلى حكومة وحدة وطنية، خطوة هامة فى اتجاهين:
*الأول: التدخل المباشر لوقف إراقة الدم الفلسطينى ووقف التدهور الميدانى.
*والثانى: يتمثّـل فى إيجاد تغطية عربية للواقع الفلسطينى، الذى أوصل حركة (حماس) إلى السلطة وتشكيل الحكومة على خلفية فوزها الكاسح فى الانتخابات التشريعية، وبالتالى سحب إحدى الأوراق الهامة من يـد القيادة الإيرانية، التى بدأت تحويل نفوذها فى فلسطين إلى مواقع توتر داخلى خطرة.

حقيقة الموقف
*حدّد الملك عبد الله حجم المشكلة، بأنها ما تزال، فى نظره، موجودة فى مساحة الحذر، وليس الخطر، ولكن الفشل فى التصدى لها، سيجعل الأوضاع الإسلامية – الإسلامية، تنتقل إلى واقع آخر، أكثر خطراً.
*اتضح أن المملكة العربية السعودية وضعت نفسها بشكل مباشر فى القيادة، وفى تحمل مسؤولية إيقاف المدّ الإيرانى بمختلف أشكاله وامتداداته.. فى إطار تصديها الدائم للتحديات التى تواجه العالم الإسلامى.
*حدّد حديث خادم الحرمين الشريفين أن نطاق المواجهة مع الإيرانى، هى جهات العالم العربى الأربع، وكل محاولة للنيل من الوجود العربى ستواجه ولن يسمح بتمريرها.
*تطرق العاهل السعودى إلى عوامل الخلاف، يعنى وضعها على طاولة البحث والنقاش لأى حل مستقبلى، لأن أساليب التحريض والكراهية المتبعة من قبل الإيرانيين، باتت تفتح أبواب الجحيم فى المجتمعات العربية، بمجرد طرحها وممارستها.
*إن تأكيد الملك عبد الله أن محاولات التشييع) الإيرانية) للعالم العربى ستفشل، يعنى بكل وضوح أن المملكة العربية السعودية اتخذت قراراً حاسماً بالتصدى لموجة الاختراق الإيرانى، مع كل ما يعنيه ذلك من مستلزمات

ووسائل وتفاصيل، تضمن إقامة التوازن السياسى والاقتصادى مع هذا المدّ الذى تحرّكه طهران على امتداد الساحة العربية .

ص: ١٦٢

قرأت المقالين وخرجت بأمرين:

-١يذكرنى الامتداد الإيرانى بالامتداد التنصيرى فى بلاد المسلمين ، وحتى تؤتى الحملة الفكرية ثمارها يانعة لابد من خطابين للمسلمين:
[*][list]خطاب يضرب على وتر العواطف فى الاهتمام بقضايا المسلمين وأهم قضية للعرب والمسلمين هى قضية فلسطين ، والوقوف فى وجه المد الصهيونى / الامبريالى!
وخير من يمثل هذا التوجه – خاصة فى المنطقة العربية - حسن نصر الله والذى يعتبر وزير خارجية إيران بامتياز (إعلاميا فقط [*][list][/list]! (وخطاب موجه للمشهد العراقى الداخلى بكل طوائفه وقومياته والأولوية فى الإجهاز ستكون من نصيب العرب السنة!
ويذوق مرارة هذا التوجه فى إيران أناس آخرين خاصة السنة والعرب[/list].. وفى كلا الخطابين تمارس إيران التقية ، وترى أن الخطاب الأول هو المفتاح للثانى..
فهى تبشر بيد ، وتسن السكين لتذبح باليد الأخرى..

-٢لا شك أنه يساعد إيران فى أداء دورها التمزق العربى والذى يغذيه الإعلام (الذى يمارس سياسة فرق تسد)
والتسلط الصهيوأمريكى ، والاختراق لمنظومة القيم والأخلاق عبر الإعلام الذى يقوم بالوكالة بدور الغزو الثقافى أضف لذلك الجهل والفقر والخوف الذى يجعل من الإنسان عبدا لإنسان مثله!!

اللهم يا مقلب القلوب ثبّت قلوبنا على دينك ، ويا مصرف القلوب صرّف قلوبنا إلى طاعتك..
.
.

أشكركم أستاذ طريف..

بسم الله الرحمن الرحيم

ما هى حقيقة التشيع فى سورية ؟؟؟
))منقول بتصرف مع حذف فقرات لاختصار الموضوع((
معطيات إحصائية شبه دقيقة حول عملية " التشيع " فى سورية

ظهرت فى الآونة الأخيرة إلى الوجود قضية لم تكن مطروحة على جدول أعمال اهتمامات الرأى العام ، سواء داخل سورية أم خارجها ، وهى قضية ما سمى بـــ ((عملية التشيع)) فى البلد المذكور . ولعل أول من أثارها المراقب العام للإخوان المسلمين فى سوريا ، المحامى على صدر الدين البيانونى ، ونائب الرئيس عبد الحليم خدام ، فى تصريحات إعلامية مختلفة قبل أن تأخذ طريقها إلى بيانات رسمية صادرة عن " جبهة الخلاص الوطنى " . وأشير فى مختلف هذه التصريحات إلى أن السفارة الإيرانية تقود هذه العملية مقابل دفع مبالغ مالية لكل من يتخلى عن مذهبه السنى ويلتحق بالمذهب الجعفرى ، وصولا إلى الإعراب عن مشاعر القلق بشأن ما يمكن يؤدى إليه الأمر من تغيير لبنية السكان الديموغرافية فى سوريا !

وبدا أن وراء إثارة القضية " أمر عمليات " !!!! صادرا من جهة ما !!!!!، بدليل أن عشرات المقالات ظهرت دفعة واحدة ، فى مواكبة هذه التصريحات ، على مختلف مواقع الإنترنت التابعة للجهتين المذكورتين ، سواء بشكل رسمى أو غير رسمى .

الأدهى من ذلک أن نشطاء معارضين يعيشون فى المنفى منذ عشرات السنين ، بعضهم لا يجيد تحديد الموقع الجغرافى لأربع مدن سورية دون الاستعانة بأطلس (بالمعنى الحقيقى لا المجازى (، ولا يعرف أى شىء على الإطلاق عن التركيبة الديموغرافية لسورية ، انخرط فى هذه الحملة بناء على " معطيات " مولدة ومنقولة بطريقة " القيل والقال! "

فهل لهذه المعلومات والهواجس المثارة أى أساس واقعى ؟؟

أم أن الأمر يدخل فى إطار التعبئة السياسية ـ الإيديولوجية على خلفية " المواجهة المذهبية " الجارية فى العراق والشرق الأوسط عموما ، و الصراع السياسى الدائر فى لبنان على وجه الخصوص ، والذى وجد بعض فصائل المعارضة السورية نفسه مدفوعا إلى الدخول فيه بحكم التداخل بين قضايا البلدين !؟

ص: ١٦٤

وما علاقة هذه)) المعزوفة الجديدة)) مع خارطة طريق الشرق الأوسط الجديد وبالأخص لبنان ؟؟؟

السؤال الأول والأهم) موضوع المشاركة هذه) هو
مدى صحة هذه المعلومات والهواجس على أرض الواقع ؟؟

نعنى تحديدا الجانب العلمى الإحصائى . هذا السؤال أُجيب عليه مؤخرا فى أول دراسة من نوعها فى هذا المجال قام بها باحثون ميدانيون على مدى ستة أشهر بناء على طلب إحدى الجهات الأوربية الرسمية ، وبتمويل منها (الجهة غير معروفة – من عنده علم فليفيدنا بها . (

تتناول الدراسة عملية " التشيع " فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٥) ، مع ملحق إضافى تناول النصف الأول من العام ٢٠٠٦ . أعد الدراسة تسعة باحثين ميدانيين متخصصين فى مجال علم الاجتماع وعلم الاجتماع السياسى والإحصاء ، ويشتركون فى أنهم جميعا علمانيون ونشطاء فى حركات " المجتمع المدنى " السورية . وقد جاءت الدراسة فى ٣٢ صفحة فولسكاب وتحت عنوان:

The Shiitization Process in Syria ١٩٨٥-٢٠٠٦, a Socio-statistic paper
)عملية التشيع فى سوريا ١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦ ، دراسة اجتماعية ـ إحصائية(

أشرفت عليها ، إداريا وحسب ، منظمة " المجلس الوطنى للحقيقة والعدالة والمصالحة فى سوريا " ، التى انحصر دورها فى ترشيح الباحثين وترتيب الاتصال بينهم وبين الجهة الممولة مقابل السماح للمنظمة بوضع اسمها على البحث كجهة مشرفة إداريا .

طريقة البحث وكيفية الحصول على معلوماته الخام
يشير البحث إلى أن الباحثين لجؤا إلى طريقة " مبتكرة " وهى تفرغ كل منهم لمنطقة جغرافية ـ ديموغرافية بعينها ، وعدم الالتقاء ببعضهم البعض أو مناقشة المعلومات والنتائج الخام التى توصل كل منهم إليها طيلة الفترة

المكرسة لجمع المعلومات والبيانات ، وهى خمسة أشهر . أما الشهر الأخير فخصص لعقد حلقات نقاشية مغلقة فيما بينهم لتداول هذه المعلومات ومناقشتها وغربلتها واستخلاص المعطيات النهائية والنتائج بعد مقارنتها مع بعضها من الحساب حين تكون نسبة الارتياب أكبر من ٥٠ ٪ ، ومن ثم تحرير النص النهائى .

ص: ١٦٥

مصادر المعلومات الخام فقد حددها البحث بأربعة :

ـ سجلات المحاكم الشرعية (المذهبية (وبيانات الزواج والطلاق ؛

ـ معطيات مستخلصة من سجلات مديريات وزارة الأوقاف فى المحافظات ؛

ـ مقابلات شخصية ميدانية مع رجال دين ووجهاء ومواطنين عاديين ينتمون إلى مختلف المذاهب الإسلامية المعنية ؛

ـ معطيات مستخلصة من سجلات المراكز الثقافية الإيرانية والحوزات والمدارس الشيعية التى تشرف عليها وتدعمها ، جزئيا أو كليا ، السفارة الإيرانية فى دمشق .

نتائج البحث ٦١,٦٠٠ : ألف سورى تشيعوا خلال ٢٠ عاماً !!!! ولكن من هُم بالحقيقة ؟؟؟

خلص البحث إلى نتائج تشير إلى أن إجمالى المتشيعين فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦) لا يتجاوز اثنين وستين ألفا ، أغلبيتهم الساحقة من أبناء الطائفة العلوية ، ولا يتجاوز نسبة المسلمين السنة فيهم الألف وخمسمائة مواطن ١٥٠٠) مواطن (!!! ، وفى المعطيات الأكثر تفصيلا ، يشير البحث إلى أن عدد الأسر " العلوية " التى تشيعت خلال الفترة المذكورة بلغ ٨٧٨٣ أسرة .

بافتراض أن متوسط عدد أفراد الأسرة السورية هو ستة أشخاص ، وأن جميع أفراد الأسرة تبعوا رب الأسرة المتشيع ، فإن العدد الإجمالى للعلويين الذين تشيعوا يبلغ حوالى ٥٢٧٠٠ شخص . هذا بينما بلغ عدد الأسر الإسماعيلية المتشيعة حوالى ألف ومائتى أسرة ، أى حوالى سبعة آلاف وأربعمائة شخص .

لم يسجل التقرير أى حالة تشيع فى الأوساط الأخرى (مسيحية ، درزية .. إلخ .(

خلاصة البحث الأساسية

استخلصت الدراسات ستة مؤشرات أساسية من عملية التشيع فى سوريا :

إن معظم حالات التشيع جرت وتجرى فى الوسط الإسلامى المعتبر تاريخيا وفقهيا من " العائلة الفقهية الشيعية " (إسماعيليون ، علويون ..)؛

ـ إن نسبة التشيع المتواضعة جدا فى الوسط السنى لا تسمح بالحديث أبدا عن " عملية تبشير شيعى " فى هذا الوسط ، خصوصا إذا أخذنا بعين الاعتبار أن قسما من هؤلاء ينحدرون أصلا من عائلات شيعية تسننت مع الزمن لاعتبارات مختلفة ؛

ـ إن نسبة المتشيعين لأسباب اقتصادية ـ مالية (الوضع الاقتصادى ـ الاجتماعى) لا تسمح بالحديث عن " ظاهرة تشيع مأجور " أو " ظاهرة ارتزاق مذهبى" ؛
ـ إن الغالبية الساحقة من حالات التشيع الإسماعيلى تندرج فى " الإطار الطقسى " و " الرمزى" إذا جاز التعبير ، كالالتزام بالصلوات الخمس فى مساجد ينفصل فيها النساء عن الرجال بدلا من الصلوات " شبه المختلطة " عند الإسماعيليين حيث النساء الملتزمات دينيا منهم لا يعنين كثيرا بوضع الحجاب وإزالة المكياج أثناء الصلاة .
وبالنسبة للمتشيعين العلويين ، تلاحظ الدراسة أنها اقتصرت فى غالبيتها الساحقة على الرجال (٩٣ بالمئة) . أما النساء المتشيعات فلم يلتزمن بما يعرف بـ " الشادور " (الحجاب) ، واكتفين بغطاء عادى للرأس . ويعود هذا أساسا إلى أن الفقه الجعفرى ، على الطريقة العلوية ، يعفى النساء من واجباتهن الدينية . (المرأة غير مكلفة شرعيا
ـ إن استمرار وتيرة التشيع على هذا النحو فى الوسطين الإسماعيلى والعلوى ، سيؤدى إلى " انقراض " الطائفة الأولى نظريا خلال عقد من الزمن ، وإلى " انقراض" الثانية خلال ربع قرن .
ـ حددت الدراسة نسبة الانحراف المعيارى بـ ٢,٥ ± بالمئة .

وفى تقديمه للبحث أشار (معارض سورى مقيم فى فرنسا !!!) إلى أن حركة التشيع فى سوريا بدأت مع العلامة عبد الرحمن الخير (المولود فى العام ١٩٢٥) . لكنها لم تأخذ بعدا جماعيا منظما إلا مع جميل الأسد ، شقيق الرئيس الراحل ، الذى أسس " جمعية الإمام المرتضى " مطلع الثمانينيات الماضية لأسباب " مافيوية ـ سياسية ـ مذهبية مركبة " حسب تعبير الكاتب . حيث " كان همه الأساسى التربح والتكسب من خلال الحصول على أموال إيرانية بذريعة تمكين أعضاء جمعيته ، لاسيما العلويين منهم ، من أداء فريضة الحج (..!!!!.) رغم أن العلويين ، كما الإسماعيليين ، لا يؤدون هذه الفريضة لحجج فقهية وتاريخية مختلفة ، بعضها يتصل بأن الحجر الأسود الموجود اليوم ليس الحجر الأسود الأصلى الذى أخفاه القرامطة ، وبعضها الآخر ينطلق من اجتهاد فقهى يرى أن الحج والدوران حول الكعبة هو طقس وثنى صرف " . ومن المعلوم أن الرئيس السورى الراحل حل جمعية الإمام المرتضى فى العام ١٩٨٤ وحظر نشاطها قانونيا بقرار من رئيس مجلس الوزراء آنذاك عبد الرؤوف الكسم . كما وأشار فى تقديمه إلى واقعة أن الرئيس السورى الراحل " كان يعارض بقوة عملية التشيع (...) بدليل أنه أمر باعتقال أحد أطباء الأسنان العلويين فى طرطوس ، المهلب حسن ، وبمصادرة كل المطبوعات والمنشورات التى كان يتولى إحضارها من إيران " . وليس معلوما المصير الحقيقى لهذا الطبيب ، ولو أن بعض المعلومات تشير إلى أن الرئيس الراحل " أمر بتصفيته وهو رهن الاعتقال " . وكان المهلب حسن قد أعد " بيانا فقهيا" بالتعاون مع السفارة الإيرانية فى دمشق بهدف الحصول على تواقيع رجال دين علويين عليه يظهرون فيه تشيعهم !؟

إحصاء عدد سكان سورية (إضافة للتوضيح(

تختلف الإحصائيات السكانية قليلاً عن بعضها خاصة بعد موجة النزوح من العراق وأرجح وأقرب الإحصائيات إلى الواقع ، من أكثر من مصدر تُبين (أرقام بدون كسور: (
عدد السكان : ١٩,٠٠٠,٠٠٠ عام ٢٠٠٦
أصول عربية ٩٠% ٩١ - %
أكراد + أرمن + عرقيات أخرى ١٠ ٪ – ٩%

من حيث الديانة أو المذهب أو الطائفة
% ٨,٥طوائف مسيحية ((١١ الطائفة)) (١,٦١٥,٠٠٠(
% ١١علويين (٢,٠٩٠,٠٠٠(
% ٤شيعة(٧٦٠,٠٠٠)
% ١,٧دروز (٣٢٣,٠٠٠(
% ٠,٢يزيدية (٣٨,٠٠٠(
وما عداهم يُعتبرون من أهل السنة ويمثلون(١٤,١٧٤,٠٠٠) % ٧٤,٦

****

فما هى حقيقة التشيع فى سورية ، وقصة الهلال الشيعى الصفوى ؟؟
ومن يقف ورائها ؟؟؟

هذا ما يجب أن نبحث عنه بجدية حتى لا نصل إلى ما ترغب به أمريكا وإسرائيل وهى الحرب الأهلية الطائفية.

حددت الدراسة نسبة الانحراف المعيارى بـ ± ٢,٥ بالمائة . ونحن نفرض أن هناك خطأ ٥٠ ٪ ، وضاعفوا العدد !!!
فما هى النتيجة ؟؟؟؟ لا شىء يُذكر !!!
مجرد المزيد من التشويش والفوضى الإعلامية .

ص: ١٦٨

))هذه الدراسة لا نجد لها ذكر فى محركات البحث ولا بأى لغة – من يعثر عليها فليضعها مشكوراً حتى نتأكد من صحة النقل ((

قرى بأكملها تشيّعت والحسينيات والزوايا تنتشر فى الخرطوم
الخرطوم – النور أحمد النور الحياة – ٠٦/١٢/١٩//

أطلقت جماعات اسلامية سودانية حملة مناهضة للفكر الشيعى فى البلاد، متهمة طهران بتبنى تنظيمات تعتنق المذهب الشيعى، وطالبت الرئيس عمر البشير بإغلاق المستشارية الثقافية الايرانية فى الخرطوم وفتح تحقيق فى دخول كتب شيعية وعرضها فى معرض الكتاب فى العاصمة السودانية اخيراً، علماً ان السلطات سحبت كتباً من الجناح الايرانى فيه.

وعقد المجلس الأعلى للتنسيق بين الجماعات الإسلامية الذى يضم «جماعة انصار السنة المحمدية» وجماعة «الاخوان المسلمين» و «مجلس الدعوة والطائفة الختمية «وجماعات أخرى، مؤتمراً صحافياً، بمعرفة السلطات، حمل فيه قادة هذه الجماعات على المذهب الشيعى. وقالوا «ان هناك مخططا كبيرا يقوده متشيعون من ورائهم تنظيمات شيعية وجهات اقليمية لنشر الفكر الشيعى فى السودان». ووصفوا مفكرى الشيعة بـ «الزندقة«، معلنين اتفاقهم على مقاومة ما اسموه «الخطر الشيعى» فى السودان، ومشيرين الى انهم» رصدوا تبنى اعتناق قرى بأكملها الفكر الشيعى وانتشار مساجد وحسينيات وزوايا وروافد اثنى عشرية» فى الخرطوم.

وطالب قادة الجماعات الاسلامية بالإغلاق الفورى للمستشارية الثقافية الإيرانية فى الخرطوم، وفتح تحقيق عاجل فى دخول كتب المذهب الشيعى الى معرض الخرطوم الدولى للكتاب ورأوا انها تحتوى على عبارات «تسىء الى الصحابة والعقيدة الاسلامية.«

ودعا المجلس الأعلى للتنسيق بين الجماعات الإسلامية، فى بيان وزعه خلال المؤتمر الصحافى الى «تضافر جهود المسلمين لمواجهة المذاهب الهدامة والعمل على وحدة الأمة وجمع كلمتها». وجاء فى البيان «أن الشيعة لا يسمحون بنشر مذهب أهل السنة فى بلادهم»، وأن «كتب الرافضة المعروضة فى الخرطوم حرّفت القرآن ووصفت أبوبكر الصديق وعمر رضى الله عنهما بأوصاف غير لائقة.«

ص: ١٦٩

وانتقد مراقب «الإخوان المسلمين» صادق عبدالله عبدالماجد دخول كتب الشيعة الى البلاد. وقال «إن دخولها يعنى غياب الرقابة». وقال رئيس «جماعة أنصار السنة المحمدية (الإصلاح) أبو زيد محمد حمزة إن السفارة

الإيرانية فى الخرطوم» تستقطب شباب ورجال السودان وتعلمهم المذهب الشيعى»، محمّلا «الحكومة المسؤولية عن ممارسات الجماعة الشيعية.«

ونفى الامين العام لـ «مجلس الدعوة الإسلامية «ممثل الطائفة الختمية عمر حضرة علاقة الشيعة بالتصوف. وقال: «إنه يجب على الدولة أن تمنع أى حصانة ديبلوماسية تسمح بدخول كتب الشيعة». واعتبر الامين العام للمجلس الأعلى للتنسيق بين الجماعات الإسلامية ياسر عثمان «أن إمكانات المد الشيعى كبيرة... وإيران التى تشابه فى إمكاناتها الدول العظمى تقف وراء هذا المد.«

وكانت السلطات سحبت كتباً من الجناح الايرانى فى معرض الخرطوم الدولى للكتاب اخيراً بعد ما هدد شباب بحرقه، بذريعة انه يعرض كتبا تحمل الفكر الشيعى اعتبروها مسيئة للصحابة والاسلام

والحمد لله رب العالمين,,,

ص: ١٧٠

الطائفة النصيرية

النصيرية أو العلوية هى فرقة دينية مسلمة، يعيش جزء من أفرادها فى منطقة جبل العلويين فى سوريا، وتوجد أعداد منهم فى تركيا ويقدرون ببضعة ملايين، إلا أنهم مختلفون عن علويى سورية بشكل كبير، حيث تضم البكداشية ممارسات غير موجودة فى الديانة الإسلامية ومختلفة مع عادات وممارسات الطائفة العلوية.

ومعظم العلويين يحتشدون فى سلسلة الجبال الممتدة من عكار جنوباً إلى طوروس شمالاً، ويتوزع بعضهم فى محافظات حمص، حماة ودمشق وحوران كيليكيا ولواء الاسكندرون فى سوريا، ويوجد فى المهاجر الأمريكية أكثر من ربع مليون علوى فضلاً عن الموجود منهم فى لبنان والعراق وفلسطين وإيران. وكذلك فى أوربا من تركيا واليونان و بلغاريا إلى آلبانيا السفلى.

كان الاسم الشائع للمذهب العلوى هو "النصيرية" وعرف أتباعه بالنصيريين، إلا أنه نظرا لخدماتهم الجليلة للفرنسين أثناء الإستعمار الفرنسى لسوريا ،أطلق عليهم الفرنسين لقب "علوى" كناية عن الولاء ، ومن أشهر العلويين فى الشرق الأوسط الرئيس السورى الراحل حافظ الأسد وابنه بشار الأسد، بالإضافه إلى عدد من رواد الفكر والكتاب والمفكرين كالشاعر أدونيس والشاعر بدوى الجبل والشاعر سليمان العيسى و الشاعر و المسرحى ممدوح عدوان والمرشح لجائزة نوبل سعد الله ونوس وصالح.

أصل المذهب العلوى

يعتقد الكثيرون أن النصيرية فرقة منفصلة عن بقية المذاهب الاسلامية،ويصنفها البعض كفرقة لاتنتمى للإسلام نظرا للمعتقدات والعبادات المختلفة التى لديهم، و يعتبر العلويون بقايا القبائل العربية التى قاتلت مع الإمام على بن أبى طالب فى معركة صفين، والتى هاجرت مع الزمن، حتى رسا بهم الحال على ضفاف الأنهار وفى الجبال الوعرة. و ينظر البعض الآخر فى أصولهم إلى التطور الدينى لدى الفينيقيين . إلا النصرية أنفسهم يعتبرون

انفسهم من شيعة على بن أبى طالب الأوائل و انه لا يميزهم عن الشيعة الجعفرية و الإمامية شىء . تحدث عنهم الكثير من الباحثين مثل : الشيخ محمد رضا شمس الدين فى كتابه (العلويون فى سورية)– الدكتور مصطفى الرافعى فى كتابه (إسلامنا فى التوفيق بين السنة والشيعة)– الأستاذ أدهم آل الجندى فى كتابه عن تاريخ الثورات السورية عهد الإنتداب الفرنسى – الكاتب منير الشريف الدمشقى محافظ اللاذقية سابقاً – الأستاذ محمد كرد على فى كتابه خطط الشام ... - الخ وغيرهم كثيرون...

أصل التسمية بالنصيرية

سبب تسمية العلويين بالنصيرية لأنّه لما فتحت جهات بعلبک وحمص استمد أبو عبيدة الجراح نجدة، فأتاه من العراق خالد بن الوليد، ومن مصر عمرو بن العاص، وأتاه من المدينة جماعة من أتباع على وهم ممّن حضروا بيعة غدير خم، وهم من الأنصار، وعددهم يزيد عن أربع مئة وخمسين، فسميت هذه القوة الصغيرة، نصيرية، إذ كان من قواعد الجهاد تمليک الاَرض التى يفتحها الجيش لذلک الجيش نفسه، فقد سميت الاَراضى التى امتلكها جماعة النصيرية: جبل النصيرية، وهو عبارة عن جهات جبل الحلو وبعض قضاء العمرانية المعروف الآن ثمّ أصبح هذا الاسم علماً خاصاً لكلّ جبال العلويين من جبل لبنان إلى أنطاكية

وهذه إحدى الروايات وإن كان يشک فى صحتها، ذلک أنّ المورّخين الصليبيّين أطلقوا على هذا الجبل اسم «النصيرة» ويبدو انّ هذا الاسم قد حرّف إلى نصيرية و الذى يعزز القناعة بصحة هذا الرأى هو أنّإطلاق اسم نصيرية على هذا الجبل، لم يظهر إلاّ أثناء الحملات الصليبية، أى بعد عـام ۴۹۸هـ ، وإذا كان معنى ذلک أنّ اسم نصيرية قد تغلّب على اسم الجبل فى زمن الشهرستانى

ويبدو أنه لا يمكن الثقة بأى من تلک الروايات لكثرتها وتضاربها. فأغرب ما يمكن للمرء أن يقرأ فى هذا الصدد هو إرجاع تسمية العلويين إلى زمن الاستعمار الفرنسى لسورية والزعم أن هذا تم لمكافأة النصيريين سابقاً على مساعدتهم للاستعمار وفى نفس البحث يتم ذكر الشيخ صالح العلى وهو من أعلام الطائفة العلوية وهو أول من أشعل فتيل الجهاد ضد الاستعمار الفرنسى. لا يخفى على أحد أن الاستعمار بكافة أشكاله وألوانه حاول

ص: ۱۷۲

ويحاول دوماً استمالة واستخدام جميع الملل والأعراق لخدمة أغراضه ومبدأ "فرّق تسد" هو منهاجه الأعظم ولكن يبقى السؤال ما الدليل على تلک الإدعاءات بخدمة العلويين للاستعمار الفرنسى بالمقارنة مع ما هو معروف للقاصى والدانى عن وطنية ثورة المجاهد الشيخ صالح العلى؟ وبالنظر إلى التاريخ القريب أيضاً فإنّ الأمر لا يحتاج لمستشرقين أو مراجع مشكوک بأمرها إذ يكاد يكون حافظ الأسد (وهو الحاكم العربى العلوى الوحيد)والآن ابنه بشار الحاكم العربى الوحيد الذى أثبت صموده فى وجه اشكال العدوان والاستعمار الحديث بكافة اشكاله بينما حكام الدول العربية الأخرى والتى بيدها القوة الأكبر والنفوذ الأقوى يصافحون ويدافعون عن الاستعمار واشكاله بدءاً من آل سعود وصک التنازل عن فلسطين لليهود وليس انتهاءً بتعاطى النظام المصرى والأردنى وغيرهم مع النظام الإسرائيلى الأشدّ شراسةً من بين جميع ما عانت المنطقة من استعمار

من المهم ايضاً أن نتذكر أن معظم ما روى عن هذه الطائفة مسنود بشكلٍ أو بآخر إلى ما كتبه المستشرقون. هذا إن كان ليعزز شيئاً فهو الضرب بمصداقية كل ما نقل عنهم. كيفَ لا وهم أيضاً من أدوات

المستعمر وأبنائه ؟!

وثمة آراء أُخرى قليلة ترى أنّ تسمية نصيرية نسبة إلى نصير غلام الاِمام عليّ بن أبى طالب كرم الله وجهه – عليه السّلام–.ويبدو لنا خلط هذه الآراء، خاصة وأنّ التاريخ لم يذكر أنّ للاِمام على غلاماً يدعى نصيراً.

ونسبت لهم الكثير من الفرق التسمية إلى محمد بن نصير النميرى الذى كان من أصحاب أبى محمد الحسن بن على واتهمه البعض بالغلو فى الأئمة ولكن المستغرب ان يتم النسبه اليه حيث ان فرقة النصيرية التابعه لمحمد بن نصير يعتقد انها من الفرق البائدة وليس من المنطقى ان ينسب اليها العلويين المنتشرين فى الشام والعراق وتركيا وإيران . و لاينكر العلويون ارتباطهم بأبو شعيب محمد بن نصير النُميرى الباب الشرعى للإمام الحسن العسكرى(ع) فى المنهاج العلوى الأصيل ، إلا أنهم يفضلون عليه تسمية العلويون لأنهم من وجهة نظرهم أتباع على بن أبى طالب و أنصاره فى الأساس و يذكرون فى هذا حديثا نبويا فى كتبهم : أنّ الذى أطلق عليهم هذا الاسم هو نبىّ الأمة ورسول الرحمة سيّدنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم حيث يقول فى بعض أحاديثه: (((ألا أنّ شيعة على يقولون يوم القيامة نحن العلويون فتقول لهم الملائكة أنتم الآمنون ولا خوف عليكم ولا أنتم تحزنون)))

ص: ١٧٣

و كعاداة جميع المذاهب الإسلامية ترفض الطائفة نسبتها لشخص معين باعتبار أن أفكارها تنبع مباشرة من النبى محمد (ص) الذى بين ولاية على و امر بها

يقول النصيرية أن أبو شعيب محمد بن نصير من خلال ما ورد عنه بأنه مسلمٌ إماميٌ علويٌ يقول ويعتقد بالأئمة المعصومين من أمير المؤمنين إلى الإمام محمد بن الحسن الحجة لم يخالفهم قيد أنملة ولم يأخذ إلا عنهم ولم يقل فيهم كما روى كتاب الفرق كالنوبختى وغيره بل قال فيهم ما يجوز عليهم من العصمة التى عصمهم الله بها فى كتابه بقوله

)إِنّمَا يُرِيدُ اللّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهّرَكُمْ تَطْهِيراً(

وأما ما نُسِبَ إليه من الغلو فى الأئمة فقولٌ لا أساس له من الصحة ، كيف ذلك وهو من جُلساء الأئمة المعصومين والموثوق عندهم والمُلتزم بنهجهم الشريف وما ذلك إلا من قبيل بعض حسّاده وهذا البلاء عانى منه الكثيرون. وإنّ العلويين عندما قالوا بمدحه فعلى أساس علوّ كعبه وصفاء عقيدته وصحّة رواياته التى اعتمدها كبار العلماء ,وبالنتيجة فإنا نقول بأنّ المعصومين (ع) أولى باختيار جلسائهم والمتحدثين عنهم, ولم يرد إلينا نصٌ من قبل الأئمة الذين عاصرهم يدل على عدم موثوقيته أو التشكيك بعقيدته.

الاختلاف مع السنة

يرى العلويون أن الخلافة بعد الرسول الكريم يجب أن تكون للأمام على بن أبى طالب ، وذلك وفق النص الإلاهى المثبت فى الكتاب الذى لديهم ويشبهونه بالقرآن، ووفق الأحاديث الشريفة للرسول الكريم الذين يعتقدون بها ويجدون لها مخرجا من صحاح السنة والشيعه على حد سواء. كما يختلف العلويون مع رواة

الحديث لدى السنة، وينتقدون راوى الحديث أبى هريرة)رض)لكثرة أحاديثة عن الرسول رغم صغر الفترة الزمنية التى عاش فيها فى زمن الرسول. ويمكن القول عموما أن العلويون يقولون مقالة الشيعة الإمامية وهم فرقة منها أصلا ويختلفون بجميع اختلافات عموم الشيعة عن السنة.

ص: ١٧٤

الشهيد الحى

مشاهدة ملفه الشخصى

إرسال رسالة خاصة إلى الشهيد الحى

البحث عن المزيد من المشاركات المكتوبة بواسطة الشهيد الحى

الشهيد الحى
Guest

تاريخ التسجيل٢٠٠٦ Aug :
عضو رقم : ٩١
الدولة: عبد حيدر
المشاركات: ٠
Thanks: ٢٠٩
Thanked ٤٢٦ Times in ٢٧٩ Posts

المزاج :

الاختلاف مع الشيعة

يتفق العلويون مع الشيعة عامة بالرواية التاريخية لمرحلة الرسول وما بعد الرسول، ولكنهم قد يختلفون بالنظريات الدينية والتفاسير القرآنية حيث يملك رجال الدين من المذهب العلوى حرية كبيرة فى ابداء الآراء فى ظل عدم وجود مرجعيه دينية واضحة للطائفة مما يفتح الباب اما الكم الكبير من الاجتهادات والآاراء التى ضاع بعضها ومزج مع الموروث الاجتماعى حيث اصبح من الصعب التفريق بين ماهو من اصل المغتقد العلوى وبين العادة الاجتماعية لمناطق العلويين، عموما يزعم رجال العلويين انهم يعرفون النصف الآخر من الحقيقة الظاهرة بالتواتر عن الأئمة المعصومين.

أكثر ما يركز عليه العلويون هو اهتمامهم بالعقل، حيث يرمزون بالعقل للرسول الكريم. وجدنا فى الشارع العلوى تداول لكم من النظريات والموروثات المختلطة بين العقائدى والاجتماعى يختلف التصديق بها من شخص لآخر ولكنها اصبحت من الملاحظ فى فسيفساء المجتمع العلوى عموما وأهم هذه النظريات:

-١التقمص أو التجايل . وهى تعنى أن الإنسان يعيش حيوات متتالية مختلفة يختبر فيها مختلف الظروف من الغنى والفقر والقوة والعجز والإسلام والمسيحية وغيرها .. وأن الروح قد تخلق فى الذكر وقد تخلق فى الانثى . نظرية التقمص هذه هى الإجابة الأساسية لمبدأ

العدالة الإلاهية ، كما تسمح بقبول الأديان والمذاهب الأخرى على أساس أن الإنسان سيتجايل مرات عديدة أخرى وقد يصبح علوى فيما بعد . وتكثر الأحاديث بين اوساط العلويين عن قصص التقمص التى تشاهد فى القرى والتجمعات ، حيث يزعمون صحة مايروية الأطفال من ذكريات لحيوات سابقة عاشوها . وجدنا على الويب فى كتابات بعض المشايخ العلويين ما ينفى نظرية التقمص من الناحية الشرعية والبعض الاخر اقر بامكانية وجودها ويبدو انها ليست نظرية ثابته او مفروغ منها فى الاوساط الدينيه العلوية

ص: ١٧٥

-٢الحجاب يرى العلويون ان ما يسمى حاليا ب الحجاب ليس فريضة إسلامية من نوع الكبائر التى توجب مقولة "تاركة الحجاب داخلة النار" ، فهو نوع من الحشمة المحببة التى تظهر تعفف المرأة وطهارتها ، ويرون ضرورتة فى الصلاة ولكنهم لايجبرون النساء على ارتداء الحجاب .. ويملك العلويون تفاسير من القرآن الكريم يدعمون بها رأيهم ويفصلون بين الآيات المنزلة بحق نساء ال بيت الرسول وبحق باقى نساء المسلمين وعموما النسبة الاكبر من المحجبات بالارياف السورية تكون من المسنات والنساء المتزوجات فى حين تقل نسبته فى اوساط الشابات بشكل واضح

-٣الظاهر والباطن يعتقد العلويون ان للأمور ظاهر وباطن وأن روح العبادات مختلف عن كونها حركات فيزيائية ينفذها الإنسان بعناية وتكرار ، ويعتقدون أن بواطن الأمور تورث من الأئمة المعصومين حسب قولهم ويردها الله لمن يشاء من عبادة المصطفين بالبصيرة والعقل..

-٤الدعوة للدين لايدعى العلويون للمذهب العلوى أو يحاولون نشرة كما تفعل معظم الفرق ، ويقولون ان الدخول بالمذهب يتطلب الإنتقاء الإلاهى بخلق الإنسان فى أسرة علوية بعد تطور الروح ورقيها فى أجيال متعددة .. يعتقد العلويين ان الدعوة للدين والفتوحات الإسلامية انتهت على عهد الرسول ، ولايجوز القيام بالحروب على الآخرين من اجل نشر الإسلام ، فهذه مهمة الرسل والرسول الكريم كان خاتم الرسل ، وينتظرون ظهور المهدى الذى يملا الدنيا قسطا وعدلا بعد أن تملأ جورا وظلما.

-٥الكرامات يؤمن الكثير من العلويين بالكرامات التى يمنحها الله للخصوص وتظهر على شكل ظواهر إعجازية غير مألوفة عند بعض الأولياء ، كالقدرة على الشفاء من بعض الأمراض مثلا.

ص: ١٧۶

تاريخ

-يعتقد أن مؤسس هذه الفرقة أبو شعيب محمد بن نصير البصرى النميرى (ت ٢٧٠ه) عاصر ثلاثة من أئمة الشيعة وهم على الهادى) العاشر) والحسن العسكرى (الحادى عشر) والإمام المهدى (الثانى عشر. (

تقول بعض المصادر أنه زعم أنه الباب إلى الإمام الحسن العسكرى ، وأنه وارث علمه ، والحجة والمرجع للشيعة من بعده ، وأن صفة المرجعية والبابية بقيت معه بعد غيبة الإمام المهدى . و يقولون أنه ادعى النبوة والرسالة وغلا فى حق الأئمة إذ نسبهم إلى مقام الألوهية .

- خلفه على رئاسة الطائفة محمد بن جندب .
- ثم أبو محمد عبد الله بن محمد الجنان الجنبلانى ٢٣٥ _ ٢٨٧ ه من جنبلا بفارس ، وكنيته العابد والزاهد والفارسى ، سافر إلى مصر وهناك عرض دعوته إلى الخصيبى .
- حسين بن على بن الحسين بن حمدان الخصيبى : المولود سنة ٢٦٠ ه مصرى الأصل جاء مع أستاذه عبد الله بن محمد الجنبلانى من مصر إلى جنبلا ، وخلفه فى رئاسة الطائفة، وعاش فى كنف الدولة الحمدانية بحلب كما أنشأ للنصيرية مركزين أولهما فى حلب ورئيسه محمد على الجلى والآخر فى بغداد ورئيسه على الجسرى .
- وقد توفى فى حلب وقبره معروف بها وله مؤلفات فى المذهب وأشار فى مدح آل البيت وكان يقول بالتناسخ والحلول .

- انقرض مركز بغداد بعد حملة هولاكو عليها .
- انتقل مركز حلب إلى اللاذقية وصار رئيسه أبو سعد الميمون سرور بن قاسم الطبرانى ٤٢٧ _ ٣٥٨ هـ .
- اشتدت هجمات الاكراد و الأتراك عليهم مما دعاهم إلى الإستنجاد بالأمير حسن المكزون السنجارى ٥٨٣ _ ٦٣٨هـ ومداهمة المنطقة مرتين ، فشل فى حملته الاولى ونجح فى الثانية حيث أرسى قواعد المذهب النصيرى فى جبال اللاذقية .
- ظهر فيهم عصمة الدولة حاتم الطوبان حوالى ٧٠٠هـ ١٣٠٠م وهو كاتب الرسالة القبرصية .
- وظهر حسن عجرد من منطقة أعنا ، وقد توفى فى اللاذقية سنة ٨٣٦ / ١٤٣٢م .
- عرفوا تاريخيا باسم النصيرية ، وهو اسمهم الأصلى ولكن عندما تشكلت الأحزاب السياسية فى سوريا أرادت أن يقرب النصيرية إليها لتكسبهم فأطلق عليهم اسم العلويين، وهو اسم طائفة صوفية متشيعة فى تركيا. وصادف هذا هوى فى نفوسهم، لارتباط اسم النصيرية بفتاوى تكفير من أهل السنة، ولذلك هم يحرصون على هذا الإسم الجديد الآن . هذا وقد أقامت فرنسا لهم دولة أطلقت عليها اسم (دولة العلويين) وقد استمرت هذه الدولة من سنة ١٩٢٠ إلى سنة ١٩٣٦ م .

- محمد أمين غالب الطويل : شخصية نصيرية ، كان أحد

قادتهم أيام الإحتلال الفرنسى لسوريا ، ألف كتاب "تاريخ العلويين" يتحدث فيه عن جذور هذه الفرقة .

- واستطاع العلويون (النصيريون) أن يدخلوا إلى التجمعات الوطنية فى سوريا، واشتد نفوذهم فى الحكم السورى منذ سنة ١٩٦٥ م بواجهة سنية ثم قام حافظ الأسد بانقلاب عسكرى فى ١٦ تشرين الثانى عام ١٩٧٠ وتولى العلويون رئاسة الجمهورية .

ويعدّ سرور بن قاسم الطبرانى من أعلام ومؤسسى العلوية، إذ قام بالانتقال إلى مدينة اللاذقية السورية والعمل على نشر الفكر العلوى واستقطاب السكان المحليين للدخول فى العلوية. وبالرغم من أقلّية العلوية فى سوريا، إلا أنها تتمتع بنفوذ دينى واسع. وفى عام ١٠٩٧ ابان الحملة الصليبية، قاتل الصليبيون العلويون فى بادئ الامر، وبعدها تم حلف بينهم ضد الإسماعيليين .وفى عام ١١٢٠، هزم الإسماعيليون والأكراد العلويين. وبمرور ٣ سنوات على الهزيمة، تمكن العلويون من هزيمة الأكراد .وفى عام١٢٩٧ ، حاول الإسماعيليون والعلويون الاندماج فيما بينهما إلا ان الاختلافات المذهبية حالت بين عملية الاندماج

ص: ١٧٩

وتم اضطهاد العلويين ابان حكم المماليك ابتداء من ١٢٦٠. وعندما هيمنت الامبراطورية العثمانية على بلاد الشام فى١٥١٦ ، قام الأتراك بالبطش بالعلويين. ويذكر انه قتل للعلويين الآلاف على يد الأتراك .وبسقوط الامبراطورية العثمانية واستبدالها بالانتداب الفرنسى على سوريا ولبنان، منح الفرنسيون حكماً ذاتيا للعلويين وانخرط بعضهم فى صفوف الجيش الفرنسى المحلى. وبتولى الرئيس الراحل حافظ الاسد مقاليد السلطة فى الجمهورية السورية عام١٩٧٠ ، ساعد على تحسين الصورة العلوية فى المجتمع السورى وقام الإمام الشيعى اللبنانى موسى الصدر بالاعتراف بالعلوية على انها فرقة من فرق الإسلام عام١٩٧٤.

الشهيد الحى
مشاهدة ملفه الشخصى
إرسال رسالة خاصة إلى الشهيد الحى
البحث عن المزيد من المشاركات المكتوبة بواسطة الشهيد الحى

الشهيد الحى
Guest

تاريخ التسجيل٢٠٠٦ Aug :
عضو رقم : ٩١
الدولة: عبد حيدر
المشاركات: ٠
Thanks: ٢٠٩
Thanked ٤٢٦ Times in ٢٧٩ Posts

المزاج :

عقيدة

يصف العلويون أنفسهم بأنهم امتداد للإماميةالإثناعشرية إلا أن أفراد بعض الفرق الأخرى يكفرونهم لتقديسهم على بن أبى طالب مع الرسول محمد .ولقلة الأدبيات العلوية، تبقى العلوية من المعتقدات المبهمة لحرص الطائفة على بقاء مطبوعات الطائفة ضمن نطاق ضيق من التداول .ويعرف أن" كتاب المجموع "من الادبيات اليتيمة التى كُتبت من قبل أحد العلويين الذين تحولوا إلى المذهب المسيحى منتصف القرن التاسع عشر وتم ترجمة الكتاب إلى الفرنسية ومقتل مؤلّفه على يد أحد العلويين لاتهامه بالخيانة. يتصف المذهب العلوى عموما بالغموض و بالسرية، فعلى عكس مذاهب أخرى تسعى لجذب الأفراد و حثهم على التحول إليها، نجد المذهب العلوى يرتبط بمنطقة جبل النصيريين جغرافية محددة على الساحل السورى و لا توجد مؤسسة رسمية تعمل على نشر المذهب و التبشير به. يقوم مجموعة من الرجال على حفظ الأدبيات العلوية ومنعها من التداول بين غير العلويين. وعندما يبلغ الصبيان عمر ١٥ أو ١٦ سنة، يخصصون سويعات من اليوم لتعليمهم العقيدة العلوية، ويترك الاختيار للصبيان إن أرادوا الاستمرار فى التعمق فى الامور الدينية والارتباط مع احد المشايخ للتوغل فى امور الدين

ص: ١٨٠

فى الوقت الحاضر ، ينسب النصيرية أو العلوية انفسهم إلى الشيعة الإثنى عشرية ، لكنهم تاريخيا كانوا يصنفون على انهم من غلاة الشيعة ، أى المغالين فى حب على بن أبى طالب ، لدرجة أن البعض يتهمهم بتأليه على . ضمن تصريحاتهم لا يعترف العلويون سوى بالقرآن ككتاب مقدس لكنهم يؤكدون أنه بدون محبة آل البيت لا يمكن لأحد أن يفهم القرآن و يفسره . إضافة للقرآن يدرس مشايخ النصيرية كتاب

"الحفة الشريفة al-hefat al-shariif "الذى ترجم إلى الفرنسية و تمت طباعته فى بيروت فى منتصف القرن التاسع عشر عن طريق نصيرى اعتنق المسيحية ، و تم لاحقا اغتياله لإفشائه كتابا مقدسا سريا.

يتشابه النصيرية فى عدة امور مع الإسماعيلية ، فعلى هو خليفة النبى محمد بن عبد الله و هو الباب إلى العلم القدسى لمعرفة احكام الشريعة و تفسير القرآن . لكنهم يختلفون عن الإسماعيلية باعتبارهم معرفة على هى الغاية و المضمون الإلهى للرسالة الخاتمة التى أتى بها محمد بن عبد الله . و الشهادة لديهم : " لا إله إلا الله ، محمد رسول الله ، و على ولى الله " و يذكر فى كتبهم : " أننى اتجهت إلى باب العلم ليمنحنى الله المفتاح ، هذه هو جزاء معرفة على "I turn to the door of knowledge. In order for the father to provide me with a key; Thus receiving the reward which is the knowledge of 'Ali' " .

فى مراجع مثل (١) هناك ادعاءات أن العلوية النصيرية يقولون ان لا إله إلا على ، و ان على خلق محمدا .. لكن مثل هذا الكلام يمكن تفسيره فى إطار الأفكار الحلولية التى سادت الكثير من الفرق الإسلامية نتيجة ارتباطها بالفلسفة الغنوصية و رواسب الإفلاطونية المحدثة

فى كل عصر من العصور (وهم سبعة عصور) هناك تجلى و حلول للإله فى صورة إنسان ، آخر هذه التجليات هو على بن أبى طالب . لكل عصر من هذه العصور هناك أساس base و ناطق utterer الأسس على مر العصور هم : أبيل ، سيث ، يوسف ، يحيى ، بطرس (يتم ذكره أحيانا) ، و آخرهم على . أما الناطقون فهم : آدم ، نوح ، يعقوب ، موسى ، سليمان ، المسيح عيسى بن مريم ، محمد بن عبد الله . النبى الحقيقى فى العقيدة النصيرية سيختفى و يترك فى إثره من يرشد إليه لحين موعد عودته ، هذا المفهوم قريب من مفهوم الغيبة occultation عند الإثنى عشرية.

تحتل ثلاثة شخصيات اهمية خاصة فى الإيمان عند النصيرية هم :

على ، محمد ، و سلمان الفارسى ، و يطلق عليهم أمساء : الفكرة ، الاسم ، الباب على الترتيب . يرد فى احدى النصوص المقدسة للنصيرية (المجمع) : " أبجل الباب ، و أسجد للاسم ، و أعبد الفكرة " "I make for the Door, I prostrate myself before the Name, I worship the Idea". تدعى بعد المصادر أن النصيرية جعلوا علياً إلها، وقالوا بأن ظهوره الروحانى بالجسد الجسمانى الفانى كظهور جبريل فى صورة بعض الأشخاص .

ص: ١٨٢

- لم يكن ظهور (الإله على) فى صورة الناسوت إلا إيناساً لخلقه وعبيده .
- يحبون (عبد الرحمن بن ملجم) قاتل الإمام على ويترضون عنه لزعمهم بأنه قد خلص اللاهوت من الناسوت ويخطئون من يلعنه .
- يعتقد بعضهم أن علياً يسكن السحاب بعد تخلصه من الجسد الذى كان يقيده وإذا مر بهم السحاب قالوا : السلام عليک أبا الحسن ، ويقولون إن الرعد صوته والبرق سوطه
- يعتقدون أن علياً خلق محمد صلى الله مثل هذه العقائد و التأويلات الباطنية لا تقتصر على العلويين النصيرية بل كانت ظاهرة منتشرة فى التاريخ الإسلامى بتأثير من الفلسفات الغنوصية و الأفلاطونية المحدثة التى تعتمد التفريق بين ما يدهى الباطن و الظاهر ، فحتى ضمن الجناح السنى وجدت مثل هذه التوجهات الباطنية و التأويلات فى ما عرف بالطرق الصوفية .

أهم عقائدهم

حسب المصادر المطّلعة على حالهم، فإنّ عقائد العلويين لا تختلف عن عقائد الشيعة الاثنا عشرية الاِمامية، وهى معروفة مسجّلة. وما يوجب السكون والاطمئنان فى ذلک أنّ جميع المولّفين وأرباب كتب الفرق و المذاهب عدّوهم من الشيعة الاِمامية الاثنا عشرية على الرغم

ممّا نسبوا إليهم ورموهم بالغلو والتطرّف والباطنية وأمثال ذلک ممّا ستأتى الاِشارة إليه

ص: ۱۸۳

فالعلويون يوَمنون برسالة محمد بن عبد اللّه – صلّى الله عليه وآله وسلّم – ولا يشكّون بإمامة ابن عمه على بن أبى طالب والاَئمة الاَحد عشر من صلبه – عليهم السّلام– وينطقون بالشهادتين عن إيمان فحصنهم شهادة أنْ لا إله إلاّ اللّه محمد رسول اللّه – صلّى الله عليه وآله وسلّم - والموالاة لآل بيته والصلاة والصوم والحج والزكاة والجهاد فى سبيل اللّه والمعاد فى اليوم الآخر، وكتابهم القرآن، ما زاغوا عن هواه ولانهجوا منهجاً غير شريعته، ولهم مراجع دينية عرفوا بتمسّكهم بالدين وإقامة شعائرهم الدينية الاِسلامية، ويطرحون كلّ حديث لم يشر إليه القرآن وجاء مخالفاً له، كما وأنّهم لا يوَيّدون قول من يقول بصحّة تأويل الآيات التى بحق محمد وآل محمد – عليهم السّلام– ، ويحترمون كل الشرائع السماوية، ويقدّسون كلّ الاَنبياء، ولا يشكّون بصحّة ما أُنزل على إبراهيم وإسماعيل وإسحاق ويعقوب والاَسباط، وما أُوتى موسى وعيسى والنبيون من ربّهم، وهم للّه مسلمون، ولم يعصوا الرسول فى عمل ولم يخالفوه فى قول، ويحصرون كلمة العلم الكاملة بأهل البيت، ويعتمدون على جعفر بن محمد الصادق – عليه السّلام– فى أبحاثهم الدينية وتأويل القرآن والفقه والفتوى، فلا شافعى ولا حنبلى ولا مالكى ولا حنفى عندهم، وكلّهم للّه حنفاء متّبعون ملّة أبيهم إبراهيم، وهو الذى سمّاهم المسلمين ويعبدون اللّه تعالى لا يشركون فى عبادته حداً.

ونترک الحديث إلى أحد كتابهم وهو الشيخ عبد الرحمان الخير يتحدث عن عقيدتهم فى أُصول الدين وفروعه، حيث يقول:

أُصول الدين خمسة، وهى:

التوحيد و العدل والنبوّة والاِمامة والمعاد.

ص: ۱۸۴

التوحيد :نعتقد بوجود إله واحد خالق للعالم المرئى وغير المرئى، لا

شريک له فی الملک متصف بصفات الکمال، منزّه عن صفات النقص والمحال:"لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيءٌ وَهُوَ الْسَمِيعُ الْبَصِير " (الشوری|١١.(
العدل :نعتقد بأنّ اللّه تعالی عادل منزّه عن الظلم، وعن فعل القبيح والعبث، لا يكلّف البشر غير ما هو فی وسعهم وطاقتهم ولا يأمرهم إلاّ بما فيه صلاحهم ولا ينهاهم إلاّ عمّا فيه فسادهم ولو جهل كثير من العباد وجه الصلاح والفساد فی أمره ونهيه سبحانه.
النبوّة :نعتقد بأنّ اللّه سبحانه يصطفی من خيرة عباده الصالحين رسلاً لاِبلاغ رسالاته إلی الناس، ليرشدهم إلی ما فيه صلاحهم ويحذّروهم عمّا فيه فسادهم فی الدنيا والآخرة.
ونعتقد بأنّ الاَنبياء كثيرون، ذكر منهم فی القرآن الكريم خمسة وعشرون نبياً ورسولاً، أوّلهم سيدنا آدم – عليه السّلام– وآخرهم سيدنا محمد بن عبد اللّه – صلّی الله عليه وآله وسلّم – وشريعته هی آخر الشرائع الاِلهية وأكملها، ونعتقد بأنّها صالحة لكلّ زمان و مكان.
ونعتقد بعصمة جميع الاَنبياء من السهو والنسيان، وارتكاب الذنوب عمداً وخطأً قبل البعثة، وبعدها، وأنّهم منزّهون عن جميع العيوب والنقائص، وأنّهم أكمل أهل زمانهم وأفضلهم وأجمعهم للصفات الحميدة، صلوات اللّه وسلامه عليهم أجمعين.
الاِمامة :نعتقد بأنّ الاِمامة منصب تقتضيه الحكمة الاِلهية لمصلحة البشر فی موَازرة الاَنبياء بنشر الدعوة الاِلهية، وفی القيام بعدهم بالمحافظة علی تطبيق أحكامها بين الناس وبصون التشريع من التغيير والتحريف والتفسيرات الخاطئة

ولذلک نعتقد اقتضاء اللطف الاِلهی بأن يكون الاِمام معيّناً بنص إلهی وأن يكون معصوماً مثل النبی سواء بسواء ليطمئن الموَمنون إلی الاقتداء به فی جميع أعماله وأقواله
ونعتقد بأنّ الاِمام بعد نبينا محمد - صلّی الله عليه وآله وسلّم – هو سيدنا الاِمام علی بن أبی طالب عليه السّلام، ومن بعده ابناه الحسن والحسين، ثمّتسعة من ذرية الحسين – عليه السّلام– ، آخرهم المهدی عجّل اللّه فرجه، وعجل به فرج الموَمنين.
المعاد :نعتقد بأنّ اللّه سبحانه يعيد الناس بعد الموت للحساب، فيجزی المحسن بإحسانه والمسیء بإساءته.
كما ونوَمن بكل ما جاء فی القرآن الكريم، وبما حدّث به النبی –

صلّى الله عليه وآله وسلّم – من أخبار يوم البعث و النشور والجنّة والنار والعذاب والنعيم والصراط والميزان وغير ذلک ممّا أثبته كتاب اللّه وحديث رسوله الصحيح.

وأمّا فروع الدين :فكثيرة أهمّها الصلاة والصيام والزكاة والحج والجهاد.

الشهيد الحى

مشاهدة ملفه الشخصى

إرسال رسالة خاصة إلى الشهيد الحى

البحث عن المزيد من المشاركات المكتوبة بواسطة الشهيد الحى

الشهيد الحى
Guest

تاريخ التسجيل٢٠٠٦ Aug :
عضو رقم : ٩١
الدولة: عبد حيدر
المشاركات: ٠
Thanks: ٢٠٩
Thanked ٤٢٦ Times in ٢٧٩ Posts

المزاج :

الجبر والاختيار والتفويض

يقول أحد كتّابهم فى هذا الصدد: عقيدة المسلمين العلويين فى هذه المسألة هى طبق ما جاء عن الاِمام أمير الموَمنين على بن أبى طالب

ص: ١٨۶

– عليه السّلام– وهو ينفى الجبر والاِهمال، وقد منح اللّه العباد القوّة على أفعالهم وأوكلهم فيها إلى نفوسهم فعلاً وتركاً بعد الوعد والوعيد، قال – عليه السّلام– فى نهج البلاغة: «إنّ اللّه سبحانه أمر عباده تخييراً ونهاهم تحذيراً، وكلّف يسيراً ولم يكلف عسيراً، وأعطى على القليل كثيراً، ولم يعص مغلوباً ولم يطع مكرهاً، ولم يرسل الاَنبياء لعباً ولم ينزل الكتاب عبثاً، ولا خلق السماوات والاَرض وما بينهما باطلاً، ذلک ظن الذين كفروا فويل للذين كفروا من النار.»
وقد شنع الاَمير الشاعر المكزون السنجارى على القائلين بالجبر ووصفهم بأنّ عبيد اللات خير منهم قال:

عبيد اللات فيما جاء عنهم ❊ يسبّون الاِله بغير علم
وأما المجبرون فعن يقين ❊ يسبّون الاِله بكل ظلم

ويقول أيضاً

إذا كان فعلى له مرادا ❊ فلم بما قد أراد يعصى

ولم دعانى إلى أُمور ❊ منى لها الخلف ليس يحصى
ومن احتجاجه على القائلين بالجبر قوله:
قل لمن قال إنّ بارى البرايا * ليس فى خلقه مريد سواه
من ترى ان أراد بالعبد سوءاً ❊ راح فى العبد كارهاً ما قضاه
اتقوا اللّه ذاک أمر محال ❊ أن يرى ساخطاً رضاه رضاه
وإذا لم يكن فقد ثبت القو ❊ ل لعبد ومان فى مدعاه.

ما نسب إليهم

وفى غياب المصادر الموثوقة، نسب اليهم عقائد وآراء شتى نشير فى ما يلى إلى بعضها:

ص: ١٨٧

١.الاعتقاد بالحلول والغلو فى حقّ الاَئمّة سيّما الاِمام على بن أبى طالب عليه السّلام.
٢.التناسخ.
٣.نبوّة النميرى محمد بن نصير
٤.شركة الاِمام على مع رسول اللّه فى نبوته.
٥.افتراقهم إلى ثلاث فرق فى خلافة محمد بن نصير النميرى.
٦.التقليل من شأن العبادات الظاهرية والاهتمام بالفكرة والجوهر الذى ضاع عنه عموم المسلمين

للحديث عن عقيدة العلويين باختصار :فليس للعلويين مذهب خاصّ بهم يختلف عن مذهب أهل البيت - عليهم السّلام- كما يحاول أن يصوّر ذلک بعض الجهّال السذّج، وإنّما هم شيعة إمامية اثنا عشرية يتمذهبون بمذهب أهل البيت - عليهم السّلام- ويعولون عليه فى أحكامهم ومعاملاتهم، إلاّ أنّ ثمة بعض المعتقدات العلوية المتميّزة كما هو الحال فى كل الفرق والمذاهب

أ. الطريقة الجنبلائية

يقال أحدثها فى الشيعة العلويين رجل اسمه أبو محمد عبد اللّه الجنبلانى المعروف بالجنّان، ويعتقد بعض العلويين أنّه من روَسائهم الكبار، ومن أعلم أهل عصره فى التصوّف، وكان يقيم فى العراق العجمى فى بلدة جنبلا، ومن هنا اشتهر بالفارسى، ويقال إنّه سافر إلى مصر وهناک أدخل الحسين بن حمدان الخصيبى فى طريقته، وقد تبعه الاَخير إلى جنبلا عند عودته فأخذ عنه الاَحكام الصوفية والفلسفية وعلوم النجوم والهيئة وبقية العلوم العصرية.

ص: ١٨٨

والخصيبى أحد مشايخ العلويين الكبار(مقامه موجود فى حلب اليوم لكن للاسف انه محاط بسكنة عسكرية خوفا من قيام بعض السنة السلفيين بتفجيره مما قد يؤدى إلى حرب اهلية) وقد خلّف الجنبلانى فى رئاسة مشيخة الطريقة وعنه يقول صاحب كتاب تاريخ العلويين: كان دأب السيد حسين بن حمدان الخصيبى ووكلاوَه فى الدين إرشاد بعض أفراد بقيّة الاَديان إلى دين الاِسلام، وهوَلاء يبقون بصفة أفراد مسلمين شيعة أى جعفرية، والذين يشاهد فيهم الكفاءة يدخلهم فى الطريقة الجنبلائية. من هنا نعلم أنّ الرجل كانت غايته أن يدعو الناس إلى مذهب أهل البيت كما هو ظاهر، وأنّ الطريقة الجنبلائية ليست سوى معتقد صوفى كبقية المعتقدات الصوفية المكتومة لدى أكثر فرق المسلمين.

المحنة والاضطهاد المتواصل

الشيعة عموماً كانوا يعتقدون عدم استحقاق الحكام العباسيين الذين استندوا إلى وسادة الخلافة، وكانوا يضطهدون الشعوب الاِسلامية باسم الدين، ومن جملة هوَلاء العلويون، فعمدت السلطة إلى قمعهم وتشريدهم وتعذيبهم، ونشير فيما يلى إلى بعض محنهم ومعاناتهم:

.١أيّام المتوكل العباسى اشتد الضغط على أتباع أهل البيت – عليهم السّلام– ، فهاجر جمع غفير منهم إلى أقاصى البلاد كبلاد خراسان وبلاد الاَكراد، وذلک عام ٢٣۶هـ ، حيث أمر باستحضار أئمّة أهل البيت – عليهم السّلام– إلى العراق.وفى القرون التالية، هجم الجيش العباسى بمعاونة جماعة من المتعصبين من حى الرصافة ببغداد على حيٍّ آخر يسمى الكرخ، فنهبوا الدور، وأحرقوا المكتبات و المحلات التجارية والبيوت

حيث أمر الخليفة المنتصر بقتل الشيع ضحيتها أربعون ألفاً.

.٢أيام السلطان المملوكى محمد بن قلاوون فى عام ١٣٠۵م أمر بتسيير حملة عسكرية عظيمة إلى جبال كسروان (جونيه حالياً بقرب

بيروت) فى لبنان لاِبادة الطوائف الشيعية هناک، ومن جملة من فتک بهم العرب العلويون الذين كانوا فى شمال لبنان، ولا سيما فى القنيطرة و العاقورة ونواحى البترون وعكا ثمّ امتدوا إلى كسروان، والذين تخلّصوا من الموت رحلوا إلى الشمال، أى جهات اللاذقية وانطاكية(.

.٣أيام السلطان سليم العثمانى صدرت فتوى بطلب السلطان، اشتهرت بالفتوى الحامدية، فقتل على إثرها عدد كثير من الشيعة فى حلب وجبال العلويين ذى هذا بالاِضافة إلى تعذيبهم، وكان ذلک بعد انتصار ١۵١۶م فى معركة مرج دابق، فزجّ السلطان بنصف مليون من الشعب التركى لمواجهة العلويين.

.۴حوالى نهاية القرن الثامن عشر وعلى أثر مقتل طبيب انكليزى استحضر سليمان باشا وتسلّم ولاية طرابلس فقتل من قتل من العلويين.

.۵أيام ثورة الشيخ صالح العلى، فى شهر ايار عام ١٩٢١ م قام الفرنسيون بحرب دون هوادة ضد الشعب العلوى وقتلوا جمعاً غفيراً منهم، وانتهت المعارک بانتصار الفرنسيين، وقيام الحكم الانتدابى فى البلاد.

هذا مع غض النظر عن المعارک الدامية بينهم وبين الفرنج الصليبيين والقراصنة الذين كانوا يهاجمون الساحل الشامى وحدود الاَراضى الاِسلامية منذ القرن الثانى إلى أواخر أيام العثمانيين فيأخذون ضحايا من العلويين. وإضافة إلى المعارک الداخلية والحروب الاَهلية الطائفية التى كانت تتأجّج نيرانها بدسائس أصحاب السلطة أو المستعمرين والصليبيين؛ كما نشاهد فى حروب العلويين والاِسماعيلية، والحروب

القبلية بين العشائر العلوية.

ص: ١٩٠

الشهيد الحى

مشاهدة ملفه الشخصى

إرسال رسالة خاصة إلى الشهيد الحى

البحث عن المزيد من المشاركات المكتوبة بواسطة الشهيد الحى

الشهيد الحى
Guest

تاريخ التسجيل٢٠٠٦ Aug :
عضو رقم : ٩١
الدولة: عبد حيدر
المشاركات: ٠
Thanks: ٢٠٩
Thanked ٤٢٦ Times in ٢٧٩ Posts

المزاج :

الخلط بين العلويين و الاِسماعيليين والقرامطة

هذا الاشتباه والخلط حصل لكثير من الباحثين منهم ابن تيمية فى فتواه المشهورة حيث رمى الجميع بنبل واحد مدّعياً أنّ الملاحدة الاِسماعيلية والقرامطة والباطنية والخرمية والمحمدة أسماء لطائفة واحدة.

على الرغم من أنّ الخلافات العقائدية والمناوشات العسكرية لم تترك مجالاً للخلط والاشتباه، فنذكر فيما يلى الحروب الطاحنة التى قامت بين العلويين والاِسماعيلية على سبيل الاِيجاز:

١.فى أيام حسن الصباح سكنت قوى الاِسماعيليين جبل القصيرة واستأجرت قلعة القدموس حتى استولوا على قلاع العلويين فى مصياف والعليقة والخوابى وأبو قبيس وصهيون، وفى عام ٥٢٠هـ استولوا على قلعة بانياس، ولما هجم عليهم المسلمون من كلّ ناحية عندما رأوا عدم مساعدتهم، حالف الاِسماعيليون الصليبيين وسلّموهم قلعة بانياس عام ٥٢٣هـ

٢.تداوم العداء بعد ذلك بين العلويين والاِسماعيليين حتى سنة ٩٧٧هـ حيث هجم عليهم العلويون واستولوا على قلاعهم ولكن سرعان ما أنجدت الحكومة العثمانية الاِسماعيليين وأعادت لهم مواقعهم.

.٣فى خلال سنة ١١١٥هـ جاءت عشيرة بنى رسلان واستولت على قلعة مصياف، وقتلت جميع الذكور الكبار، وسكنت مدّة ثمان سنين، وهذه العشيرة من العشائر العلوية

.٤ثمّ هاجمت بعض القوات العثمانية القلاع لنجدة الاِسماعيليين وقذفوهم بالمدافع وسلموا القلعة للاِسماعيليين

.٥تكررت هذه المناوشات حتى لم يبق للاِسماعيليين سوى القدموس.

وممن شهد بذلک من المحقّقين، الدكتور عارف تامر فى كتابيه القرامطة، ومعجم الفرق الاِسلامية.

.٦كانت هناک محاولات للتقريب بين عقائد الاِسماعيلية والعلويين باءت بالفشل بمساعى مشايخ العلويين العلماء على رأسهم حاتم الطويانى سنة ٧٤٥هـ.

أهمّ العشائر العلوية

العشائر الكلاذية العشائر الرئيسة أربع: الحداديون والنميلانيون والرشاونة والخياطيون، وتقسم كلّ واحدة من هذه العشائر إلى أفخاذ وبطون، وترجع الثلاث الأُولى منها إلى عشيرة المحارزة البشازعة التى هى أقدم العشائر جميعاً.

ومن عشائرهم نواصرة وقراحلة ورشاونة ورسالنة، جروية باشوطية ومقاورة، ومهالبة.

العشائر الحيدرية وهم يسكنون بغالبيتهم شمال اللاذقية ويمتازون بطيبتهم وانفتاحهم على الطوائف الأخرى من أهم عائلاتهم ال غزال وال حاتم وال صالح نسبة إلى الشيخ نصر صالح وال الشيخ حيدر)حيدر) منهم سالم حيدر وال الدوير الجدير بالذكر أن أبناء العشيرة الحيدرية من الجيل الصاعد قد أثبت حضوره علميا خاصة بالجامعات من أهم قراهم بلوران دمسرخو زغرين مزرعة قنديل (الحراجية(

العشائر الرئيسة يرجعون فى نسبهم إلى فرعين رئيسيين:
١.فرع القبائل اليمنية (العرب القحطانيين) من همدان وكندة.
٢.فرع القبائل الشاميّة والعراقية من غسّان وبهرا وتنوخ.
الذين اعتنقوا المذهب الشيعى فى وقت مبكر ثم انحرفوا عن التشيع إلى ما يسمى حاليا بالعلويين. بعض قبائلهم كالمحارزة يدّعون أنّهم هاشميون، وبعضهم ازداد عددهم بهجرة قبائل طىء) نهاية القرن الثالث الهجرى) وغسّان الذين دفعتهم الحروب الصليبية ومعهم الاَمير حسن بن المكزون (ت٦٣٨هـ) من جبل سنجار فى العراق إلى منطقة الشام فى المنطقة الممتدة من طبرية وجبل عامل حتى حلب.
العشائر العلوية كانوا يسكنون بادية الشام أوّلاً ثمّ نزحوا إلى ديار ربيعة فى الجزيرة الفراتية، وفى العهد العثمانى تركوا بلادهم وسكنوا بيلان، اضنه وانطاكية وقسم منهم سكنوا منطقة الكلبية بقرب اللاذقية فى سوريا وقسم آخر منهم فى جبال البهرة مع الاِسماعيليين، وتسمى جبال لكام، وقسم آخر منهم فى جند الاَردن وطبريا بالقدس المحتلة.

أعلام العلويين

- -١إسحاق الاَحمر

...)ـ ٢٨٦هـ) اسحاق بن محمد بن أحمد بن أبان النخعى، أبو يعقوب، الملقب بالاَحمر، من أهل الكوفة، رئيس الطائفة الاِسحاقية، وإليه نسبتهم وكانوا بالمدائن على نحلة النصيرية، وكان إسحاق يطلى بصره بما يغيره فسمى الاَحمر، وقيل: لبرص فيه. ذكره الذهبى فى رجال الحديث وطعن به وبالغ فى ذمه، عمل كتاباً فى التوحيد سماه «الصراط». وفى الحقيقة من الفاضح ذكر اسحق الأحمر كأحد أعلام العلويين فهو أشد المذمومين من قبل الطائفة العلوية وإليه يعود كل ما

نُسب إلى السيدأبو شعيب محمد بن نصير, وهو (اى إسحق الأحمر) من يقول بالحلول والاستنساخ وليس السيد ابا شعيب أو السيد أبى عبد الله الخصيبى كما ورد سالفاً .

- -٢المنتجب العانى

٣٣٠)ـ٤٠٠هـ) محمد بن الحسن العانى الخديجى المضرى، أبو الفضل، المنتجب، ولد فى عانة عام ٣٣٠هـ وإليها نسبته، ونشأ فيها وفى بغداد حيث استقر مدّة، ثمّ انتقل إلى حلب وسكنها ثمّغادرها إلى جبال اللاذقية واتصل بحسين بن حمدان الخصيبى وتلقى عنه العقيدة والطريقة وأصبح من دعاتها، وله ديوان شعر كان شاعراً وجدانياً غزير المعانى باطنياً .

- -٣الحسين بن حمدان الخصيبى(٢٦٠ـ ٣٥٨هـ (

ومن أعظم رجالات العلويين وعلمائهم الحسين بن حمدان الخصيبى الجنبلائى وكنيته أبو عبد اللّه، ولد فى جنبلا سنة ٠٦ سبع سنين، وحفظ القرآن وهو ابن عشر، وحج وهو ابن عشرين، وأتى حلب سنة ٣١٥هـ وتوفى فيها عام ٣٥٨هـ وقبره يعرف بالشيخ يبرق. وشهد وفاته بعض تلامذته ومريديه، منهم: أبو محمد القيس البديعى، وأبو محمد الحسن بن محمد الاعزازى، وأبو الحسن محمد بن على الجلى. وأقوال المورَخين المعاصرين عنه كثيرة بين متحامل عليه وحاقد، وبين ملتزم فى الصمت، منهم: النجاشى، وابن الغضائرى، وصاحب الخلاصة من المتحاملين عليه .وفى الفهرست لابن النديم: الحسين بن حمدان الخصيبى الجنبلانى يكنّى أبا عبد اللّه، روى عنه التلعكبرى وسمع منه فى داره بالكوفة سنة ٣٣٤هـ وله فيه إجازة. وفى لسان الميزان: الحسين بن حمدان بن خصيب الحصيبى أحد المصنفين فى فقه الاِمامية، روى عنه أبو العباس بن عقدة وأثنى عليه وأطراه وامتدحه،

كان يومَ سيف الدولة ابن حمدان فى حلب. وفى أعيان الشيعة للعلاّمة السيد محسن الاَمين العاملى ترجمة للخصيبى مفادها امتداحه والثناء عليه وكلّ ما نسب إليه من معاصريه وغيرهم لا أصل له ولا صحّة وإنّما كان طاهر السريرة والجيب وصحيح العقيدة .

- -٤الميمون الطبرانى (٣٥٨ ـ ٤٢٦هـ (

سرور بن القاسم الطبرانى ، أبو سعيد، الملقب بالميمون شيخ العلويين فى اللاذقية، ورئيس الطريقة المعروفة عندهم بالجنبلانية، ولد فى طبريا وإليها نسبته، وانتقل إلى حلب فتفقه بفقه العلويين أصحاب الخصيبى والجنبلانى، وصنف كتاباً فى مذهبهم، ثمّرحل إلى اللاذقية والتف حوله من فيها منهم واستمر إلى أن توفى ودفن بها على شاطئَ البحر فى مسجد الشعرانى .

- -٥الحسن بن مكزون السنجارى(٥٨٣ ـ ٦٣٨هـ (

هو الاَمير حسن بن يوسف مكزون ابن خضر، ينتهى نسبه إلى المهلّب بن أبى صفرة الاَزدى ولد عام ٥٨٣هـ فى سنجار العراق، يعدّه العلويون فى سورية من كبار رجالهم، كان مقامه فى سنجار أميراً عليها، واستنجد به علويو اللاذقية ليدفع عنهم شرور الاِسماعيلية سنة ٦١٧هـ فزحف إليهم سنة ٦٢٠ هـ وأزال نفوذهم، ثمّ تصوّف وانصرف إلى العبادة، ومات فى قرية «كفر سوسة» عام٦٣٨ هـ بقرب دمشق، وقبره معروف فيها. له ديوان شعر، وكتاب تزكية النفس فى العبادات الخمس، وهو صاحب نزعة فلسفية روحية يُزعم أنها تميل نحو فلسفة محى الدين العربى فى تفسير القرآن على رأى المتصوفين، وأنّه

يعارض ابن الفارض فى تائيته فى جملة قصائده التى مطلعها: لبّيت لما دعتنى ربّة الحجب ❊ وغبت عنى بها فى شدّة الطرب إلى غير ذلک من الشخصيات التى ذكرها أصحاب التراجم.

مشاهدة ملفه الشخصى

إرسال رسالة خاصة إلى الشهيد الحى

البحث عن المزيد من المشاركات المكتوبة بواسطة الشهيد الحى

الشهيد الحى
Guest

تاريخ التسجيل٢٠٠٦ Aug :
عضو رقم : ٩١
الدولة: عبد حيدر
المشاركات: ٠
Thanks: ٢٠٩
Thanked ٤٢٦ Times in ٢٧٩ Posts

المزاج :

الواقع الاجتماعى و الفكرى

نتيجة سرية التعاليم فى الطائفة النصيرية ، فإن معظم أفراد الطائفة لا يتلقون أى تعليم دينى الذى يبقى محصورا على مجموعة صغيرة من المشايخ المأتمنين على أسرار العقيدة النصيرية ، كما يقال أن من عقيدتهم عدم تعليم النساء أى عقائد دينية لعدم ائتمانها على أسرار . كل هذا يجعل معرفة النصيريين بالتعاليم الدينية عامة محدودة و مقتصرة على ما يأخذونه و يسمعونه من هنا وهناك ، و غالبيتهم الآن تأخذ فقهها من المذهب الجعفرى مذهب الإثنى عشرية ، انتماء النصيريين لطائفتهم أصبح أقرب للانتماء إلى العشيرة أو القبيلة باعتبار الطائفة مركز قوتهم و دعمهم أكثر من أن يكون انتماءا لعقيدة دينية ، كل هذه العوامل ساعدت ان يكون العلويين النصيريين أكثر استعدادا لتقبل الاتجاهات العلمانية و الليبرالية أو حتى الفلسفات المادية و الشيوعية . معظم مثقفى النصيرية و اعلامها ينتمى فعلا لهذه التوجهات الشيوعية أو الوطنية العلمانية و الأمثلة كثيرة من أدونيس. إلى سعد الله ونوس رائد المسرح العربى. أما الصحفى والناشط فى مجال حقوق الإنسان نزار نيوف ،فقد

ص: ١٩٦

أصبح من أشهر الشخصيات المنحدرة من الطائفة العلوية خلال السنوات الأخيرة على نطاق عالمى بفضل ما يوصف بأنه " تطرف " فى مواجهته لحكم الرئيس حافظ الأسد وابنه ، وبفضل العديد من الجوائز العالمية التى حصل عليها ، وأهمها جائزة اليونيسكو لحرية الصحافة

المصدر : موسوعة الملل والنحل موسوعة الأديان والمذاهب المعاصرة – رابطة العالم الإسلامى

بحث هو الأول من نوعه حول التشيع فى سوريا
معطيات إحصائية شبه دقيقة حول عملية "التشيع" فى سورية:
الأرقام تشير إلى عكس ما يروج له فى وسائل الإعلام

٨٥بالمئة يتم فى أوساط الطائفة العلوية والباقى يتوزع على الطوائف الأخرى ولا تتجاوز النسبة فى الوسط السنى ٢ بالمئة من إجمالى المتشيعين
استمرار الوتيرة على هذا النحو سيؤدى إلى "انقراض " الطائفة العلوية بعد ٢٥ عاما والاسماعيلية بعد خمسين عاما!؟

ظهرت فى الآونة الأخيرة إلى الوجود قضية لم تكن مطروحة على جدول أعمال اهتمامات الرأى العام، سواء داخل سورية أم خارجها، وهى قضية ما سمى بعملية التشيع فى البلد المذكور. ولعل أول من أثارها المراقب العام للإخوان المسلمين فى سوريا، المحامى على صدر الدين البيانونى، ونائب الرئيس "المنشق" عبد الحليم خدام، فى تصريحات إعلامية مختلفة قبل أن تأخذ طريقها إلى بيانات رسمية صادرة عن "جبهة الخلاص الوطنى". وأشير فى مختلف هذه التصريحات إلى أن السفارة الإيرانية تقود هذه العملية مقابل دفع مبالغ مالية لكل من يتخلى عن مذهبه السنى ويلتحق بالمذهب الجعفرى، وصولا إلى الإعراب عن مشاعر القلق بشأن ما يمكن يؤدى إليه الأمر من تغيير لبنية السكان الديمغرافية فى سوريا! وبدا أن وراء إثارة القضية "أمر عمليات" صادر من جهة ما، بدليل أن عشرات المقالات ظهرت دفعة واحدة، فى مواكبة هذه التصريحات، على مختلف مواقع الإنترنت التابعة للجهتين المذكورتين، سواء بشكل رسمى أو غير رسمى. والأدهى من ذلک أن نشطاء معارضين يعيشون

فى المنفى منذ عشرات السنين، وبعضهم (مثل فريد الغادرى) لا يجيد تحديد الموقع الجغرافى لأربع مدن سورية دون الاستعانة بأطلس) بالمعنى الحقيقى لا المجازى)، ولا يعرف أى شيء على الإطلاق عن التركيبة الديمغرافية لسورية، انخرط فى هذه الحملة بناء على " معطيات " مولدة ومنقولة بطريقة " القيل والقال !"

فهل لهذه المعلومات والهواجس المثارة أى أساس واقعى، أم أن الأمر يدخل فى إطار التعبئة السياسية ـ الإيديولوجية على خلفية " المواجهة المذهبية " الجارية فى العراق والشرق الأوسط عموما، و الصراع السياسى الدائر فى لبنان على وجه الخصوص، والذى وجد بعض فصائل المعارضة السورية نفسه مدفوعا إلى الدخول فيه بحكم التداخل بين قضايا البلدين!؟

هذا السؤال، ونعنى تحديدا الجانب العلمى الإحصائى، أجيب عليه مؤخرا فى أول دراسة من نوعها فى هذا المجال قام بها باحثون ميدانيون على مدى ستة أشهر بناء على طلب إحدى الجهات الأوربية الرسمية، وبتمويل منها. وتتناول الدراسة عملية "التشيع" فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ٢٠٠٥) ، مع ملحق إضافى تناول النصف الأول من العام ٢٠٠٦. أعد الدراسة تسعة باحثين ميدانيين متخصصين فى مجال علم الاجتماع وعلم الاجتماع السياسى والاحصاء، ويشتركون فى أنهم جميعا علمانيون ونشطاء فى حركات "المجتمع المدنى" السورية. وقد جاءت الدراسة فى ٣٢ صفحة فولسكاب وتحت عنوان The Shiitization Process in Syria ١٩٨٥-٢٠٠٦, a Socio-statistic paper (عملية التشيع فى سوريا ١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦، دراسة اجتماعية ـ إحصائية)، أشرفت عليها، إداريا وحسب، منظمة "المجلس الوطنى للحقيقة والعدالة والمصالحة فى سوريا "، التى انحصر دورها فى ترشيح الباحثين وترتيب الاتصال بينهم وبين الجهة الممولة مقابل السماح للمنظمة بوضع اسمها على البحث كجهة مشرفة إداريا. وبسبب حساسية الموضوع، خصوصا لجهة إمكانية ملاحقة الباحثين أمنيا وقضايا بتهمة " قبض أموال من جهات أجنبية "، فقد أجريت الدراسة بشكل سرى وبعيدا عن الأضواء، كما جرى إغفال أسمائهم والاحتفاظ بها على وثيقة مستقلة لدى الجهة الممولة فى بلجيكا. وقدم للدراسة الكاتب والصحفى السورى نزار نيوف. وهو متخصص أكاديميا فى الاقتصاد والعلوم السياسية والتاريخ الاقتصادى ـ السياسى المقارن للديكتاتوريات فى حوض المتوسط .

ص: ١٩٩

الإطار الجغرافى ـ الديمغرافى العام للدراسة :

تتناول الدراسة عملية التشيع فى المحافظات السورية الرئيسة: دمشق وريف دمشق، حلب وريفها، حمص، حماة، اللاذقية، طرطوس، إدلب، الرقة، دير الزور، السويداء. وقد اختيرت هذه الدراسة، كما يشير البحث، لكونها تضم الغالبية الساحقة من سكان سوريا، ولأن عملية التشيع تجرى فى حصريا، ولأنها المحافظات التى تضم أقليات

إسلامية مذهبية غير سنية (علويون، إسماعيليون، شيعة.. إلخ) بنسب مختلفة، طاغية فى بعضها، وضئيلة فى بعضها الآخر .وأشار البحث إلى أن محافظة القنيطرة قد استثنيت من البحث بسبب وضعها الخاص (معظم أراضيها تحت الاحتلال الإسرائيلى منذ العام ١٩٦٧)، ولكون الغالبية الساحقة من سكانها نازحين إلى المحافظات السورية الأخرى، لاسيما دمشق وريفها، وبالتالى فقد شملها البحث بطريقة غير مباشرة .

طريقة البحث وكيفية الحصول على معلوماته الخام:

يشير البحث إلى أن الباحثين لجأوا إلى طريقة " مبتكرة " وهى تفرغ كل منهم لمنطقة جغرافية ـ ديمغرافية بعينها، وعدم الالتقاء ببعضهم البعض أو مناقشة المعلومات والنتائج الخام التى توصل كل منهم إليها طيلة الفترة المكرسة لجمع المعلومات والبيانات، وهى خمسة أشهر. أما الشهر الأخير فخصص لعقد حلقات نقاشية مغلقة فيما بينهم لتداول هذه المعلومات ومناقشتها وغربلتها واستخلاص المعطيات النهائية والنتائج بعد بعضها من الحساب حين تكون نسبة الارتياب أكبر من ٥٠ ٪، ومن ثم تحرير النص النهائى. أما مصادر المعلومات الخام فقد حددها البحث بأربعة :

ص: ٢٠٠

ـ سجلات المحاكم الشرعية (المذهبية (وبيانات الزواج والطلاق ؛
ـ معطيات مستخلصة من سجلات مديريات وزارة الأوقاف فى المحافظات ؛
ـ مقابلات شخصية ميدانية مع رجال دين ووجهاء ومواطنين عاديين ينتمون إلى مختلف المذاهب الإسلامية المعنية ؛
ـ معطيات مستخلصة من سجلات المراكز الثقافية الإيرانية والحوزات والمدارس الشيعية التى تشرف عليها وتدعمها، جزئيا أو كليا، السفارة الإيرانية فى دمشق.

نتائج البحث:

خلص البحث إلى نتائج تشير إلى أن إجمالى المسلمين المتشيعين فى سوريا خلال عشرين عاما (١٩٨٥ ـ ٢٠٠٦) لا يتجاوز اثنين وستين ألفا، أغلبيتهم الساحقة من أبناء الطائفة العلوية، ولا يتجاوز نسبة المسلمين السنة فيهم الألف وخمسمئة مواطن! وفى المعطيات الأكثر تفصيلا، يشير البحث إلى أن عدد الأسر " العلوية" التى تشيعت خلال الفترة المذكورة بلغ ٨٧٨٣ أسرة. وبافتراض أن متوسط عدد أفراد الأسرة السورية هو ستة أشخاص، وأن جميع أفراد الأسرة تبعوا رب الأسرة المتشيع ، فإن العدد الإجمالى للعلويين الذين تشيعوا يبلغ حوالى ٥٢٧٠٠ شخص. هذا بينما بلغ عدد الأسر الإسماعيلية المتشيعة حوالى ألف ومئتى أسرة، أى حوالى سبعة آلاف وأربعمئة شخص. واستنادا إلى هذه الأعداد تكون نسبة المتشيعين فى كل طائفة / مذهب خلال الفترة المذكورة: ٨٥ بالمئة فى الوسط العلوى ؛ ١٣ بالمئة فى الوسط الاسماعيلى ؛ و ٢ بالمئة فقط فى الوسط السنى. ولم يسجل التقرير أى حالة تشيع فى الأوساط الأخرى (مسيحية، درزية.. إلخ .(

التوضع الجغرافى للتشيع :

تلاحظ الدراسة أن التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط العلوى توزع على النحو التالى: محافظة طرطوس وريفها ٤٤ بالمئة ؛ محافظة اللاذقية وريفها ٢٦ بالمئة ؛ محافظة حمص وريفها ١٤ بالمئة ؛ محافظة حماة وريفها دمشق وريفها ١٦ بالمئة (وهؤلاء ينحدرون من مختلف المحافظات .(

أما التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط السنى فتوزع على النحو التالى: محافظة حلب وريفها ٤٦ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢٣ بالمئة ؛ محافظة حمص ٢٢ بالمئة ؛ محافظة حماه ٥ بالمئة ؛ محافظة إدلب ٤ بالمئة. وقد أهملت نسب التشيع فى محافظتى دير الزور والرقة والقنيطرة كونها لا تشكل إلا أجزاء عشرية متناهية الصغر (بضع عائلات تعد أصابع يد واحدة)، ولكون النشاط الشيعى فيها يبتعد عن الشكل " التبشيرى" ويقتصر على

ص: ٢٠١

الجانب " الطقسى" (إحياء المناسبات الدينية المرتبطة بالتراث الدينى الشيعى، و ترميم وإحياء بعض الأضرحة القديمة وتنظيم الزيارات إليها من مناطق أخرى، سواء من داخل سورية أو خارجها .(

هذا بينما جاء التمركز الجغرافى للتشيع فى الوسط الإسماعيلى على النحو التالى: محافظة حماة وريفها (وبشكل خاص مدينتى السلمية ومصياف و بلدة عقارب ٥١ (بالمئة ؛ محافظة طرطوس وريفها (بلدات: القدموس ومنطقة نهر الخوابى) ٤٣ بالمئة ؛ محافظة حلب وريفها ٣ بالمئة ؛ محافظة دمشق وريفها ٢ بالمئة ؛ محافظة إدلب وريفها ١ بالمئة .

من ناحية ثانية، ذكرت الدراسة ملاحظتين فى هذا السياق، أولاهما أنه لم تسجل أى حالة تشيع فى وسط الشيعة الموحدين (المعروفين باسم " الدروز ") أو فى الوسط المسيحى بمختلف مذاهبه (الكاثوليكية، الأرثوذوكسية، البروتستانتية.. إلخ(، وثانيهما أن ٧ بالمئة على الأقل من المسلمين السنة الذين تشيعوا فى دمشق وريفها جرى فى أوساط العائلات الشيعية فى الأصل، والتى "تسننت" مع الزمن لأسباب مختلفة. وذكرت فى هذا الإطار

حالات نموذجية من عائلات (العطار، قصاب حسن، اللحام، بختيار / اختيار..). كما وسجلت ملاحظة مشابهة لجهة المسلمين السنة فى حلب، حيث أشارت إلى أن ١١ بالمئة منهم ينحدرون من أصول شيعية فى الأساس، أو من "قرى شيعية" فى إدلب مثل " لفوعة" و "معرتمصرين". وهو ما أسمته الدراسة بـ "تجديد التشيع ."

الوضع المهنى والاجتماعى للمتشيعين :

خلصت الدراسة إلى أنه من الصعب ربط حالات التشيع بوضع اجتماعى " معيارى " يمكن الركون إليه علميا فى تحديد سبب أساسى أو طاغ وقف وراء تشيع هؤلاء، سواء فى الوسط السنى أو فى الوسطين الاسماعيلى والعلوى، لاسيما منه الجانب الاقتصادى، أو ما أشير إليه فى بعض وسائل الإعلام بـ " الفقر والحاجة إلى الأموال الإيرانية ". فالقسم الأكبر من المتشيعين السنة فى دمشق (٦٤,٤ بالمئة) ينتمون لعائلات تجارية أو مهنية وضعها الاقتصادى جيد أو ممتاز. كما أن القسم الأكبر منهم (حوالى ٦٩ بالمئة) من حملة الشهادات الثانوية أو المعاهد المتوسطة وما فوق. واقتربت النسب فى حلب من هذا الإطار. حيث سجل البحث أن ٦١ بالمئة من متشيعى حلب ذوو وضع اجتماعى ـ اقتصادى متوسط أو جيد. فيما كان معظم الفقراء المتشيعين منهم (٣٩ بالمئة) ذوى أصول شعية بعيدة (جددوا تشيعهم). أى أن دافعهم إلى ذلک " دينى ". ولم تتجاوز نسب المتشيعين لأسباب " مالية" فى الوسط السنى إجمالا (فى جميع المحافظات التى جرى مسحها) الـ ٣ بالمئة. وسجلت الدراسة " مفارقة ظريفة " فى هذا المجال، وهو أن بعض السنة المتشيعين، وخصوصا طلاب الجامعات منهم، غير ملتزمين دينيا،

ص: ٢٠٢

وكان تشيعهم، حسب ما أفادوا للباحثين، " لأنهم أرادوا الحصول على مبلغ مالى لتسديد نفقات الدراسة أو الزواج رغم أن الالتزام الدينى، سواء أكان سنيا أو شيعيا، إسلاميا أو مسيحيا، لا يعنى لهم شيئا ". وهو ما يمكن أن يصنف تحت عنوان " الانتهازية ". مفارقة ظريفة أخرى سجلتها الدراسة فى الملحق الإضافى لجهة المتشيعين السنة، لا سيما من تشيع منهم بعد الحرب الإسرائيلية الأخيرة على لبنان الصيف الماضى، وهى أنهم " تشيعوا حبا بحزب الله وحسن نصر الله

فى إطار التشيع فى الوسط العلوى، أشارت الدراسة إلى أن الأغلبية الساحقة من المتشيعين) حوالى ٧٦ بالمئة) هم من الطلاب أو العاطلين عن العمل. ولاحظت الدراسة أن قسما من المتشيعين العلويين هم من العسكريين. وهذه الملاحظة منقولة من إفادة أحد رجال الدين العلويين فى طرطوس، لأنه من الصعب معرفة النسبة الحقيقية من المتشيعين العسكريين، لأسباب " لوجستية " مفهومة. أما المتشيعون فى الوسط الإسماعيلى فجلهم (حوالى ٨٤ بالمئة) من الفئات الوسطى وما فوق، منهم ٦٨ بالمئة من حملة الشهادات الثانوية وما فوق .

خلاصات البحث الأساسية

استخلصت الدراسات ستة مؤشرات أساسية من عملية التشيع فى سوريا:

ـ إن معظم حالات التشيع جرت وتجرى فى الوسط الإسلامى المعتبر تاريخيا وفقهيا من " العائلة الفقهية الشيعية " (اسماعيليون، علويون..)؛

ـ إن نسبة التشيع المتواضعة جدا (٢ بالمئة) فى الوسط السنى لا تسمح بالحديث أبدا عن " عملية تبشير شيعى " فى هذا الوسط، خصوصا إذا أخذنا بعين الاعتبار أن قسما من هؤلاء ينحدرون أصلا من عائلات شيعية تسننت مع الزمن لاعتبارات مختلفة ؛
ـ إن نسبة المتشيعين لأسباب اقتصادية ـ مالية (الوضع الاقتصادى ـ الاجتماعى (لا تسمح بالحديث عن " ظاهرة تشيع مأجور " أو " ظاهرة ارتزاق مذهبى" ؛
ـ إن الغالبية الساحقة من حالات التشيع الاسماعيلى تندرج فى " الإطار الطقسى " و " الرمزى" إذا جاز التعبير، كالالتزام بالصلوات الخمس فى مساجد ينفصل فيها النساء عن الرجال بدلا من الصلوات " شبه المختلطة " عند الاسماعيليين حيث النساء الملتزمات دينيا منهم لا يعنين كثيرا بوضع الحجاب وإزالة المكياج أثناء الصلاة. وبالنسبة للمتشيعين العلويين، تلاحظ الدراسة أنها اقتصرت فى غالبيتها الساحقة على الرجال (٩٣ بالمئة). أما النساء المتشيعات فلم يلتزمن بما يعرف بـ " الشادور " (الحجاب(، واكتفين بعطاء عادى للرأس. و يعود هذا

ص: ٢٠٣

أساسا إلى أن الفقه الجعفرى، على الطريقة العلوية، يعفى النساء من واجباتهن الدينية. (المرأة غير مكلفة شرعيا .(
ـ إن استمرار وتيرة التشيع على هذا النحو فى الوسطين الاسماعيلى والعلوى، سيؤدى إلى " انقراض " الطائفة الأولى نظريا خلال عقد من الزمن، وإلى " انقراض" الثانية خلال ربع قرن.
ـ حددت الدراسة نسبة النحراف المعيارى بـ ± ٢,٥ بالمئة .

وفى تقديمه للبحث أشار نزار نيوف إلى أن حركة التشيع فى سوريا بدأت مع العلامة عبد الرحمن الخير (المولود فى العام ١٩٢٥). لكنها لم تأخذ بعدا جماعيا منظما إلا مع جميل الأسد، شقيق الرئيس الراحل، الذى أسس " جمعية الإمام المرتضى " مطلع الثمانينيات الماضية لأسباب " مافيوية ـ سياسية ـ مذهبية مركبة " حسب تعبير الكاتب .حيث "كان همه الأساسى التربح والتكسب من خلال الحصول على أموال إيرانية بذريعة تمكين أعضاء جمعيته، لاسيما العلويين منهم، من أداء فريضة الحج (...) رغم أن العلويين، كما الاسماعيليين، لا يؤدون هذه الفريضة لحجج فقهية وتاريخية مختلفة، بعضها يتصل بأن الحجر الأسود الموجود اليوم ليس الحجر الأسود الأصلى الذى أخفاه القرامطة، وبعضها الآخر ينطلق من اجتهاد فقهى يرى أن الحج والدوران حول الكعبة هو طقس وثنى صرف ". ومن المعلوم أن الرئيس السورى الراحل حل جمعية الإمام المرتضى فى العام ١٩٨٤ وحظر نشاطها قانونيا بقرار من رئيس مجلس الوزراء آنذاك عبد الرؤوف الكسم. كما وأشار فى تقديمه إلى واقعة أن الرئيس السورى الراحل "كان يعارض بقوة عملية التشيع (...) بدليل أنه أمر باعتقال أحد أطباء الأسنان العلويين فى طرطوس، المهلب حسن، وبمصادرة كل المطبوعات والمنشورات التى كان يتولى إحضارها من إيران ."وليس معلوما المصير الحقيقى لهذا الطبيب، ولو أن بعض المعلومات تشير إلى أن الرئيس الراحل "أمر بتصفيته وهو رهن الاعتقال ."

لكن الملاحظة الأهم فى المقدمة هو إشارة الكاتب فى تقديمه إلى أن " عملية التشيع فى الوسط العلوى والاسماعيلى أكثر خطورة وكارثية على المجتمع السورى من تشيع المسلمين السنة بما لا يقاس .(...) فالفروق بين السنة والشيعة تكاد لا تذكر، من حيث التزمت والتعصب الفقهى والطقسى، بينما تشيع العلويين والاسماعيليين والدروز هو الخسارة الحقيقية للتعددية الثقافية فى سوريا، بالنظر لأن هؤلاء هم الورثة الحقيقيون للفكر الاعتزالى وللثورة الثقافية الإسلامية فى القرنين التاسع والعاشر، وآخر بقاياها (...) فضلا عن أنها طوائف علمانية إذا جاز التعبير ؛ بمعنى أنها طوائف تفصل الزمنى عن الدينى فى عقائدها، ولا تؤمن أصلا بفكرة الدولة الإسلامية ". ومن هنا، يقول الكاتب، على القوى العلمانية والمعارضة فى سوريا "أن تتعاطى مع عملية تشيع هذه الطوائف باعتبارها كارثة ثقافية وطنية لا بوصفها خطرا متربصا بالبنية الديمغرافية لسكان سوريا كما يحاول أن يصور الأمر، على

ص: ٢٠٤

نحو شديد الابتزال والسطحية والانتهازية المذهبية ـ السياسية، كل من خدام وجماعة الإخوان المسلمين (...). ذلك لأن جمهور هذه الأقليات الإسلامية الثلاث هو فى الواقع الخزان الحقيقى والأهم والأكبر للحركات العلمانية واليسارية والديمقراطية (...) وبانقراض هذه الطوائف تصبح مهمة القوى الديمقراطية والعلمانية عسيرة جدا، إذ سيتوجب عليها آنذاك النحت فى الصخر السنى بدلا من الغرف من البحر العلوى ـ الاسماعيلى ـ الدرزى ـ المسيحى !"

مقدمة واستهلال

تُعتبر الطائفة العلوية فى سوريا ثانى أكبر طائفة[١]، حيث يأتى "أهل السنة والجماعة "بالمرتبة الأولى، ثم يأتى العلويون، فالمسيحيون، فالدروز..[٢]

ونظراً لغنى سوريا وتنوّعها القديم، الحضارى العريق[٣]، فإن لها من خصوصية التعايش السلمى البديع، والتناغم الاجتماعى التكاملى الفريد، والتفاعل الفكرى التأصيلى والتجديدى الرفيع.. ما ليس لغيرها من بلاد التنوّع والتآلف والاجتماع.
وليس ذلك لافتقار أبناء بقية البلدان الإنسانى (الفكرى والعملى)، وإنما لخصوصية المكان والأحداث (الجغرافيا والتاريخ)![٤]

فموقع سوريا الجغرافى الفائق الأهمية، وطبيعتها الخلابة، وغناها فى الإنسان.. جعل منها محط أنظار الطامحين، وغاية آمال الطالبين.. وكذلك تاريخها الغنى، الملىء بالأحداث المفصلية المؤثرة فى كل المنطقة والعالم، وحضاراتها الأصيلة الباقية، وأمجادها الذاتية الخالدة، وتراثها الخاص وثقافتها المميزة..

وقد أفرز كل ذلك عواملَ قوةٍ وعناصر تفرُّد وأدوات إبداعٍ.. ساهم فى رسم صورتها الإنسانية الحضارية "اليوم"، التى لا مثيل لها!

ومن رحم هذه الأمة المجيدة المباركة ولدت الطائفة العلوية، ومن صميم ذاك الشعب العريق أتى المسلمون العلويون الحضاريون المميزون..

ص: ٢٠٥

وقد كان لتنوّع أبناء الطائفة العلوية نفسها، فى الأصول السحيقة والأعراق البعيدة، أثر فى تركيبة الطائفة العلوية فى سوريا، وهذا ما جعلها خاصة الخاصة أو خلاصة الجمال والبداعة.

ولم يكن للحقب التاريخية السوداء، وما أكثرها، أىّ أثر عميق على جوهر الطائفة العلوية المسلمة النقى، وإنما انحصر أثرها فى العوارض والزوائل التى يكفل شعاعُ نورٍ واحد أن يبدد ظلامَها؛ فقد تأثرت صورة الطائفة العلوية بعد أن دخل عليها ما دخل، وبعد انغلاق أهلها وتقوقعهم فى عصور القهر والظلم (عصور الانحطاط والتراجع(، ولكن لم يُمس ببنيان ذاك الإنسان الشريف التقى النقى، المحب للخير والسلام، العاشق للعلم والمعرفة، الأبى الكريم.. (العلوى(

نعم، نشهد كبوة فى هذا المجال، وكبوة فى ذاك المجال؛ وعلى سبيل التحصيل والجمع :كبوات وكبوات؛ ولكن، مَن لميدان العز والشرف ولحلبة السباق والبطولة غير النخبة والصفوة من أهل كل زمان؛ وهل كان العلويون إلا فى الطليعة مع إخوانهم النخبة من كل طائفة ومذهب!

وفى ختام هذا الاستهلال يحق لنا أن نسأل مَن يتحمَّل مسؤولية ما حصل للطائفة العلوية على مر الزمان وما آل إليه حالها؟

هل يتحمَّل المظلوم المقهور ظلم ظالمه ونتائج بغيه وعدوانه؟

أم هل يُعاقب المُساء إليه على إساءة عدوه الحاقد اللئيم؟!

أصل العلويين

العلويون فى كل مكان كإخوانهم فى تلك الأوطان[٥]، منهم ابن ذاك المكان الأصيل، ومنهم المهاجر إليه منذ الماضى السحيق[٦]، ومنهم المستوطن فيه منذ زمن بعيد. والنوعان الأخيران لا يقلان أصالة عن الأول إذ سكان العالم الأقدمون كانوا قلة ومتناثرين ثم هاجروا ورحلوا وتزاوجوا وأنجبوا.. وبناء عليه، لا يهم كثيراً البحث العميق فى أصل أنساب ذاك القوم أو تلك الفئة من الناس، ولكن المهم الشعور السليم بالمواطنة، والانتماء الحقيقى للوطن!

ص: ٢٠٦

الوطن الذى هو أغلى من كل شىء، وفوق كل شىء..

ونجد فى ثقافة العلويين "المواطنةَ"[٧] بأجمل حللها وأعظم معانيها![٨]

عقيدة العلويين

لعله يتوجَّب علينا تعريف العلويين ــ كما اتُّفِق وصحَّ واشتهر ــ لبيان حقيقتهم وأصلهم، ثم التعريف بالمذهب العلوى (إن صح التعبير[٩])، ثم بيان العلوية الحقة، ومن ثم الوقوف على الحالة التى آل إليها بعض العلويين.
أقول:
"إن العلويين هم مسلمون، إماميون، جعفريون، يعتمدون أصول الشريعة الإسلامية عقيدة لهم ويطبِّقون أحكامها وِفقاً لمذهب الإمام السادس أبى عبد الله جعفر الصادق ــ عليه السلام ــ".[١٠]

شاء مَن شاء وأبى مَن أبى، وافق مَن وافق أو خالف مَن خالف، اعترف مَن اعترف أو اعترض مَن اعترض.. من الداخل أو الخارج!

قال المفتى الشيخ، الدكتور، محمد على حلوم:

العلويون هم المسلمون الموالون لأمير المؤمنين على بن أبى طالب (ع)، وتضم هذه التسمية جميع الأتباع والموالين من العلويين الشيعة بكل تسمياتهم وفئاتهم.[١١]

أما عن المذهب العلوى فهو كباقى المذاهب الشيعية، يُفضِّل علياً (ع) على غيره، ولم يخرج عن النطاق الإسلامى، إلا أنه تسرَّب إليه بعض الغلو.. فكان رجال المذهب يُفسِّرون الدين الإسلامى كما يريدون، خلافاً لِما تفسره بقية الفرق الإسلامية؛ لكنهم ظلوا مسلمين.[١٢]

أما العلوية الحقة فهى موالاة أمير المؤمنين على بن أبى طالب حقيقةً، وهى الامتثال التام لأوامره ونواهيه، والنهل من فكره الإسلامى الصافى والعذب، واعتبار نهجه هو النهج والدليل والطريق!

فما صح وثبت من قوله وفِعله وسيرته هو المحجة والميزان!

نقول بقوله، ونأتمر بأمره.

نحمد مَن حمده، ونكفُّ عن ذم مَن كفَّ عن ذمه؛ ونحب مَن أحبه ونوالى فيه..

لا نتجاوز ما صدر عنه من قول أو فعل، ولا نجتهد اجتهاداً يخالف هديه النبوى، حيث لم يكن الإمام على بن أبى طالب إلا مجسِّداً لسنة نبى الله محمد بن عبد الله المصطفى ــ صلى الله عليه وآله وسلم ــ.
إذن، هذه هى العلوية الحقة، وهذا هو أُس الطائفة العلوية، منذ بدايتها وإلى أن يرث اللهُ الأرضَ ومَن عليها..
أما عن حال بعض أبناء الطائفة العلوية المخالف لبعض ما ذكرنا (عن العلوية الحقة) فمردّه إلى الظروف التى مرَّت بها الطائفة من ظلم واضطهاد وقتْل وتشريد نتج عنه انعزال وانغلاق وجهل وتخلف..
إلا أن تلك الصورة الماضية القاتمة، والحالية المتبيِّضة، لم تخلو من جوهر إسلامى إيمانى ولائى ثمين، وطيبٍ وصفاءٍ والتزام جميل..

فِكر وممارسات العلويين فى سوريا

العلويون مسلمون أولاً وآخراً، حقاً وحقيقة، لا زيادة عندهم فى شىء من أصول الدين ولا فروعه، ولكن لتفرُّد بعضهم بفنون التصوف والعرفان صارت سمة العلوية العامة: "العرفانية"! أما انفرادهم بطائفة مستقلة فهو كحال أقرانهم من بقية المذاهب، حيث اقتضى الفرز المذهبى والطائفى نسبة كل شخص إلى الإمام الذى يقتدى به لتطبيق سنة رسول الله ــ ص ــ.

أما أهل العرفان فهُم ــ بشكل عام ــ يُعنون بفنون المعارف ويكتنزون علوماً خاصة تجمع ما بين صفوة الفلسفة والمنطق والإلهيات وعِلم الكلام وبين خلاصة علوم الدين (كـ" :زبدة" علوم القرآن، لا سيما حقيقة علم التأويل.(
أما ممارساتهم فهى مماثلة لممارسات نظرائهم من بقية الطوائف، وهى تتأرجح ما بين العلوى الحق الملتزم بالشريعة التزاماً كاملاً ــ حقاً ــ وغير المهتم بالمسالك العرفانية، وهو يمثل الكتلة العظمى للطائفة والسواد الأعظم الساحق لها[١٣]؛ وبين العلوى غير الملتزم تماماً بظاهر الشريعة لتقصير وتقاعس مماثل لأشباهه من بقية المذاهب، أو المعتمِد على حقائق وجواهر عرفاء طائفته ومتصوّفيهم، وهو مقصِّر مذنب بنظر شيوخه ومعلّميه قبل غيرهم.

لكن، وعلى أى حال، يبقى للظلم الذى تعرَّضت له الشيعة عموماً، والعلوية خصوصاً، اليد الطولى والدور الأكبر فى انعزال وتقوقع المسلمين العلويين وظهور بعض العادات الدخيلة وبعض المظاهر الغريبة!

فلو أخذنا مثالاً على ذلك :الشيعى، أو العلوى، الذى كان يرغب بأداء صلاته وِفق المذهب الجعفرى هل كان له ذلك دون تعريض حياته وماله وعرضه للخطر الحقيقى فى كافة الحقب السالفة السوداء؟ فإذا كان هذا حاله مع الصلاة الصحيحة السليمة التى هى عمود الدين، والتى تم الاعتراف بها وبالمذهب الذى تُقام وِفق فقهه من قِبَل أكبر وأعرق وأقوى وأقدم مرجعية إسلامية (الأزهر الشريف)، فماذا سيكون حاله لو احتفل بعيد الغدير أو لو أقام مأتماً يوم عاشوراء؟... !

لذلك كان على العلوى أن يفر بجلده إلى أمنع وأبعد حصن يمكنه اللجوء إليه، وأن يختفى عن العيون ويستر نفسه.. مخافة الظفر به؛ وأن يُمارِس صلاته ورواتبه الدينية ـــ الصحيحة من حيث المنشأ والأصل ـــ بعيداً عن الأنظار، وفى المنازل والخلوات!

ومن هنا شوهد فى بعض العصور فتورٌ فى بناء الجوامع وبُعدٌ عن بعض شعائر الإسلام[١٤]، خوفاً على النفس والمال والعرض، ومن جراء استمرار تلك الظروف القاسية الصعبة أخذ العلوى يخنق نفسه شيئاً فشيئاً فى عزلة لا تليق به وبماضيه العريق..

وهكذا حصل الافتراق، وتكرّس الاختلاف، وظهرت العادات الدخيلة، ونمت البدع.. إلا أن عصر الصحوة المباركة[١٥]، والتى قام بها المصلحون من أبناء الطائفة العلوية بمؤازرة إخوانهم الغيورين الأوفياء من أهل السنة والجماعة لا سيما أبناء البلد الأشقاء الكرام، ما لبث أن ظهر فأفِل عصر الظلم والهوان.. وما الممارسات الدخيلة لبعض الأمور الدينية أو التهاون الزائد عند بعض المنتسبين إلى الطائفة العلوية فى سوريا ببعض شعائر الإسلام ومناسكه إلا أسير صفحات التاريخ، وجزءاً بسيطاً صغيراً آيلاً إلى التلاشى فى واقعنا الحالى الجميل.. ويمكننا تلخيص مراحل التدرّج الدينى لدى العرفانيين من أبناء الطائفة العلوية، وهى عينها لدى جميع العرفانيين فى مشارق الأرض ومغاربها، بثلاثة مراحل تقود كل منها إلى الأخرى بشكل متسلسل!

ص: ٢٠٩

·الشريعة.

·الطريقة.

·الحقيقة.

تمثِّل الأولى ما يُعرَف بعِلم الظاهر، أو: المعرفة. وتمثِّل الثانية: ما يُعرَف بعِلم الباطن، أو: معرفة المعرفة، بمعنى: المعرفة العميقة. وتمثِّل الثالثة: ما يُعرف بباطن الباطن، أو: معرفة عرفان المعرفة، بمعنى: لب المعرفة أو قرارها.. قال الأستاذ على محمد الموسى:

المسلمون العلويون أصحاب طريقة صوفية شأنهم شأن أصحاب الطرق الصوفية فى الإسلام تعبَّدوا بها منذ القرن الثالث الهجرى[١٧]..[١٦]

وقال المرحوم الحاج، الشيخ، عبد الرحمن الخير:

}إن طرق التصوُّف هى أساليبٌ للذكْرِ يطلع عليها بعضُ الناسِ دون بعض، وقد يوجد أستاذٌ يأخذ بطريقة ما من طرق التصوف ويرفضها تلميذه، أو أنه لم يطلع عليها، كما قد يوجد ابنٌ يأخذ برأى متصوف فى حين أن أباه وأخاه، وهما فى مرتبته العلمية، يسفِّهان ذلك الرأى أو يرفضانه، أو لم يطلعا عليه .وهذا عام عند جميع السالكين فى طرق التصوف المتعددة، حتى أن أبناء الطريقة الواحدة يختلفون فيما بينهم حول تفسيرٍ أو رأى أو أسلوب، فتنشق الطريقة إلى شعب متعددة. وبرغم كل هذا فإن السالكين فى أية طريقة صوفية هم قلة بالنسبة إلى مَن لا يهتمون بالطرق من جميع فئات المسلمين على اختلاف مذاهبهم.{[١٨[

وقال أيضاً ـــ طيب الله ثراه ـــ:

}نعم يوجد أفراد قلائل من المسلمين العلويين يؤمنون بالباطن وبالتأويل كما يوجد أمثالهم من العلماء المسلمين السنيين من المتصوفين الذين يقولون بالباطن وبالتأويل وبالأسرار الدينية والأدلة المنقولة من مصادرها المثبتة والواردة فى القسم الثالث من هذه الرسالة تؤكد هذا وكذلك التناسخ يؤمن به بعضهم وينكره البعض الآخر لعدم تثبتهم من الروايات القائلة به وهو ليس عقيدة دينية بل نظرة تعليلية لما يرونه من حوادث لا تنسجم مع العدل الذى هو الثانى من أصول الدين الخمسة عندهم.

ص: ٢١٠

المسلمون العلويون قديماً وحديثاً هم جميعاً على المذهب الجعفرى المعروف. وهم مسلمون، مؤمنون، إماميون اثنا عشريون وبهذا يختلفون عن الإسماعيليين ولا مذاهب كبرى ولا صغرى تميزهم عن المسلمين الشيعة الجعفرية والجهل الدينى المنتشر بين جماهيرهم كما هو بين جماهير الشيعة والسنة من مختلف المذاهب وفى مختلف الأقطار الإسلامية ولا يجوز اعتباره عقيدة لهم ولا لغيرهم وقول بعضهم بالتصوف أو بالتناسخ لا يعده

عقيدة لهم إلا ذو غرض يعتمده للتشهير والتشنيع المخالف للتعاليم الإسلامية التوحيدية ومن الظلم المخجل اعتباره عقيدة لقوم وعدم اعتباره عقيدة لآخرين مثلهم.}[١٩[

وقال الشيخ الدكتور محمد حسن البادیانی النیسابوری:

أهل العرفان إذا ذكروا فی معرض المعرفة دُعوا بالعُرفاء، وإذا ذُكروا فی معرض أمر اجتماعی دُعوا بالمتصوفة.[٢٠[

واقع وحقيقة

سوريا بلد حضارى وغير طائفى وإنْ شَهدتْ يوماً اقتتالاً طائفياً ونزاعاً دموياً بين السلطة وبعض الخارجين المتمردين على الدولة والقانون (تم التغرير ببعض شبانها الناشئين بقرار ودعم خارجى وبتواطؤ بعض المأجورين وجهل بعض المتحاملين..(

وعلوية سوريا يختلفون عن غيرهم كثيراً من حيث وجودهم وتفاعلهم الاجتماعى، ومن حيث حجمهم ودورهم فى تركيبة النسيج الاجتماعى السورى!

فالمسلم العلوى فى سوريا قريب كل القرب من إخوانه السنة، وملتصق كل الالتصاق بكتلته المذهبية "الشيعة".. فهو ابن سوريا التى لا يُفرِّق أبناءها دينٌ ولا مذهب (فما بالكم بأبناء الدين الواحد والشرع الواحد). الابن الطيب السمح المحب للخير والسلام الصانع لهما، والعاقل المعتدل المنفتح المتفهِّم.. وهذه خصال أبناء سوريا عموماً وإنْ ظهرتْ بعضُ الحالات الشاذة هنا وهناك جراء تربية خاطئة أو التأثر ببيئة فاسدة أو تبنّى مفاهيم وافدة! أما الفترات المحددوة ــ السوداء ــ التى شهدتْ صراعاً سياسياً بصورة نزاع طائفى، وقلائل ونعرات دينية (مذهبية مستورَدة) واجتماعية (طبقية ضيقة) عند جهال تلك العصور ومفتونيهم، فهى صفحات من التاريخ، جرت أحداثها بين طرفين أساسيين، طرف مُغرَّر به (من وراء الحدود وبعض المأجورين أو الضالين داخل الحدود)،

ص: ٢١١

ومفتون، قُدِّم له الباطل بصورة الحق أو الحق الممزوج بالباطل بصورة الحق الصافى؛ وطرف مثار حوله الشبهات لم يُترَكْ له إلا خياران بعد فشل الحلول السلمية، إما قمع التمرّد وفرض هيبة الدولة والسماح للمؤسسات والآليات الدستورية بالعمل عبر الطرق القانونية والشرعية، وإما ترك مصير البلاد والعباد للمجهول..[٢١[وعلى أى حال، لا علاقة للدين ولا لمذهب من المذاهب بما حدث، فما جرى قد ولَّى ومثله قد حدث بين أبناء الطائفة الواحدة وفى مختلف البلدان الإسلامية، قديماً وحديثاً؛ وقاتل اللهُ التطرف وأهله، ولعن الله مَن أوقظ الفتنة النائمة..

إن جمهور المواطنين من كافة الطوائف والمذاهب شرفاء وبريئون من كل ما حدث، ولا علاقة لهم ــ البتة ــ بشىء؛ وكل مَن يقول غير ذلک منهم فهو إما جاهل أو مفتون، ولا يؤبَه بكلامه، كما تجب معالجته..

أما مسألة التعصُّب المشاهَد عند بعض الجهال من كل ملة ومذهب فمردُّه إلى الثقافة غير الصحيحة والبيئة غير الصحية التى شب عليها، ويجب النظر إليه نظرة شذوذ ومرض، وتجب معالجته معالجة عميقة وجذرية ونهائية..[٢٢]

قضية لا بد من معالجتها

)العلويون وفتاوى ابن تيمية(

استعمل العَمَلةُ المأجورون فتاوى ابن تيمية فى المسلمين العلويين لتحقيق مآربهم الشيطانية، وقد تم تضليل بعض أهل القرار من الخارج وبعض الشرفاء من الداخل، بتخطيط ودعم بعض أعداء الحق والخير من العرب والمسلمين ومن غيرهم!

وقد تم تشويه صورة بعض البلدان الإسلامية المركزية، وتشويه صورة علمائها وأهل القرار بها بما تم القيام به من أعمال وحشية دموية تنافى الإسلام وتعارض القيم الإنسانية، فكما قال الإمام على بن أبى طالب ــ كرَّم الله وجهه ــ:

الراضى بفعل قوم كالداخل فيه معهم، وعلى كلٍّ داخلٍ فى باطلٍ إثمان: إثم العمل به، وإثم الرضى به. [٢٣]
كما تم تشويه صورة ابن تيمية نفسه ــ المشوَّهة أصلاً ــ؛ وهو الشخص المثار حوله الكثير من الجدل!
وقد يستغرب بعضُ مَن أَلِفَ سماعَ لقبِ "شيخ الإسلام" يسبق اسمَ "ابن تيمية "القولَ بأن ابن تيمية شخصية جدلية، أو لم يُتَّفق على حمده أو على رفعة مكانته العلمية أو الدينية، ولكن ببيان الأمر كما يُقدِّمه التاريخ والواقع

يزول الاستغراب وتحل القناعة الجديدة بدل الدهشة كما يجب أن يحل الوئام بدل التعصُّب..
ولا أقصد من وقوفى هذا على شخصية ابن تيمية أو فتاويه التعرُّض لشخصه، أو الحط من قدره؛ بل أُريد أن أقول أن مَن أراد الاقتداء بابن تيمية فليكن غيوراً على الدين والمسلمين كأساس غيرة ابن تيمية، فلا يزيد من الإساءة إليه! وعليه بكل الأحوال ترك الناس وشأنهم، فلا حرب إلا على عدوٍّ يريد بالإسلام والمسلمين شراً وأذى. أما مَن رأى بابن تيمية صورة من صور الشذوذ والضلال فعليه أن يكف قلمه ولسانه عما يهيج بعض المسلمين، وليلجأ إلى النقد العلمى الموضوعى الأدبى الرفيع البنَّاء، فهو الأسلم والأجدى، وليحترم مشاعر الناس..
أقول:
مما اتفق عليه بين المؤرخين حول سيرة ابن تيمية:

- أنه دخل فى خصومات عقائدية حادة مع علماء عصره من المخالفين له.[٢٤]

- أن علماء الشافعية ردوا عليه ومنعوه من التعليم![٢٥]

·أنه طُلب إلى مصر من أجل فتوى أفتى بها، فقصدها، فتعصَّب عليه جماعةٌ من أهلها فسجن مدة، ونقل إلى الإسكندرية.[٢٦]

·أنه سافر إلى دمشق سنة /٧١٢/هـ بعد أن أُطلق سراحه، دمشق التى نبغ فيها واشتُهر من قبل، فاعتُقل سنة /٧٢٠/هـ ثم أُعيد، ومات معتقلاً بقلعة دمشق.[٢٧]

أما فتاويه فى النصيرية (العلوية)، وهى فتن وليست فتاوى فبها سُفكت دماء مسلمة وزُهقت أرواح بريئة، فأشهرها:

·هؤلاء القوم المسمون بالنصيرية هم وسائر أصناف القرامطة الباطنية أكفر من اليهود والنصارى، بل وأكفر من كثير من المشركين، وضررهم على أمة محمد ـــ ص ـــ أعظم من ضرر الكفار المحاربين مثل عظيم التتار والفرنج وغيرهم، فإن هؤلاء يتظاهرون عند جهال المسلمين بالتشيّع وموالاة أهل البيت.. يأخذون كلام الله عند علماء المسلمين يتأولونه على أمور يفترونها يدّعون أنها علم الباطن. ومن جنس قولهم إن الصلوات الخمس معرفة أسرارهم، والصيام المفروض كتمان أسرارهم، وحج البيت العتيق زيارة شيوخهم، وأن يدا أبى لهب هما أبو بكر وعمر، وأن النبأ العظيم الإمام المبين هو على بن أبى طالب. وهم تارة يبنون قولهم على مذاهب الفلاسفة

الطبيعيين أو الإلهيين، وتارة يبنونه على قول المجوس الذين يعبدون النور، ويضمّون إلى ذلك الرفض، ويحتجّون لذلك من كلام النبوات إما بقول مكذوب وإما بلفظ ثابت عن النبى ـــ ص ـــ يحرفونه عن مواضعه.. وقد اتفق علماء المسلمين على أن هؤلاء لا تجوز مناكحتهم، ولا يجوز دفنهم فى مقابر المسلمين، ولا يُصلَّى على مَن مات منهم. وأما استخدام مثل هؤلاء فى ثغور المسلمين، أو حصونهم، أو جنودهم، فإنه من الكبائر، وهو بمنزلة مَن يستخدم الذئاب لرعى الغنم، فإنهم من أغش الناس للمسلمين ولولاة أمورهم، وهم أحرص الناس على فساد المملكة والدولة. دماؤهم وأموالهم مباحة، وإذا أظهروا التوبة ففى قبولها نزاع بين العلماء، فمَن قبل توبتهم إذا التزموا شريعة الإسلام أقر أموالهم عليهم، ومَن لم يقبلها لم تنقل إلى ورثتهم من جنسهم فإن مالهم يكون فيئاً لبيت المال. لكن هؤلاء) النصيرية) إذا أُخذوا يُظهرون التوبة لأن أصل مذهبهم التقية وكتمان أمرهم، وفيهم مَن يعرف ومَن قد لا يعرف، فالطريق فى ذلك أن يحتاط فى أمرهم، فلا يُتركون مجتمعين، ولا يُمكَّنون من حمل السلاح، ولا أن يكونوا من المقاتلة، ويُلزَمون شرائع الإسلام من الصلوات الخمس وقراءة القرآن، ويُترك بينهم مَن يعلمهم دين الإسلام، ويُحال بينهم وبين معلِّميهم. ولا ريب أن جهاد هؤلاء وإقامة الحدود عليهم من أعظم الطاعات، وأكبر الواجبات، وهو أفضل من جهاد مَن لا يُقاتِل المسلمين من المشركين وأهل الكتاب، فإن جهاد هؤلاء من جنس جهاد المرتدين والصدّيق وسائر الصحابة بدأوا بجهاد المرتدين قبل جهاد الكفار. ويجب على كل مسلم أن يقوم فى ذلك بحسب ما يقدر عليه من الواجب، فلا يحل لأحد أن يكتم ما يعرفه من أخبارهم، بل يفشيها ويظهرها ليعرف المسلمون حقيقة حالهم..[٢٨]

·هؤلاء الدرزية والنصيرية كفار باتفاق المسلمين، لا يُحل أكل ذبائحهم، ولا نكاح نسائهم، بل ولا يقرون بالجزية؛ فإنهم مرتدون عن دين الإسلام، ليس مسلمين؛ ولا يهود، ولا نصارى. لا يقرون بوجوب الصلوات الخمس، ولا وجوب صوم رمضان، ولا وجوب الحج، ولا تحريم ما حرّم الله ورسوله من الميتة والخمر وغيرهما. وإنْ أظهروا الشهادتين مع هذه العقائد فهم كفار باتفاق المسلمين.[٢٩[

·إن النصيرية من أعظم الناس كفراً، وهم مرتدون من أسوأ الناس ردة، تُقتل مقاتلتهم، وتغنم أموالهم.. والنصيرية لا يكتمون أمرهم، بل هم معروفون عند جميع المسلمين، لا يصلون الصلوات الخمس، ولا يصومون شهر رمضان، ولا يحجون البيت، ولا يؤدون الزكاة، ولا يقرون بوجوب ذلک، ويستحلون الخمر وغيرها من المحرمات، ويعتقدون أن الإله على بن أبى طالب. [٣٠[

) ·وخلاصة قوله وفتاويه): النصيريون فى الحقيقة لا يؤمنون بالله ولا برسوله، ولا بكتابه ولا بأمر ونهى، ولا ثواب ولا عقاب ولا جنة ولا نار، ولا بأحد من المرسلين قبل محمد ــ صلى الله عليه وسلم ــ ولا بملة من الملل.[٣١[

وبوقوف سريع على مجمل ما ورد فى تلک الفتاوى نجد الحقائق التالية:

-١خلط ابن تيمية بين العلوية وغيرها. (كالدروز البعيدين كل البعد عن العلوية والشيعة(!
-٢عمم الشبهات ــ المفتراة بمعظمها ــ على سائر المسلمين العلويين.

-٣خلط بين الفلسفة (الفلاسفة) والعرفان (العرفانيين)، وبين العرفان والتصوّف؛ وبين كل ذلک والجمهور المسلم العلوى (العادى) المكتفى بإقامة الشرائع والمناسک حسب المعروف والمشهور.

-٤قدَّم بالمادة المغلوطة التى أتى بها وبجمعه لهذا الكم من الافتراءات خدمةً لمريدى السوء بالإسلام والمسلمين لم يكونوا ليحلموا بأبعد منها!

-٥استباح دماء المسلمين العلويين وأموالهم، ونظر فى توبتهم، وهذا توحُّش لا إنسانية، وحقد وعصبية لا غيرة ولا خوف على الدين؛ فلو صحَّ عنهم كل ما كُذب عليهم لكان عليه أن يهديهم أو يوهِّن حججهم ويقطع الطريق عليهم..

وقد علم مَن له أدنى باع بالإسلام الحقيقى، أو أبصر نوراً أو استلمح هدياً من نبى الإسلام ــ ص ــ أن مثل تلک الفتاوى والآراء لا تمت للإسلام بصلة، وأنها لا تخدم إلا أعداء الإسلام!

وقد علم ـــ أيضاً ـــ كل مَن عرف مسلماً علوياً واحداً، فضلاً عمَّن خالطهم، بأن المسلم العلوى هو أبعد الناس عن الشرك، وبأنه يؤمن بالله وحده، ويؤمن بنبوة ورسالة الحبيب المصطفى ـــ ص ـــ وأنه يقر باليوم الآخر وبأن الجنة حق والنار حق..

)قاتل اللهُ العصبية والهوى المؤديان إلى الهلاك والردى(

وبعيداً عن فتاوى ابن تيمية فى الطائفة العلوية التى ما أوردناها إلا لنبيّن الظلم الذى لحق بالمسلمين العلويين، وأسباب العزلة التى فرضتها العلوية على نفسها والحال التى آلت إليها بسبب تلك العزلة، ومَن يتحمَّل مسؤولية

كل ذلك. ولنكشف شرار الخلق الذين ضللوا الناسَ وغرروا بهم بنبش تلك الفتاوى والإساءة إلى صاحبها، بدل من تبيين موقف مُصدِرها[٣٢] وتصحيح ما شذ منه ..ولقد كان الحرى بهم أن يقولوا أن تلك الفتاوى إنما أُصدرت خوفاً على الدين وحفاظاً عليه، وأن فيها من اللغط الكثير والافتراء الواضح ما يجعلنا نعيد النظر فيها وبصحتها وبجدواها، وأن ليس كل مَن اتُّهموا يقولون بالتقية، وأن التقية فى الأصل غير ما ذُهب إليه، وأن كل المسلمين العلويين يقرون بالشهادتين حقاً وحقيقة، وهم إخوة الدين والوطن....

أقول:
بعيداً عن تلك الفتاوى أُذكِّر ببيان عقيدة المسلمين العلويين الذى أصدره الأفاضل من علماء الطائفة العلوية فى الجمهورية العربية السورية وجمهورية لبنان عن إيمان وقناعة لا عن تقية أو مجاملة، والذى تضمَّن الحقائق العلوية الصحيحة والثابتة كاملة، والذى خلا بنصّه وروحه من أية كلمة تحرفه عن الإسلام القويم؛ وأُورد من أقوال ابن تيمية ما يؤسس لعلاقة طبيعية طيبة بين سائر المسلمين، وما يفضح نوايا وأهداف الدعاة المشبوهين والأزلام المأجورين الذين أوقظوا الفتنة ونشروا الشر والأذى والرعب.

قال ابن تيمية:

أصل الإيمان قولُ القلب وعمله، أى علمه بالخالق وعبوديته للخالق، والقلب مفطور على هذا وهذا.[٣٣[

وقال:
التوحيد ضد الشرك، فإذا قام العبد بالتوحيد الذى هو حق الله فعبده لا يشرك به شيئاً كان موحِّداً. [٣٤[

وقال:
يعتقد أهل السنة أنه سبحانه لا سمى له، ولا كفء، ولا ند، ولا يُقاس بخلقه. وأنه أعلم بنفسه وبغيره، وأصدق قيلاً وأحسن حديثاً من خلقه..[٣٥[

وقال:

مذهب السلف ــ رضوان الله عليهم ــ: إثبات الصفات وإجراؤها على ظاهرها، ونفى الكيفية عنها، لأن الكلام فى الصفات فرع عن الكلام فى الذات، وإثبات الذات إثبات وجود لا إثبات كيفية، فكذلک إثبات الصفات.[۳۶]

وقال:

المطلق لا يكون مطلقاً إلا فى الأذهان، لا فى الأعيان.[۳۷]

وقال:

المستحب رواية الحديث بألفاظه، فإن نقله على المعنى وأبدل اللفظ بغيره بما يقوم مقامه من غير شبهة ولا لَبْس على سامعه جاز، إذا كان عارفاً بالمعنى كالحسن ونحوه.[۳۸]

وقال:

الكلام فى الشرع والقدر: هو من باب الطلب والإرادة، الدائر بين الإرادة والمحبة. وبين الكراهة والبغض، نفياً أو إثباتاً.[۳۹]

وقال:

أهل الحق لا يطعنون فى جنس الأدلة العقلية، ولا فيما عَلِم العقلُ صحته.[۴۰]

وقال:

النظر تجريد العقل عن الغفلات، وقيل هو تحديق العقل نحو المرئى. والأول هو النظر الطلبى وهو طلب ما يدلّه على الحق. والثانى هو النظر الاستدلالى وهو النظر فى الدليل الذى يوصله إلى الحق وهذا الثانى هو الذى يوجب العلم.[۴۱]

وقال:

فما كان من الخوارق من باب العلم. فتارة بأن يسمع العبدُ ما لا يسمعه غيره، وتارة بأن يرى ما لا يراه غيره يقظة أو مناماً، وتارة بأن يعلم ما لا يعلمه غيره وحياً وإلهاماً، أو إنزال علم ضرورى، أو فراسة صادقة، ويسمى كشفاً ومشاهدات، ومكاشفة ومخاطبات.[۴۲]

وقال:
الدعاء مشروع أن يدعو الأعلى للأدنى، والأدنى للأعلى، فطلب الشفاعة والدعاء من الأنبياء كما كان المسلمون يستشفعون بالنبى ــ ص ــ فى الاستسقاء، ويطلبون منه الدعاء، بل وكذلک بعده استسقى المسلمون عمرو بالعباس عمه..[٤٣]

وقال:
فقوله "لا إكراه فى الدين قد تبيَّن الرشد من الغى" وهذا نص عام أنَّا لا نُكره أحداً على الدين.[٤٤]

وقال:
قال على بن أبى طالب ــ رضى الله عنه ــ: "لا بد للناس من إمارة برَّة كانت أو فاجرة"، فقيل: يا أمير المؤمنين، هذه البرَّة قد عرفناها، فما بال الفاجرة؟ فقال: "يُقام بها الحدود، وتأمَن بها السُّبل، ويُجاهَد بها العدوّ، ويُقسم بها الفىء".[٤٥]

وقال:
القضايا تتفاوت فى الجلاء والخفاء لتفاوت تصوّرها كما تتفاوت فى الأذهان لتفاوت الأذهان.[٤٦]
وقال:
كل إنسان فهو همّام حارث حسَّاس، متحرّک بالإرادة، بل كل حى فهو كذلک، له علم وعمل بإرادته، والإرادة هى المشيئة والاختيار، ولا بد فى العمل الإرادى الاختيارى من مراد هو المطلوب، ولا يحصل المراد إلا بأسباب ووسائل تحصله..[٤٧]

وقال:
المقتصد: المؤدى للفرائض، المجتنب للمحارم. والسابق للخيرات: هو المؤدى للفرائض والنوافل.[٤٨]

وأُمسک هنا خوف الإطالة، وفيما ذكرتُ كفاية؛ وأختم هذا الفصل بالسؤال التالى:

ألم يكن بين يدىّ مسعِّرى الفتنة مادة تخدم الإسلام وتجمع المسلمين، ولابن تيمية نفسه، غير تلک التى استعملوها؟!

العلوية والمرجعية

)مرجعية العلويين(

العلويون فى سوريا نسيج متجانس ومنسجم ومتوحِّد ومتناغم فى مجتمعاتهم، لذلك لا مرجعية مستقلة على الحقيقة لهم، ولا خاصة![٤٩]

فمن الناحية الاجتماعية تتكون المرجعيات من الأقطاب القريبة والفاعلة، وهذا ليس فى المجتمع العلوى الصافى أو المختلط فحسب، وإنما عام فى كل المجتمعات الواحدة والمختلطة!

أما مرجعيتهم السياسية فتتمثل فى قيادة الدولة والمؤسسات التشريعية والتنفيذية المنتخبة عبر الشعب، المحققة لطموحاته، والمعيَّنة من قبل الأعلى وفق الأصول وبناءً على مقترحات القاعدة؛ وهم يتحرَّكون فى الساحة السياسية كمعظم أبناء سوريا ــ تأييداً أو دعماً أو نقداً أو معارضةً ــ بالسُّبل والطُّرق القانونية والشرعية. ويؤمنون كل الإيمان بالدولة والقانون والعمل السلمى. أما مَن خالف ذلك منهم فمثله مثل نظرائه من بقية الطوائف، وموقفهم منه كموقف إخوانهم ــ فى الوطن ــ منه.[٥٠]

أما مرجعيتهم الدينية فتنقسم إلى قسمين، قسم رسمى يتمثَّل بمرجعية الدولة (وزارة الأوقاف ودار الفتوى)، وقسم غير رسمى يتمثَّل برجال الدين الأكفياء الأصحاء، حيث يلجأ المحتاج إلى عون أو مشورة مَن يراه أهلاً، بدءاً من الأقرب مكاناً والأشهر سمعة إلى الأبعد والأقل حظاً فى الشهرة..

طموحات العلويين فى سوريا

ليس للمسلمين العلويين فى سوريا طموحات خاصة، فكلهم يطمح على الصعيد الشخصى بتحسين معيشته وتطوير نفسه ثقافياً واجتماعياً ومالياً.. وعلى الصعيد العام يطمح جميع أبناء سوريا، والعلويون منهم خصوصاً، بأفول نجم الطائفية الشعبى المتخفى "الردىء"، وصعود نجم التلاحم التام والصفاء التام بين جميع شرائح ومستويات وطوائف ومذاهب المجتمعات السورية، وبعودة المغرِّدين خارج السرب إلى كنف الوطن والنضال السلمى المشروع بين الأهل والأحباب، وأن يلتف الشعب ويتوحَّد خلف قيادته الحكيمة ويساعد تلك القيادة على تصحيح ما احتاج إلى تصحيح، وتطوير ما افتقر إلى تطوير، واجتثاث ما يجب اجتثاثه.. فيذهب المفسدون إلى جحيمهم الذى أرادوه وسعوا إليه بكل قوة وإخلاص، ويُحاسَب المخرِّبون، وتُعان النخبة والقيادة المخلصة على الخير، ويُرشَد ويُهدى ويُقوَّم مَن احتاج إلى شىء من ذلك..

فشعار السوريين: يداً بيد، بالخير والنور والجد والإخلاص، نبنى سوريا ونحميها..

خاتمة

حاولت فى دراستى المتواضعة هذه أن آتى على مجمل ما يحتاجه مريد الحقيقة عن الطائفة العلوية المسلمة، لا سيما من الأشقاء العرب والمسلمين!

كما حاولت أن أتحدَّث عن كل الأحداث والمفاصل الهامة والأساسية وإنْ بشيء من الرمزية أو العجلة، منعاً من تأجيج النعرات أو إثارة الحساسيات، ولعدم رغبتى فى تهييج المتربّصين بى وبموقعى المتواضع "العلويين الأحرار" من الداخل والخارج!

وأعتقد أن فيما قلته أو أشرتُ إليه كفاية؛ وما لأحد علىَّ مأخذ

فإنْ كنتُ قد وُفِّقتُ لتحقيق غايتى فى إزالة اللبس وكشف الظلم وبيان الحقيقة والتأسيس للوفاق والمصالحة.. خدمة للدين والوطن، فبفضل الله علىَّ وحُسن توفيقه. وإنْ كنتُ قد أخفقتُ وفشلتُ فى مساعىّ وتحقيق غايتى فلتقصيرى وقلة حيلتى وضعف مادتى وجهلى وتفريطى.. وهذا بى لائق وعلىَّ عائد.. (يليق بى وبمثلى(أخيراً، أرجو من الإخوة والأهل الأعزاء، ممن قرأ مقالتى وفهم خطابى، أن يساعدنى على تحقيق رجائى، وأن يتجاوز زلاتى، وأن يدعو لى بظهر الغيب دعوة أكتنزها فى أيام عسراتى وأحتسبها عند ربى فى ميزان حسناتى ـــ بإذن الله ومنّه وفضله ـــ..

وسلام الله على مسلمى الأرض جميعاً، ومحبيهم، وأخص منهم إخوانى فى الوطن من المسيحيين وغيرهم، الشرفاء الكرام الأعزاء..

الفقير لله تعالى

سام محمد الحامد على

ص: ٢٢٠

دبى– حيان نيوف

نفى المفتى العام لسوريا، الشيخ أحمد بدر الدين حسون، صحة تقارير صحفية نشرت خارج سوريا تحدثت عن "تشيعه" وعن انتشار التشيع بين أهل السنة بدعم إيرانى وموافقة رسمية سورية. وبينما ذكر أنه طمأن الداعية السعودى الشيخ سلمان العودة أنه لا صحة لهذه التقارير، أشار الشيخ حسون إلى ازدياد عدد المدارس الشرعية التى تدرس الفقه الحنفى والشافعى فقط.

وتبرز أهمية تصريحات الشيخ أحمد بدر الدين حسون فى هذا الحوار، وهو الحائز على درجة الدكتوراه العالمية من الأزهر الشريف بدرجة امتياز فى الفقه الشافعى، من كونه رئيسا للمجلس الأعلى للإفتاء فى سوريا فضلا عن علاقاته الواسعة مع جميع الطوائف الدينية، ويوصف بأنه قوى فى الافتاء ويؤخذ برأيه فى الأوساط الشعبية والرسمية وأنه من الداعين لنبذ العنف و التقريب بين المذاهب والحوار مع غير المسلمين. وقد تقلد هذا المنصب بعد وفاة المفتى السابق الشيخ أحمد كفتارو، عبر مرسوم رئاسى صادر عن الرئيس بشار الأسد.

وقال المفتى العام لسوريا لـ"العربية.نت" إن الذين يتحدثون عن تشيعه إنما يسوقون اتهامات مضحكة، وأضاف: فى سوريا يوجد مفت للجمهورية ومفت للشافعية والأحناف والجعفرية. أرجو من هؤلاء الذين ينقل عنهم هذا الحديث أن يعلنوا عن أسمائهم وأن يقولوا نحن الذين نتهم لا أن يقولوا والله أخبرنا بعض العلماء من حلب أنهم نصحوا المفتى ألا يتشيع، هذا الكلام ليس فيه إلا نص واحد جاء فى القرآن الكريم "يا أيها الذين أمنوا إن جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا أن تصيبوا قوما بجهالة فتصحبوا على ما فعلتم نادمين."

وتناول الشيخ حسون تقارير صحفية تحدثت عن تشيع بين أهل السنة بدعم من إيران وموافقة من الحكومة السورية، فقال: تابعت الأمر بشكل شخصى وتبين أنه غير صحيح، واتصلت بالشيخ سلمان العودة وطلبت منه أن يدلنى على موقع من المواقع التى يقال إن فيها انتشار للتشيع بسوريا، وكان سعيدا بتوضيح الأمور له، وقال إن هذه الأنباء جاءته من بعض الإخوة ولذلک تكلمت بها، فدعوته لزيارة سوريا ليرى حقيقة الأمور.

واستطرد بأن الذين يتحدثون عن تشيع لا ينتبهون إلى أنه منذ ١٥ سنة أنشئ فى سوريا أكثر من ٣٥ مدرسة شرعية تدرس الفقه الشافعى والحنفى فقط.

ص: ٢٢١

وتابع: السؤال أوجهه إلى من يتحدثون عن انتشار التشيع بسوريا إذا كانوا يتقون الله: كم مسجدا وكم جامعا بنى فى سوريا خلال العشر سنوات الأخيرة ؟ وكم مدرسة شرعية أسست؟ وكم عدد العلماء الذين ينتشرون فى سوريا وكليات الشريعة التى فتحت فى حلب؟ والتى لها ٣ مراكز بدمشق مثل مجمع أبوالنور ومجمع الفتح، وهناک جامعات اسلامية ليست سنية ولا شيعية.

وأشار إلى وجود حالات مثل العودة إلى بناء قبور الصالحين والمشايخ عند السنة والشيعة، مشددا على أن تعبير

"سنى وشيعى" " هما سياسيان وليسا دينيين" ، وقال إن "المسلمين فى سوريا يعتبرون كل المذاهب الاسلامية من الجعفرية والاسماعيلية والموحدين والعلويين مسلمين، والمذاهب التى يختلفون فيها هى مذاهب فقهية لا مذاهب عقائدية."

العلويون مسلمون

ورفض الشيخ أحمد حسون التشكيک فى إسلام العلويين كما تضمنت مواقع ومنتديات اسلامية سورية معارضة فى الخارج فى سياق حديثها عن انتشار التشيع بسوريا، قائلا: "العلويون مسلمون وكذلک الموحدون(الدروز (والاسماعيليون وكل من يقول لا إله إلا الله محمد رسول الله فهو مسلم وهذه المذاهب جميعها تقول ذلک ولا تنكره."

وأضاف: كلهم مسلمون ولهم مدارس فقهية ابتعد بعضها قليلا عن النصوص وأولوها، فعلينا أن نعيد الحوار بيننا وبينهم حتى يعودوا للأصل. وعلينا جميعا أن ننظر إلى المشتركات فى المذاهب الفقهية الاسلامية ونحاول أن نجمع جميع أبناء المذاهب الاسلامية على المحور الذى هو الكتاب والسنة، فإذا استطعنا أن نجمعهم نكون قد قربنا وأزلنا هذه الفوارق التى كانت فى يوم من الأيام فوارق مصطنعة من بعض القيادات الدينية التى ابتعدت عن الاصل ودخلت فى أنفاق مظلمة.

ص: ٢٢٢

وأما التقارير التى شككت فى انتماء العلويين للاسلام، والتى رد عليها مفتى سوريا، فهى تصريح لحركة الإخوان المسلمين نشرته نشرة صادرة عن جامعة جيمس تاون الأمريكية فى ١١ آب/ أغسطس ٢٠٠٥ ونشرها موقع أخبار الشرق السورى حديثا، وفيه أن "الإخوان المسلمين لن يشككوا فى صدق انتماء العلويين الإسلامى إذا سموا أنفسهم مسلمين. مع ذلک يرفض مراقب الجماعة أن يقول هو نفسه إنهم مسلمون. أتباعه ومعظم المشايخ ربما يأكلونه حياً لو قال ذلک. طبعاً ليس ثمة سبب يجعل ضرورياً اعتقاده بأن العلويين مسلمون، إذا كان الإخوان المسلمون عازمين على فصل الدين عن السياسة، وهو أمر طالما رفضه الإخوان المسلمون بجلاء."

ص: ٢٢٣

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على خير خلق الله أجمعين سيدنا محمد أبو الزهراء الصادق الأمين وعلى آله الطيبين الطاهرين

إن المسلمين الشيعة العلويين فى سورية يشكلون الطائفة الثانية بعد أخوتهم المسلمين السنة ، إذ يشكلون ٢٠٪ من السكان وغالبية أربع محافظات سورية هى (اللاذقية – طرطوس – حمص – حماة) وهناك أكثر من مليون مسلم علوى فى مدينة دمشق وريفها مع المنطقة الجنوبية السورية ، متواجدون منذ أكثر من خمسين سنة ، وقد ولد الجيل الثالث منهم هناك الآن وأصبح شابا يافعا منهم من تزوج وأنجب الجيل الرابع منهم .

إننا ومن نص المادة (٣٥) من أحكام الدستور السورى ، ومن المواثيق الدولية ، (ميثاق الأمم المتحدة) ومن شرعة حقوق الإنسان . التى وقعت عليها جميعا الحكومة السورية الحالية وسابقاتها .

من هذه الحقوق حق المعتقد وحرية العبادة ، ومع جليل احترامنا لحقوق الآخرين من إخوتنا المسلمين من مختلف الطوائف والفرق الفقهية والصوفية من سنة وشيعة ، والأخوة المسيحيين من مختلف الطوائف وسائر أتباع الدينات على وجه الأرض من توحيدية أو غيرها (يهودية ، بوذية ، هندوسية ، صابئة ، يزيدية ، زردشتية ، أو فلسفية عرفانية ..الخ)

إننا نعتبر جميع أبناء الإنسانية هم أخوة لنا وأحبة كرام نتشارك وإياهم نعمة الله على هذا الكوكب .

نحن لا نكفر أى أتباع دين أو مذهب كائن من كان ، ولا ندعو للعنف والقتل الطائفى ، بل نحن دعاة محبة إنسانية شاملة وتآخى شعوب الأرض كلها .

بل نطالب بحقوقنا وحقوقها على حد سواء ، بلا تعصب أو تشنج أو رؤية أحادية .

ص: ٢٢٤

إننا كمسلمين من أبناء الطائفة الإسلامية العلوية الكريمة أتباع مذهب أهل البيت سلام الله عليهم ، وعلى مذهب الإمام جعفر الصادق عليه السلام ، ونحن جزء لا يتجزأ من المسلمين الشيعة الاثنى عشرية .

نطالب بحقنا فى إدارة تنظم شؤون أبناء طائفتنا (المسلمون العلويين)فى سورية ، وهذا مطلب حق كفله الدستور السورى .

إن تنظيم شؤون أبناء الطائفة الإسلامية العلوية هو حق وطنى وإنسانى ، يهدف إلى رعاية شؤون المسلمين العلويين فى وقفهم ، وفى جمعياتهم الخيرية ، وفى شراء المقابر ، والقيام بالطقوس الإسلامية وفق أحكام مذهبهم الجعفرى ، من أجل قيام مؤسسة ترعى ثقافتهم وتنشر كتبهم الصحيحة ، من أجل مشاركتهم الفاعلة فى الحوار وتقريب المذاهب بين المسلمين ، من أجل حوار الأديان على مستوى الأرض .

من أجل أن لا نكون الغائب الأوحد عن النشاطات والفعاليات الوطنية ، من أجل مشاركة حقيقية مع سائر مكونات الشعب السورى الدينية والطائفية والمذهبية والعرقية ، من أجل بناء مجتمع متآخ متحاب ، بعيدا عن منطق الإلغاء ، والتكفير ، والتشهير .

من أجل أن نكون جميعا سوية فى مواجهة ما يحاك للوطن من دسائس ومؤامرات (صهيونية إسرائيلية أمريكية ، متحالفة مع عصابات وأنظمة من العملاء والخونة).

ومن أجل أن لا يختزل المسلمون العلويين فى وزارة أوقاف (عزيزة كريمة) ، ولكنها لا تمثلنا لا من قريب ولا من بعيد .

من أجل بناء المدارس ، وتعليم المتفوقين من الفقراء وبناء المساجد ، والخدمات المختلفة من مستوصفات طبية ، من أجل تحديد أموال الوقف والخمس وغيرها من الحقوق الشرعية .

نطالب بتشكيل هيئة رسمية تعمل من أجل تنظيم شؤون المسلمين العلويين فى مجلس إسلامى علوى أعلى ، مركزه العاصمة ، وله فروع فى كل المدن التى يشكل المسلمون العلويون فيها نسبة معتبرة .

إن تنفيذ أحكام الدستور السورى ، والعهود والمواثيق الدولية ، وشرعة حقوق الإنسان . هى الضما ن لزيادة اللحمة والتواصل بين سائر أحبتنا من مكونات الشعب السورى العظيم .

نعم

من حق المسلمين العلويين مرجعية إسلامية وإدارية تنظم شؤونهم ، وترعى فقراءهم وهم الأفقر بين مكونات الشعب السورى .

إن قيام مرجعية إسلامية علوية تشارك بفعالية فى الحياة الاجتماعية اليومية السورية ، وزيادة التواصل مع سائر أبناء الأديان والمذاهب فى الوطن والعالم ، هو ضرورة وطنية وإنسانية .

من أجل هذا والكثير الذى لا مكان لذكره ندعو إلى تنظيم شؤون الطائفة الإسلامية العلوية الجعفرية فى سوريا ، علما أنه منذ أكثر من خمسين سنة ، كان للمسلمين العلويين مرجعية وإن كانت متواضعة (القضاة الجعفريين العلويين) ومكانة الراحل الكبير الشيخ الجليل سليمان الأحمد رحمه الله .

المرجعية الإسلامية العلوية مطلب حق ، ونحن دعاة للوحدة الوطنية فى وطننا الحبيب سوريا .

فلا يجوز اختزال أربعة ملايين مسلم علوى فى حزب أو أيدلوجية ما ، أو غيرها من الاختزالات المتنوعة .

موقع المسلمين العلويين الجعفريين

الواقع فى

٢٠٠٦/٣/١

www.alawi١٢.tripod.com

alawi.tk@gmail.com